

## تنها برای ثبت در تاریخ

مجموعه حاضر به منظور تنویر افکار عمومی و ثبت در تاریخ تهیه شده است. حداقل انتظار از شما همراه گرامی مطالعه، تکثیر و ارسال آن به سایر دوستان می باشد.

حال که رسانه ملی در حال تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق است، هر یک از ما یک رسانه خواهیم بود.

## فهرست

- ۴.....بیانیه ها و نامه های مهندس میر حسین موسوی
- ۷.....بیانیه شماره ۵ میر حسین موسوی
- ۹.....بیانیه شماره ۶ مهندس میر حسین موسوی
- ۱۰.....بیانیه شماره هفت مهندس میر حسین موسوی
- ۱۰.....بیانیه شماره هشت مهندس میر حسین موسوی
- ۱۱.....نامه سرگشاده مهندس میر حسین موسوی به شورای امنیت کشور درباره اقدامات غیر قانونی لباس شخصی ها
- ۱۲.....نامه های میر حسین موسوی به شورای نگهبان
- ۱۶.....نامه مورخ ۱۳۸۸/۴/۶ میر حسین موسوی به شورای نگهبان
- ۱۸.....مهندس موسوی در جمع جامعه شناسان: دولت با بحران مشروعیت سیاسی روبرو می شود./ نباید اجازه دخالت به بیگانگان داده شود.
- ۱۹.....بیانیه ها و نامه های مهدی کروی
- ۱۹.....نامه مهدی کروی به سخنگوی شورای نگهبان
- ۲۰.....نامه مهدی کروی به شورای نگهبان
- ۲۱.....بیانیه شماره ۳ کروی
- ۲۲.....بیانیه شماره ۴ مهدی کروی
- ۲۳.....نامه سرگشاده مهدی کروی به ضرغامی رئیس صدا و سیما
- ۲۴.....متن شکایت مهدی کروی به شورای نگهبان
- ۲۶.....بیانیه سید محمد خاتمی
- ۲۷.....نامه مشترک میر حسین موسوی و سید محمد خاتمی خطاب به رییس قوه قضائیه
- ۲۷.....بیانیه مجمع روحانیون مبارز در باره نتایج دهمین انتخابات ریاست جمهوری
- ۲۸.....بیانیه مجمع روحانیون مبارز در خصوص وقایع پس از انتخابات
- ۲۹.....بیانیه جبهه مشارکت: اعتراضات خود را در چارچوب های مدنی ساماندهی کنید
- ۳۰.....بیانیه جبهه مشارکت در باره پروژه های نخ نمای اعتراف گیری
- ۳۲.....بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران
- ۳۲.....اقتدار گرایان می کوشند حقایق را وارونه نمایی و واقعیات را تحریف کنند
- ۳۵.....بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در خصوص حوادث پس از انتخابات
- ۳۶.....محتشمی پور: پیشنهاد کردیم کمیته حقیقت یاب تشکیل شود (۱۳۸۸/۳/۲۷)
- ۳۹.....محتشمی پور: جریان طالبانی و خشونت گرا می خواهد صدای مردم را خفه کند
- ۴۳.....بیانیه شماره ۱۴ کمیته صیانت از آراء استاد آقای میر حسین موسوی
- ۴۶.....نامه مشترک محتشمی پور و موسوی لاری به جنتی
- ۴۶.....بیانیه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات پیرامون حوادث بعد از انتخابات
- ۴۷.....پیام آیت الله العظمی منتظری پیرامون نتایج انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن
- ۴۸.....پیام آیت الله منتظری در اعتراض به عملکرد نامناسب مسئولان و سرکوب مردم

- متن جوابیه آیت الله العظمی صانعی در پاسخ به مهندس میر حسین موسوی ..... ۴۹
- ایراز همدردی آیت الله العظمی صانعی با خانواده قربانیان فجایع اخیر ..... ۵۰
- پاسخ آیت الله بیات به نامه میر حسین موسوی ..... ۵۰
- آیت الله موسوی اردبیلی: نباید با استفاده از قوه قهریه اعتراضات مردم را ساکت کنیم ..... ۵۱
- در سوگ مشروعیت بر باد رفته، دکتر محسن کدیور ..... ۵۲
- نامه آقایان صدر حاج سید جوادی، عزت الله سبحانی و ابراهیم یزدی به ملت ایران ..... ۵۶
- بیانیه عبدالله نوری در مورد انتخابات و سرکوب پس از آن ..... ۵۷
- نامه هادی قابل به آقای خامنه ای ..... ۶۰
- نامه فرزند شادروان مهندس مهدی بازرگان به آقای خامنه ای ..... ۶۷
- نامه‌ی دکتر عبدالکریم سروش در باره‌ی نتیجه‌ی انتخابات ..... ۷۰
- کدام قانون؟! - اکبر علمی ..... ۷۱
- برای حفظ قدرت تا کجا پیش خواهند رفت؟ اکبر گنجی ..... ۷۲
- نامه سرگشاده به آیت الله خامنه ای، بابک داد ..... ۷۳
- نامه ابراهیم نبوی به آقای خامنه ای ..... ۷۶
- نزن برادر، ابراهیم نبوی ..... ۷۹
- چگونه با کودتا و کودتاچیان مقابله کنیم، محسن سازگارا ..... ۸۱
- ریشه یابی نقش پشت پرده مصباح یزدی در حوادث اخیر و حذف هاشمی رفسنجانی و سایر فقها ..... ۸۲
- عباس عبدی: شورای نگهبان باید خودش را رد صلاحیت کند ..... ۸۵
- سئوال هایی از آقایان مراجع، نوشابه امیری ..... ۸۶
- نامه سرگشاده جمعی از خانواده های فعالان سیاسی دریند خطاب به مراجع تقلید ..... ۸۷
- نامه سرگشاده انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها به مراجع معظم تقلید و علمای اعلام ..... ۸۸
- ترور به قصد ترور، سعید حجاریان، ۱۳۸۴/۱۲/۲ ..... ۸۹
- استعفانامه سرگشاده مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۷ آیت الله طاهری، خطاب به ملت ایران ..... ۹۱
- مستندات علمی دستکاری در آراء انتخابات دهمین دوره انتخابات ..... ۹۳
- دانشمند فرانسوی: قانون بنفورد تقلب در انتخابات را ثابت می‌کند ..... ۹۷
- چگونگی تقلب و دلیل آن ..... ۹۸

## بیانیه ها و نامه های مهندس میر حسین موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم  
انا لله و انا اليه راجعون

محضر مبارک مراجع عظام و علمای اعلام  
با اهدای سلام، اینجانب اطمینان دارم که روند حوادث انتخابات ریاست جمهوری دهم را با دقت پیگیری کرده‌اید. اگر چه توسل به دروغ و استفاده‌ی بی حساب از امکانات عمومی و دولتی برای تبلیغات یکسویه به سود نامزد حاکم به خوبی نشان دهنده عزم این گروه خاص برای پیروزی به هر قیمت و از هر راه ممکن بود، اما تصور تقلب در آرای مردم تا این اندازه و برابر انظار شگفت‌زده جهانیان از حکومتی که تعهد به عدالت شرعی از ارکان اساسی آن شمرده می‌شود، برای کسی ممکن نبود.  
امروز که با حیرت تمام شاهد چنین تصورات جسورانه در امانت مردم هستیم و تمامی راه‌ها برای احقاق حق بسته شده، مواجه شدن مردم مظلوم با سکوت علما و مراجع که ملجا راسخ این ملت شمرده می‌شوند، خسارتی بیش از یک تغییر در آرا را به دنبال خواهد داشت.

عواملی به بهانه‌های واهی با چوب و چماق و باطوم و شوک الکتریکی به جان اعضای ستادهای اینجانب و مراجعه کنندگان سرگردان و مبهوت از این وضعیت افتاده‌اند، در حالی که امیدی به کارایی قوه قضاییه محترم نمی‌رود زیرا جایی که دادستان کل کشور نتواند از سخن قانونی خود در پیشگیری از سخنرانی اضافی نامزد حاکم در سیما جلوگیری نماید، با چه ابزاری می‌تواند از این خشونت سیاه‌بازداری کند؟ به حسب وظیفه صیانت از آرای مردمی که اینک دچار چنین زیان عظیمی شده‌اند عرض حالی تقدیم و یادآور می‌شوم که شاید تذکر به جای شما به مسوولان مفید واقع شود.

ایاک و الظلم لمن لیس له الا الدعا  
برادر شما - میرحسین موسوی

بسمه تعالی  
ملت شریف ایران

همانگونه که می‌دانید طی روزهای گذشته و در نتیجه برخوردهای غیرقانونی و خشونت بار با منتقدان و معترضان نسبت به نتایج انتخابات ریاست جمهوری شماری از هموطنانمان مصدوم و تعدادی نیز به شهادت رسیده‌اند. اینجانب ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های شهدا و همدردی با مصدومان و مجروحان از همگان درخواست می‌کنم بعد از ظهر روز پنج‌شنبه بیست و هشتم خردادماه به هر صورت ممکن، اعم از اجتماع در مساجد و تکایا با استفاده از نمادهای سوگواری همدردی خود را با بازماندگان اعلام کنند و بدیهی است که خود نیز در این مراسم شرکت خواهیم کرد.  
میرحسین موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

تخلفاتی که در دهمین انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفته است بسیار جدی است و رنجش عمیق شما کاملاً به حق است. در عین حال قاطعانه از شما می‌خواهم هیچ فرد یا گروهی خود را در معرض صدمه قرار نداده، آرامش و متانت خویش را از دست ندهد و همگان در هر حال حساب خود را از هر گونه رفتار خشونت آمیز جدا نمایند.  
همچنین از نیروی انتظامی انتظار دارم با درایت مردم را از خود دانسته احساسات آنها را در این شرایط درک کند.  
ما شکایت جدی خود را از جریان انتخابات و روندهای ناسالمی که در طی آن دیده شد با تمام توان پیگیری خواهیم کرد و نتایج آن را به اطلاع عموم خواهیم رساند.  
میرحسین موسوی

## بسم الله الرحمن الرحيم ملت شریف ایران

نتایجی که برای دهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت آور است. مردمی که در صف‌های طولانی اخذ رای شاهد ترکیب آرا بودند و خود می‌دانند که به چه کسی رای داده‌اند با حیرت تمام به شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می‌کنند. آنان اینک بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند چگونه و توسط چه کسانی و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. اینجانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می‌دهم که تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهم شد. نتیجه آنچه که از عملکرد متصدیان بی‌امانت دیده‌ایم و می‌بینیم جز تزلزل ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت دروغ و استبداد نیست. اینجانب طبق وظیفه شرعی و ملی خویش به افشای رازهای پشت سر این روند پرمخاطره خواهم پرداخت و آثار نابودکننده آن را بر سرنوشت کشور توضیح خواهم داد و ترس آن دارم که ادامه وضع موجود همه نیروهای موثر در نظام را به توجیه‌گرانی دروغگو در مقابل مردم تبدیل کند و دنیا و آخرت آنان را در معرض لطمه‌های جبران‌ناپذیر قرار دهد.

به مسئولان توصیه می‌کنم پیش از آن که دیر شود این روند را فوراً متوقف کنند و همگی به خط قانون و امانتداری از آرای ملت بازگردند و بدانند که خروج از عدالت مشروعیت نیست. آنان بیش از هر کس دیگر از این حقیقت باخبرند که در این کشور انقلابی بزرگ و اسلامی صورت گرفته است. کمترین پیام انقلاب ما این است که مردم آگاهند و در برابر کسانی که با تقلب روی کار بیابند تمکین نخواهند کرد.

اینجانب از همین فرصت استفاده می‌کنم و ضمن تشکر از عواطف ملت بزرگوار ایران به آنان تذکر می‌دهم که ایران این موجود آسمانی متعلق به آنان است و نه متقلبان. این آنان هستند که باید با هوشیاری خود از آن حفاظت کنند. خائنین به آرای مردم ابائی از آن ندارند که این خانه پارسایان به آتش کشیده شود. ما موج عقلانیت سبز خود را که برگرفته از تعالیم دینی و علایق ملت ما به اهل بیت پیامبر (ص) است با تمامی شور ادامه می‌دهیم و با شورش دروغ که در کشور طغیان کرده و چهره آن را آلوده است مبارزه می‌کنیم، اما اجازه نخواهیم داد که حرکات ما شکل کور به خود بگیرد.

جا دارد از یکایک شهروندانی که برای رساندن این پیام سبز هر کدام ستادی بودند و تمامی ستادهای مردمی و رسمی که در انتخابات فعالیت می‌کردند سپاسگزاری کنم و تاکید نمایم که تا رسیدن به نتیجه‌ای که کشور ما لایق آن است همچنان به حضور و تلاش آنان نیاز است.

و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا و لنصبرن علی ما آذینمونا و علی الله فلیتوکل المتوکلون .  
میرحسین موسوی

## بسم الله الرحمن الرحيم

### هموطنان عزیز

از سراسر کشور اخبار بسیاری در مورد وقوع اعتراض نسبت به نتایج اعلام شده برای انتخابات اخیر به اینجانب می‌رسد. اطمینان دارم که این واکنش‌ها نه به خاطر شخص من، بلکه از سر نگرانی نسبت به روش جدیدی از زندگی سیاسی است که دارد بر کشور ما تحمیل می‌شود. اقداماتی که در طی این چند روز شاهد آن بوده‌ایم تا کنون در جمهوری اسلامی سابقه نداشته است. اگر مردم با اضطراب تحولات فعلی را دنبال می‌کنند به خاطر نگرانی شدیدی است که نسبت به در خطر قرار گرفتن دستاوردهای عظیم انقلاب خود دارند.

کسانی که با تخلفات بسیار نتایج غیرقابل باوری را برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند اینک در صدد تثبیت آن نتایج و شروع دوره‌ای جدید از تاریخ کشور ما هستند. اینجانب در طول انتخابات به کرات از خطرات قانون‌گریزی سخن گفتم و تاکید کردم که چنین شیوه‌ای ممکن است به استبداد و دیکتاتوری بیانجامد، و امروز ملت ما در نقطه‌ای قرار گرفته است که این دورنما را لمس می‌کند.

ما به عنوان کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن پایبندیم، اصل ولایت فقیه را یکی از ارکان این نظام می‌دانیم و حرکت سیاسی را در چارچوب‌های قانونی دنبال می‌کنیم، امیدواریم روند آتی حوادث نادرست بودن این برداشت را نشان دهد. در عین حال هشدار می‌دهیم که در این کشور هیچ یک از کسانی که به انقلاب اسلامی علاقه دارند چنین روندی را نخواهند پذیرفت. این چیزی است که خون صدها هزار شهید ما را به مسئولیت‌پذیری در قبال آن فرا می‌خواند.

مردم عزیز

اینجانب امروز طی نامه ای تقاضای خود را مبنی بر ابطال نتایج انتخابات اخیر به شورای نگهبان ارائه کردم و این کار را تنها راه حل برای بازگشت اعتماد عمومی و حمایت مردم از دولت می دانم. توصیه موکد و مجدد این خدمتگزار شما آن است که به صورت مسالمت آمیز و با رعایت اصل عدم برخورد؛ مخالفت های مدنی و قانونی خود را در سراسر کشور ادامه دهید.

ما از مسئولان درخواست کرده ایم که مجوز برگزاری یک راهپیمایی بزرگ در تمامی شهرهای کشور به ما داده شود تا در طی آن مردم فرصتی برای نمایش مخالفت خود با شیوه برگزاری انتخابات و نتایج آن پیدا کنند. موافقت مسئولان با این امر می تواند بهترین راه حل برای مهار هیجانات فعلی باشد.

از رنگ سبز که نماد معنویت و آزادی و عقلانیت دینی و مداراست و شعار الله اکبر که حاکی از ریشه های انقلابی ماست دست برد نداریم. این رنگ و شعاری است که همچنان وحدت بخش صفوف ملت ما و بهترین وسیله ارتباط دل ها و خواسته های ما با هم خواهد بود. متأسفانه تلاش گسترده ای برای قطع تمامی امکاناتی ارتباطی ما با هم صورت می گیرد و به این نکته توجه نمی شود که قطع این مجاری تنها منجر به آن خواهد شد که واکنش های موجود از شکلی هدفمند و مهار شده تغییر ماهیت پیدا کند و خدای ناکرده به حرکات کور تبدیل شود. اطمینان دارم که خلاقیت شما راه حل های ارتباطی جدید و موثری را پایه ریزی خواهد کرد تا بتوانیم از اقدامات خود نتایج مفید به حال کشور و نظام و انقلاب بگیریم.

به عنوان یک علاقمند، به نیروی انتظامی توصیه می کنم از برخورد خشن با حرکت های خودجوش مردم خودداری کند و اجازه ندهد که اعتماد مردم نسبت به این نهاد ارزشمند خدشه دار شود. این مردم برای احقاق حقوق خود و حقوق شما در صحنه حاضر شده اند و برادران و خواهران شما هستند. قدرت نیروهای نظامی و انتظامی کشور ما همواره در وحدت آنها با مردم بوده است، و در آینده نیز چنین خواهد بود.

به امید روزها بهتر

میر حسین موسوی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سميعا عليما

مردم شریف ایران

تجمع عظیم و بی سابقه شما در روز ۲۵ خرداد که در دفاع از حق و صیانت از رأی تان و دفاع از جمهوریت و اسلامیت نظام انجام گرفت، اصحاب دروغ را آن چنان به خشم آورد که تحمل نیاوردند و کوشیدند شیرینی این همایش پرشکوه را با برخورد سبانه به کام دوستداران ایران تلخ کنند. اینجانب ضمن محکوم نمودن اقدامات وحشیانه و کشتار مردمی که صرفاً خواستار احقاق حق خود هستند، لازم می دانم نکاتی را درباره این رخداد و تحولات مربوط به آن به آگاهی ملت برسانم:

۱. همانگونه که مردم فهیم تهران در تجمع روز دوشنبه به روشنی نشان دادند ما در پی اعتراض آرام به روند ناسالم برگزاری انتخابات و تحقق هدف ابطال انتخابات و تجدید آن بر اساس راهکارهایی هستیم که عدم تکرار تقلب های فضاحت بار انتخاب پیشین را تضمین کند. لذا حساب ما از کسانی که با آشوب و تخریب اموال خصوصی و عمومی فضای جامعه را متشنج کنند و آن را به سوی هرج و مرج ببرند جداست. بلکه اطلاعاتی که به دست ما رسیده است نشان می دهد این اصحاب تقلب و دروغ هستند که برای تکمیل طرح خود به بانک ها و ادارات و اموال مردم حمله می کنند و آنها را تخریب می نمایند. بنابراین عموم مردم را به هوشیاری در برابر این نقشه فریبکارانه و تداوم اعتراض با حفظ آرامش دعوت می کنم. مردم می دانند چه کسانی خوابگاه دانشجویان را ویران کردند و دانشجویان پسر و دختر را کتک زدند یا در شمال میدان آزادی مردم را به شهادت رساندند. راهی که ملت برای رسیدن به پیروزی و احقاق حقوق نقض شده اش انتخاب کرده است، استفاده از روش های صلح آمیز و دوری از خشونت است.

۲- دولت با همکاری سازمان صداوسیما کوشش می کند این موج سبز مردمی را وابسته به بیگانگان جلوه دهد. غافل از آن که اقبال به رسانه های خارجی نه ناشی از توفیق این رسانه ها در جلب مخاطب و یا وابستگی این جریان مردمی به خارج بلکه حاصل بی تدبیری و فضای بسته رسانه ای موجود است. دولتی که رسیدن صدای مخالفانش را از طریق چند روزنامه و پایگاه خبری طاقت نمی

آورد لاجرم به دست خود، نگاه جامعه را به رسانه های بیرون از مرزها معطوف می کند؛ موج سبز اعتراض های ما تنها منعکس کننده یک خواست مستقل و به حق داخلی است که به مداخله دیگران، خوش آمد نمی گوید.

۳- دستگیری های گسترده ای که طی روزهای گذشته از فرزندان انقلاب انجام گرفته است، نشان دهنده این واقعیت است که عاملان تقلب و سپس بلوا کمترین شناختی نسبت به حقیقت اعتراضات مردم ندارند و با توهم اینکه سازماندهی تشکیلاتی عظیمی در ورای حرکت های مردم قرار دارد، خود را تسلی می دهند تا باور نکنند که طبیعت خودجوش و واکنش های مردم خیر از ادامه دار بودن آن تا رسیدن به نتیجه می دهد. اینجانب دستگیری های وسیع اخیر را محکوم می کنم و هشدار می دهم که گسترش این رویه ها تنها بر زشتی چهره مخالفان ملت و انگیزه مردم را برای توسعه اعتراضات می افزاید.

۴- اینجانب با ابراز همدردی عمیق با خانواده های شهیدان و مصدومان از ابتکار دلسوزانی که صمیمانه با خانواده های این عزیزان همدردی و همراهی کرده اند سپاسگزاری می کنم و این سنت حسنه را برآمده از عواطف پاک دینی و انسانی آنان می دانم.

میرحسین موسوی

## بیانیه شماره ۵ میرحسین موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم  
ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الي اهلها و اذا حکمتم بين الناس ان تحکموا بالعدل  
مردم شریف و هوشمند ایران

این روزها و شبها نقطه عطفی در تاریخ ملت ما در حال شکل گرفتن است. مردم از یکدیگر و در میان جمعشان از اینجانب سوال می کنند که چه باید کرد و به چه سو باید رفت. بر عهده خویشتن می بینم که آنچه را باور دارم با شما در میان بگذارم، با شما بگویم و از شما بیاموزم، باشد که رسالت تاریخی مان را از یاد نبریم و شانه از بار مسئولیتی که سرنوشت نسلها و عصرها بر دوش ما گذاشته است خالی نکنیم.

سی سال پیش از این در کشور ما انقلابی به نام اسلام به پیروزی رسید؛ انقلابی برای آزادی، انقلابی برای احیای کرامت انسانها، انقلابی برای راستی و درستی. در این مدت و به خصوص در زمان حیات امام روشن ضمیر ما سرمایه های عظیمی از جان و مال و آبرو در پای تحکیم این بنای مبارک گذارده شد و دست آوردهای ارزشمندی حاصل آمد. نورانیتی که تا پیش از آن تجربه نکرده بودیم جامعه ما را فراگرفت و مردم ما به حیاتی نو رسیدند که بهرغم سخت ترین شرایط برایشان شیرین بود. آنچه مردم به دست آورده بودند کرامت و آزادی و طلایه هایی از حیات طیبه بود. اطمینان دارم کسانی که آن روزها را دیده اند به چیزی کمتر از آن راضی نمی شوند.

آیا ما مردم شایستگی هایی را از دست داده بودیم که دیگر آن فضای روح انگیز را تجربه نمی کردیم؟ من آمده بودم بگویم چنین نیست؛ هنوز دیر نیست و هنوز راهمان تا آن فضای نورانی دور نیست. آمده بودم تا نشان دهم می توان معنوی زندگی کرد و در عین حال در امروز زیست. آمده بودم تا هشدارهای امامان را درباره تاجر بازگو کنم. آمده بودم تا بگویم گریز از قانون به استبداد می انجامد؛ تا به یاد آورم که اعتنا به کرامت انسانها پایه های نظام را تضعیف نمی کند، بلکه استحکام می بخشد. آمده بودم تا بگویم مردم از خدمتگزاران نشان راستی و درستی می خواهند و بسیاری از گرفتاری های ما از دروغ برخاسته است. آمده بودم تا بگویم عقب ماندگی، فقر، فساد و بی عدالتی سرنوشت ما نیست. آمده بودم تا بار دیگر به انقلاب اسلامی آن گونه که بود و جمهوری اسلامی آن گونه که باید باشد، دعوت کنم.

من در این دعوت بلیغ نبودم، ولی پیام اصیل انقلاب حتی از بیان نارسای من آنچنان دلنشین بود که نسل جوان را، نسلی که آن روزگاران را ندیده بود و میان خود و این میراث بزرگ احساس فاصله می کرد، به هیجان آورد و صحنه هایی را که تنها در ایام نهضت و دفاع مقدس دیده بودیم بازسازی کرد. حرکت خودجوش مردم رنگ سبز را به عنوان نماد خویش برگزید. اینجانب اعتراف می کنم که در این امر پیرو آنان بودم. و نسلی که به دوری از مبانی دینی متهم می شد در شعارهای خود به تکبیر رسید و به «نصر من

الله و فتح قریب» و «یاحسین» و نام خمینی تکیه کرد تا ثابت کند این شجره طیبه هرگاه که به بار می‌نشیند میوه‌هایش شبیه به هم است. این شعارها را کسی جز آموزگار فطرت به آنان نیاموخته بود. چقدر بی‌انصافند کسانی که منافع کوچکشان آنها را و می‌دارد تا این معجزه انقلاب اسلامی را ساخته و پرداخته بیگانگان و «انقلاب مخملین» بنامند.

اما آن چنان که می‌دانید همگی ما در راه این تجدید حیات ملی و تحقق آرمان‌هایی که در دل و جان پیر و جوان ما ریشه دارند با دروغ و تقلب روبرو شدیم و آن چیزی که از عواقب قانون‌گریزی پیش‌بینی کرده بودیم به صریح‌ترین شکل ممکن و در نزدیک‌ترین زمان تحقق یافت.

استقبال عظیم از انتخابات اخیر در درجه نخست مرهون تلاش‌هایی بود که برای ایجاد امید و اعتماد در مردم صورت گرفت تا برای بحران‌های مدیریتی موجود و نارضایتی‌های گسترده اجتماعی، که انباشت‌شان می‌تواند کیان انقلاب و نظام را نشانه برود، پاسخی شایسته فراهم شود. اگر این حسن‌ظن و اعتماد مردم از طریق صیانت از آرای آنها پاسخ داده نشود و یا آنها نتوانند برای دفاع از حقوقشان به نحوی مدنی و آرام و اکثراً نشان دهند مسیرهای خطرناکی در پیش خواهد بود که مسئولیت قرار گرفتن در آنها بر عهده کسانی است که رفتارهای مسالمت‌آمیز را تحمل نمی‌کنند.

اگر حجم عظیم تقلب و جابه‌جایی آراء، که آتش به خرمن اعتماد مردم زده است، خود دلیل و شاهد فقدان تقلب معرفی شود، جمهوری نظام به مسلخ کشیده خواهد شد و عملاً ایده ناسازگاری اسلام و جمهوریت به اثبات می‌رسد. این سرنوشت دو گروه را خوشحال خواهد کرد؛ یک دسته آنان که از ابتدای انقلاب در مقابل امام صف‌آرایی کردند و حکومت اسلامی را همان استبداد صالحان دانستند و به گمان باطل خود می‌خواهند مردم را به زور به بهشت ببرند و دسته دیگر که با ادعای دفاع از حقوق مردم اساساً دیانت و اسلام را مانع تحقق جمهوریت می‌دانند. هنر شگرف امام باطل کردن سحر این دوگانه‌انگاری‌ها بود. من آمده بودم تا با تکیه بر راه امام تلاش ساحرانی را که دوباره جان گرفته‌اند خنثی کنم.

اکنون مقامات کشور با صحنه گذاشتن بر آنچه در انتخابات گذشت مسئولیت آن را پذیرفته‌اند و برای نتایج هرگونه تحقیق و رسیدگی بعدی حد تعیین کرده‌اند، به صورتی که این رسیدگی‌ها موجب ابطال انتخابات نشود و نتایج آن را تغییر ندهد، حتی اگر در بیش از ۱۷۰ حوزه انتخاباتی تعداد آرای به صندوق ریخته شده بیشتر از تعداد واجدین شرایط باشد.

از ما خواسته می‌شود که در این شرایط شکایت خود را از طریق شورای نگهبان پیگیری کنیم، حال آن که این شورا در عملکرد خود چه قبل، چه حین و چه بعد از انتخابات عدم بی‌طرفی خود را به اثبات رسانده است و نخستین اصل در هر داور رعایت بی‌طرفی است.

اینجانب همچنان قویاً اعتقاد دارم درخواست ابطال انتخابات و تجدید آن حقی مسلم است که باید به صورتی بی‌طرفانه از طریق یک هیئت مورد اعتماد ملی مورد بررسی قرار گیرد، نه آن که پیشاپیش امکان ثمربخش بودن آن منتفی اعلام شود، یا با طرح احتمال خونریزی، مردم از هرگونه راهپیمایی و تظاهرات بازداشته شوند، یا شورای امنیت کشور به جای پاسخگویی به سوالات مشروع در خصوص نقش لباس‌شخصی‌ها در حمله به افراد و اموال عمومی و ایجاد التهاب در حرکت‌های مردمی به فرافکنی بپردازد و مسئولیت فجایع به وجود آمده را بر عهده دیگران بگذارد.

اینجانب چون به صحنه می‌نگرم آن را پرداخته شده برای اهدافی فراتر از تحمیل یک دولت ناخواسته به ملت، که تحمیل نوع جدیدی از زندگی سیاسی بر کشور می‌بینم. من به عنوان یک همراه که زیبایی‌های موج سبز حضور شما را دیده است هرگز به خود اجازه نخواهم داد بر اثر عمل من جان کسی در معرض خطر قرار گیرد. در عین حال بر اعتقاد راسخ خویش مبنی بر باطل بودن انتخاباتی که گذشت و استیفای حقوق مردم پای می‌فشارم و علیرغم توانایی‌های اندکی که در اختیار دارم برای باورم که انگیزه و خلاقیت شما مردم همچنان می‌تواند حقوق مشروع تان را در چهره‌های مدنی جدید مورد پیگیری قرار دهد و محقق کند.

مطمئن باشید که اینجانب همواره در کنار شما خواهم ماند. آنچه این برادر شما در دریافتن این راحل‌های جدید، خصوصاً به جوانان عزیز توصیه می‌کند این است که نگذارید دروغ‌گویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما بریابند و نا اهلان و نامحرمان، میراث گرانقدر انقلاب اسلامی را که اندوخته از خون پدران راستگویان است از شما مصادره کنند. با توکل به خداوند و امید به آینده و تکیه بر توانمندی‌هایتان حرکات اجتماعی خود را پس از این نیز بر اساس آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و اصل امتناع از خشونت پیگیری کنید. ما در این راه با بسیجی روبرو نیستیم؛ بسیجی برادر ماست. ما در این راه با سپاهی روبرو نیستیم؛



سپاهي حافظ انقلاب و نظام ماست. ما با ارتش روبرو نيستيم؛ ارتش حافظ مرزهاي ماست. ما با نظام مقدس خود و ساختارهاي قانوني آن روبرو نيستيم. اين ساختار حافظ استقلال، آزادي و جمهوري اسلامي ماست. ما با كجروي ها و دروغ گويي ها روبرو هستيم و در پي اصلاح آنيم؛ ا صلاحي با برگشت به اصول ناب انقلاب اسلامي .

ما به دست اندرکاران توصيه مي كنيم براي برقراري آرامش در خيابان ها مطابق اصل ۲۷ قانون اساسي امکان تجمع هاي مسالمت آميز را نه تنها فراهم كنند، بلكه چنين گردهم آيي هايي را تشويق كنند و صدا و سيما را از قيد بدگويي ها و يك طرفه عمل كردن ها رها سازند. بگذارند صداها قبل از آن كه به فرياد تبديل شود به صورت استدلال و مجادله احسن در اين رسانه جاري، تصحيح و تعديل گردد. بگذارند جرايد نقد كنند، خبرها را آنچنان كه هست بنويسند و در يك كلام فضايي آزاد براي مردم جهت ابراز موافقت ها و مخالفت هاي خود آماده سازند. بگذاريم آنهايي كه علاقه دارند تكبير بگويند و آن را مخالفت با خود تلقي نكنيم. كاملاً مشخص است كه در اين صورت احتياجي به حضور نيروهاي نظامي و انتظامي در خيابان ها نخواهد بود و با صحنه هايي كه ديده آنها و شنيدن خبر آنها دل هر علاقمند به انقلاب و کشور را به درد مي آورد، روبرو نخواهيم بود .

برادر و همراه شما - ميرحسين موسوی

## بيانيه شماره ۶ مهندس ميرحسين موسوي

بسم الله الرحمن الرحيم  
انا لله و انا اليه راجعون

خبر دلخراش شهادت گروهی دیگر از معترضان به وقوع تقلب گسترده در انتخابات اخير، جامعه ما را در بهت و سوگ فروبرده است. تير اندازي به مردم، پادگاني شدن فضاي شهر، ا ر عاب، تحريك و قدرت نمائي همگي فرزندان نامشروع قانون گريزي شديدي است كه در معرض آن قرار داريم و عجباً كه بانيان چنين شرايطي ديگران را به اين خطا متهم مي كنند. به كساني كه مردم را به خاطر اظهار نظر قانون شکن ناميده اند خبر مي دهيم كه بي قانوني بزرگ عدم اعتنا و نقض صريح اصل ۲۷ قانون اساسي از سوي دولت در عدم صدور مجوز براي اجتماعات مسالمت آميز است. آيا مردي انقلابي كه با مشابه همين اجتماعات ما و شما را از فراموشخانه هاي تاريخ ستم شاهي بيرون آوردند مورد ضرب و جرح قرار گيرند و تهديد به زور آزمائي شوند؟ اينجانب به عنوان يك هم سوگ همچنان مردم عزيز را به خويشتنداري دعوت مي كنم. کشور متعلق به شماست. انقلاب و نظام ميراث شماست. اعتراض به دروغ و تقلب حق شماست. به احقاق حقوق خود اميدوار باشيد و اجازه ندهيد كساني كه براي نااميدي و ا ر عاب شما مي كوشند خشمتان را برانگيزند. در اعتراضات خود همچنان به پرهيز از خشونت پاييند بمانيد و چون پدران و مادراني دل شكسته با رفتارهاي نامتعارف فرزندانان در قواي امنيتي برخورد كنيد. در عين حال از نيروهاي نظامي و انتظامي انتظار دارم نگذارند خاطرات اين ايام لطمه هاي جبران ناپذير به روابط آنها و مردم بزند. اين كه نام و نشان شهيدان، مجروحان و بازداشت شدگان به خانواده آنها اطلاع داده نشود و آنان در سرگرداني قرار گيرند هيچ سودي در برقراري آرامش ندارد و تنها احساسات را جريحه دار مي كند. همچنين است دستگيري هاي فله اي كه تنها موجب هتك پرهيزها و برداشته شدن رعايت ها ميان فرزندان نظامي و انتظامي ملت و بدنه جامعه مي شود .

از خداوند متعال براي اين شهيدان عزيز رحمت و علو درجات مسئلت مي كنم و براي خانواده هاي داغديده شان صبر و اجر آرزو دارم .

ميرحسين موسوي  
31 خرداد ۱۳۸۸

## بیانیه شماره هفت مهندس میرحسین موسوی

بسمه تعالی

هموطنان عزیز

در پی مانع تراشی‌ها و تهدیدهای مکرر که در عمل، انتشار روزنامه کلمه سبز را پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری متوقف کرده بود، به این حد نیز اکتفا نشد و شبانگاه دوشنبه ۸۸/۴/۱ دفتر روزنامه مورد هجوم مأموران امنیتی قرار گرفت و کارکنان شریف آن، دستگیر و روانه بازداشتگاه شدند.

در حالی که مقامات کشور و رسانه‌های دولتی مرتباً بر قانون و اجرای آن تأکید می‌کنند و معترضان به تقلب وسیع صورت گرفته در انتخابات، به قانون شکنی متهم می‌شوند، چنین برخوردی با روزنامه‌ای که با اخذ مجوز قانونی شروع به انتشار نموده و مسوولان، دبیران، خبرنگاران و کادر فنی و اداری آن، غیرقابل درک است، مگر با قبول آنکه برای عده‌ای حاکمیت قانون تا جایی پذیرفته است که برای محدود کردن اعتراض مخالفان باشد و نه چیزی دیگر.

این قانون شکنی در حالی صورت می‌گیرد که دیگر رسانه‌هایی که از طریق آنان ارتباط اینجانب با جامعه برقرار می‌شد و نیز مطبوعات و رسانه‌های غیردولتی مورد محدودیت جدی قرار گرفته‌اند و تنها مجرای باز برای اطلاع رسانی به مردم جریان خبرسازی یک سوپه رسانه ملی و رسانه‌های دولتی است و متأسفانه جامعه را به سمت دریافت اطلاعات از طریق رسانه‌های خارجی سوق می‌دهد.

این برخوردهای غیرقانونی، مبتنی بر تحلیل نادرست دولت از شرایط اجتماعی حاکم است که راه را برای نفوذ بیگانگان در تحولات کشور باز می‌کند و حرکت در مسیر اصلاح امور جامعه را در چارچوب مبانی نظام جمهوری اسلامی دشوار می‌سازد.

ضمن اعتراض شدید به تداوم این رویه‌های غیرقانونی، بر حق ملت ایران در استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی برای ابراز مخالفت با آنچه در انتخابات اخیر و پس از آن روی داده تأکید می‌نمایم و آن را جزء لاینفک حقوق آنها بر اساس این سند میثاق ملی می‌دانم و بر پیگیری آن اصرار می‌ورزم.

برادر و خدمتگزار شما- میرحسین موسوی

چهارم خرداد ۱۳۸۸

---

## بیانیه شماره هشت مهندس میرحسین موسوی

بسمه تعالی

مردم هوشیار و شریف ایران

طی روزهای اخیر، صدا و سیما، خبرگزاری‌های دولتی، برخی روزنامه‌های دولتی و سایت‌های اینترنتی وابسته به دولت و روزنامه کیهان، بخش عمده‌ای از فضای خود را به وارونه جلوه دادن آنچه قبل، حین و پس از برگزاری دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران رخ داد، اختصاص داده‌اند. آنها با استفاده از امکاناتی که متعلق به شماسنت، نه تنها به پنهان ساختن تخلفات و حوادث دلخراشی که در ایام اخیر اتفاق افتاد، می‌پردازند بلکه مسوولان مستقیم و غیرمستقیم آن را کسی معرفی می‌کنند که تنها شما را در مسیر احقاق حقی که داشته‌اید، همراهی کرده است.

واقعیتی که آنان بیهوده تلاش می کنند نادیده انگارند آن است که در این انتخابات تقلبی بزرگ اتفاق افتاده و پس از آن، معترضان به این وضعیت به گونه ای غیرانسانی مورد هجوم قرار گرفته و کشته، زخمی و یا بازداشت شده اند. اگر با مسببین جنایت کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به گونه ای مناسب و قانونی برخورد می شد، امروز شاهد تکرار آن فجایع در ابعادی وسیع تر و وارونه جلوه دادن واقعیت ها به گونه ای جسورانه تر نبودیم.

همان ها هستند که هنوز با اتکاء به امکاناتی که متعلق به عموم مردم است در راستای منافع گروهی خود بی پروا به دروغ گویی و پرونده سازی برای دیگران ادامه می دهند و افعالی را که خود عامل آن هستند را به بنده نسبت می دهند. آنان غافلند که موسوی با این ترندهایی که ماهیت آن برای همه مردم روشن شده است، از صحنه بیرون نمی رود. آنچه در این روزها رخ داد اصل نظام جمهوری اسلامی را که میراث امام بزرگوار و شهدای گرانقدرمان است هدف قرار داده و این چیزی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذاشت و با طرح اتهاماتی اینگونه و تهدید به محاکمه از آن صرف نظر نمود.

من نه تنها از پاسخگویی در برابر این اتهامات و اهمه ای ندارم بلکه آمادگی دارم تا نشان دهم چگونه مجرمان انتخاباتی در کنار مسببان اصلی اغتشاشات اخیر قرار گرفتند و خون مردم را بر زمین ریختند و اکنون کوشش می کنند، صحنه هایی را که صدها شاهد و ده ها تصویر آن را گواهی می دهند به گونه ای دیگر جلوه دهند؛ آماده ام تا نشان دهم چگونه کسانی که عملشان در راستای ایجاد هرج و مرج در کشور، تضعیف نظام و منافع بیگانگان است، تلاش نمودند به بهانه تخریبگری های عناصری نامعلوم، جنبش سبز شما را اغتشاشگری و وابسته به بیگانه معرفی کنند؛ ولی حاضر نیستم به خاطر مصالح شخصی و هراس از اینگونه تهدیدها از ایستادگی در سایه شجره سبز استیفای حقوق ملت ایران که امروز به خون به ناحق ریخته شده جوانان این کشور آبیاری شده است، لحظه ای صرف نظر نمایم. از مجموع آرای ریخته شده در صندوق ها تنها یک رأی متعلق به من است و شما به خوبی می دانید که مشکل آنها با میلیون ها رأیی است که جوابی برای سرنوشت آنها ندارند.

باز هم از عموم ملت شریف ایران متواضعانه درخواست می کنم با حفظ آرامش و پرهیز از ایجاد تنش، در دام بدخواهان که کوشش می کنند این حرکت گسترده اجتماعی را شورش و اغتشاش و وابسته به بیگانه قلمداد کنند، نیفتند و با زیرکی و هوشیاری که ویژگی ممتاز شماسست این توطئه ها را مهار نمایند. تداوم اعتراض در چارچوب قانون و با رعایت اصول و مبانی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی، راهبرد اصلی است که ضامن تداوم و دسترسی به اهداف شماسست.

دشمن خارجی با همراهی یاران جاهل و طماع خود در داخل بر آنست که مطالبات این حرکت عظیم خودجوش را به خوارج بیرون از نظام نسبت دهد و حتی الله اکبرهای از دل برآمده شما را چون قرآن های سر نیزه معرفی کند. بر ماست که با رفتار و گفتار خود این توطئه شوم را خنثی نماییم.

برادر و خدمتگزار شما - میرحسین موسوی

چهارم تیر ۱۳۸۸

---

## نامه سرگشاده مهندس میرحسین موسوی به شورای امنیت کشور درباره اقدامات غیرقانونی لباس شخصی ها

بسمه تعالی

شورای امنیت کشور

طی ایام اخیر به کرات مشاهده می شود که همدریف با قوای انتظامی افرادی بدون لباس فرم، بدون نشان مشخص و بدون جایگاه قانونی معین با سلاح های سرد (از قبیل شلنگ، چماق، زنجیر، میله آهنی و ....) و گاهی سلاح گرم در سطح شهر ظاهر می شوند، قبل از نیروی انتظامی به صفوف تظاهرکنندگان حمله می کنند و ضمن تحریک اجتماعات به تخریب اموال و وسایل نقلیه مردم می پردازند. به آن شورا متذکر می شوم

این پدیده شوم که متصدیان برقراری امنیت و نظم در خلال صفوفشان از نیروهای لباس شخصی استفاده کنند تنها نشان می دهد که نیروی انتظامی از مغایرت اعمال خود با شان و وظیفه قانونی اش کاملاً اطلاع دارد، به صورتی که حاضر نیست ننگ این اعمال به لباس متحدالشکل او نسبت پیدا کند. آزادی، نظم و امنیت از حقوق اولیه و تومان شهروندان است که طی مدت اخیر هر سه آنها از سوی نیروهای لباس شخصی مورد تجاوز قرار گرفته است.

ضمن محکوم کردن این رویه از کلیه مقامات ذربیط موکدا درخواست می شود جهت کمک به حفظ آرامش و امتناع از تحریک اجتماعات خودجوش و مسالمت آمیز مردم فوراً از مداخلات این افراد جلوگیری به عمل آورند.

میرحسین موسوی

## نامه های میرحسین موسوی به شورای نگهبان

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

پیرو دهها مکاتبه ستاد انتخاباتی اینجانب با آن شورا دایر بر تخلفات صریح انتخاباتی عوامل اجرایی وزارت کشور و نیز یکی از نامزدها که قطعاً در نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ماه مؤثر بوده است و ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می شود، عدم صحت انتخابات محرز است و رسیدگی و ابطال آن درخواست می گردد:

۱- در ایام تبلیغات خصوصاً در مناظره آقای احمدی نژاد، اتهامات بزرگی علیه بعضی از شخصیت های حقیقی از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس خبرگان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز آقای ناطق نوری عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بازرسی ویژه مقام معظم رهبری، در رسانه ملی مطرح شد که بنا به اظهار صریح ریاست محترم قوه قضاییه و دادستان محترم کل کشور مصادیق روشن عمل مجرمانه بوده است. این اتهامات خوراک اصلی تبلیغات انتخاباتی آقای احمدی نژاد علیه سایر نامزدها، خصوصاً اینجانب قرار گرفت.

۲- ایشان در مناظره های انتخاباتی اقدام به بیان مطالب خلاف امنیت ملی نمود که نتیجه آن زیر سؤال بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی سلام الله علیه بود. به علاوه عمل ایشان در افزایش بعضی از موضوعات محرمانه و سری با تلفیق موارد نادرست، از جمله متهم کردن دولت جمهوری اسلامی و وزارت کشور به سازماندهی اوپاش برای حمله به جوانان و مردم و بریدن کراواتها و تراشیدن موی سر جوانان اتهاماتی واهی است که در هیچ مرجع قضایی مورد رسیدگی قرار نگرفته و بدیهی است که عملی مجرمانه محسوب می شود.

۳- کارشکنی های عیدیه مسئولانه وزارت کشور و بسیاری از فرمانداری ها، از جمله فرمانداری تهران در ارائه کارت های نمایندگان جناب حجت الاسلام والمسلمین کروبی و اینجانب منجر به عدم امکان حضور تعداد قابل توجهی از نمایندگان ما دو نفر در محل شعب اخذ رأی و محل های شمارش و تجمیع آرا گردید و نمایندگان نامزدها هیچگونه نظارتی بر انتخابات نداشته اند.

۴- برخلاف اعلام کتبی قبلی مبنی بر اینکه شمارش آرا و تجمیع آن دستی خواهد بود، ستاد انتخابات کشور در حالی که هنوز تعدادی از شعب در حال شمارش آرای مردم بودند اقدام به اعلام نتایج در حجم انبوه نمود. این در حالی بود که هنوز صورت جلسه های موسوم به فرم های ۲۲ و ۲۸ از هیات های اجرایی دریافت نشده و تنها ملاک ارائه آمار ارقام موجود در سیستم های رایانه ای بود که هیچگونه جاهت قانونی ندارد و موجب التهاب اجتماعی و نگرانی در جامعه براساس آمارهای فاقد مبنای قانونی می شود.

۵- صدها شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور از جمله شیراز، تبریز، تهران و... در ساعات قیل و بعد از ظهر دچار کمبود تعرفه اخذ رأی شدند و این امر موجب توقف چند ساعته رأی گیری در آنها گردید. با توجه به اینکه تعداد تعرفه های چاپ شده با فرض بالاترین تعداد متصوره شرکت کنندگان به گونه ای بوده است که بیش از ۱۷ میلیون تعرفه اضافی می توانست در اختیار وزارت کشور باشد تعلل شدیدی که در جریان توزیع تعرفه های انتخاباتی به چشم می خورد کاملاً ابهام برانگیز بود و نشان می داد که این تعلل و نیز اعلام توقف زمان رأی گیری، در حالی که هنوز تعداد قابل توجهی از مردم خواستار شرکت در انتخابات بودند از سر نگرانی نسبت به افزایش تعداد آرای ماخوذه از مرز ۱۰۰ درصد افراد واجد شرایط بوده است. طبیعی است که چنین اموری شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی شمار آرای تقلبی در صندوق ها را تحکیم می کند.

۶- علاوه بر موارد فوق تخلفات فراوان صورت گرفته در روز و زمان اخذ رأی طی بیش از ۸۰ مورد نامه خطاب به آقای کدخدایی سخنگوی محترم شورای نگهبان توسط رابط اینجانب به آن شورا تقدیم شده است.

۷- آقای احمدی نژاد در وقت تبلیغات اضافی که سازمان صدا و سیما به صورت غیرقانونی به ایشان اهدا کرد وقوع اقدامات ضد امنیتی را پیش بینی کرد و به طور ضمنی موفقیت خود را مسلم دانست و رقبا را متهم به توطئه چینی نمود، که تمامی اینها حاکی از برنامه ریزی های پشت پرده برای دستکاری نتایج انتخابات است. به همین ترتیب تیتیر خبر پیروزی آقای احمدی نژاد در سایت رجانیوز، فارس و ایرنا که چند ساعت قبل از پایان اخذ رأی رویداد و نیز تعیین تیتیر روزنامه کیهان با همین عنوان طراحی قبلی اعلام چنین نتیجه ای را مشخص می سازد.

۸- نقص ماده ۴۰ قانون جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مداخله نظامیان و بسیج در انتخابات و شرکت در میتینگ‌های تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد و استفاده گسترده از امکانات دولتی و نقض ماده ۶۸ قانون انتخابات از جمله تورگردی وزرا در استان‌ها و شهرستان‌ها (تا جایی که پس از سخنرانی معاون اول ریاست جمهوری در گیلان به ستاد اینجانب حمله شد) و حضور آقای وزیر خارجه در شهرهای مختلف ایلام، کرمانشاه، سمنان، گیلان و... در جلسات تبلیغاتی و استفاده آقای احمدی‌نژاد از هواپیمای اختصاصی دولت برای حضور در میتینگ‌های تبریز و ارومیه و اصفهان و... نمونه‌های دیگری از تخلفات از فصول مختلف قانون مذکور به ویژه فصل هفتم آن بوده است.

نظر به موارد فوق انتظار داریم درخواست اینجانب در مورد ابطال انتخابات ۲۲ خرداد ماه مورد رسیدگی و اقدام قرار گیرد.  
میرحسین موسوی

## بسمه تعالی

### شورای محترم نگهبان

مشارکت پرشور مردم ایران در انتخابات دوره دهم انتخابات ریاست جمهوری که حداقل ۲۰ درصد بیشتر از انتخابات دوره قبل بود و میلیون‌ها نفر از کسانی را که در گذشته میلی به شرکت در انتخابات نداشتند، به پای صندوق‌های رای کشانده حماسه‌ای آفرید که در تاریخ سه دهه انقلاب اسلامی ایران و مردم‌سالاری بی‌سابقه بود. هرچند نتیجه آن را طوری دیگر جلوه دادند و با وارونه نشان دادن نتیجه آن خود را بناحق و همانند سایر موارد فاتح این عرصه هم معرفی کردند؛ ولی شور و شعور اجتماعی ملت ایران در حافظه تاریخ خود این بی‌عدالتی و قانون‌شکنی را باور نخواهد کرد. اینجانب به اقدامات خود جهت روشن شدن حقایق و احقاق مردم شریف ایران در چارچوب قانون اساسی و قوانین جاری ادامه خواهم داد و اینک بخشی از تخلفاتی که در جریان برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری صورت گرفت به شرح ذیل توضیح خواهم داد. بدیهی است این بخشی از حقایق و خلاف‌کاری‌هاست و در آینده نه تنها من بلکه ملت و تاریخ ایران آن را برای آیندگان با شرح و بسط بیشتر و انتشار حقایقی دیگر ثبت و گزارش خواهد کرد. هرچند تخلفات و برنامه ریزی این اقدام مضمّن‌کننده از ماه‌های پیش تدارک دیده شده بود.

#### - [۱] پلمب صندوق‌ها قبل از رای‌گیری

از آنجایی که سلامت و صحت آرای ریخته شده در یک صندوق موکول به این است که این آرا دقیقاً همان آرای باشد که توسط رای دهندگان به صندوق واریز شده است، لازم است پیش از رای‌گیری صندوق‌ها بررسی کامل شده و از خالی بودن صندوق و نبودن آرای مشبوه اطمینان حاصل شود به همین جهت تایید خالی بودن صندوق‌ها قبل از لاک و مهر آن در شعبه اخذ رای مستلزم حضور و اطلاع نمایندگان ناظر کاندیداها می‌باشد که این مهم در اغلب شعبات اخذ رای واقع نشده است.

#### - ۲ حضور ناظران کاندیداها

طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رای وزارت کشور موظف بود تا ۴۸ ساعت قبل از روز رای‌گیری کارت‌های نمایندگان ناظر کاندیداها را برای حضور به موقع آنان در محل شعبات اخذ رای به آنان تحویل داده و ناظران را از محل مورد نظر مطلع نماید در حالی که فرمانداری‌ها و وزارت کشور به طور اساسی به این تکلیف قانونی عمل نکرده‌اند. زیرا:

اولاً- برای تعداد زیادی اساساً کارت معرفی ناظر کاندیداها صادر نشده است.  
ثانیاً- کارت‌های صادره در موارد زیادی به صورتی صادر شده که امکان استفاده از آن وجود نداشته و ناظر نمی‌توانسته با ارائه آن عملاً بر سر صندوق‌ها حاضر شود. به عنوان نمونه در موارد متعددی نام افراد اشتباه قید شده و یا حتی در موارد متعدد عکس مردان به کارت زنان و یا بالعکس الصاق شده و عملاً مسوولان صندوق‌ها با این گونه کارت‌ها اجازه حضور ناظر معرفی شده را نداده‌اند.  
ثالثاً- کارت‌های ناظرین معرفی شده از طرف کاندیداها با سلیقه مسوولان فرمانداری‌ها و برای صندوق‌هایی غیر از صندوق معرفی شده از طرف کاندیداها صادر شده بود که عملاً امکان حضور ناظرین به دلایل مختلف از جمله: بعد فاصله، عدم شناسایی قبلی محل صندوق، عدم اطلاع ناظر از وضعیت محل و حتی عدم شناسایی مسوولان صندوق‌ها ممکن نبوده است.

رابعاً- در موارد زیادی شماره صندوق‌هایی که ناظر برای آن معرفی شده بوده با شماره صندوقی که در محل بوده مطابقت نداشته و ناظر معرفی شده توسط مسوولان صندوق پذیرفته نشده و امکان حضور و نظارت ممکن نبوده است.

خامساً- در موارد متعدد کارت‌های ناظرین معرفی شده از طرف یک کاندیدا برای کاندیداها دیگر ارسال گردیده است و به علت ضیق وقت امکان رفع این اشتباه و جابه‌جایی وجود نداشته است.

سادساً- مطابق قسمت دوم ماده واحده حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری - نمایندگان نامزدها می‌توانند در شعب ثابت و

سیار و نیز امکان استقرار دستگاه شمارشگر حضور داشته و در صورت مشاهده تخلف مراتب را کتبا به ناظرین شورای نگهبان و هیات‌های نظارت شهرستان و استان و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند... در ادامه این ماده آمده است: حضور نمایندگان هر یک از نامزدها تا پایان اخذ رای، امکان استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع و جرم محسوب می‌شود و متخلف به شش ماه تا یکسال انفصال از خدمات دولتی و یا شش ماه تا یکسال حبس محکوم می‌شود. در حالی که قوانین مصوب کشور ما چنین مجازات‌های سنگینی را برای متخلفین پیش‌بینی کرده است در سراسر کشور هزاران نفر از نمایندگان اینجانب و سایر کاندیداها از شعب رای‌گیری اخراج و به سایرین هم اجازه ندادند وظایف نظارتی خود را طبق آنچه در قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه آمده است عمل کنند. به طوری که فقط در بخشی از تهران صدها نفر از ناظرین اینجانب و دیگر کاندیداها اخراج شده و به گزارش‌های آنها به مراجع مسوول ترتیب اثر داده نشده است. تعداد بسیار زیاد دیگری هم که اخراج نشده بودند از اطلاع از هرگونه جریان رای‌گیری محروم شده‌اند.

#### 3- داستان صندوق‌های سیار

طبق ماده قانون انتخابات ریاست جمهوری تخصیص شعب سیار صرف برای مناطق صعب العبور کوهستانی و مسافت‌های دور و نقاطی که تشکیل شعب ثابت مقدور نیست تشکیل می‌شود و به رغم آب و هوای مناسب تمام کشور در نیمه خرداد ماه تعداد صندوق‌های سیار به طور غیر مترقبه‌ای به نحو چشمگیری افزایش یافت. در نقاطی این صندوق‌ها به کار گرفته شده که صندوق‌های ثابت در چند ده متری آن مستقر بوده و هیچ نیازی به استفاده از این صندوق‌های سیار نبوده است. این اقدام غیر قانونی علی‌رغم اعتراض کمیته صیانت از آرا در شرایطی صورت پذیرفته که به کاندیداها بر خلاف نص صریح متن ماده واحده قانون حضور نمایندگان کاندیداها در شعب ثابت و سیار، اغلب نماینده نامزد در صندوق‌های سیار همراه نبوده و ناظرین معرفی شده با عدم پذیرش آنها از طرف فرمانداریها و یا عدم امکان همراهی آنها با صندوق‌های سیار در زمان جابه‌جایی مواجه شده اند که با توجه به تعداد ۱۴ هزار صندوق سیار عملاً امکان هرگونه تخلف در این صندوق‌ها وجود داشته و شاید اصرار بر افزایش تعداد صندوق‌های سیار در همین راستا بوده است.

#### 4- تعرفه‌ها

به رغم این که تعداد تعرفه‌هایی که در هر دوره چاپ و منتشر می‌شود و براساس تعداد افراد واجد شرایط رای دادن است که مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال تعیین می‌کند و معمولاً برای جلوگیری از کمبود تعرفه در زمان رای‌گیری درصدی معقول تعرفه اضافه می‌شود در این دوره علی‌رغم این که مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال جمعیت افراد واجد شرایط رای دادن را حدود 000/200/45 نفر اعلام کرده بودند، تعداد ۰۰۰/۶۰۰/۰۰۰ برگه تعرفه رای با شماره سریال چاپ شد. در روز ۲۱ خرداد ماه نیز علاوه بر آن، میلیون‌ها برگه تعرفه دیگر بدون شماره سریال چاپ شده است. چاپ این تعداد تعرفه به خودی خود مورد سوال و قابل تامل می‌باشد با وجود چاپ این همه تعرفه معلوم نیست چرا بسیاری از شعب اخذ رای به ویژه در مناطقی چون تبریز و شیراز و مناطق شمالی و شرقی و غربی تهران که اقبال مردم به کاندیداها منتقد رییس جمهوری کنونی بسیار بالا بود در همان ساعات اولیه روز با کمبود تعرفه رای مواجه شده و مردم زمان زیادی در صف‌های طولانی زیر باران و طوفان منتظر ماندند.

#### 5- محدود کردن زمان رای‌گیری

با وجود اقبال عمومی مردم به رای دادن در این دوره که مورد تایید خاص و عام است و آمار تعداد شرکت کنندگان هم موید آن است، معلوم نیست به چه دلیل برخلاف رویه معمول و علیرغم کمبود تعرفه در بعضی از مناطق که خود موجب عدم امکان رای دادن مردم در زمان مناسب بود، مسوولان برگزاری انتخابات در متوقف کردن زمان رای‌گیری چنان تعجیلی داشتند؟! بنا بر گزارش‌های متعدد در بسیاری از موارد مسوولان شعب نه تنها با بستن درب شعب اخذ رای مانع ورود مردم در صف می‌شدند بلکه حتی افرادی را که وارد شعبات اخذ رای شده بودند به بهانه اتمام وقت از محل اخراج می‌کردند و این در حالی بود که صدا و سیما در تبلیغات رسمی خود خلاف آن را بیان می‌کرد. وانگهی رویه گذشته و روح قانون اینست که تا آخرین فرد حاضر در محل رای‌گیری باید زمان اخذ رای تمدید شود. (بند ۵-۱) آیین نامه اجرایی قانون انتخابات)

مضافاً طبق اصل ۶ قانون اساسی اداره امور کشور با آرای عمومی است و رای دادن حق طبیعی همه شهروندان است و تشخیص وزیر کشور برای تمدید ساعات اخذ رای یک تشخیص گزینشی و سلیقه‌ای نیست و باید با نحوی از مجموعه شرایط و اوضاع و احوال تبعیت کند که هیچ شهروند حاضر در محل صندوق‌ها از این حق طبیعی خود محروم نشود. در حالی که به شرح فوق در این دوره هم میزان مشارکت مردم بسیار بالا بود و هم کمبود تعرفه‌ها در مناطق مختلف به صورتی بود که می‌بایست زمان رای‌گیری تا حداکثر زمان ممکن ادامه یابد. باوجود این شرایط وزیر محترم کشور برخلاف رویه گذشته تمدید ساعت رای‌گیری در سراسر کشور را محدود کرد. به طوری که برخلاف رویه و در بسیاری و در بسیاری از مناطق کشور در ساعت ۹ شب زمان رای‌گیری پایان یافته اعلام شد و بسیاری از شهروندان علیرغم حضور در محل شعب اخذ رای موفق به رای دادن نشدند و آنان را از محل شعب اخذ رای اخراج کردند. جای تاسف است در حالی که شعار شرکت حداکثری آقایان در گفتار همه جا را در بر گرفته بود در کردار عکس

آن عمل کرده و علی رغم اینکه چهار نفر از نمایندگان ستاد اینجانب به وزارت کشور مراجعه کرده و درخواست ملاقات با وزیر جهت تمدید وقت رای گیری طبق روال گذشته کرده بودند، وزیر محترم کشور از پذیرفتن آن امتناع کرده و به این ترتیب اقدامات وزارت کشور و تعجیلی که در اعلام نتایج آرا به صورت مورد نظر خود داشت منجر به تضییع حقوق بسیاری از شهروندان و محرومیت آنان از حق رای دادن هم گردید .

#### 6- انتقال صندوق ها به فرمانداری

قانون انتخابات و آیین نامه مربوطه و نیز قانون نظارت نمایندگان کاندیدا تا حدود زیادی وظایف همه مسوول و هیات های اجرایی و نظارت را تعیین کرده و حداقل انتظار کاندیداها این است که اگر روح قانون اجرا نمی شود لااقل به ظواهر قانون و حداقل آن پایبند باشند. متأسفانه این امر در انتخابات به هیچ وجه رعایت نشد و اگر در مرحله صدور کارت نمایندگان کاندیداها کارشکنی شده و با ترفندهای خاص از صدور به موقع کارتها و رساندن آن به نمایندگان کاندیداها جلوگیری به عمل آمد در مرحله پایان رای گیری و صیانت از امانت مردم، قاون و اخلاق هم پایمال شد .

چنانکه در مرحله شمارش آرا و تنظیم صورت جلسات و فرمهای مربوط و انتقال صندوق ها از شعب اخذ رای به فرمانداری ها هیچ نظارتی از سوی نمایندگان ناظر کاندیداها جهت اطمینان از تطبیق محتوای صندوق ها با صورتجلسات تنظیمی مربوطه وجود نداشته است. در حالی که هنوز رای گیری در بعضی از مناطق و شعب به علت تاخیر در ارسال تعرفه ادامه داشت مسوولان ذیربط برخلاف قانون از صداوسیما قرائت پنج میلیون رای و نتیجه آن را آن هم نه براساس شمارش دستی آراء و صورتجلسات و فرمهای قانونی اعلام فرمانداری ها بلکه صرفاً براساس اعلام صندوق ها و از طریق کامپیوتر اعلام کردند. در حالی که طبق نص صریح قانون ستاد انتخابات کشور میبایست آرای هر منطقه را جداگانه و براساس اعلام فرمانداری ها منتشر می کردند . صرف نظر از تخلفات صورت گرفته در مراحل رای گیری اساساً میزان آرای اعلامی در ستاد جمع آرا هیچ گونه سختی با آرای پیش بینی شده توسط آن بخش از ناظرین که در صندوقها حضور داشته اند و خیل عظیم مردمی که این بار در شهرها و روستاها به دلیل حضور کاندیدهای جدید حاضر شده بودند و نیز سابقه رای گیری قبلی و میزان رای کاندیدای پیروز در گذشته مطابقت نداشته و اساساً آنچه در ستاد انتخابات و اتاق جمع آرا صورت می گرفت و از صداوسیما پخش می شد واقعی نبوده است. در این مورد گزارش نمایندگان هر سه کاندیدای معرفی شده به ستاد مرکزی انتخابات کشور به شرح ذیل که در ساعت ۲:۱۵ دقیقه صبح شنبه گزارش شده قابل توجه می باشد .

«جناب آقای محصولی وزیر محترم کشور ۲۳/۳/۸۸ ساعت ۲:۱۵ بامداد

با سلام

دقایقی قبل آماری توسط ستاد انتخابات کشور و آقای دانشجو در مقابل رسانه های داخلی و خارجی منتشر گردید که اینجانبان نمایندگان نامزدها در سایت شمارش آرا وزارت کشور هیچگونه اطلاعی از چگونگی دریافت و جمع و انتشار آن نداریم .

از آنجایی که طبق مواد ۱۸ و ۲۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری، وزارت کشور پس دریافت صورتجلسات (و م ۲۸) و روال قبل بایستی آمار را اعلام نماید به نظر می رسد اعلام نتایج فعلی مطابقتی با قانون ندارد .

ضمناً فضایی که برای استقرار نمایندگان کاندیداها در نظر گرفته شده دور از سایت شمارش آرا بوده و هیچگونه ارتباطی با این سایت ندارد. لذا در صورت استمرار این وضعیت حضور اینجانبان با عدم آن تفاوتی ندارد .

سید عباس احمدی (نماینده مهندس میرحسین موسوی)

عطاءاله سهرابی (نماینده محسن رضایی)

مسعود سلطانی فر (نماینده آقای کربلی)

رونوشت: دفتر مقام معظم رهبری ، هیات مرکزی نظارت بر انتخابات، ریاست محترم ستاد انتخابات

این نامه در حالی منتشر شده است که قانون حضور نمایندگان نامزدها به صراحت حق حضور نمایندگان کاندیداها را در مراحل مختلف تأیید و ماده ۱۸ و ۳۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری به صراحت خلاف اقدام ستاد انتخابات و تصمیماتی است که در اتاقی با حضور آقایان دانشجو ، محصولی و فردی دیگر اتخاذ می شود .

## 7- شیوه آرایش سبد آراء

مسأله‌ای که در این انتخابات قابل تامل بوده و صحت انتخابات را در کنار بسیاری عوامل دیگر مورد تأیید قرار داده است مسأله نسبت تقریباً ثابت آراء میان کاندیداها در تمام مناطق کشور بوده است. به این معنا که نمودار آراء کاندیداها از ابتدای شمارش آراء و اعلام نتایج سراسر کشور به صورت خطی و تقریباً بدون نوسان در جهتی صورت پذیرفته که نهایتاً به نتیجه‌ای که اعلام شد منتهی شود. به طور مثال حتی در محل تولد کاندیداها نیز میزان آراء کاندیدای برنده اعلامی از سوی وزارت کشور و به همان نسبت بوده است که در سایر مناطق بوده و این نیز قابل توجه است که اعلام نتایج برخلاف رویه گذشته بدون تعیین و تفکیک مناطق صورت پذیرفته است.

## بخشی از تخلفات پیش از رای گیری

بر این تخلفات جدی که فقط بخشی از آن منعکس شد و تنها یک مورد آن برای ابطال انتخابات کافی است این را نیز باید افزود که انتخابات از آغاز با شرایط نابرابر و با سوءاستفاده از امکانات دولتی و عمومی به صورت گسترده و اساسی صورت گرفته که از آن می‌توان به موارد زیر به اختصار اشاره کرد.

1- استفاده از رسانه ملی چه پیش از شروع تبلیغات رسمی و چه بعد از آن به نفع یک کاندیدای خاص که ما در این مورد حضور و اقدام جمعی از کارشناسان برجسته و مستقل در یک هیات حقیقت یاب این تبلیغات را بررسی کرده و مشخص می‌نماید تال چه اندازه به طور غیر عادلانه برای پیروزی یک نفر از این رسانه دولتی استفاده شده است؟!!

2- در همین بخش و استفاده از این امکانات دولتی به کارگیری رسانه های دولتی از جمله روزنامه ایران، کیهان، جوان و غیره و نیز سایر رسانه‌ها که از کمک‌ها و امکانات دولتی استفاده می‌کنند اشاره کرد.

3- استفاده از هواپیما و وسایل نقلیه دیگر دولتی در سفرهای تبلیغاتی در دوره تبلیغات رسمی انتخابات و قبل از آن بریا همین منظور.

4- بسیج نیروهای ادارات و آموزش و پرورش گاهی با حکم ماموریت و برخورداری از فوق‌العاده ماموریت برای شرکت در مراسم استقبال از کاندیدای خاص.

5- افتتاح پروژه‌های عمرانی در دوره مشخص شده برای فعالیت انتخابات و استفاده از این اقدام جهت تبلیغ خود.

6- افتتاح پروژه‌های ناتمام به عنوان پروژه‌های تمام شده مثل پروژه راه آهن شیراز - اصفهان یا کرمان - زاهدان.

7- پرداخت حقوق معوقه کارکنان دولت و فرهنگیان و افزایش حقوق بازنشستگان و توزیع سهام عدالت در ماه‌های آخر منتهی به انتخابات.

8- سخنرانی‌های تبلیغاتی وزرا در دوره تبلیغات انتخاباتی به نفع کاندیدای خاص از جمله سخنرانی وزیر راه، معاون اول رییس جمهور و وزیر دادگستری با تکیه بر سمت آنها.

9- قطع خدمات مخابراتی از جمله قطع سرویس پیامک‌ها در روزهای رای گیری که مهم ترین وسیله ارتباط ناظرین معرفی شده با ستادها بوده است.

شایان ذکر است که پیش از برگزاری انتخابات، رییس ستاد انتخابات تأکید کرده بود که به دلیل عضویت ایران در اتحادیه بین المللی مخابراتی به هیچ وجه سرویس‌های مخابراتی قابل قطع شدن نیست و از این بابت نگرانی وجود نخواهد داشت.

همه این موارد به علاوه موارد فراوان دیگری که در نامه‌های قبلی اعلام شده در صورتی که با اندک توجه به قوانین مورد بررسی قرار گیرد از موجبات ابطال انتخابات در سراسر کشور می‌باشد.

میرحسین موسوی"

## نامه مورخ ۱۳۸۸/۴/۶ میرحسین موسوی به شورای نگهبان

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم. بازگشت به نامه شماره ۸۸/۳۱/۳۳۵۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۵ معاون اجرایی و امور انتخابات آن شورا، همانگونه که در دو نامه قبلی اعلام گردید گستره تخلفات و تقلبات انجام شده در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و موارد نقض قوانین از سوی دولت و وزارت کشور که بخشی از آن در نامه مورخ 28/3/88 رئیس سازمان بازرسی کل کشور مستند و وارد تشخیص داده شده به



حدي است که منحصر کردن رسیدگی به شکایات مربوط به تخلفات انتخاباتی به بازشماری ده درصد صندوق های رأی نمی تواند به جلب اعتماد و اطمینان مردم کمک کند و افکار عمومی را در خصوص نتایج اعلام شده اقناع نماید.

بر اساس آنچه که قبلاً به آگاهی آن شورا رسید حجم تخلفات و اقدامات مغایر قانون در چهار بخش:

الف. فعالیتهای، تبلیغات انتخاباتی و اقدامات تا پیش از روز رأی گیری

ب. عملیات اخذ رأی و شمارش آرا

ج. جمع بندی و اعلام نتایج آرا

د. اقدامات پس از رأی گیری و اعلام نتایج آرا

به گونه ای است که چاره ای جز ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن باقی نگذاشته است. به عنوان نمونه به برخی از اهم عناوین تخلفات و اقدامات مغایر قانون اشاره می شود که از مصادیق "تأثیر در نتیجه کلی انتخابات" موضوع تبصره ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری است و ابطال این انتخابات را اجتناب ناپذیر می سازد (تفصیل هر يك از این عناوین به پیوست ارسال می شود):

نقض صریح، گسترده و جسورانه ماده ۶۸ قانون انتخابات و استفاده وسیع از امکانات دولتی و منابع عمومی و مداخله آشکار تعدادی از اعضای دولت، مدیران ارشد و استانداران و مدیران اجرایی به نفع نامزد حاکم. عدم رعایت بی طرفی از جانب صدا و سیما و ایراد اتهامات اثبات نشده که بخشی از آنها از سوی دادستان کل کشور عمل مجرمانه تلقی شده است و نیز تبلیغ گسترده و جانبدارانه رسانه های متعلق به دولت ( ایرنا، روزنامه های دولتی و سایتهای خبری ) به نفع نامزد حاکم.

وقوع گسترده جرایم موضوع ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری در زمینه های زیر که مخالف نص صریح بندهای ماده مذکور اند:

خرید رأی از طریق توزیع سود سهام عدالت و پرداختهای نقدی به خانواده های تحت پوشش نهادهای حمایتی و روستائیان و عشایر و نظایر آن.

تهدید و تطمیع در امر انتخابات از طریق افراد وابسته به دولت و پرداخت وجوه نقد به اعضای شوراهای اسلامی و افراد ذی نفوذ و

...  
عدم اطمینان از خالی بودن صندوقها قبل از لاک و مهر و نیز گم شدن یا خارج شدن تعرفه ها و صندوقها از شعب اخذ رأی با توجه به عدم حضور ناظران و گزارشهای اصله.

عدم اخذ رأی از بخش قابل توجهی از واجدین شرایط با محدود کردن زمان اخذ رأی و تخلفات متعدد در روز رأی گیری از قبیل مدیریت تعرفه ها و ایجاد کمبود تعرفه در شعب اخذ رأی.

تقلب در رأی گیری که علیرغم چاپ بیش از ۱۲ میلیون تعرفه اضافی و نیز چاپ حدود ۲.۵ میلیون ( و به قولی بیشتر ) تعرفه جدید بدون شماره سریال با مجوز یکی از اعضای شورای نگهبان در روز قبل از رأی گیری، کمبود تعرفه در حوزه های اخذ رأی را شاهد بودیم و بدون تردید با کنترل ته برگ های تعرفه ها با بانک اطلاعات ثبت احوال حجم عظیم آن قابل اثبات است و نیز تخلفات شمارش و تجمیع آرا.

توصیه به رأی دادن به نامزد مشخص توسط اعضای شعبه و ناظران و اساساً شکل گیری بخش قابل توجهی از شعب اخذ رأی و ناظران شورای نگهبان از میان هواداران نامزد حاکم.

ایجاد رعب و وحشت برای رأی دهندگان و هواداران آنها در يك هفته منتهی به روز اخذ رأی و حمله به ستادها و هواداران در تجمعات قانونی تبلیغاتی در مناطق مختلف کشور.

ایجاد محدودیت های متعدد برای نمایندگان ناظر ستادهای نامزدها برای حضور در جلسات هیأت های اجرایی، مراکز شمارش و تجمع آرا و بخش قابل توجهی از شعب اخذ رأی.

قطع سرویس پیام کوتاه در روز رأی گیری به عنوان ابزار پیش بینی شده برای نظارت بر شعب اخذ رأی و انعکاس تخلفات از سوی ناظرین ستادهای اینجانب جهت پیگیری قانونی و قطع تلفنهای همراه و ثابت کمیته صیانت از آرا در زمان تجمع و اعلام نتایج.

طراحی ساز و کاری غیر قابل نظارت و مغایر قانون برای تجمع آرای شمارش شده و اعلام نتایج آرا به صورت مهندسی شده ( آن هم در حالی که قبل از شروع اعلام نتایج از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور، نتایج انتخابات در سایتهای وابسته به دولت، سپاه و روزنامه کیهان درج شده بود)

مداخله گسترده و غیرقانونی بخش هایی از نیروهای مسلح قبل و حین انتخابات که خلاف نص صریح نظر حضرت امام (ره) می باشد.

وجود بیش از ۱۷۰ حوزه اخذ رأی با میزان آرای مأخوذه بین ۹۵ تا ۱۴۰ درصد.

حمله به ستادهای انتخاباتی در شهرستانها و تهران و پلمپ ستاد مرکزی اینجانب و دستگیری رئیس و اعضای فعال آن که موجب اختلال در گردآوری کامل اسناد و مدارک تخلفات انتخاباتی گردید.

که همه موارد فوق دال بر وجود تخلفات برنامه ریزی شده و سازمان یافته جدی در امر برگزاری انتخابات است. از آنجا که بنا بر اعلام شورای نگهبان بخشی از تخلفات صورت گرفته در انتخابات دهم ریاست جمهوری بیرون از دایره صلاحیت بررسی آن شورا است و نیز بخش هایی از اعتراضات قانونی علاوه بر شخص وزیر کشور و عوامل و مجریان آن وزارتخانه متوجه نحوه عملکرد تعدادی از اعضای خود شورای نگهبان و تخطی آنها از ضوابط قانونی و نقض بیطرفی است، رسیدن به یک داوری منصفانه در این مورد اساساً نمی تواند در حیطه شورای نگهبان و به طریق اولی در حیطه هیأتی باشد که منتخب این شورا است، گذشته از اینکه برخی از افراد این هیأت در این انتخابات موضع بیطرف نداشته اند و نسبت به نتایج آن پیش از بررسی، اعلام موضع کرده اند که این مسأله به رفع ابهامات و اقتناع افکار عمومی کمک نمی کند.

لذا اینجانب ضمن تأکید مجدد بر ابطال انتخابات به عنوان مناسب ترین راه برون رفت از معضل ایجاد شده و بازسازی اعتماد عمومی و صرفاً برای اینکه راهی نیز جهت رسیدگی از طریق یک هیأت حکمیت ملی گشوده بماند و اعتراض قانونی مردم در مرجعی مورد رسیدگی قرار گیرد که بتواند مورد اجماع ملی و وفاق عمومی بوده و رأی آن مورد قبول عموم رأی دهندگان و مایه اطمینان خاطر مردم باشد، پیشنهاد می کنم که موضوع به حکمیتی شرعی و قانونی و مستقل که مورد اتفاق نامزدها و حمایت آن دسته از حضرات آیات و مراجع عظام تقلید که حل و فصل موضوع را پیگیری نموده اند، باشد ارجاع داده شود.

میرحسین موسوی

---

## مهندس موسوی در جمع جامعه شناسان: دولت با بحران مشروعیت سیاسی روبرو می شود. /نباید اجازه دخالت به بیگانگان داده شود.

مهندس میر حسین موسوی گفت: جامعه فعلی با جامعه شش ماه پیش بسیار متفاوت است. هم اکنون با جامعه ای جدید روبرو هستیم که باید قبل از هر کاری آن را بشناسیم.

به گزارش خبرنگار «کلمه»، نخست وزیر دوران دفاع مقدس در جمع جامعه شناسان که برای بررسی شرایط جامعه بعد از انتخابات در جلسه ای گرد آمده بودند افزود: باید مشخصات، خواسته ها، نیازها و ... جامعه جدید بررسی و تحلیل شود. وی با اشاره به فشارهای وسیع تبلیغاتی این روزها، افزود: فشارهای اخیر بر من برای کوتاه آمدن از موضع ابطال انتخابات است.

به هر حال دولت با وضعیت فعلی با بحران مشروعیت سیاسی روبرو خواهد بود .  
به گفته موسوی ، تنها چند روز بعد از انتخابات آقای ترکان به دلیل انتقاد کردن، از وزارت نفت کنار گذاشته شد. وقتی دولتی نیروی انسانی قوی و کارآمد نداشته باشد چگونه می تواند کار خود را ادامه دهد؟

وی همچنین به موضوع نحوه ارتباط رهبری با رئیس جمهوری اشاره کرد و گفت: حمایت رهبری در شرایط عادی از دولت مفید است ولی یکی تلقی شدن رهبر و ریاست جمهوری به نفع کشور نیست .

موسوی در بخش دیگری از سخنان خود به اقبال میانجامه اشاره کرد و گفت: در شرایط فعلی یک خودآگاهی در بین قشر میانی ایجاد شده است که اگر هدف داشته باشد انرژی مثبتی است که برای ساختن آینده کشور بسیار مفید خواهد بود و اگر سرخورده شود مشکل ساز می شود .

موسوی معتقد است که نیازهای قشر متوسط با نیازهای ملی جامعه عجین شده است که اگر پاسخ مثبت دریافت کند خوب است اما اگر پاسخ مثبت دریافت نکند سرخودگی بزرگی در جامعه پدید می آید .

وی افزود: دولت برای این قشر در شرایط فعلی برنامه ای ندارد و آمیدی به آن نیست. باید این انرژی در جایی به کار گرفته شود که در این بین نقش تشکل های غیر دولتی بسیار مهم است. برای ایجاد امید و استفاده از ظرفیت طبقات میانی و انرژی آزاد شده شبکه ای از تشکل های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باید به وجود آید و مدیریت رانده شده از بدنه دولت در این زمینه نقش بزرگی بازی کند .

موسوی گفت: حرکت هایی که این روزها اتفاق می افتد اگر به خوبی مدیریت نشود امکان مدیریت آن از خارج کشور و افرادی خارج از نظام وجود دارد . باید توجه داشته باشیم مهمترین سرمایه ما استقلال است نباید اجازه دخالت به بیگانگان داده شود .  
وی خواستار ایجاد فضایی بازتر در صداوسیما شد و گفت: این به نفع نظام جمهوری اسلامی ایران است که همه امکان ابراز نظر درباره انتخابات را داشته باشند. این موضوع باعث می شود که از این مرحله با موفقیت عبور کنیم وگرنه مشکلات زیادی پیش رو خواهد بود. گفت و گو یکطرفه و هتاکانه دردی را دوا نمی کند .

موسوی افزود: دسترسی من به مردم کاملاً محدود شده است. دو سایت ما با مشکلات فراوانی روبرو هستند و انتشار روزنامه کلمه سبز متوقف است و اعضای تحریریه دستگیر شده اند. روزنامه های دیگر هم با محدودیت های جدی روبرو هستند. این ها به هیچ وجه به نفع بهبود فضای ملی نیست و فضا را به خشونت بیشتر هدایت می کند و احتمال مدیریت چنین فضایی به خارج از کشور نیز وجود دارد .

به گفته موسوی ، اگر در این شرایط با نیروهای دلسوز انقلاب تعامل بیشتری صورت گیرد این شرایط تعدیل می شود .  
وی به تخریب رسانه ای بسیار جدی این روزها هم اشاره کرد و افزود: به دلیل عدم قدرت پاسخگویی، این تخریب ها بیشتر شده است تا حدی که این روزها کلیشه هایی مانند رابطه داشتن حرکت های مردمی با بیگانگان و امثال آن مطرح شده است. بنده فکر نمی کنم هیچ فردی که به وطن خودش و اسلام و انقلاب علاقه دارد نقش بیگانگان را در امور کشورمان تحمل کند .

وی تصریح کرد: در این شرایط باید مردم احساس کنند که خواسته هایشان در حال پیگیری است و در عین حال باید از این شرایط آشفته عبور کنیم. من نمی توانم سیاه را سفید و سفید را سیاه اعلام کنم. باید صداقت داشته باشیم. راه حل این نیست که از بنده این انتظار وجود داشته باشد چیزی را بیان کنم که به آن اعتقاد ندارم. سرمایه اصلی همه ما صداقت با مردم است. ان شاءالله با استعانت از حضرت حق تعالی این سرمایه حفظ شود .

## بیانیه ها و نامه های مهدی کربوبی

### نامه مهدی کربوبی به سخنگوی شورای نگهبان

بسمه تعالی

جناب آقای کخدایی

سخنگوی محترم شورای نگهبان

با سلام

اگرچه تاکنون در خصوص اثبات تقلب و تایید بر بطلان انتخابات شواهد و قرائن مشهودی ارائه شده است اما پرداختن به نکته اخیرالذکر شما نیز ضرورت دارد.

اظهارات امروز شما در خصوص تعداد شهرستان‌هایی که آرای آنها بیش از ۱۰۰ درصد واجدین حق رای بود موجب تاسف گردید و شاهدی دیگر بر وجود گرایش جانبدارانه از نتایج موجود است. اینکه شما تعداد این حوزه‌ها را ۵۰ مورد و نه ۱۷۰ شهرستان دانسته‌اید و کل آرای آنها را فقط ۳ میلیون دانسته‌اید که تأثیری در نتایج انتخابات ندارد، در این خصوص باید متذکر شد که اولاً حداکثر مشارکت معمول را اگر ۸۵ یا حتی ۹۰ درصد فرض کنیم، تعداد مناطقی که بیش از حداکثر ممکن رای داده‌اند بالای ۲۰۰ منطقه خواهد شد، به علاوه به همین نسبت هم در شهرها و مناطق دیگر رای به صندوق‌ها ریخته شده و برآوردها از رای دادن افراد نیز حاکی از آن است که امکان نداشته است که بیش از ۳۰ یا ۳۲ میلیون رای در فرصت موجود با تعداد حوزه‌های تعیین شده از مردم اخذ شود، این خطای اعلان شده از سوی شما، فقط آن بخش از کوه یخ است که روی آب دیده می‌شود و جزو کوچکی از مجموعه خلاف‌های انتخاباتی است.

شورای نگهبان قبلاً با همین استدلال که مجموع آرا در برخی حوزه‌های رای‌گیری بیشتر از واجدین حق رای بوده، آن حوزه را باطل اعلان کرده، اما این مساله در انتخابات اخیر فقط محدود به این حوزه‌ها نیست، بلکه در اغلب مناطق جریان داشته است و جالب اینجاست که ناظران شورای نگهبان که در تعیین صلاحیت هیات‌های اجرایی هم نظارت داشته‌اند، چرا در روز رای‌گیری گزارشی از این تخلفات عظیم نداده‌اند؟! آیا همین دلیل بر بطلان کل فرایند انتخابات کافی نیست؟ پیشنهاد می‌کنیم که شورای محترم نگهبان به جای اتلاف وقت در شمارش آرا صندوق‌هایی که طی ده روز گذشته در اختیار وزارت کشور بوده و هر کاری خواسته با آن انجام داده، تصمیم نهایی را گرفته و با ابطال انتخابات مردم را خشنود کند و آرامش را به جامعه بازگرداند و کشور را از خطری عظیم رها سازند.

مهدی کروی

## نامه مهدی کروی به شورای نگهبان

بسم الله الرحمن الرحيم  
اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی  
سلام علیکم

شما فقها و حقوقدانان گرامی در جایگاهی قرار گرفته‌اید که برآمده از مجاهدت ملت شریف ایران و ابتکار رهبر فقید انقلاب و اجتهاد علما و روشنفکران منتخب مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی است. نمایندگان ملت در این مجلس به شرحی که در مشروح مذاکرات آن آمده است - و برخی از ایشان در قید حیات و از مراجع تقلید هستند - از این حیث نظارت بر انتخابات را به شورای نگهبان واگذار کردند که نگران تکرار تجربه دخالت دربار و ساواک در انتخابات در رژیم گذشته بودند و گمان میکردند با امکان تکرار تجربه دیکتاتوری در نهاد ریاستجمهوری باید نظارت بر انتخابات را به جمعی از فقها و حقوقدانان مستقل و بیطرف واگذار شود تا به نام دموکراسی، دیکتاتوری بهوجود نیاید. در سی سال گذشته هرگز اهمیت این نکته کلیدی در تدوین و تفسیر قانون اساسی تا این حد مورد توجه قرار نگرفته بود که امروز مورد توجه قرار گرفته است چراکه اکنون زمان انتخاب شورای نگهبان است. متأسفانه به هر دلیل انتخاباتی برگزار شده است که در اثر کمقیتیها و سوءاستفاده‌ها و باوجود فیلترهای متعدد، اکثریت قاطعی از ملت ایران نسبت به نتیجه اعلام شده برای انتخابات معترض هستند و برای بطلان این انتخابات دهها دلیل دارند که برخی از این ادله از حد سند و مدرک (که توسط نامزدهای سه‌گانه به شورای نگهبان ارائه شده) گذشته و به حد شیاع رسیده است. سوءاستفاده برگزارکنندگان انتخابات از موقعیت خود در دولت، دخل و تصرف در رای صندوقها و وعده و وعیدهای غیرقانونی و شبهقانونی، اتهام‌پرانی و پردهدری تنها پرده‌هایی از این اتهامات هستند که تفصیل آنها در شکایت اینجانب به شورای نگهبان آمده است. اگر شورای نگهبان به سبب گذشته خود عمل کند که به بهانه یک شام و میهمانی و یا دادن چند قلم جنس از سوی یک نامزد راهیابی به مجلس در یک حوزه انتخابیه کوچک یا دخالت یک فرماندار، انتخابات را باطل اعلام میکرد اکنون با این وعده‌های بزرگ و سوءاستفاده‌های بزرگتر و توزیع پول از سوی مقامات بزرگتر اگر شورای نگهبان کاری کمتر از ابطال کند در حقیقت مرتکب اشتباه بزرگی شده است. قصد من تحت فشار قرار دادن شورای نگهبان نیست. من به قانون عمل میکنم و باوجود برخی باورها درباره عدم بیطرفی نهادهای داوریکنده انتخابات هنوز امیدوارم شورای نگهبان به وظیفه قانونی خود عمل کند و این انتخابات را باطل اعلام کند.

اعضای محترم شورای نگهبان

این نه خواست یک فرد که خواست یک ملت است. کسانی که در روزهای گذشته در اجتماعات میلیونی در خیابانهای تهران و برخی شهرستانها حضور یافتند و با کمال نجابت و صداقت با سکوت فریاد خود را به گوش شما میرسانند نه خس و خاشاک که همان امت همیشه در صحنه هستند. چگونه است که تا روز قبل از انتخابات به این جمعیت افتخار میشد و از اجتماع ملت به شور انتخاباتی یاد میشد و اکنون یا به الفاظ زشت از آنان یاد میشود یا به عوامل بیگانه نسبت داده میشوند؟ حتماً به یاد دارید که محمدرضا پهلوی هم قیام

مردم تبریز را در آستانه انقلاب اسلامی به توطئه بیگانگان نسبت میداد و میگفت اینان از خارج وارد ایران شدهاند. حتما به خاطر دارید که محمدرضا پهلوی مخالفانش یعنی ما و شما را ارتجاع سرخ و سیاه مینامید و BBC را عامل انقلاب اسلامی ایران میخواند. من به عنوان فردی که از سال ۱۳۴۱ به عنوان یکی از یاران امام خمینی برای جمهوریت و اسلامیت و آزادی در راه انقلاب اسلامی زندان رفتهام و شکنجه شدهام هشدار میدهم که توهین به ملت آتش خشم آنان را شعلهور میکند. آنان که این روزها در خیابانهای تهران تجمع میکنند اتفاقا عصاره ملتند و هیچ نیازی به نیروی خارجی ندارند و از اموال عمومی مانند اتوبوسهای دولتی و تبلیغات تلویزیونی هم برای تجمع بیبهرهاند و هیچ حزب و گروهی هم توان گردآوری این همه جمعیت را ندارد. این مردم نه خواستار تغییر نظام هستند و نه اجازه هر نوع آشوبی را میدهند. من خود در میان جمعیت شاهد بودم چگونه نظم خودجوش این ملت اجازه سر دادن هیچ شعاری را نمیداد و با خشونتطلبان مرزبندی داشت. اینان تنها یک خواسته دارند و آن ابطال انتخابات ریاستجمهوری ۲۲ خرداد ۸۸ و برگزاری یک انتخابات سالم و آزاد بدون سوءاستفاده از امکانات دولتی است. این انتخابات زیر نظر همین نهادهای فعلی برگزار خواهد شد و در آن هیچ چیزی جز یک رئیسجمهور تعیین نخواهد شد و معنای آن نیز هیچ چیزی جز تمکین نظام به رای ملت نخواهد بود.

اعضای محترم شورای نگهبان

شما مهمترین ظرفیت قانونی در اصلاح این وضع هستید که میتوانید با کمترین هزینه، خواست ملت را برآورده سازید. مبادا با ناامیدی ملت از شورای نگهبان آن نگرانی تاریخی امام خمینی محقق شود که فرموده بود: مبادا روزی ملت علیه شورای نگهبان به خیابانها بریزند.

اعضای محترم شورای نگهبان

متأسفانه تخلفات این دولت در برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ در این روز نه تنها تمام نشد بلکه پس از آن با وجود جو التهاب و اعتراض در جامعه بر روی آتش خشم ملت نفت ریختند. مردم را خس و خاشاک خواندند، با چماق و قمه به اجتماعات مسالمتآمیز و آرام آنان حمله کردند، با مهندسی آشوبها آنها را به نام ملت نوشتند، به کوی دانشگاه حمله کردند، به شکل لباسشخصیها وارد خانهای مردم شدند، اعتراض ملت به دولت را اعتراض به نظام خواندند و در پناه سانسور رسانهها و محدودیت سایتها و قطع موبایلها و پیامکها و ایجاد جو رعب و وحشت به بازداشت گسترده نخبگان و روشنفکران پرداختند تا جایی که فردی که نیازمند مراقبتهای مستمر پزشکی است و جانش در خطر است را بازداشت کردند یا پیرمرد هفتادوچندسالهای را از بیمارستان به زندان بردند یا فرزند شهدا و جانبازان را بازداشت کردند و در میدان آزادی هم افرادی را کشتند و هم با گرفتن زیر تابوت این شهدا از آن برای خاموشی ملت استفاده کردند و این همه در حق ملتی است که در تجمعات هفته گذشته خود با تکبیر و صلوات و سکوت اعتراض خود را اعلام کردهاند. اگر شما بخواهید به عدالت رفتار کنید همین رفتارهای هفته گذشته دولت خود در ابطال انتخابات مهمترین سند است. دولتی که بر پایه انتخابات مشروع به قدرت برسد به این جو رعب و وحشت چه نیازی دارد؟

اعضای محترم شورای نگهبان

با رای عادلانه درباره انتخابات و ابطال آن و برگزاری انتخابات مجدد اراده ملت را بپذیرید و بقای نظام را تضمین کنید که این به عدالت نزدیکتر است.

مهدی کروی

29 خرداد ۸۸

## بیانیه شماره ۳ کروی

بسم رب الشهداء و الصدیقین

ملت بزرگ ایران

فراخوان کروی برای راهپیمایی روز جمعه با لباس سیاه

حماسه ۲۵ خرداد شما در راهپیمایی آرام از میدان امام حسین تا میدان آزادی تهران دو نشان بر چهره ایران گذاشت: اول اعتراض ملت به خیانت دولت در امانتی که به آنها سپرده شده بود و آرای که مالک حقیقی آنها مردم ایران بودند و ارباب دولت ربودند، دوم آرامش و متانت ملت در شیوه اعتراض که در فضایی سرشار از سکوت برگزار شد که سکوت سرشار از ناگفته هاست.

متأسفانه کسانی که عظمت این رفتار مدنی مردم تهران و دیگر شهرهای ایران آنان را می‌آزارد کوشیدند با اتهام افکنی و مهندسی آشوب – که چون مهندسی انتخابات در آن زبردست هستند – برخی رفتارهای اعتراض آمیز مانند آتش زدن و تخریب ها را به نام ملت ایران و حامیان اصلاحات و تغییر بنویسند و در این جریان گروهی از هم میهنانمان را در میدان آزادی و کوی دانشگاه به شهادت رساندند. من با تسلیت این شهادت ها اعلام می‌کنم این ملت از آشوب به دور است و اینان می‌خواهند با هراساندن مردم کوچه و خیابان از آشوب و بزرگنمایی آنها در صدا و سیما و رسانه های وابسته و سانسور رسانه های آزاد اصل اعتراض ملت را نادیده بگیرند چرا که اگر صداقت داشتند به جای پخش صحنه های خشونت بار بعد از راهپیمایی ۲۵ خرداد شکوه اصلاح طلبانه و صلح طلبانه بودن این راهپیمایی ملی و ملیونی را نشان می‌دادند.

اینجانب که خود در روز ۲۵ خرداد قطره ای از دریای حضور شما در خیابان آزادی بودم ضمن دعوت به حضور ملت در میداين، اعتراض نسبت به توطئه به آشوب کشیدن اجتماعات از سوی عناصر مشکوک هشدار می‌دهم که هدف نهایی این اقدامات پایان دادن به حضور شما ملت عزیز است. ذره ای در تداوم حضور خود و ذره ای در مشکوک بودن این آشوب ها تردید نکنید.

اینجانب از آنجایی که انتخابات ۲۲ خرداد را نامشروع می‌دانم و نتایج برآمده از آن را قبول ندارم و این فرد را برای ریاست جمهوری اسلامی ایران به رسمیت نمی‌شناسم. از همه مردم تهران دعوت می‌کنم ساعت ۱۱ صبح روز جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ با لباس سیاه به نشانه سوگواری برای شهدای راه جمهوریت نظام اسلامی ایران از میدان ۷ تیر تا محل برگزاری نماز جمعه حضور یابند و با حضور آرام و آگاهانه خود اعتراض خویش به انتخابات را اعلام کنند و خواسته ابطال انتخابات نامشروع ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ را به گوش عالی ترین مقام کشور برسانند.

حضور شما در نماز جمعه تهران – که به امامت رهبری نظام برگزار می‌شود – باطل کننده القائنات افرادی است که معتقدند اصلاح طلبان خواهان آشوب و حرکت در ورای چارچوب قانون هستند. قانون اساسی به همه شما این حق را داده است که در خیابان ها حضور یابید و بدون هرگونه تخریب اموال عمومی صدای خویش را به گوش حاکمان برسانید و به نشانه جدایی خود از صفوف اخلال گران مشکوک با نشان های سیاه خویش را از ایشان جدا سازید.

مهدی کروی ۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۸

## بیانیه شماره ۴ مهدی کروی

بسم رب الشهداء و الصدیقین

ملت بزرگ ایران

متأسفم که اعتراض مسالمت آمیز هموطنان عزیزمان در قبال تقلب و تخلف گسترده و نادیده گرفتن حق آنان در انتخابات بالاترین مقام اجرایی کشور، با سرکوب و خشونت غیر قابل وصف مواجه شد. صحنه های دلخراش و تکان دهنده شهادت تعدادی از زنان و مردان این سرزمین که مطابق نص صریح قانون اساسی و در جهت نشان دادن اعتراض خود به خیابان ها رفته بودند، دل هر انسان آزاده ای را به درد آورد. آیا به راستی با مردمی که در جمعه ۲۲ خرداد با حضور خود حماسه افتخار آمیزی برای نظام خلق کردند، باید چنین بی رحمانه برخورد کرد؟ تمامی ارکان نظام جمهوری اسلامی مطابق قانون اساسی بعنوان میثاق ملت و آموزه های امام، مشروعیت خود را از رای ملت به طور مستقیم و یا غیر مستقیم اخذ می‌کنند. مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد، آزاد است. پر واضح است که خیانت در امانت ملت مغایر تعهد دولت در قبال ملت بوده است (اوفو به العهود) و اتفاقاً آنانکه حرمت رای مردم را پاس نداشتند به ملت باید مورد مواخذه و بازخواست قرار گیرند و اعتراض مسالمت آمیز ملت نسبت به خیانت صورت گرفته نه تنها مخل مبانی اسلام نیست بلکه در جهت اعمال آموزه های اسلامی است.

متأسفانه کسانی که عظمت رفتار مدنی و بدور از خشونت مردم را بر نمی‌تابند بدنبال حاکم کردن فضای رعب و وحشت و ایجاد فضای امنیتی از آن دهنده به هدف تحمیل اراده اقلیت بر اکثریت هستند. ملت ما در جریان انقلاب اسلامی زنگار های طاغوتی را زدود و با تاسی از موازین اسلامی بدنبال عینیت بخشیدن به ارزش های والای اسلامی و ایرانی است و هر کس که بخواهد این

حقیقت را کتمان کند در مقابل سیل خروشان ملت قرار خواهد گرفت. قانون اساسی این میراث گرانبهای ملت، تضمین کننده نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی است. بگسستن از نظام استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان دستاورد سال ها مبارزه مردم و رهبران ملی و مذهبی خاصه امام راحل است که به سادگی و به بهانه های واهی نمی توان مردم را از آن محروم کرد. اینجانب ضمن همدردی با خانواده های شهدا و مجروحین حوادث اخیر و در جهت برگزاری مراسم سوگواری در شان و منزلت شهدا بدین وسیله از هموطنان عزیز دعوت می کنم در مراسم بزرگداشت شهدای چند روز گذشته که متعاقبا زمان و مکان آن اعلام خواهد شد حضور یابند. شایان ذکر است که علی رغم تلاش های مکرر تا کنون موفق به گرفتن مکان خاص برای برگزاری این مراسم نشده ایم و تاخیر در ارسال این بیانیه نیز به علت پیگیری و هماهنگی های لازم مرتبط با اخذ مکان مناسب جهت برگزاری این مراسم بوده است. انشاءالله با پیگیری های مستمر موفق به اخذ مکان مناسب برای برگزاری مراسم گرامیداشت شهدای حوادث اخیر شویم که به محض به نتیجه رسیدن پیگیری ها مکان و زمان برگزاری این مراسم به هموطنان اعلام خواهد شد. اما نکاتی به اجمال و بر حسب ضرورت مطرح و از مسئولین می خواهم نسبت به آن اقدام عاجل نمایند:

- ۱/ بازداشت فله ای فعالان سیاسی و تعداد زیادی از هموطنان در راهپیمایی ها مطابق قوانین و مقررات کشور چه به لحاظ شکلی و چه به لحاظ ماهوی غیر قانونی است، لذا آزادی فوری بازداشت شدگان را که می تواند در آرامش به جامعه کمک کند خواستارم.
- ۲/ فراهم آوردن امکانات و شرایطی در جهت درمان مجروحان اخیر.
- ۳/ تحویل پیکر شهدا به خانواده آنان و اجازه برگزاری مراسم سوگواری مطابق شان و منزلت آنان.
- ۴/ لغو فضای سانسور و فشار بر مطبوعات و سایر رسانه ها.

مهدی کروی  
۱۳۸۸/۴/۱

## نامه سرگشاده مهدی کروی به ضرغامی رئیس صدا و سیما

بسمه تعالی

جناب آقای مهندس ضرغامی  
رئیس محترم سازمان صداوسیما

با سلام

عملکرد صداوسیما در چگونگی انعکاس موج عظیم اعتراضات آرام مردم در سطح کشور به خصوص مردم شریف و قهرمان تهران پس از انتخابات بی نظیر ۲۲ خردادماه هر بیننده و شنونده منصف و علاقه مند به امام و نظام جمهوری اسلامی را به تحیر واداشت آیا آنچه که مردم شریف ایران در این چند روز خواستار آن بوده و هستند جز احقاق حق و صیانت از آرای خود بوده است. عدم اطلاع رسانی مناسب از خواست واقعی ملت و انتشار اخبار تجمعات آرام میلیونی به خصوص در روز دوشنبه ۲۵ خردادماه که همگان آن را با راهپیمایی ایام انقلاب مقایسه نموده و حتی قابل قیاس با راهپیمایی های مرسوم ۲۲ بهمن نبوده با رسالت رسانه ملی سازگار است؟

آیا ضرب و شتم و کشتار مردم بی گناه که غالبا توسط نیروهای لباس شخصی انجام می شود و انعکاس و اروونه آن در صداوسیما جزو رسالت رسانه ملی است؟

آیا حمله به کوی دانشگاه توسط لباس شخصی ها که نمایندگان مجلس و مراجع رسمی و حتی مقام معظم رهبری نیز بر آن تعریض داشته اند و نسبت دادن این خشونت ها به انبوه جمعیت معترض به نتیجه انتخابات و تشبیه آنها به منافقین سال های ۶۰ جزو رسالت رسانه ملی است؟ آیا نسبت دادن آتش سوزی ها و آتش زدن مساجد و تخریب اموال ملت که حسب اطلاعات واصله غالبا از سوی لباس شخصی هاست و البته ممکن است بعضا تعدادی عناصر نفوذی هم سوءاستفاده کنند جزو رسالت رسانه ملی است؟ آیا مردمی که الله اکبرهای شبانه سر می دهند مسجد آتش می زنند؟

آیا این صداوسیما همان صداوسیمایی است که حسب فرمایش امام باید کارخانه آدم سازی باشد؟  
آیا نمایش اینگونه ای اعتراضات مردمی به نوعی منجر به تطهیر منافقین سال های ۶۰ نخواهد شد؟



آیا عملکرد صداوسیما، بی‌اعتمادی مردم را به نظام جمهوری اسلامی افزایش نخواهد داد. نشان دادن صحنه‌های ضرب و شتم و حتی کشتار رقت‌انگیز جمعی از مردم دل‌اینجان را به شدت آزرده کرده است و به گمان من در صورت عدم دخالت نیروهای لباس شخصی و انتظامی و فرضا نیروهای نفوذی و اغتشاشگر این صحنه‌های دلخراش به‌وجود نمی‌آمد اما آیا انعکاس آن در صداوسیما و نسبت دادن آن به جمعیت میلیونی جزو رسالت رسانه ملی است.

جناب آقای ضرغامی، به خوبی می‌دانید که آنانی که امروز از دولت آقای احمدی‌نژاد حمایت می‌کنند کسانی هستند که مروج اسلام تحجر و اسلام طالبانی هستند که نقطه مقابل تفکر حضرت امام قرار دارند و مردمی که معترض به نتایج انتخابات هستند به نتیجه انتخاباتی معترضند که در یک فرایند مهندسی شده و تقلب‌های فراوان، فردی را به عنوان رئیس‌جمهور آینده اعلام کرده است که بتواند مجری تفکر متحجرانه و تفکر نشأت گرفته از مکتب آقای مصباح‌یزدی است.

جناب آقای ضرغامی عملکرد رسانه ملی قبل از انتخابات که ترویج دروغ‌گویی، هتک حرمت، اتهام‌زنی، استفاده نادرست از رسانه ملی برای یک کاندیداست جای بحث طولانی دارد که در یک فرصت مقتضی باید به آن پرداخت. از شما به عنوان رئیس این رسانه ملی اکیدا می‌خواهم پیام این مردم عزیز و شریف را دریابید و رویکرد رسانه ملی را در چگونگی انعکاس اعتراضات آرام مردمی اصلاح نمایید و بیش از این مردم را برای کسب اطلاعات و اخبار به سمت رسانه‌های خارجی سوق ندهید.

مهدی کروی  
۱۳۸۸/۴/۲

## متن شکایت مهدی کروی به شورای نگهبان

بسمه تعالی

هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شورای نگهبان

گرچه طی دو روز گذشته از سوی ستاد اینجانبدارها مورد شکایت مستند از روند برگزاری انتخابات اخیر به آن شورا ارسال شده است، در عین حال این گزارش نیز در جهت تکمیل آن موارد و به عنوان شکایت پایان جهت ابطال انتخابات تقدیم می‌گردد. موجب تأسف است که پیش از رسیدگی به شکایت و اظهار نظر رسمی آن شورا درباره صحت انتخابات، رسانه ملی با معرفی آقای احمدی‌نژاد به عنوان رییس‌جمهور منتخب، حکم نهایی را صادر کرده است و این شائبه را ایجاد کرده که ارایه شکایت مفید فایده نیست، با این وجود، شکایت حاضر تقدیم می‌شود، شاید اعضاء محترم آن شورا با تصمیم مناسب خود، این جریان انحرافی را متوقف نمایند. هموطن سلام: این شکایت در ۴ بند تنظیم شده و به ترتیب از صلاحیت فردی آقای احمدی‌نژاد شروع و به وضعیت شمارش آرا ختم می‌شود، اگرچه مساله اصلی ما در این مرحله که موجب خدشه به نتایج شده است، اتفاقاتی است که در روز رای‌گیری و شمارش آرا رخ داده است.

### ۱- صلاحیت فردی آقای احمدی‌نژاد

در اصل ۱۱۵ قانون اساسی کیفیت ویژگی‌های رییس‌جمهور مشخص شده است، ما درباره رجل مذهبی، سیاسی بودن نامبرده یا مدیر و مدبر بودن فعلا وارد بحث نمی‌شویم، چرا که ممکن است موضوعی سلیقه‌ای و قابل احتجاج باشد. اما امانت‌داری و تقوا به عنوان دو شرط دیگر نامزد ریاست جمهوری قید شده است که در نقض این دو ویژگی نزد ایشان می‌توان موارد فراوانی را ذکر کرد که در اینجا فقط به بخش بسیار کوچکی از آنها اشاره می‌شود.

- یکی از مصادیق مهم امانت‌داری حفظ بیت‌المال و هزینه کردن آن در چارچوب قانون است، گزارش رسمی دیوان محاسبات مبنی بر حدود ۲۰۰۰ تخریف مالی در عملکرد بودجه ۸۵ و تایید گم شدن یک میلیارد دلار و ده‌ها مورد دیگر که از ترس اقدامات تلافی‌جویانه، مکتوب نمی‌شود و صرفاً بصورت شفاهی بیان می‌گردد، مصداق بارز نقض این ویژگی است.

- شرط تقوا بدون صداقت و راستگویی تحقق نمی‌یابد. دروغ‌بین و آشکارناقص وجود چنین شرطی است که در اینجا صرفاً به مواردی اشاره می‌کنم که همه ملت آن را شنیده‌اند، از جمله تکذیب صریح بیان رویت هاله نور از سوی آقای احمدی‌نژاد در مناظره با اینجانبدار که می‌توانید از آیت الله جوادی آملی صحت آن را استعلام کنید. بیان این که صد کشور خواستار الگوبرداری از ایران شده‌اند، ادعای این که آمریکایی‌ها می‌خواسته‌اند مرا بزدند، دروغ صریح در مناظره با آقای رضایی مبنی بر این که تعریف اشتغال و بیکاری در دولت پیش‌تغییر کرده است و آخرین مورد آن نیز ادعای وی از عدم وصول شکایت از سوی نامزدهای انتخاباتی از روند انتخابات به شورای نگهبان است که این مورد را شورای نگهبان بهتر از هر مرجع دیگری از کذب بودن آن اطلاع دارد.



## ۲- تخلفات پیش از برگزاری انتخابات

- وجود موارد فراوان تخلف در هفته های منتهی به انتخابات تردیدی باقی نمی گذارد که با انتخاباتی یک سوپیه مواجه بوده ایم.
- بسیج کلیه امکانات مالی حکومت و پخش آن در میان مردم از طرق رسمی و غیررسمی و بکارگیری نهادهایی نظیر تامین اجتماعی ، کمیته امداد ، و ... که این کارچیزی جز خرید آرای مردم نیست و بدتر این که این خرید نه از پول شخصی نامزد اعلام شده ، بلکه از جیب ملت است.
- بکارگیری منابع دولت در جهت تبلیغ به نفع آقای احمدی نژاد و علیه سایر نامزدها که موارد آن را در روزنامه کیهان ، ایران ، و امثالهم مثال روشن این تبعیض هستند.
- تبلیغات کاملاً یک سوپیه صدا سیما که حتی در آخرین لحظات انتخاباتی نیز به نفع آقای احمدی نژاد وارد کارزار شد که چنین جهت گیری آشکار در هیچ انتخاباتی مسبوق به سابقه نبوده است.
- ادعای دروغ علیه افراد یا درباره امور کشور در مناظره ها که حتی یک مورد آن برای اعلان عدم صلاحیت و اخراج هر نامزدی که چنین دروغهایی را ادعا کند ، کافیست.

## ۳- تخلفات روز انتخابات

- گرچه برحسب قانون هر یک از موارد پیش گفته برای اتخاذ تصمیم علیه آقای احمدی نژاد کافی بود ، اما با علم به این تبعیض ها و نابرابری و وارد انتخابات شدید و کلیه نظرسنجی ها و شواهد موید آن بود که آقای احمدی نژاد رفتنی است و اتکا به این تبعیض ها و تخلفات نیز وی را نجات نمی دهد. از این رو بود که تخلفات اصلی در روز انتخابات و شمارش رای آغاز گردید. از روز قبل انتخابات تخلفات آغاز گردید که شرح مختصری از آن تقدیم می شود.
- قطع سیستم sms و قطع ارتباط فعالان ستاد انتخاباتی من با ستاد مرکزی و صیانت از آرا
- عدم صدور و تاخیر در صدور کارت برای نمایندگان معرفی شده از سوی ستاد من برای حضور در محل صندوقهای آرا که به بهانه مختلف و غیرقانونی از سوی وزارت کشور انجام شد. به عنوان مثال در شهر تهران تعداد اندکی از ۳۱۰۰ تقاضای انجام شده برآورده گردید و تعدادی از کارت ها هم در روز رای گیری صادر شد که تماماً تخلف محسوب می شود.
- اخراج نمایندگان اندک من هنگام پلمپ کردن صندوق ها که این کار تنها در شرائطی صورت می گیرد که قبل از پلمپ شدن تعداد قابل توجهی رای در آن ریخته شده باشد و کم آمدن تعرفه ها در ساعات اولیه نیز موید وجود چنین اقدامی است.
- تمام شدن تعرفه ها در بسیاری از صندوق ها در ساعات اولیه رای گیری یاد آور اقداماتی است که در سال ۱۳۷۶ در استان لرستان رخ داد و تعداد آرا و اریز شده در صندوق ها بیش از جمعیت واجد حق رای در آن استان گردید!!
- جلوگیری از رای دادن مردم در ساعات پایانی رای گیری شاهد دیگری از تخلف است زیرا بر خلاف انتخابات گذشته که تا زمان حضور مردم در مراکز اخذ رای ، رای گیری ادامه می یافت اما این بار به سرعت مراکز اخذ رای را تعطیل کردند. ظاهراً این نگرانی وجود داشت که تعداد آرا در برخی مناطق رای از کل واجدین حق رای آن منطقه بیشتر شود.

## 4- شمارش آرا

- علیرغم همه این تخلفات آشکار مهمترین بخش اعتراض ما به شمارش غیرواقعی آراست. نحوه اعلان و نسبت آرا در ۹ یا ۱۰ مرحله از سوی وزارت کشور نشان دهنده وجود فرمولی مشخص و از پیش تعیین شده برای آرا نامزدهاست. با توجه به اینکه هیچ یک از نظرسنجی های موجود که از سوی افراد نزدیک به دولت انجام شد چنین درصدهایی را پیش بینی نمی کرد و شواهد تجربی نیز در تعارض با چنین نتیجه ای بود ، اما روزنامه کیهان و خبرگزاری فارس ساعت ها قبل از پایان رای گیری نسبت ۶۰ درصد آرا را برای آقای احمدی نژاد تعیین کرده اند که هیچ شبهه ای در وجود چنین فرمولی باقی نمی گذارد. برای اولین بار است که در انتخابات موجود بر خلاف انتخابات های گذشته نامزدهای اصلی دیگر حتی در استانها و محل خود نیز اکثریت آرا را بدست نیاورده اند. در حالیکه حتی در سال ۱۳۷۶ آقای ناطق نوری تنها در استان مازندران و لرستان آرای بیشتری را به خود اختصاص داد که دومی به علت تقلب بود و اولی نیز طبیعی می نمود. در انتخابات گذشته نیز اکثر نامزدها در محل های خود رای اول را آوردند و طبعاً این رویداد از معجزات انتخابات اخیر است.
- در پایان متذکر می شوم که مستندات و موارد مورد ادعا در شکایت قبلی تقدیم آن شورا شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مردم در صحنه از دست آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است که باید آن را پاس داشت و راههای آن را گشاده تر کرد. این حضور شکوهمند از همه بخش ها و گروههای سنی و صنفی در ایران یک پیام روشن دارد که مردم صاحب کشور و انقلاب اند. این پیام را امروز نیز باید دریافت؛ سکوت اعتراضی و رفتار مدنی مردم در راهپیماییها هم نشانه رشد و بیداری و مسؤولیت پذیری مردم است و هم حکایتگر این واقعیت انکار ناپذیر است که مردم دارای حقوق اساسی و مشخص هستند که هر نظامی موظف به رعایت آنهاست. تبلیغات تحریک کننده و اهانت آمیز نسبت به مردم که همواره مستقل عمل کرده اند و انتساب حرکت سالم آنان به بیگانگان خود جلوه ای از اعمال سیاست های نادرست است که سبب دورتر شدن مردم از حکومت می شود.

در ایران انتخاباتی برگزار شده است و انبوهی از مردمان بزرگوار که آن حماسه حضور را آفریدند نتیجه اعلام شده را باور ندارند و به آن معترض اند. اعتماد عمومی در این زمینه لطمه دیده است و بستن راه اعتراض مدنی به روی مردم به معنی گشودن راههای خطرناکی است که خدا می داند به کدام سرانجام برسد.

باید حق مردم را پاس داشت و در عین تدبیر در برابر هرگونه تشنج و تشنج آفرینی و ناامنی (که از ساحت مردم به دور است) باید از شیوه های پرهزینه و زیانبار برای نظام و مردم از جمله مقابله نظامی و خشونت فاصله گرفت و همگان در جهت ترمیم اعتماد عمومی که پشتوانه اصلی نظام و کشور است برآییم و حرکت کنیم.

ضرب و جرح و ارعاب که نمونه تأسف آور آن را در روز شنبه شاهد بودیم و موجی از دستگیری از زنان و مردان و نخبگان سیاسی و فرهنگی کشور از اولین ساعات اعلام نتایج تاکنون و ممانعت از اجتماعات آرام و باوقار مردم که از نشانه های فرهنگ بالای هموطنان است، مشکلات را افزون می کند.

فرصت ها به سرعت می گذرد و به تهدید تبدیل می شود، در حالی که بر این باورم که هنوز راه رهایی از این وضعیت آشفته بسته نیست و نیازی به امنیتی کردن و نظامی کردن فضا ندارد.

ارجاع امر به مرجع یا مراجعی که باید حافظ حقوق مردم و مجری انتخابات سالم و آزاد و ناظر بر آن باشند، ولی خود مورد انتقاد و شکایت اند راه حل مسأله نیست.

در بازگشایی این گره چرا نگاهی به روش و سیرت حضرت امام (ره) نداریم که در موارد مشابه بوده است و می تواند و باید مورد تأسی و اهتمام قرار گیرد.

تعیین هیأتی عادل، کاردان، بیطرف و شجاع که به ویژه مورد اعتماد معترضان هم باشد و پذیرش داوری منصفانه آن هیأت راهی برای عبور از این مرحله و گامی مثبت در جهت تقویت نظام و بازسازی اعتماد عمومی و نیز نشانه تصمیم گیری خطیر و گره گشا در هنگامه های حساس به نفع مردم و در جهت آرمانهای انقلاب است.

آزادی سریع دستگیر شدگان و زندانیهایی که موجب نگرانی عمیق خانواده های آنان و بسیاری از مردم شده است و نیز بازکردن راههای ارتباطی و اطلاع رسانی که متأسفانه همه را بسته اند می تواند فضای جامعه را تلطیف کند.

از سوی دیگر اعتراض و انتقاد به شیوه مدنی و به دور از هرگونه ناآرامی را که حق مسلم مردم است باید همگان پاس داریم. نفی خشونت و تغییر فضا سازی کین توزانه و دشمن آفرین و مبتنی بر تهمت و افترا به فضای جدید مبتنی بر حقیقت، به محبت و دوستی و تعامل با یکدیگر نیز باید سرلوحه عمل قرار گیرد.

در این صورت است که هر هزینه ای که پرداخت شود نظام با همه ارزشهایش مصون و محفوظ خواهد ماند.

مردم حضور دارند و همچنان در انتظارند، این حضور را باید محترم شمرد.

ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله \* علیه توکلت و الیه انیب

سید محمد خاتمی

13 خرداد 1388

## نامه مشترک میرحسین موسوی و سید محمد خاتمی خطاب به رییس قوه قضائیه

بسمه تعالی

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، ریاست محترم قوه قضائیه  
با سلام و تحیت

افزون بر مکانت قوه قضائیه و محوریت آن در دادگستری و تامین عدالت و حقوق مردم فحسَن توجه جنابعالی به حقوق شهروندی و مواضع منصفانه شما در قبال مسایل جاری قضایی سبب می شود که در باب قضایای نگران کننده روزهای اخیر از جنابعالی درخواست رسیدگی و پیگیری عاجل و اساسی است.

درفضای اجتماعی امروز شاهد حضور مردمی هستیم که احساس می کنند حق آنها جفا شده است و در اعتراض خود رفتاری کاملاً مدنی را نشان می دهند.

طبق گزارشهای متقن برخوردهای خشونت آمیز با اجتماعات و افراد عادی و نیز حمله به مجتمع های مسکونی و منازل مردم به جرم اینکه اعتراض خود را با ذکر مبارک الله اکبر نشان می دهند و ضرب و جرح زنان و مردان و تخریب ساختمان و ویران کردن و مسائلی صورت می گیرد که با هیچ یک از معیارهای قابل قبول جمهوری اسلامی سازگار نیست و نتیجه ای جز بد بینی جامعه به نظام نخواهد داشت.

علاوه بر این تهاجم به دانشگاهها و خوابگاههای دانشجویان عزیز و ضرب و شتم و دستگیری جوانان از دختر و پسر مزید بر علت شده است. مستحضرید که در چند روز گذشته موج دستگیری ها بدون رعایت موازین قانونی چهره های شاخص سیاسی و اجتماعی و متعهدان مردم، تهران و شهرهای مختلف را دربر گرفته است.

دستگیری این شخصیتها و افراد که قالباً نقش فعال و موثری در خدمت به مردم کشور و جلوگیری از خشونت و رفتارهای غیر مدنی دارند تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه موجب تخریب افکار عمومی و تشدید نگرانی و ناآرامی ها است.

مناسفیم که اقدام های تشنج آمیز و در پی آن برخوردهای خشن مأموران احياناً به کشتار نیز منتهی شده است بدون تردید ایجاد چنین تشنج هایی از موارد مشکوکی است که ساحت مردم بزرگوار که رشد و رفتار مدنی خود را از جمله در راهپیمایی شکوهمند روز دوشنبه نشان داده اند از آن بری است. ما همواره مردم را به قانون و نظم و آرامش دعوت کرده ایم و در این زمینه از جنابعالی نیز استمداد می کنیم.

از آن جناب می خواهیم که بر حکم مسئولیت شرعی و قانونی و نیز احساس مسئولیتی که در دفاع از حقوق شهروندان دارید نسبت به خاتمه دادن به وضعیت نگران کننده و تحریک آمیز کنونی و جلوگیری از برخورد خشونت آمیز با مردم و آزادی دستگیر شدگان، هرگونه اقدام و مساعدتی را که میسر است مبذول نمائید.

میرحسین موسوی سید محمد خاتمی

## بیانیه مجمع روحانیون مبارز در باره نتایج دهمین انتخابات ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

مجمع روحانیون مبارز ضمن سپاس از حضور شاداب ملت و به خصوص جوانان عزیز در عرصه انتخابات دهم ریاست جمهوری که بارفتار مدنی، سرزندگی و متانت خود خاطرات دوران پرشکوه انقلاب را تجدید کردند و ضمن پوزش از اینکه نتوانستیم از آرای مردم صیانت به عمل آوریم، به استحضار مردم شریف می رساند که در این انتخابات صرف نظر از نتیجه ای که معلوم شد آنچه موجب تاسف و نگرانی بیشتر است اعمال نوعی مهندسی آرای گسترده در این دوره است.

این امر اگر به صورت رویه درآید، به جمهورییت نظام لطمه غیر قابل جبران می زند و اعتماد مردم را که بزرگترین پشتوانه نظام است. خدشه دار می کند. دلایل و شواهد کافی وجود دارد که نتیجه اعلام شده مورد قبول واقع نشود.

مجمع روحانیون مبارز در جلسه ای فوق العاده به این نتیجه رسید که برای دفاع از جمهورییت اسلامی نظام و بازگرداندن اعتماد عمومی و نگاهبانی از موج آشتی ملی با صندوق های رای، ابطال این انتخابات و تجدید آن در فضایی عادلانه تر و منطقی تر راهکار مناسب است یا دست کم تعیین هیاتی بی طرف و کاردان و شجاع برای حقیقت یابی و اعلام نظر نهایی به ملت و رهبری تصمیمی درست در جهت آرمان های والای انقلاب و اندیشه های حضرت امام و تقویت اعتماد ملی است.

ما و هواداران پر شور و باشعور جناب میرحسین موسوی ضمن حفظ هوشیاری و پرهیز از هر عملی که به تشنج بیانجامد و به سرکوب گران بهانه دهد مهندس موسوی عزیز را تنها نخواهیم گذاشت.

مجمع روحانیون مبارز

88/3/24

## بیانیه مجمع روحانیون مبارز در خصوص وقایع پس از انتخابات

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا و غيبته و لينا و كثرة عدونا و شدة الفتن بنا

بیش از ده روز است که از انتخابات ریاست جمهوری می گذرد، مردم نجیب ایران که با هزاران امید و آرزو و شور و شوق به پای صندوق های رای آمدند، اکنون باید جنازه جوانان خود را از میان خاک و خون بردارند و به سوگ آنان بنشینند، میلیون ها انسان در سراسر کشور به نتایج اعلام شده این انتخابات باور و اطمینان ندارند، بلکه آن را محصول یک طرح حساب شده می دانند و بدان معترضند، میلیون ها انسان در سراسر کشور می خواهند و حق دارند فریاد اعتراض خود را به صورت راهپیمایی و اجتماعات آرام به گوش طرفداران حق و عدالت برسانند. آیا پاسخ این فریادهای حق طلبانه سفیر گلوله هایی است که سینه فرزندانمان را بشکافد و پیر و جوان و زن و مرد را به خاک و خون بکشد؟

وقتی از نظر میلیون ها انسان فهم و آگاه مجریان و ناظران انتخاباتی در مظان اتهام قرار دارند آیا منطقی است که آنان را برای احقاق حق خویش به محکمه ای حواله دهند که داورانش در معرض اتهامند؟ اگر حضور گسترده مردم در پای صندوق های رای آگاهانه بوده و امضاء سند افتخار جمهوری اسلامی است، پس چرا حضور اعتراضی میلیون ها نفر از همین مردم به توطئه و دسیسه بیگانگان نسبت داده شده می شود مگر رژیم های گذشته در ایران و سایر کشورها از این اباطیل چه طرفی بستند که امروز همان نسخه پوسیده را کپی کرده و به مردم اهانت می کنند.

میلیون ها انسان شریف و آگاه بر این باورند که با آراء آنان بازی شده و به فهم و شعورشان اهانت شده است و برای دفاع از حیثیت و کيان خود به صورت خودجوش به خیابان ها ریخته اند تا دردها و تحقیرهای فروخورده خود را فریاد کنند. چرا به مردم اهانت می کنند و این حرکت مردمی و در کمال وقار و آرامش را به بیگانگان نسبت می دهند و هزاران نفر را در خیابان ها و از خانه هایشان می ربایند و با رفتاری بسیار زشت و ناپسند آنان را اعم از زن و مرد به نقاط نامعلوم می برند؟ حرکت میلیون ها جوان در ایام انتخابات و در راهپیمایی ها با فریاد الله اکبر و با شعار یا حسین چه کسانی را آزرده و عصبانی کرده است که باید به خوابگاه دانشجویان شبانه حمله کنند و با ضرب و شتم بی حساب آنان را آواره کنند و خوابگاه آنان را به ویرانه تبدیل کنند؟ تاسف بارتر از این عمل آن است که این حمله مغول آسا را به خود مردم نسبت دهند. فانالله و انا الیه راجعون.

کدام عقل سلیم باور می کند که حرکت اعتراضی میلیون ها انسان آگاه از کارگران، کسبه، کشاورزان، روحانیون، دانشجویان و سایر اقشار نقشه و طراحی این گروه یا آن گروه و با حمایت بیگانگان باشد؟ چرا شخصیت های محترم و خدمت گذار ملت طول سی سال گذشته را به بهانه های واهی با بدترین رفتارها و دستگیری می کنند و به زندان ها می کشانند؟ کسانی که دست به چنین اعمال می زنند و سرمایه های اجتماعی جامعه را این گونه تاراج می کنند، از خدا بترسند و از عاقبت خود بهراسند.

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی که در طول سالیان دفاع مقدس نخست وزیر این کشور بوده و همواره در برابر کارشکنان مورد حمایت بی دریغ حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بوده است، پس از بیست سال رصد کردن اوضاع کشور امروز احساس خطر کرده است و برای نجات کشور از مدیریت غلط چهار سال گذشته به میدان آمده و در مدت کمتر از سه ماه میلیون ها انسان شیفته امام خمینی را با یاد و نام آن عزیز به صحنه آورده است و میلیون ها جوان را که می رفتند از هر نوع مشارکت و همراهی جمهوری اسلامی رو بگردانند، با نشان دادن راه و خط صحیح حضرت امام خمینی به پای صندوق های رای آورده است، آیا چنین شخصیتی به

جای آنکه مورد تقدیر و تجلیل قرار گیرد، باید توسط همان‌هایی که در آن زمان در برابر امام صف‌آرایی می‌کردند و نیز خلاف آنان امروز مورد عتاب قرار گیرد و آنچه زبینه خود آنان است به مهندس موسوی نسبت دهند؟ آیا آقای مهندس موسوی مسبب اغتشاش‌های است یا آنان که با لشکرکشی در خیابان‌ها شهر را به صورت یک پادگان نظامی درآورده‌اند و مردم بویژه جوانان را تحریک می‌کنند و احساساتشان را جریح‌دار می‌سازند؟

مردم می‌گویند در انتخابات امانت‌داری نشده است و باید انتخابات ابطال شود، آیا پاسخ چنین خواسته‌ای بر فرض که به اعتقاد مسئولان برنامهریز و مجریان انتخابات صحیح نباشد، انواع اهانت‌هایی است که از بلندگوهای حکومتی نثار مردم می‌شود و باید پس از آن با چوب و چماق و تفنگ و گلوله به آنان حمله شود، عده‌ای مجروح یا کشته و گروهی هم به بند کشیده شوند؟ آیا دستی در کار است تا با این رفتارهای غیر انسانی آبروی امام و جمهوری اسلامی را به تاراج دهد؟

ما قویاً از جناب آقای مهندس میرحسین موسوی حمایت می‌کنیم و در برابر تهمت‌های ناجوانمردانه و از آن جمله تهمت تسبیب اغتشاش‌ها به ایشان از وی دفاع می‌کنیم و عامل همه اغتشاش‌ها و زخمی شدن‌ها و دیگر خساراتی را که به مردم وارد شده است، کسانی می‌دانیم که بی‌جهت شهر را به صورت پادگان نظامی درآورده‌اند و آنها باید شناسایی و محاکمه شوند.

ما مصرانه خواستار آزادی تمامی دستگیرشدگان از شخصیت‌های سیاسی روحانی و غیر روحانی هستیم و هرگونه محاکمه غیرقانونی و بازجویی‌های تحت فشار و رعب را محکوم می‌کنیم.

آیا عدل و انصاف است که صدا و سیمای حکومتی به میلیون‌ها انسان و نخبگان آنان هر گونه اهانتی را روا دارند و هیچ فرصتی برای این بی‌گناهان ایجاد نشود تا از خود دفاع کنند و حقایق را با مردم در میان بگذارند. وقتی وسائل ارتباطی از پیامک‌ها و سایت‌ها و اینترنت همه را از کار بیندازند و در تلفن‌های همراه اختلال ایجاد کنند و تنها وسیله اطلاع‌رسانی یعنی صدا و سیما را از شأن یک رسانه ملی به رسانه دولتی تبدیل کنند و یک‌جانبه به بدترین شیوه حقایق را وارونه جلوه دهند. آیا می‌دانید با بی‌اعتبار شدن این رسانه فراگیر مردم به پای رسانه‌های بین‌المللی کشانده می‌شوند و با شنیدن و دیدن حقایق جاری در میان جامعه به دروغ‌پردازی‌های رادیو و تلویزیون نفرین می‌کنند؟

شرط انصاف آن است که حداقل یکی از شبکه‌های سراسری سیما برای پاسخ‌گویی به این همه دروغ‌پردازی و وارونه جلوه دادن حقایق و متهم کردن گروه‌ها و اشخاص، در اختیار کاندیداهای محترم و طرفداران آنان و مردم مظلوم قرار می‌گرفت. بر حسب اطلاع بسیاری از عالمان برجسته حوزه علمیه مبارکه قم و سایر کشور شدیداً تحت فشار قرار گرفته‌اند تا در مقابل میلیون‌ها انسان موضع بگیرند. ما از مقاومت آنان در برابر این زیاده‌خواهی‌ها صمیمانه و متواضعانه تشکر می‌کنیم و امیدواریم مراجع بزرگ تقلید و عالمان برجسته مانند همیشه ملجاء مردم مظلوم باشند و در برابر حق‌کشی‌ها بایستند و تسلیم نشوند و اطمینان داریم که نخواهند شد و تاریخ پر افتخار مراجع تشیع این حقیقت را نشان می‌دهد.

مجمع روحانیون مبارز اصرار دارد که اجازه دهند مردم در سراسر کشور یک روز را برای شهیدان خود به سوگ بنشینند و مردم در کمال امنیت در مراسم عزاداری خانواده‌های آنان شرکت کنند.

ما برای بازگرداندن اطمینان و اعتماد مردم خواهان آن هستیم که هیاتی متشکل از افراد بی‌طرف و کاردان و آشنا به قوانین به شکایات نامزدهای معترض رسیدگی کنند و با رعایت حق و عدل به داور بنشینند و با تصمیمی خدایسندانه آرامش را به کشور برگردانند.

درد و رحمت خداوند بر ملت سرافراز ایران بویژه مردم بیدار و شجاع تهران، درود بر جوانان غیور بویژه دانشجویان پرشور، رحمت و غفران الهی بر شهیدان به خون خفته آنان، سلام بر زندانیان عزیز و به خانواده‌های محترم آنان. مجمع روحانیون مبارز خود را در عزای شهیدان و همدردی با خانواده‌های آنان شریک می‌داند و برای آنان صبر و پاداش از خداوند بزرگ مسئلت می‌دارد. مجمع روحانیون مبارز

88/4/1

## بیانیه جبهه مشارکت: اعتراضات خود را در چارچوب‌های مدنی

### ساماندهی کنید

به نام خدا

ملت شریف ایران

حضور با شکوه و دوران ساز شما در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در روز ۲۲ خرداد، نشانه‌ای عزمی ملی برای ایجاد تغییر و نجات ایران از پرتگاهی بود که دولت نهم پیش روی کشور و ملت قرار داده است و می‌توانست نوید دهنده‌ی فردایی روشن برای ایران عزیز باشد.

ولی با کمال تأسف اعلام نتیجه‌ی شگفتی‌آور انتخابات حکایت از سناریویی از پیش طراحی شده داشت که به هیچ وجه برای مردم قابل

تصور نبود و کودتائی انتخاباتی را نشان میداد. همانگونه که در روزهای پایانی تبلیغات انتخاباتی اتفاقاتی به هم پیوسته نگرانی از چنین طرح‌ریزی و سناریو پردازی را دامن می‌زد. توقیف روزنامه‌های حامی مهندس موسوی، قطع کامل شبکه پیامک، اختلال در شبکه تلفن همراه، اخلال در پذیرش نمایندگان ناظر معرفی شده از سوی مهندس موسوی و همچنین ایجاد مانع در اعمال نظارت آنان در شمارش آرا در تعداد زیادی از شعب اخذ رأی، اقدامات ایذایی توسط نیروهای امنیتی علیه ستادهای انتخاباتی مهندس موسوی و عدم ارائه مجوز به همایش‌ها و گردهمایی‌های حامیان ایشان، فیلترینگ کامل سایت‌های اطلاع‌رسانی حامی مهندس موسوی در روز انتخابات، قطع کامل شبکه ارتباطی کمیته صیانت از آراء، و در نهایت اعلام عجولانه و دستپاچه نتایج از پیش تعیین شده به همان شکلی که قبل از پایان رای‌گیری در رسانه‌های حامی دولت اعلام شده بود همه و همه نشان‌دهنده عزم جدی برای حاکم کردن خواست و اراده اقلیتی اقتدارگرا و قدرت طلب به جای رأی مردم است.

جبهه مشارکت ایران اسلامی ضمن پوزش از شما ملت ایران از آن جهت که علیرغم همه تمهیدات به سبب قانون شکنی‌های دست اندکاران انتخابات سو فشارها و تضییقات دستگاه‌های دولت نتوانسته است از رأی شما صیانت و حفاظت نماید اعلام می‌دارد که از نظر این حزب انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری تماماً مخدوش و غیر قابل دفاع است و لذا از متصدیان امر خواستار ابطال انتخابات، برخورد قانونی با متخلفان و برگزاری مجدد انتخابات تحت نظارت کامل ملت و نمایندگان قانونی نامزدهای انتخابات است. همه دلسوزان ایران می‌دانند که این فرایند به هیچ عنوان به صلاح کشور نخواهد بود از این رو از همه آنان می‌خواهیم که تلاشی ملی را برای توقف این روند، سامان داده و امید و نشاط و همبستگی ملی را به جامعه ایران بازگردانند.

جبهه مشارکت ضمن اینکه دولت و مسئولین انتخابات را مسئول شرایط بوجود آمده میدانند از همه هواداران خود می‌خواهد با هوشیاری کامل اعتراضات خود را در چارچوب‌های مدنی ساماندهی نمایند و از اقداماتی که می‌تواند منجر به تنش و تشنج گردد پرهیز نمایند تا مسئولین وضع موجود نتوانند با ایجاد فضای امنیتی و پلیسی و جو سرکوب اصل مسئله و خواست شما را که ابطال انتخابات است به محاق برند.

جبهه مشارکت ایران اسلامی

## بیانیه جبهه مشارکت در باره پروژه های نخ نمای اعتراف گیری

تحولات اخیر در کشور و نوع رفتار جریان اقتدارگرای حاکم، از نحوه تهیه مقدمات انتخابات تا برگزاری و اعلام نتایج غیرقابل باور آن، محدودیت بی نظیر در جریان ارتباطات اجتماعی از جمله قطع پیامک‌ها و اختلال در تماس‌های تلفنی و محدودیت‌های اینترنتی، دروغ پراکنی آشکار و تحریف‌های بهت‌آور رسانه به اصطلاح ملی و دیگر رسانه‌های وابسته به جریان دولتی از وقایع روز کشور، خشونت بی سابقه در مواجهه با اعتراض‌های آرام و مدنی، تهدید و ارعاب مخالفان سیاسی، محدودیت شدید در فعالیت خبررسانی رسانه‌های داخلی و خارجی در کشور و بالاخره موج گسترده بازداشت حامیان مهندس میرحسین موسوی و فعالان سیاسی اصلاح طلب و برخی روزنامه‌نگاران، نزد بسیاری از ناظران، کودتا یا شبه کودتای انتخاباتی نام گرفت.

اما شنیده‌ها و شواهد دیگری حاکی است که جریان حاکم به در دست گرفتن قدرت به هر نحو ممکن رضایت نداده و هدف شوم دیگری را با هدف تسویه حساب گسترده داخلی با مخالفان سیاسی قانونی در سر دارد.

پس از دستگیری‌های عجیب عده‌ای از فعالان سیاسی در منزل، خیابان و محل کار که گاه باتندی و خشونت همراه بوده، یک تحلیل مبتنی بر شایعاتی بود مبنی بر اینکه بازداشت شدگان قرار است به شیوه‌ای شناخته شده، تحت فشار برای اقرار به مسایلی قرار بگیرند که همچون بسیاری از اقرار مشابه، کذب آنها برای تمامی ناظران و مردم آگاه کشورمان بدیهی است اما هنوز برای برخی از چهره‌ها و جریان‌های شناخته شده جریان اقتدارگرا، این روش از اعتبار برخوردار است.

تحلیل خوش‌بینانه دومی نیز مطرح بود مبنی بر اینکه این رفتار جریان حاکم، رفتاری هیستریک، عصبی و موقتی است که در برابر موج گسترده مردمی، خط‌ارعاب را دنبال می‌کند و پس از مدتی، حداکثر پس از اعلام رسمی نتایج انتخابات، آزاد می‌شوند. اما آنچه در چند روز اخیر در رسانه‌های وابسته به جریان دولتی و اقتدارگرا منعکس شده، متأسفانه نظریه بدبینانه اول را تأیید می‌کند. ارائه تحلیل‌های هذیان‌گونه و رسوا مبنی بر اعترافات بازداشت‌شدگانی که معلوم نیست از چه کانالی، چگونه و بر اساس چه قانونی به رسانه‌های اقتدارگرا رسانده می‌شود، گذشته از اینکه در صحت وقوع چنین اعتراف‌هایی تردید جدی وجود دارد و احتمالاً

هدف انفعال و انشقاق در بین نیروهای فعال در جامعه را دنبال می‌کند، تایید کننده این مطلب است که اراده جریان حاکم بر گرفتن ماهی های درشتی از آب گل آلود موجود است و به انحصار قدرت در دستان خود رضایت ندارد.

آنها در پی این هستند که حالا که اتهام کودتای انتخاباتی را به جان خریده اند، به سان بی آبرویی که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد، یکبار خود را از شر هر گونه رقیب و مخالف قانونی و دیده بان مدنی و هر شخص حقیقی و حقوقی دست و پاگیر دیگری راحت کند.

به میان کشیدن موضوع انقلاب یا کودتای مخملی از سوی اصلاح طلبان در خدمت همین هدف است. این ماجرای تازه در تحولات اخیر همان حکایت تکراری دکمه ای است که برای آن به دنبال کت می‌گردند. اتهامی را بدون سند به میان کشیده اند و حالا وظیفه یافته اند تا به هر نحوی آن را اثبات کنند و برای این قبای دوخته، پیکری برای پوشیدن و آنگاه نواختن بتراشند. در مکتب ماکیاولیستی آنها که هدف وسیله را توجیه می‌کند، اینک فشار به برخی از پاک ترین فرزندان این ملت و انقلاب در جریان است تا یکبار خود را در زندان متوجه کند که در تمام این سال ها در حال خیانت به انقلاب و میهن و مردم خود بوده اند و ناگهان بازجویی از راه رسیده و آنها را متوجه خیانت خود کرده است. ادعای محمل انقلاب مخملین که سال هاست اقتدارگرایان مایلند به اصلاح طلبان نسبت دهند و البته ناکام مانده اند. بگذریم از اینکه امکان انقلاب مخملی در ایران اساسا ممکن نیست و شبیه خواندن رژیم هایی که در آنها انقلاب مخملین حادث شد با هر نظامی به واقع توهین به آن نظام و متقلب و غیر قابل اصلاح خواندن آن است که اصلاح طلبان قطعا چنین نگاهی را به نظام ندارند.

در چنین شرایطی که مستی قدرت هوش از سر اقتدارگرایان برده و گنجینه پرافتخار نظام از اعتماد عمومی را به حراج در بازار هوا و هوس چند روزه قدرت گذاشته، اعتماد عمومی از نهادهایی که باید بی طرف باشند ولی نیستند را سلب کرده، انتخابات را از معنا تهی کرده، اطلاعات و آمار رسمی را به دستمایه ای برای طنز و شوخی های مردمی بدل کرده، لنگرگاه های معنوی جامعه در بحران ها را ملعبه منویات خود کرده و سرمایه اجتماعی را فرو ریخته، اینک به سراغ سرمایه هایی دیگر از نظام و انقلاب رفته اند که همانا فرزندان صادق و پاک آن هستند و بنای آن دارند که اتهامات سنگینی را با استفاده از اهرم فشارهای غیرقانونی به آنها نسبت دهند.

بدیهی و بر ما مسجل است که اقتدارگرایان در صورت تکرار این روش بارها آزموده شده، طرفی نبسته و تنها بر بی آبرویی خود افزوده و جامعه ما بر اساس خاطرات اعتراف گیری های ساختگی بسیاری که در ذهن خود دارد، فریب چنین بازی هایی را نمی خورد، اما هزینه هایی که بر نظام تحمیل می شود و ظلمی که بر عزیزانمان در بازداشتگاه ها و زندان ها می رود و وظیفه مان در برابر خانواده های مورد جفای این بازداشت شدگان، ما را از سکوت در برابر این ستم باز می‌دارد.

در این وضعیت دشوار و تلخ که دل همه متعلقان به انقلاب و شعارهای متعالی آن به درد آمده و بزرگان آن یکی پس از دیگری مورد اتهام و بی احترامی نامحرمان با انقلاب قرار می‌گیرند، از همه بزرگان، مراجع عظام که این روزها مرتبا به تظلم به آنها مراجعه می‌شود و هنوز منتظر پاسخ بایسته برخی از این بزرگواران هستیم که تاکنون پاسخی نداده اند، مقامات مستقل قضایی به خصوص رییس محترم قوه قضاییه جناب آیت الله هاشمی شاهرودی، احزاب و گروه ها درخواست داریم تا در برابر این خطای بزرگ که شواهد آن در سایت ها و روزنامه های جریان اقتدارگرا قابل مشاهده است، ایستاده و موضع گیری کنند.

همچنین بار دیگر اعلام می‌کنیم که هرگونه اعترافی که در زندان، تحت فشار از بازداشت شدگان گرفته شود قانونی و قابل استناد نبوده و این شیوه نخ نما تنها در این وضعیت گره ای به گره های کور خودساخته اقتدارگرایان برای نظام خواهد افزود.

تنها راه حل برای خروج از بحران فعلی، بازگشت به صداقت و عدالت، پرهیز از دروغ، آزادی فوری بازداشت شدگان اخیر و احقاق حقوق قانونی ملت است و جز این راه به گواه تاریخ و وعده های حق الهی، به مقصود نرسیده و پایان خوشی را برای رهیویان آن به همراه ندارد.

جبهه مشارکت ایران اسلامی



## بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران

### اقتدارگرایان می‌کوشند حقایق را وارونه‌نمایی و واقعیات را تحریف کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران

امروز کلیه رسانه‌های تبلیغاتی در اختیار جریان حاکم از تریبون‌های مجلس شورای اسلامی گرفته تا منبرهای جمعه و جماعات و تا صدا و سیما با تمام ظرفیت علیه اعتراضات مشروع و قانونی شما علیه تخلفات و تقلبات گسترده در جریان انتخابات ریاست جمهوری دهم بسیج شده‌اند. اقتدارگرایان می‌کوشند ضمن وارونه‌نمایی حقایق و تحریف واقعیات ضمن وجاهت و مشروعیت بخشیدن به انتخاباتی که به عنوان تجسم کامل قانون شکنی و بدعهدی و بی‌رسمی در تاریخ این کشور ثبت خواهد شد، اعتراضات شما را غیر قانونی جلوه دهند. در نتیجه ما یکبار دیگر شاهد عوض شدن جای ظالم و مظلوم، قانون‌گرا و قانون‌شکن، آزادی‌خواه و خودکامه هستیم. این تلاش مانند همیشه با برنامه‌ها و سخنرانی‌های یک سویه و درحالی صورت می‌گیرد که نمایندگان و به خصوص کاندیداهای مورد اعتماد شما از حق پاسخگویی محرومند و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برخلاف قانون اساسی و شرع و اخلاق در برابر تمامی تهمت‌ها و توهین‌ها و تحریف‌ها و دروغ‌هایی که در باره نامزدهای اصلاح طلب ریاست جمهوری و حرکت اعتراضی شما پخش می‌کند، اجازه کمترین دفاع و توضیحی به آنان نمی‌دهد. از این رو برآن شدیم تا یکبار دیگر آنچه را که در این انتخابات رخ داده است، به اجمال مرور کنیم تا موارد مغالطه و تحریف و سفسطه بر همگان آشکار شود.

اصلاح طلبان از حدود یکسال پیش تلاش‌های خود را برای قانع کردن مردم به شرکت در انتخابات در حالی آغاز کردند که تجربه دوره‌های انتخاباتی اخیر جامعه را نسبت به نتیجه بخش بودن حضور در انتخابات ناامید و بی‌اعتماد ساخته بود. برای مردمی که تجربه انتخابات مجالس هفتم و هشتم را که طی آن سرنوشت بیش از یکصد و نود کرسی مجلس از پیش مشخص شده بود، در خاطر داشتند، بسیار دشوار بود که بتوانند خود را به شرکت در این انتخابات قانع کنند.

ما نیز با توجه به این تجربه و نیز شناختی که نسبت به عدم التزام جریان حاکم به اصل مردمسالاری و رعایت اخلاق و عهد و پیمان داشتیم، از پیش می‌دانستیم که انتخابات ریاست جمهوری دهم عرصه رقابتی عادلانه و سالم نخواهد بود، اما معتقد بودیم مشارکت گسترده مردم می‌تواند آثار ناشی از تقلب و تخلفات را بر نتایج انتخابات بی‌اثر ساخته و موجب حاکمیت اراده ملت شود. از این رو تمام توان و ظرفیت خود را برای قانع کردن و دعوت همگان برای مشارکت حداکثری در انتخابات به کار گرفتیم. خوشبختانه عملکرد منفی و زیانبار جریان حاکم در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاست خارجی طی چهار سال گذشته و نگرانی عمیق و گسترده افشار آگاه و فرهیخته جامعه از ادامه این روند خطرناک، زمینه مثبتی برای اثر بخشی تلاش اصلاح طلبان ایجاد کرد. نهایتاً شاهد عزم و اراده ملی برای شرکت در انتخابات بودیم.

ما در وجود تقلب و تخلف تردید نداشتیم، عملکرد جریان حاکم در توزیع پول در روستاها و شهرهای کوچک در ماه‌های منتهی به انتخابات برای جلب آراء مردم، ترمیم حقوق‌ها در ماه‌های منتهی به انتخابات، استفاده از امکانات دولتی و سفرهای انتخاباتی تحت عنوان سفرهای استانی، عملکرد یکسویه صدا و سیما که در جریان انتخابات به ارگان‌های حاکم تبدیل شده و مانند هفته دولت با تمام ظرفیت به تبلیغ دولت می‌پرداخت و ... برای ما روشن بود، اما مشی اصلاح طلبانه و درک واقعیات موجود در ساختار قدرت از یک سو و وجود فرصت رقابتی اگرچه نابرابر و بسیار محدود اما به هر حال تاحدودی واقعی به نام انتخابات از سویی دیگر ما از بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت کشور برحذر داشته قانع می‌ساخت تا از این فرصت محدود اما مغتنم برای توقف روند نامبارک موجود و نجات کشور استفاده کنیم، بدان امید که مشارکت گسترده مردم، جریان حاکم را ناگزیر از تمکین و تسلیم در برابر اراده ملت خواهد ساخت. ما هرگز گمان نمی‌کردیم که درد خودکامگی و قدرت طلبی به حدی تشدید و مزمین شده باشد که نوشداروی مشارکت ۸۵ درصدی مردم نیز نتواند آن را درمان کند. اما متأسفانه این امر باورنکردنی رخ داد.

طی روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد سیستم ارتباطی پیام کوتاه در سراسر کشور قطع شد تا ناظران در روز رأی‌گیری قادر به مخابره تخلفات و تقلبات به ستاد نباشند و به این ترتیب برنامه رایانه ستاد که برای اطلاع همزمان از تخلفات و تقلبات در صندوق‌های رأی در سراسر کشور طراحی شده بود از کار افتاد؛ این در حالی بود که رییس کمیته صیانت از آراء از یک هفته قبل نسبت به چنین احتمالی هشدار داده و وزیر ارتباطات و مسوولان شرکت مخابرات را مسوول دانسته بود، اما مسوولان مذکور این خبر را تکذیب کرده بودند.



-همچنین چهار صد خط تلفن ثابت کمیته صیانت از آراء که برای اطلاع به موقع از تخلفات و تقلبات احتمالی تدارک دیده شده بود در روز رأی گیری قطع شد تا ناظران ستاد موسوی در سراسر کشور حتی از طریق تلفن ثابت هم نتوانند تخلفات را به مرکز مخابره کنند .

-فرمانداری تهران از پذیرش و صدور کارت برای دویست و پنجاه ناظر ستاد مهندس موسوی برای حضور در صندوق های رأی به بهانه نقص پرونده خودداری و برخلاف گفته رئیس ستاد انتخابات به اقدام سریع ستاد در ارسال مدارک جدید پاسخ منفی داد ..  
-علاوه بر این فرمانداری تهران برخلاف توافقات اولیه از توزیع ناظران در صندوق های رأی مناطق نزدیک به محل مسکونی ایشان خودداری و در نتیجه ستاد مهندس موسوی از نظارت بر حدود نیمی از صندوق های رأی تهران محروم ساخت .  
-مسوولان صندوق های رأی در صبح روز رأی گیری بر خلاف قانون با اخراج ناظران ستاد مهندس موسوی از شعب اخذ رأی اقدام به مهر و موم صندوق های رأی کردند تا این ابهام همچنان باقی بماند که صندوق های رأی در آغاز رأی گیری خالی بوده است با خیر .

-در ساعات اولیه رأی گیری بسیاری از استان ها با کمیود تعرفه های مواجه شدند و مردم ساعت ها منتظر رسیدن برگه های رأی بودند و نهایتاً بسیاری از آنها قادر به دادن رأی نشدند .  
-این درحالی است که بنا به اظهار مسوولان رسمی حدود سیزده میلیون برگه رأی اضافه چاپ شده بود و این غیر از خبر چاپ دوازده میلیون برگه رأی است که کمیته صیانت از آرا خواهان رسیدگی به آن شده است .  
-در بسیار از شهرستان ها شعب اخذ رأی پیش از پایان ساعت رأی گیری تعطیل و از ورود مردم و دریافت رأی ایشان خودداری شد .

-مطابق آمار اعلام شده دستکم در ۱۷۰ شهر تعداد آراء به صندوق ریخته شده بین ۹۵ تا ۱۴۰ درصد واجدان حق رأی بوده که آشکارا از تقلب گسترده به نفع نامزد حاکم حکایت دارد .  
-پس از پایان رأی گیری و به هنگام شمارش و ثبت آراء در سایت های تجمیع آراء برخلاف قانون ناظران نامزدها را از محل اخراج کرده و تجمیع آراء در غیاب ناظران انجام شد .

-برخلاف رویه معمول که اعلام نتایج انتخابات از صبح روز بعد صورت می گرفت، ستاد انتخابات وزارت کشور بلافاصله پس از پایان رأی گیری با شتاب و عجله تعجب برانگیزی اقدام به اعلام نتایج آراء کرد. این درحالی بود که در برخی کشورها که حدود هشت ساعت با ایران اختلاف ساعت دارند هموطنان ما در صفوف طولانی در انتظار دادن رأی بودند و بسیاری از ایشان با شنیدن خبر نتایج آراء از دادن رأی منصرف شدند. گمان نمی کنیم چنین صحنه مضحکی را بتوان در انتخابات هیچ کشوری سراغ گرفت .  
-اتفاقاتی نظیر کاهش یکصد هزار رأی یک کاندیدا در اعلام بعدی آراء حاکی از آن بود که مسوولان ستاد انتخابات کشور از فرط شتابزدگی قادر به پنهان کردن آثار و نشانه های مهندسی آراء نیستند .

-آنان در مهندسی آراء چنان عجولانه و شتابزده عمل کردند که تا اعلام نتایج شمارش سی میلیون رأی به صرافت نیفتادند که این انتخابات باید آراء باطله و سفید نیز داشته باشد .  
-آنان همچنین روز دوم بود و پس از اعلام نتایج ۳۰ میلیون رأی بود که متوجه شدند نسبت ثابت آراء اعلام شده کاندیداها می تواند دلیل روشنی بر مهندسی آراء باشد بنابراین در اواخر روز دوم که در اعلام نتایج هم درصدی برای آراء باطله و سفید در نظر گرفته شد و هم نسبت آراء اندکی تغییر کرد .

-بدعت های انجام شده در این انتخابات محدود به موارد پیش گفته نیست. بلافاصله پس از پایان رأی گیری مردم تهران در بهت و حیرت شاهد مانور اقتدار نیروی انتظامی در سطح شهر بودند. وقتی مردم حیرت زده از اعلام نتایج اولیه در برابر ستاد موسوی با آرامش تمام تجمع کرده و با نگرانی از اتفاقات عجیبی که در حال وقوع است خواهان توضیح یا دریافت خبری اطمینان بخش از مسوولان ستاد بودند، مورد تهاجم نیروی انتظامی و پرتاب گاز اشک آور قرار گرفتند، هدف و موضوع مانور اقتدار بر همگان روشن شد .

-بلافاصله نیمه شب روزنامه کلمه سبز توقیف و روزنامه های وابسته به اصلاح طلبان با حضور مأموران در چاپخانه مورد سانسور شدید قرار گرفتند و موظف شدند از تخلفات انتخاباتی و اظهار نظر در باره نتایج آراء خودداری کنند به طوری که برخی از روزنامه ها روز بعد با ستون های سفید در صفحات مختلف خود منتشر شدند .

آنچه گفته شد تنها بخشی از تخلفات و تقلبات و قانون شکنی هایی بود که در این انتخابات رخ داد. بر این فهرست می توان موارد متعدد سوء استفاده از اموال و امکانات دولتی و عمومی در امر انتخابات، دخالت نهادهای اجماعی در انتخابات برخلاف منع صریح قانون، اعلام حمایت تعدادی از اعضای شورای نگهبان از احمدی نژاد و فعالیت تبلیغاتی تعدادی از اعضای این شورا به نفع وی و ... را افزود .

ملت شریف ایران

ستاد آقایان موسوی و کروبی کلیه تخلفات و تقلبات مذکور را به مراجع قانونی مربوطه از شورای نگهبان گرفته تا قوه قضائیه گزارش و شکایت کرده اند اما به این شکایات رسیدگی نشده است .  
امروز که شما با حضور آرام و مسالمت آمیز خود خواهان رسیدگی به این همه تخلف و قانون شکنی آشکار هستید به قانون شکنی متهم می شوید .

می گویند قانون داریم و هرگونه اعتراضی باید از مسیر قانونی و از طریق مراجع قانونی دنبال شود. ما هم معتقدیم که قانون داریم مشکل ما قانون نیست. قوانین موجود به رغم نقص و کاستی های فراوان اگر به درستی اجرا شود می تواند تضمین کننده انتخاباتی با حد اقل شرایط قابل قبول باشد. مشکل ما مجریان قانون هستند نه قانون. وقتی مجریان قانون حتی گرایش و حمایت خود را از یک کاندیدا کتمان نمی کنند، وقتی مجریان قانون به شکایات هیچ وقعی نمی نهند، وقتی به تخلفاتی نظیر قطع سیستم پیام کوتاه و خطوط تلفن ستادها به موقع رسیدگی نمی شود و مسببان آن از مؤاخذه و پیگرد قانونی هیچ نگرانی ندارند، وقتی قبل از تأیید صحت انتخابات توسط شورای نگهبان با برپایی جشن پیروزی و تبریک به نامزد باصطلاح پیروز عملاً به مردم گفته می شود که انتظار رسیدگی به شکایات و تخلفات و اعتراضات نداشته باشید، وقتی... چگونه انتظار دارید مردم به مراجع قانونی اعتماد کنند؟ بیست سال است که هر بار مردم حرفی زده اند و انتقادی داشته اند از طریق لباس شخصی ها به آنها پاسخ داده شده است. در برابر چشم همگان و با حضور نیروی انتظامی، لباس شخصی های بی سیم به دست و مسلح به خوابگاه دانشجویان حمله می کنند و جنایت می کنند، و وزارت اطلاعاتی که مخوف ترین سازمان های تروریستی را متلاشی می کند و افتخارش این است که جاسوسان و توطئه گران را از کشورهای مختلف شناسایی و به ایران منتقل و تحویل قانون می دهد، حتی یک تن از ایشان را شناسایی نمی کند، آیا با این همه باز انتظار دارید که مردم به مراجع قانونی اعتماد کنند و برای مطالبه حق مشروع و به حق خود از حق قانونی اعتراض و راهپیمایی استفاده نکنند؟

می گویند نظرسنجی فلان مرکز آمریکایی پیروزی احمدی نژاد را پیش بینی کرده بود بنابراین پیروزی وی دور از انتظار نبود. و ما می گوئیم چرا اگر یک مرکز آمریکایی و اروپایی به نفع اصلاح طلبان موضعی گرفت نشانه وابستگی اصلاح طلبان به بیگانه است، اما اگر یک مرکز آمریکایی به نفع کاندیدای محبوب اقتدارگرایان سخنی بگوید و روزنامه واشنگتن پست آن را منعکس کند، مرکز آمریکایی می شود غیب گوی صادق و سخنش می شود مستند برنامه های مختلف صدا و سیما؟ ما می گوئیم نتیجه کدام نظر سنجی معتبر داخلی از اصلاح طلب و غیر اصلاح طلب پیروزی احمدی نژاد را با این فاصله رأی پیش بینی کرده بود؟ کدام شاهد و قرینه از تجمعات و استقبال های انتخاباتی گرفته تا حمایت گروه های مرجع و مورد قبول مردم از پیروزی آقای احمدی نژاد با این اختلاف رأی حکایت داشت؟ اختلاف ده میلیونی رأی نه تنها شاهدهی بر صحت انتخابات نیست بلکه اتفاقاً این میزان از اختلاف رأی خود بهترین دلیل بر وجود تقلب وسیع در انتخابات است. اگر تفاوت آراء اندک بود ادعای تقلب نمی توانست مسموع باشد و یا دستکم مردم به چنین ادعایی پاسخ مثبت نمی دادند. گفتن دروغ بزرگ آنچنان که از شدت بزرگی کسی احتمال دروغ بودن آن را ندهد شیوه خودکامگان است. اعتراض و مخالفت میلیونی مردم با نتایج اعلام شده بدین معناست که افکار عمومی جامعه اتفاقاً این میزان از اختلاف را نشانه آشکار تقلب تلقی کرده است .

به راستی اگر چنین اختلاف رأی میان کاندیدای برکشیده شده و دیگران وجود داشت چه نیازی به تخلفاتی نظیر قطع سیستم پیام کوتاه و قطع خطوط تلفن ستادهای رقیب و سانسور روزنامه ها در شب رأی گیری و مانور اقتدار و ... بود. این اقدامات در شرایط [خاص] صورت می گیرد و نه در انتخاباتی که کاندیدای مورد نظر اختلافی ده میلیونی با رقبای خود دارد .

#### ملت آگاه و هوشیار ایران

موضع کشورهای اروپایی طی روزهای اخیر در باره حوادث ایران سوژه دیگری است که علیه تظاهرات شما مردم مطرح و تبلیغ می شود. به راستی چه کسانی مسئول سوء استفاده دیگران از تحولات داخلی ایران هستند؟ شما که با مشارکت پرشور و حماسی ۸۵ درصدی خود در انتخابات برای کشور و نظام آبرو خریدید و اعتبار و منزلت به همراه آوردید و تحسین جهانیان را برانگیختید و زمینه هرگونه سوء استفاده و بهانه تبلیغ علیه کشور را از بیگانگان گرفتید و یا آنان که با مهندسی آراء و تقلبات و تقلباتی که به برخی از آنها اشاره شد این فرصت عظیم را به یک تهدید تبدیل کردند و در سطح جهان زمینه تبلیغات علیه ایران را فراهم آوردند؟ این انتخابات دو چهره داشت، چهره سفید که مردم با مشارکت پرشور خود آنرا آفریدند و برای کشور آبرو خریدند و چهره سیاه که اقتدارگرایان آفریدند و برای کشور هزینه و خسارت به ارمغان آوردند و شیرینی انتخابات را به کام همگان تلخ کردند .  
دقیقاً تضاد میان این دو چهره است که منجر به اعتراض های گسترده مردمی شده است و گرنه در دوره های انتخاباتی دیگر نیز تقلب و یا اعمال نفوذ وجود داشت. حتی دوره های انتخاباتی مجالس هفتم و هشتم به رغم این که تکلیف بیش از ۱۹۰ کرسی از پیش تعیین شده بود موجب تظاهرات اعتراض آمیز نشد، زیرا مردم با مشارکت حد اکثری و برای تغییر در آن انتخابات وارد نشدند. در نتیجه نسبت به نتیجه انتخابات و اعمال نفوذهای و تقلب ها هم بی تفاوت ماندند .

حرکت امروز مردم در واقع اعتراض و مخالفت با کسانی است که با مصادره رأی مردم این عظمت و حماسه را به نقطه ضعف نظام و کشور تبدیل کردند و افسردگی را جایگزین شادابی نمودند. امروز مردم که مدعی منافع و مصالح نظام و دفاع از سربلندی و عزت

این کشور در برابر کسانی هستند که می خواهند تمام هویت و سرمایه نظام و انقلاب را به تاراج ببرند. بنابراین اگر کسی باید به علی نظیر عدم رعایت منافع نظام در برابر بیگانگان و یا تلخ کردن شیرینی مشارکت عظیم ملی به کام همگان و ... مؤاخذه شود، اقتدارگرایان حاکم هستند و نه مردم. عوض کردن جای وفاداران و حامیان واقعی عزت و سربلندی کشور با خودکامگانی که منافع و مصالح کشور را به پای منافع خود قربانی می کنند تحریف و ظلم مضاعفی است که به این ملت آگاه می رود.

سخن آخر این که امروز تنها در صورتی می توان به مشارکت ۸۵ درصدی مردم در انتخابات افتخار کرد و آن را به مثابه سرمایه و نیرویی برای حل مشکلات خارجی و ایجاد انسجام داخلی و افزایش ضریب وحدت ملی به کار گرفت که به خواست و مطالبه به حق و مشروع همین مردم تن داده شود، آنان برای تحقق مطالبات و خواسته های خود در انتخابات شرکت کردند، بنابراین مشارکت و رأی مردم از خواست و مطالبه آنان قابل تفکیک نیست و کسی که با این انتخابات بر کرسی بنشیند غاصب رأی مردم است.

در پایان به مسوولان عرض می کنیم ملت در این ماجرا نه در پی ساختار شکنی و عبور از مرزهای نظام است و نه در پی نفی ارزش ها و آرمان هایی که خود در جریان انقلاب بر آنها پای فشرده است و نه به باورهای دینی خود شک کرده است. در رأس این حرکت نیز یکی از خوشنام ترین و با سابقه ترین شخصیت های مبارز و خدمتگزار این مردم و انقلاب و نظام قرار دارد. مردم ما در این جنبش اجتماعی اعتراضی یک مطالبه روشن، صریح و ساده دارند و آن ابطال انتخاباتی است که دلایل و شواهد روشن بر عدم سلامت آن وجود دارد. این نظام تمام هویت و حیثیت خود را مرهون پشتوانه مردمی خویش است. شایسته این نظام نیست که در برابر ملت خود و مطالبه به حق، قانونی و مشروع آنان ایستادگی کرده هویت و حیثیت خود را برای حفظ گروهی خودکامه و دروغ پرداز هزینه کند. ما به مسوولان صادقانه و دلسوزانه عرض می کنیم همچنان که بهترین و طلایی ترین فرصت رشد و توسعه طی چهار سال گذشته توسط این مدیریت بی کفایت به باد داده شد، بهترین و مغتنم ترین فرصت سیاسی ناشی از مشارکت بی نظیر مردم در انتخابات که می تواند به بسیاری از معضلات داخلی و خارجی پایان داده و افزایش وحدت و انسجام ملی و استحکام و استواری را برای نظام به ارمغان آورد به خاطر این مجموعه خودکامه و استبداد طلب در حال از دست رفتن است. از دست دادن این فرصت و سکوت در برابر هزینه های جبران ناپذیر روند کنونی شرط عقل و تدبیر و مرضی خداوند متعال، بقیة الله الاعظم (ع) نیست.

## بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در خصوص حوادث پس از انتخابات

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف ایران در حالی که تظاهرات میلیونی آرام و مسالمت آمیز مردم در روز پنج شنبه می توانست مسوولان کشور را به ماهیت آرامش طلبانه و قانونی اعتراضات و مقاصد مسالمت جویانه معترضان مطمئن سازد، اعمال خشونت بی سابقه و وحشیانه علیه مردم در روز شنبه فاجعه آفرید و به شهادت بیش از ده تن و مجروح شدن صدها تن از هموطنان بیگناهمان منجر شد و جامعه ایران را در غم و ماتم جانگاهی فروبرد. حضور پررنگ و رفتارهای تنش آفرین و تحریک آمیز نیروهای ضد شورش و لباس شخصی هایی که تنها نشان ارتباط آنها با نیروی انتظامی باتومی بود که در دست داشتند، در روز شنبه به روشنی حاکی از آن بود که هدف از این حضور بیش از آن که استقرار امنیت و مقابله با تشنج باشد، سرکوب مردمی است که برای تظاهرات آرام، قانونی و مسالمت آمیز دیگری به خیابان ها آمده بودند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران ضمن محکوم کردن کشتار و ضرب و شتم مردم بیگناه و عرض تسلیمت به خانواده داغدار قربانیان و شهدای روز شنبه تأسف عمیق خود را از عدم ظرفیت و نابدباری مسوولان حکومت در برابر اعتراض های قانونی و مسالمت آمیز مردم ابراز داشته، اعلام می دارد این بی ظرفیتی و نابدباری و فجایع ناشی از آن نشانه آشکار بی اعتقادی دولتمردان حاکم به بدیهی ترین حقوق شهروندی است. تأسف بارت تر تمسک به روش های کهنه، تکراری و رسوایی نظیر انتساب اغتشاش ها به بیگانگان و گروه های تروریستی است. به این ترتیب باید در روزهای آینده شاهد موج مصاحبه های سازمانیافته با جوانان دستگیر شده در خیابان ها باشیم که به تحریک شدن از سوی عوامل بیگانه و گروه ها و جریان های سیاسی داخلی اعتراف کنند! این روش های زشت و غیر انسانی همراه با انتشار اخبار و حوادث مشکوک و در عین حال آشنایی نظیر آتش زدن مساجد و قرآن ها و انفجار بمب در اینجا و آنجا بدترین و ناامید کننده ترین واکنشی است که مسوولان یک حکومت می توانند به اعتراضات قانونی و مسالمت

آمیز شهروندان خود بدهند. این در حالی که همه دولت ها تلاش می کنند شهروندان خود را به استفاده از روش های مدنی و مسالمت آمیز و اجتناب از روش های هرج و مرج طلبانه و خشونت آمیز برای ابراز اعتراضات خود قانع سازند .

ممانعت از برگزاری تظاهرات آرام و مسالمت آمیز مردمی که تنها مطالبه آنها روشن شدن سرنوشت آراء خود و ابطال انتخاباتی نامشروع است نقض آشکار اصل ۲۷ قانون اساسی از سوی حاکمیت است. زیرا این اصل حق شهروندان را در تظاهرات و راهپیمایی های مسالمت آمیز به رسمیت شناخته است. ظاهراً تفسیر حاکمیت کنونی نظام از این اصل آن است که شهروندان تنها در تظاهرات و راهپیمایی به دعوت حاکمان یا برای حمایت و تأیید موضع حاکمان آزادند. این تفسیر به روشنی از عدم التزام حاکمیت کنونی به قانون اساسی و عهد خود با مردم در حفظ و حراست از حقوق اساسی آنها حکایت دارد .

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران هشدار می دهد ممانعت از تظاهرات آرام و مسالمت آمیز شهروندان برای اعلام نظر و خواست خود به قیمت کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از هموطنان، دستگیری هزاران تن از مردم و صدها تن از فعالان سیاسی و ... لطمات جبران ناپذیری به اعتماد ملت به دولت و وحدت و انسجام ملی وارد ساخته کشور را به سوی انسداد سیاسی، عطف توجهات به خارج از مرزها و گسترش روش های اعتراض خشن و پرهزینه برای دولت و ملت سوق خواهد داد. سازمان مجدداً تأکید می کند دولت برآمده از انتخاباتی که صحت و سلامت آن از سوی بخش عظیمی از ملت ایران مخدوش و مردود اعلام شده و بر موج گسترده اعمال خشونت علیه شهروندان شکل می گیرد، فاقد وجهت قانونی است .

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، 31/ 3/88

### محتشمی پور: پیشنهاد کردیم کمیته حقیقت یاب تشکیل شود (۱۳۸۸/۳/۲۷)

بر این اساس چالش بین نمایندگان نامزدها و شورای نگهبان این بود که آن شورا می گوید به صورت مصدق تخطفات را ذکر کنید در حالی که ما گفتیم مشکلمان در چند صندوق نیست تا مصدق تعیین شود. رئیس کمیته صیانت از آرای ستاد میرحسین موسوی در گفتگو با خبرنگاران ضمن تشکر از حماسه بزرگ مردم ایران در ۲۲ خرداد و با اشاره به راهپیمایی میلیونی مردم تهران در حمایت از میرحسین موسوی در جهت احقاق حقوق خود گفت: آرای که در سراسر کشور به صندوقها ریخته شد و حوادثی که در قبل و بعد از انقلاب رخ داد و مردم برای صیانت از آرای خود حرکت باشکوهی را با نظم و آرامش برگزار کردند یکی از زیباترین جلوه های حضور مردم و نمایش اراده آنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود .

علی اکبر محتشمی پور افزود: این حرکت میلیونی در تهران می تواند مشابه حرکت هایی باشد که در آستانه پیروزی انقلاب در تهران برای رسیدن به حقوق ملت برگزار می شد و دنیا آنها را مخابره می کرد ، باشد .

وی با تبریک این اقدام و اظهار تاسف نسبت به برخی خشونت آفرینی ها اظهار کرد: شیرینی حادثه حضور مردم تهران با حادثه آفرینی تعدادی از افراد به آتش و خون کشیده شد و این عوامل نفوذی و احتمالاً متعلق به جریان رقیب هستند که این اقدام آرام مردم را بر نمی تابند و با آتش زدن یک ماشین و سپس ورود نیروهای مسلح و شهادت هفت تن اقدامات خود را انجام دادند و من این حادثه را به خانواده های داغدار تسلیت عرض می نمایم و به جریان طالبانی، خوارج و خشونت گرا که نمی تواند حرکت اسلامی مردم را ببینند و با اقدامات خشونت طلبانه خود می خواهند حرکت مردم را خاموش کنند، هشدار می دهم راه شما اشتباه است و نمی توانید به نتیجه برسید .

محتشمی پور افزود: شما در دادگاه عدل الهی و دادگاه مردم ایران محاکمه خواهید شد .

رئیس کمیته صیانت از آرای ستاد میرحسین موسوی در ادامه گفت: یک روز قبل از این تظاهرات سراسر عشق و شغف و آزادی شاهد یک جشن نمایی در میدان ولیعصر برای رئیس جمهور فعلی بودیم که اقدامی کاملاً غیرقانونی بوده است در صورتی که انتخاب احمدی نژاد حداقل ظاهراً زمانی می تواند قانونی باشد که مهلت شکایات گذشته باشد و طبق قانون شورای نگهبان هم باید تا یک هفته شکایات را بگیرد و تا قبل از اعلام نظر آن که البته ظاهراً تمایل آن شورا به ادامه وضع موجود است، احمدی نژاد جشن پیروزی

برای خود گرفته و اقدامات خلافی را هم در آن انجام داده است و به مردم و شخصیت‌های کشور توهین کرده و مردم شریفی را که مخالف او هستند خار و خاشاک خوانده و هواداران خود را به برخورد با آنها تحریک کرده است .

محتشمی‌پور با طرح این سوال که آیا رئیس‌جمهور که باید حافظ ارض و ناموس و مجری قوانین موضوعی باشد، آیا شان او در این است که مردم را اینگونه مورد خطاب و عتاب قرار دهد و مردم را تحریک به برخورد کند، افزود: از خود احمدی‌نژاد، هواداران و شخصیت‌های نظام می‌پرسم که آیا احمدی‌نژاد شایسته اداره يك کشور است .

وی ادامه داد: پس از آن سخنان تعدادی فرد تحریک شده به خوابگاه دانشجویان می‌ریزند و آنها را به خاک و خون کشیده ، آزار و اذیت کرده و تعدادی را هم دستگیر می‌کنند که در يك استان دیگر هم این اتفاق افتاده است و من از طرف مهندس موسوی، خودم و مجمع روحانیون مبارز با مصدومین ابراز همدردی می‌کنم .

رئیس کمیته صیانت از آرای ستاد موسوی با بیان اینکه این انتخابات، انتخاباتی استثنایی در کشور ما بوده است، تصریح کرد: ما از ابتدا موضوع صیانت از آرا را در دستور کار قرار داده و با پشتوانه مردم تدارک وسیعی را برای آن دیدیم ولی متأسفانه کارشکنی‌هایی صورت گرفته و سیستم سازمان‌یافته همانگونه که قبل از انتخابات پیش‌بینی کرده بودیم و اخباری که از وزارت ارتباطات به دست آوردیم در سیستم ارتباطی ما اختلال ایجاد شد و متوجه شدیم این عزم پشت پرده را برای تخلفات گسترده‌اند و در این جهت مانع از اطلاع‌رسانی نمایندگان ما در سراسر کشور و در نتیجه پیگیری آنها توسط ما شدند .

وی ادامه داد: روز بعد از آن سخنان ما ، مسوولان آن سخنان را تکذیب کردند اما در صبح روز ۲۱ خرداد با اختلال در سیستم SMS مواجه شدیم و عصر آن روز هم SMS ها کاملاً قطع شد و در نهایت ۱۱ شب هم خبر دادند که کلیه پیامک‌ها در سراسر کشور قطع شده است .

محتشمی‌پور با اشاره به این قانون که نمایندگان نامزدها از يك ساعت قبل باید سر صندوق‌ها حاضر باشند و مرحله پلمپ را زیر نظر داشته باشند، تصریح کرد: ولی اجازه ورود نمایندگان ما را به صندوق‌ها ندادند و کسانی را هم که قبلاً وارد شده بودند اخراج کردند و از سوی دیگر از صبح روز انتخابات هم مردم با کمبود تعرفه یا فقدان آن مواجه شدند و سوال این است که این تعرفه‌ها کجا رفته است . همچنین در مراحل بعدی انتخابات یعنی شمارش آرا و جمع‌آوری آنها در شهرها و استان‌ها و سپس وزارت کشور با بی‌قانونی مواجه بودیم و سوال ما این است که چرا این بی‌قانونی صورت گرفته است .

رئیس ستاد کمیته صیانت از آرا با اشاره به بیانیه‌های داده شده از سوی این ستاد گفت: افکار عمومی بهترین دادگاه برای تخلف است زیرا مردم وقتی احساس می‌کنند دستگاه قضایی سکوت کرده است، آنها هستند که دیدگاه خود را از راه‌های مختلف به مسوولان می‌رسانند و آنها را از عمق فاجعه آگاه می‌کنند و بنابراین شورای نگهبان از نمایندگان خواسته تا در آن محل حضور یابند .

وی با اعلام اینکه این جلسه از ۹ صبح امروز برگزار شد، اظهار کرد: متأسفانه دبیر شورای نگهبان در این جلسه حاضر نشد بلکه کدخدایی و یکی از حقوق‌دانان شورای نگهبان در جلسه حضور یافتند و علی‌رغم اینکه باید دبیر شورای نگهبان از نزدیک مطالب را می‌شنید، همانگونه که باید دیروز صدای مردم را می‌شنیدند در جلسه نیامدند .

وی ادامه داد: اینجا این ایراد را به عملکرد به شورای نگهبان می‌گیریم و تمام تخلفاتی را که توسط شورای نگهبان و وزارت کشور انجام شده را با استدلالی قوی بیان داشتیم که اولین انتقاد به تخلفات خود شورای نگهبان بود زیرا همه ما معتقدیم ناظر انتخابات باید کاملاً بی‌طرف باشد و نباید از هیچ يك از کاندیداها حمایت کند و علی‌رغم این قانون شاهدیم که برخی اعضای شورای نگهبان در سخنرانی‌ها به طرفداری از احمدی‌نژاد پرداخته و حتی سفرهایی را هم انجام دادند که غلامحسین الهام یکی از آنها است و آیا چنین شورای نگهبانی صلاحیت برگزاری انتخابات را دارد .

محتشمی‌پور با بیان اینکه حقوق نامزدها زیر پا گذاشته شده و نمایندگان کاندیداها حق دارند از روز اول خرداد ماه در هیات نظارت در انتخابات شورای نگهبان حضور یابند، اظهار کرد: آنها ما را از این حق محروم کردند و لذا ما نمی‌دانیم در این مدت چه گذشته است .

وی با اشاره به تخلفات رئیس‌جمهور، هیات دولت و وزارت کشور در انتخابات تاکید کرد: طبق قانون هیچ يك از نامزدها نمی‌توانند در انتخابات از امکانات دولتی استفاده کنند در حالی که رئیس‌جمهور از هواپیمای دولتی استفاده می‌کند و از طریق پخش کردن پول با سهام عدالت و کمیته امداد به عنوان خرید رای و تطمیع رای‌دهندگان که در قانون هم ذکر شده، استفاده می‌کنند.

وی با بیان اینکه احمدی‌نژاد از ماموران لشکری و کشوری دولت کمال سوء استفاده را کرده است، گفت: اقداماتی که با صلاحیت نامزدها در تضاد است در قانون آمده و از جمله آنها امانتداری و تقوا است.

وی گفت: بر این اساس چالش بین نمایندگان نامزدها و شورای نگهبان این بود که آن شورا می‌گوید به صورت مصدافی تخلفات را ذکر کنید در حالی که ما گفتیم مشکلمان در چند صندوق نیست تا مصدافی تعیین شود و اینکه نمایندگان امکان حضور در پای صندوق‌های رای را نیاورند این شائبه را به وجود می‌آورد که تخلفات گسترده است ضمن آنکه نمونه تقلبات گسترده را داشتیم از جمله اینکه در ۷۰ حوزه انتخابیه رای که در صندوق‌ها ریخته شده از تعداد واجدین شرایط هم بیشتر است و به طور مثال در جایی ۱۴۱ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند! و زیبا این است که در این حوزه‌ها حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد آرا متعلق به احمدی‌نژاد است و یعنی حدود ۱۱۰ درصد مردم آنجا به وی رای دادند و موارد ما يك و دو مورد نیست بلکه تقلب به صورت وسیع و گسترده است.

وی افزود: علاوه بر آن چرا ساعت ۹ شب در ۲۲ خرداد دستور توقف رای‌گیری صادر شده است در حالی که طبق قانون تا زمانی که رای‌دهنده حضور دارد رای‌گیری هم باید ادامه یابد و آیا از این نگرانی داشتند که با توجه به تقلب‌ها و با توجه به اینکه آمار واجدین شرایط ۴۵ میلیون نفر است و تکلیف تعدادی از تعرفه‌ها رای هم معلوم نیست آیا نگرانی داشتند که تعداد رای‌دهندگان به ۵۰ میلیون نفر برسد؟! بنابراین مساله از بنیان خراب است و معتقدیم این انتخابات از بنیان باطل است و باید دوباره برگزار شود.

وی با اشاره به پیشنهاد امروز آنها به شورای نگهبان گفت: حرف ما این است که همانگونه که مردم اعتماد کرده‌اند و پای صندوق‌های رای آمده‌اند برای اعلام نتیجه هم باید اعتماد کنند و امروز مردم بر اثر اقدامات انجام شده به شورای نگهبان اعتماد ندارند و لذا شما نمی‌توانید نظارت کنید و به همین خاطر پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت‌یاب متشکل از شخصیت‌های مورد اعتماد مردم را دادیم و ۱۵ مورد را ذکر کردیم که باید مورد تحقیق آن کمیته قرار گیرد.

در ادامه این جلسه علی‌اکبر محتشمی‌پور در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا تشکیل این کمیته فقط مورد توافق شما بود، اظهار کرد: این پیشنهاد مورد توافق همه بود و نمایندگان دیگر کاندیداها با آن مخالفت نکرده بلکه آشکارا و ضمنی با آن موافقت کردند.

وی با اشاره به این مطلب که کدخدایی اعلام کرده است این پیشنهاد فردا در شورای نگهبان بررسی می‌شود و نتیجه بعداً اعلام خواهد شد گفت: ما پیشنهاد کردیم اگر جلسه‌ای تشکیل می‌شود با حضور تمام فقها و حقوقدانان شورای نگهبان باشد و چنانچه آنها هم این مساله را قبول کنند می‌تواند مبنای حل مشکل باشد.

وی با ابراز تاسف از دستگیری شماری از چهره‌های سیاسی اظهار کرد: این اقدامات به معنای خفقان برای کسانی است که می‌خواهند رابط مردم و دولت باشند ولی خیال می‌کنند این ترندها اثر داشته باشد و مردم با هر حرکت قهرآمیز مقاومت کرده و آن را اصلاح می‌کنند.

عضو مجمع روحانیون مبارز با بیان اینکه اقدامات برخی دستگاه‌ها با اصول انقلابی قانونی و ارزشی مغایرت داشته و برخی مسوولان به دنبال تحمیل يك فرد بر مردم هستند که امام با اینگونه موارد مخالف بودند تاکید کرد: مجمع روحانیون مبارز و برخی چهره‌های سیاسی تصمیم دارند در کنار مردم و برای احقاق حقوق آنها حاضر باشند ولی ما مخالف هر گونه حرکت قهرآمیز هستیم و این رقیب ماست که کارهای قهرآمیز می‌کند در حالی که امام گفته بود وقتی مردم چیزی را خواستند هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد و امروز هم معتقدیم اگر مردم بایستند و به مقابله مدنی بپردازند کسی نمی‌تواند در مقابل آنها قرار گیرد و فکر نمی‌کنم شورای نگهبان جرات داشته باشد در مقابل آنها بایستد و امیدوارم این شورا پند امام را که به آنها فرمود از روزی می‌ترسم که انجمن حجتیه دور شما را بگیرد و مردم علیه شورای نگهبان شعار دهند را به یاد بیاورند و ما هم امروز آن سخن امام را تکرار می‌کنیم.

وی درباره خیزش مردم گفت: این يك حرکت اصلاحی است و انقلاب ما کاملاً يك حرکت اصلاح‌طلبانه بود و این روش‌ها در چهار سال گذشته با چالش روبرو شده بود و حرکت مردم برای اصلاح انحرافات است که به وجود آمده است.

وی با تاکید بر اینکه ما مخالف هر گونه دستگیری در مقابل این حرکت‌های آرام هستیم و خشونت را ما در جناح مقابل می‌بینیم اظهار کرد: متأسفانه نیروهای نظامی که باید حافظ جان و ناموس مردم باشند خون آنها را می‌ریزند و این مخالف اصلاح است و ما آزادی دستگیر شده‌ها را پیگیری می‌کنیم و بقیه کاندیداها هم در این جهت تلاش می‌کنند.

وی با بیان اینکه من به عنوان نماینده موسوی و کرباسچی به عنوان نماینده کروی در خواستمان ابطال انتخابات و تجدید برگزاری آن بوده است، گفت: نماینده محسن رضایی از بازشماری تعدادی از صندوق‌ها سخن گفت و این مورد موافقت ما قرار نگرفت و اگر کدخدایی در کنفرانس خبری خود به سخن ما اشاره‌ای نکرده متأسفم.

رئیس کمیته صیانت از آرا در رابطه با اقدامات حقوقی این ستادو تشکیل جلسه طولانی با شش حقوق‌دان گفت: ما کیفرخواستی را علیه متخلفان نوشته‌ایم و قرار است به صورت رسمی اعلام شود و البته چون از قوه قضائیه مایوس هستیم آن را به صورت عمومی و سرگشاده برای ملت اعلام کرده و برای قوه قضائیه هم ارسال خواهد شد تا مجبور به رسیدگی شود.

وی با اشاره به اظهارات سخنگوی شورای نگهبان مبنی بر اینکه ابطال انتخابات امکان‌پذیر نیست تصریح کرد: وی خودش حقوق‌دان است و چگونه می‌تواند بگوید ابطال امکان‌پذیر نیست زیرا اگر در حوزه‌ای چنان تخلف شود که سرنوشت آرا تغییر یابد این انتخابات از نظر قانون باطل است و وی چگونه می‌تواند بگوید انتخاباتی که از اصل باطل است نمی‌توانیم ابطال کنیم.

وی ادامه داد: با یک حرکت خاص و مهندسی شده رای موسوی را عوض کردند و من هم به کدخدایی می‌گویم که اصل قانون خلاف این سخن می‌گوید و کمیته حقیقت‌یاب هم اگر بتواند کار خود را انجام دهد قطعاً به نتیجه ابطال خواهد رسید.

وی در ادامه سخنان خود گفت: تنها با این کار می‌توان به حقیقت رسید و دو پیشنهاد در ابتدا از سوی ما و کروی رسیده بود که کروی پیشنهاد ابطال انتخابات را داشت و ما هم پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت‌یاب را دادیم که همان نتیجه را می‌گیرد. این کمیته کاملاً عقلانی و برای همه قابل حل است و حرکتی منطقی قلمداد می‌شود و تاکید می‌کنم این رای واقعی مردم نیست.

## محتشمی پور: تشکیل کمیته حقیقت یاب پیشنهاد شد/جریان طالبانی و خشونت گرا می‌خواهد صدای مردم را خفه کند

رئیس کمیته صیانت از آرای مهندس میر حسین موسوی از ارائه پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت یاب به شورای نگهبان برای بررسی موارد مشکوک انتخابات خبر داد.

به گزارش خبرنگار قلم نیوز، حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر محتشمی پور عصر سه شنبه در یک نشست خبری با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی بیان کرد: کمیته حقیقت‌یاب عبارت است از هیاتی صاحب‌نظر و بی‌غرض برای بررسی تخلفات وسیعی که قبل از انتخابات و در حین انتخابات صورت گرفته است و تاثیر مستقیم در سرنوشت انتخابات و رای مردم داشته و موجب شده است که مسیر انتخابات بر خلاف رای مردم اعلام شود.

محتشمی پور درباره تاکید اعضای این هیات اظهار کرد: این هیات متشکل از سه نفر به عنوان نمایندگان مراجع تقلید، چهار نفر به عنوان نمایندگان نامزدها، یک نفر از وزارت کشور که به سود نامزدی موضع رسمی نگرفته باشد و یک نفر نیز با همین شرایط از طرف شورای نگهبان به همراه یک حقوق‌دان دانشگاهی و قاضی بی‌طرف با معرفی کانون وکلا، دادستان کل کشور، رئیس قوه قضائیه و رئیس بازرسی کل کشور است.

وی، بررسی دخالت‌های عوامل دولتی و نظامی به صورت سازمان یافته در انتخابات و میزان تاثیر آن، بررسی دخالت سازمان یافته وسیع، بررسی استفاده از امکانات دولتی و موقعیت شغلی و بررسی موضوع خریداری رای و پرداخت‌های منتهی به زمان انتخابات و میزان تاثیر این عوامل را از جمله موارد قابل بررسی در کمیته حقیقت یاب خواند و گفت: بررسی مواردی نظیر مقدار واقعی

شرکت کنندگان، مهندسی آرا و تعیین سهمیه و درصد رای برای نامزدها توسط وزارت کشور، گروه سایه مدیریت انتخابات، علل مانع تراسی برای حضور نمایندگان نامزدها در هیات‌های اجرایی و هنگام پلمب صندوق‌ها و شمارش آرا در شعب اخذ رای و اماکن تجمع آرا از جمله دیگر موارد مورد بررسی در کمیته حقیقت‌یاب پیشنهادی از سوی کمیته صیانت از آرا مهندس موسوی است.

محتشمی پور افزود: بررسی علل اعلام سریع نتایج قبل از پایان اخذ رای از طریق سیستم رایانه‌ای و بدون طی مراحل قانونی و برخلاف نامه رسمی شورای نگهبان مبنی بر دستی بودن شمارش، بررسی علت اعلام و برگزاری مانور اقتدار توسط نیروی انتظامی و ... قبل از انتخابات بر خلاف ادوار قبل، بررسی اقداماتی که به خرید رای معروف شد، بررسی تبلیغات جانبدارانه‌ی صداوسیما به سود آقای احمدی نژاد مانند تریبون آزاد و ... برخلاف ادوار قبل، بررسی تاثیر افتراهای مجرمانه آقای احمدی نژاد در صداوسیما و مراکز تبلیغاتی نسبت به مقامات از جهت خدشه‌دار کردن رقیب و جلب آرا، بررسی مدیریت تعرفه - تعداد واقعی چاپ شده - علت عدم توزیع مناسب و کم آمدن تعرفه در تعدادی از استان‌های مهم و بررسی مدیریت زمان و علت عجله وزیر کشور برای پایان دادن به اخذ رای از جمله دیگر موارد مورد بررسی در کمیته حقیقت‌یاب است.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی در بخش دیگری از سخنان خود راهپیمایی میلیونی مردم تهران در روز گذشته را تبریک گفت و افزود: روز گذشته راهپیمایی میلیونی مردم تهران در حمایت از آقای مهندس میرحسین موسوی و همچنین برای احقاق حقوق خود و رای‌هایی که به صندوق ریخته‌اند و در اعتراض به حوادثی که در این انتخابات اتفاق افتاد را شاهد بودیم و مردم حرکت باشکوهی را با نظم و آرامش انجام دادند که یکی از زیباترین جلوه‌های حضور مردم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

محتشمی پور با بیان اینکه این حرکت میلیونی در تهران مشابه حرکت‌ها و تظاهراتی بود که در آستانه پیروزی انقلاب در تهران برای احقاق حقوق ملت ایران برگزار می‌شد، اظهار کرد: متأسفانه شیرینی این حرکت بزرگ مردم تهران با حادثه آفرینی تعدادی اندک از افرادی که در درون حرکت ملی مردم تهران آمده بودند، به آتش و خون کشیده شد. این عوامل نفوذی و به احتمال زیاد از جریان رقیب، این اقدام آرام مردم را برنمی‌تابید و با آتش زدن یک ماشین و ورود نیروهای مسلح از پایگاهی که در نزدیکی این حادثه بود، به طرف مردم شلیک شد و تعدادی از افراد کشته و مجروح شدند.

وی با تسلیت به خانواده‌های داغدار گفت: به این جریان طالبانی، خوارج و خشونت‌گرا که نمی‌توانند حرکت‌های زیبا و انقلابی مردم را ببینند و می‌خواهند با اقدامات خشونت‌بار خود صدای مردم را خفه کنند هشدار می‌دهم که راه شما بسیار غلط و اشتباه است و هیچ‌گاه نمی‌توانید به مقصد برسید. شما در دادگاه عدل الهی و دادگاه عمومی ملت ایران، محاکمه و محکوم خواهید شد. دولت کسانی هم که به عنوان سردمداران و حامیان آن‌ها هستند رو به پایان است و با این حرکت‌ها نمی‌توانند راه به جایی ببرند.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی در ادامه به برگزاری تجمع و جشن پیروزی حامیان احمدی نژاد در میدان ولی عصر اشاره کرد و افزود: یک روز قبل از راهپیمایی میلیونی مردم تهران که سراسر شور، عشق، شمع و آزادی بود، شاهد جشن نمایشی برای پیروزی رییس جمهور فعلی بودیم که این یک اقدام غیر قانونی بوده است چرا که آقای احمدی نژاد در صورتی می‌تواند به طور قانونی رییس جمهور باشد که دوران رسیدگی به شکایات گذشته باشد. طبق قانون، شورای نگهبان تا یک هفته باید شکایات را دریافت و پس از بررسی‌های لازم تا ۱۰ روز اظهار نظر کند. علی‌رغم اینکه عملکرد شورای نگهبان نشان دهنده تمایل این شورا به وضع موجود است ولی به هر حال هنوز نتوانسته است اظهار نظر کند ولی آقای احمدی نژاد جشن پیروزی برای خود گرفته است و در این اجتماع نیز اقدامات خلافی انجام داده است.

محتشمی پور با اشاره به برخی برخوردها و صحبت‌های رییس جمهور در جشن پیروزی در میدان ولی عصر اظهار کرد: آقای احمدی نژاد در این اجتماع به مردم و شخصیت‌هایی توهین کرده، مردم شریفی را که مخالف او هستند به خار و خاشاک تشبیه و حاضران را برای سرکوب ملت تحریک کرده است. آیا شان رییس جمهور یک کشور که باید حافظ جان، مال و ناموس مردم و مجری قانون باشد این است که مردم را با خشونت مورد خطاب قرار دهد و عده‌ای را تحریک کند؟ آیا چنین فردی شایسته ریاست جمهوری یک کشور است؟

وی همچنین از برخوردهای شدید و حملات صورت گرفته به خوابگاه کوی دانشگاه تهران طی روزها و شب‌های اخیر ابراز تاسف کرد و گفت: پس از برگزاری جلسه به اصطلاح جشن آقای رییس جمهور عده‌ای به کوی دانشگاه تهران حمله کردند و دانشجویان و عزیزان ما را به خاک و خون کشیدند و آن‌ها را مورد آزار و ضرب و شتم قرار دادند. این حادثه در یکی دیگر از استان‌های کشور



نیز اتفاق افتاده است و من از طرف خودم، آقای مهندس موسوی و مجمع روحانیون مبارز با دانشجویان و خانواده‌های آن‌ها ابراز همدردی می‌کنم.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی در ادامه سخنان خود انتخابات اخیر را استثنایی خواند و اظهار کرد: ما از ابتدا در این انتخابات موضوع صیانت از آرا را در دستور کار خود قرار دادیم ولی متأسفانه کارشکنی‌هایی صورت گرفت و عملاً سیستم سازمان یافته ما را در سراسر کشور مختل کردند. قطع سیستم ارتباطی ما از طریق اختلال در اینترنت و SMS نشان دهنده عزم پشت پرده دولت برای تخلف در انتخابات است.

وی ادامه داد: طبق قانون باید نمایندگان نامزدها از یک ساعت پیش از شروع اخذ رای در سر صندوق‌ها حاضر باشند ولی متأسفانه اجازه ورود به نمایندگان ما ندادند. در رابطه با تعرفه‌ها هم شاهد بودیم که از ساعت ۱۰ صبح در تعدادی از استان‌های کشور، مردم با فقدان تعرفه مواجه شدند.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی با اشاره به مشکلات پیش آمده در مرحله شمارش و تجمیع آرا افزود: در تمام این مراحل طبق قانون باید نماینده نامزدها حضور داشته باشد اما اجازه حضور به نمایندگان ما ندادند. از روز شنبه تاکنون نامه‌های مربوط به تخلفات با امضای مهندس موسوی برای شورای نگهبان فرستاده شده است. افکار عمومی بهترین دادگاه برای تخلفات است چرا که وقتی دستگاه قضایی وظیفه خود را انجام نمی‌دهد، این مردم هستند که حرف خود را به مقامات می‌رسانند.

وی با اشاره به دعوت روز گذشته شورای نگهبان از نمایندگان نامزدهای انتخاباتی برای شرکت در جلسه‌ای مشترک و طرح شکایات خود، اظهار کرد: امروز ساعت ۹ صبح قرار ملاقاتی از سوی شورای نگهبان گذاشته شد که من از طرف آقای موسوی، آقای کرباسچی از طرف آقای کروی و آقای دانش جعفری نیز به نمایندگی از آقای محسن رضایی در این جلسه حضور داشتند ولی متأسفانه فقط سخنگوی این شورا یعنی آقای کدخدایی و یکی از حقوقدانان شورای نگهبان در این جلسه حاضر شدند، در حالی که جا داشت شورای نگهبان مطالب مطروحه را از نزدیک می‌شنید، همان طور که روز گذشته هم باید پیام مردم را می‌شنیدند. محتشمی پور گفت: از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۲:۳۰ جلسه داشتیم و کل مسائل و تخلفاتی که در سیر انتخابات انجام شده بود با استدلالی قوی بیان کردیم. اولین انتقادی که وجود داشت مربوط به تخلفات خود شورای نگهبان بود. ناظر انتخابات باید کاملاً بی‌طرف باشد و تمام نامزدها باید مساوی باشند و شورای نگهبان نباید از هیچ یک از کاندیداها حمایت کند ولی علی‌رغم این وظیفه اخلاقی، قانونی و حقوقی، تعدادی از اعضای شورای نگهبان در سخنرانی‌های خود به طرفداری از آقای احمدی نژاد موضع گرفتند و حتی برخی از آن‌ها سفرهای تبلیغاتی برای وی انجام دادند. به عنوان مثال آقای الهام یکی از حقوقدانان شورای نگهبان است که در ایام انتخابات سفرهای تبلیغاتی برای آقای احمدی نژاد انجام می‌داد. آیا چنین شورایی صلاحیت دارد که انتخابات برگزار کند؟

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی بیان کرد: امام خمینی (ره) زمانی خطاب به شورای نگهبان فرمودند می‌ترسم از آن روزی که عده‌ای دور شما را بگیرند ولی جوانان و مردم ما علیه این شورا برای احقاق حقوق خود شعار دهند؛ این اخطار امام (ره) به شورای نگهبان بوده است و امیدوارم که این شورا به این مطلب توجه داشته باشد.

به گزارش خبرنگار قلم نیوز، محتشمی پور همچنین گفت: نامزدهای انتخاباتی حق دارند در جلسات هیات‌های اجرایی انتخابات شرکت کنند ولی شورای نگهبان آن‌ها را از این حق قانونی محروم کرده است و ما نمی‌دانیم در این مدت چه تصمیماتی در هیات‌های اجرایی مطرح شده است و این یکی دیگر از تخلفات صورت گرفته در این انتخابات محسوب می‌شود.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی در ادامه به برخی تخلفات صورت گرفته از سوی رییس جمهور، هیات دولت و وزارت کشور در انتخابات اشاره کرد و افزود: طبق قانون هیچ یک از نامزدها نمی‌توانند از امکانات دولتی و بودجه عمومی کشور برای تبلیغات خود استفاده کنند اما رییس جمهور با هواپیمای دولتی و با استفاده از امکانات دولتی سفرهای تبلیغاتی خود را انجام داده است. همچنین تحت عنوان سود سهام عدالت بین افراد پول پخش کرده است و از طریق کمیته امداد اقداماتی صورت داده‌اند که در جهت خریدن رای مردم بوده است. استفاده از کارمندان و مأموران دولت در تبلیغات انتخاباتی نیز از دیگر مواردی است که قانون آن را منع کرده اما متأسفانه آقای احمدی نژاد از این مساله سوء استفاده کرده است.

محتشمی پور با اشاره به اینکه در قانون اساسی ذکر شده است که شرط صلاحیت یک فرد برای احراز پست ریاست جمهوری مواردی نظیر امانتداری و تقواست گفت: طبق گزارش دیوان محاسبات عمومی، یک میلیارد دلار از بودجه و درآمد این کشور در

حساب‌های دولتی مفقود شده است و معلوم نیست، کجاست. این گزارش در مجلس قرائت شده و تاکنون پاسخی از سوی رییس جمهور دریافت نشده است. در کنار این‌ها دو هزار تخلف مالی در پرونده اقدامات آقای احمدی نژاد ثبت شده است و این امانتداری یک نامزد انتخاباتی را زیر سوال می‌برد.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی افزود: رییس جمهور در تبلیغات تلویزیونی خود دروغ‌های بسیار زیادی را مطرح کرد که این مساله عنوان تقوا را زیر سوال می‌برد و شرط احراز پست ریاست جمهوری را از او می‌گیرد.

وی در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه شورای نگهبان از ما می‌خواست که مصداق تخلفات را ذکر کنیم اظهار کرد: حرف ما به شورای نگهبان این بود که موضوع بر سر یک صندوق یا دو صندوق نیست که مصداقی برای آن‌ها تعیین شود. این که در کشوری اجازه حضور قانونی به نمایندگان نامزدها داده نشود، شائبه تقلب و سببی را ایجاد می‌کند ضمن اینکه ما موارد زیادی از تخلفات را در دست داریم و اعلام کرده‌ایم.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی درباره برخی از مصداق‌های تخلفات صورت گرفته در انتخابات اخیر گفت: در حدود ۷۰ حوزه انتخابیه، میزان رای که در صندوق‌ها ریخته شده نسبت به واجدین شرایط بسیار بیشتر است. مثلاً در یک حوزه انتخابیه ۱۴۰ درصد از واجدین شرایط رای داده بودند و این در حالی است که در تمام حوزه‌هایی که این اتفاق افتاده بود ۸۰ یا ۹۰ درصد رای آقای احمدی نژاد اعلام شده است یعنی بیش از ۱۰۰ درصد در این حوزه‌ها به آقای احمدی نژاد رای داده‌اند.

وی با انتقاد از اتمام زود هنگام ساعات اخذ رای نسبت به ادوار گذشته از سوی وزارت کشور بیان کرد: چرا در ساعت ۹ شب دستور توقف رای‌گیری به سراسر کشور صادر شده است؟ آیا خوف این نبوده است که هر چه بیشتر رای مردم گرفته شود، رای آقای مهندس موسوی بیشتر خواهد شد؟ با توجه به تخلفات وسیع صورت گرفته در این انتخابات، این انتخابات از بنیان باطل است و باید مجدداً برگزار شود.

در ادامه این نشست خبری حجت‌الاسلام و المسلمین محتشمی‌پور به سوالات خبرنگاران پاسخ داد و در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران درباره نظر شورای نگهبان راجع به پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت یاب اظهار کرد: مطابق صحبت‌هایی که انجام شد، آقای کدخدایی اعلام کرد که این پیشنهاد را فردا در شورای عمومی شورای نگهبان مطرح خواهد کرد و نتیجه را اعلام می‌کند. اگر شورای نگهبان به توافق برسد و این طرح را قبول کند، طرح کمیته حقیقت یاب می‌تواند مبنای حل مشکلات باشد.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی در پاسخ به پرسش دیگری درباره بازداشت ابطی، با ابراز تاسف نسبت به دستگیری‌های صورت گرفته طی روزهای اخیر اظهار کرد: باعث تاسف ماست که چهره‌های سیاسی و طرفداران آقای موسوی، کربوبی و آقای رضایی به بهانه‌های واهی دستگیر شوند. این به معنای ایجاد رعب، وحشت و خفقان است و چنین ترفندهایی در حرکت مردم تأثیرگذار نخواهد بود.

از محتشمی‌پور سوال شد که اگر شورای نگهبان انتخابات ریاست جمهوری را تایید کرد، چه کاری صورت خواهید داد؟ وی پاسخ داد: متأسفانه عملکرد برخی دستگاه‌ها با اصول قانونی، حقوقی و ارزشی انقلاب کاملاً مغایرت دارد و روشی را که برخی از سردمداران اجرایی اتخاذ کرده‌اند به گونه‌ای است که به دنبال تحمیل یک فرد یا افرادی بر مردم هستند و حضرت امام (ره) مخالف این مساله بودند. مجمع روحانیون مبارز و برخی از شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌ها تصمیم دارند که در کنار مردم برای احقاق حقوق آن‌ها تا آخر بایستند. ما در این مسیر با هر گونه حرکت خشونت‌آمیز و قهرآمیز مخالفیم و این را ویژگی مخالفان خود می‌دانیم.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی با بیان اینکه فکر نمی‌کنم شورای نگهبان جرات اینکه در مقابل اراده مردم بایستد را داشته باشد، یادآور شد: امام خمینی (ره) زمانی خطاب به شورای نگهبان فرمودند می‌ترسم از آن روزی که عده‌ای دور شما را بگیرند ولی جوانان و مردم ما علیه این شورا برای احقاق حقوق خود شعار دهند. این اخطار امام (ره) به شورای نگهبان بوده است و امیدوارم که این شورا به این مطلب توجه داشته باشد.

وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا انقلاب دیگری در ایران در حال شکل‌گیری است؟ گفت: این یک حرکت اصلاحی است و انقلاب اسلامی نیز کاملاً بر اساس یک رویکرد اصلاحی صورت گرفته است. امروز حرکت مردم ایران برای اصلاح انحرافات است که به وجود آمده است.

محتشمی پور درباره اقدامات احتمالی برای آزادی دستگیر شدگان در روزهای اخیر اظهار کرد: ما مخالف دستگیری‌ها و بروز خشونت هستیم و خشونت‌ها را در طرف مقابل می‌بینیم. ما به دنبال آزادی دستگیرشدگان بوده، هستیم و خواهیم بود و تا آزادی آن‌ها پیگیری‌های لازم را انجام خواهیم داد.

رییس کمیته صیانت از آرای مهندس موسوی با اشاره به کشته شدن افرادی در روزهای اخیر اظهار کرد: ما یک کمیته حقوقی تشکیل داده‌ایم و بنا داریم کیفرخواستی را علیه دولت و دستگاه‌هایی که اقدام به بروز خشونت و تخلف کرده‌اند تنظیم کنیم و به صورت عمومی برای ملت اعلام خواهیم کرد.

وی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چقدر به ابطال انتخابات امیدوار هستید؟ گفت: مطابق قانون اگر انتخابات با چالش جدی روبه‌رو شود و تقلب‌ها به گونه‌ای باشد که در انتخابات خللی وارد کند، ابطال انتخابات عملاً امکان‌پذیر است. اگر با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب موافقت شود و این کمیته بتواند موارد مختلف را بررسی کند و به پیش‌برید قطعا به نتیجه ابطال انتخابات منجر خواهد شد.

وی در پاسخ به اینکه اگر با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب موافقت نشد چه می‌شود؟ گفت: به نظر ما این تنها راهی است که می‌توان به حقیقت رسید. دو پیشنهاد مشخص از سوی دو تن از نامزدها مطرح شده است و بدین ترتیب از طرف آقای کروی پیشنهاد ابطال و تجدید انتخابات مطرح شده و از سوی آقای موسوی نیز پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت‌یاب مطرح شده است که در نهایت به همان نتیجه خواهیم رسید اما این کمیته راهی عقلانی و منطقی است که برای همه قابل درک خواهد بود.

رییس کمیته صیانت از آرای میرحسین موسوی با بیان اینکه انتخابات اخیر را کاملاً مخدوش می‌دانیم و نتیجه این انتخابات راایی نیست که مردم در صندوق‌ها ریخته باشند، از برخوردهای خشونت‌آمیز صورت گرفته طی روزهای اخیر به شدت انتقاد کرد و افزود: جمله معروفی هست که می‌گوید دیکتاتورها یک شبه دیکتاتور نمی‌شوند. یکی از راه‌هایی که انسان‌ها را به دیکتاتوری و استبداد می‌رساند قانون‌شکنی، قلب وقایع و مطرح کردن مطالب کذب است.

وی در پایان گفت: متأسفانه آقای رییس‌جمهور فکر می‌کند که با دستگیری‌های فله‌ای و خشونت بی‌مهابا می‌تواند به اهداف خود برسد در حالی که این طور نیست و قطعاً با چالش و مشکل جدی با افکار عمومی مواجه خواهد شد. من نصیحت می‌کنم که این راه را ادامه ندهند و نسبت به ملایمت و همراهی مردم اقدام کنند تا بتوانند به حیات سیاسی خود ادامه دهند.

## بیانیه شماره ۱۴ کمیته صیانت از آراء ستاد آقای میرحسین موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بين الناس ان تحکموا بالعدل

(سوره شریفه نساء آیه ۶)

ملت شریف ایران!

نامه مورخه ۸۸/۳/۳۰ جناب آقای مهندس میرحسین موسوی خطاب به شورای نگهبان، حاوی گزارشی از مهندسی انتخابات، با بی‌اعتنایی مقامات مسئول و ذریبیط مواجه گردید. یک بار دیگر برخوردهای جانبدارانه و بی‌اعتنایی به افکار عمومی و عدم توجه به عوامل موجده حماسه حضور ۲۲ خرداد، تکرار شد.

کمیته صیانت از آرای ملت ایران در انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری، در تداوم وظیفه خود، اینگونه برخوردهای انسداده آفرین را مخل دستیابی به یک راه حل معقول و خدایسندانه می‌داند و اصرار بر معکوس جلوه دادن حرکت عظیم ملت ایران در ۲۲ خرداد ۸۸ را محکوم می‌کند. این کمیته همچنین یادآوری می‌نماید چنانچه هشدارها و تذکرات قبلی نادیده گرفته نمی‌شد و مقامات مسئول، وظیفه قانونی خود را در رفع اشکالات عیدیه‌ای که در مرحله «قبل»، «حین» و «بعد» از انتخابات به آنان اعلام گردید، انجام می‌دادند، امروز نظام جمهوری اسلامی و کشور ایران به عنوان مهد مردمسالاری دینی و الگوی بی‌رقیب توسعه سیاسی جهان اسلام، سرخط اخبار سیاسی جهان بود، نه به عنوان کشوری که تظاهرات آرام مردم خود را تحمل نمی‌کند و با انواع تدابیر آن را به سمت تشنج و اغتشاش می‌برد. اگر امروز درصداً اخبار جهان، نمایش عکس‌ها و فیلم‌های قربانیان بی‌گناه تظاهرات خیابانی ایران قرار دارد، گناه آن به گردن کسانی است که مرتکب انواع رفتارهای

خلاف قانون شدند یا بر آن چشم پوشیدند و متأسفانه امروز با تظاهر احترام به قانون، قربانی اصلی اقدامات خلاف قانون را به رعایت قانون دعوت می‌کنند .

ملت فهیم و صبور ایران !

آنچه کلیه ناظران منصف و بسیاری از دست‌اندرکاران امر انتخابات در ادوار مختلف جمهوری اسلامی ایران از آن به عنوان «مهندسی انتخابات در این دوره» یاد می‌کنند، طی سه مرحله پی در پی صورت گرفته است :

الف) سلسله اقدامات قبل از اخذ رأی از طریق زمینه‌سازی‌های غیراخلاقی، اقدامات غیرقانونی و تخلفات آشکار و مکرر که برخی از آنها در بیانیه‌های قبلی مستنداً اشاره گردیده از جمله استفاده وسیع و نامحدود از امکانات تدارکاتی، تبلیغاتی و نیروی انسانی دولتی که در خدمت نامزد دولتی قرار داشت، به گونه‌ای که گویا هدف پیروزی در انتخابات، مجوز همه‌گونه حیف و میل سرمایه‌های ملی، تاراج اعتماد عمومی و هر گونه خلافکاری دیگر است. استماع عباراتی نظیر «دولت دروغ» و «دولت دروغگو» از مردمی که قریب به سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی ویژگی ممتاز نظام را صداقت مسئولین می‌دانستند، موجبات ناخرسندی هر شنونده‌ای می‌شد. در روزهای تبلیغات انتخاباتی، با اینکه بسیاری از گزارش‌های ارائه شده توسط رئیس‌جمهور وقت، در سیما، روز بعد به وسیله نهادهای رسمی تکذیب می‌شد، این روش تعجب‌برانگیز به وسیله وی تکرار می‌گردید. گویا مشاوران رئیس‌جمهور به این نتیجه رسیده بودند که اعلام یک دروغ بزرگ تأثیر تبلیغاتی چندین میلیونی دارد و تکذیب بعدی آن مخاطبانی حداکثر چند هزار نفری خواهد داشت. البته در شرایط فقدان ترس از خداوند یا حسابرسی مقامات و نهادهای مسئول، این معامله‌ای پرسود است و توده‌هایی را که فقط چشم به تلویزیون دارند، جذب می‌کند. هر چند هر روزه بیش از پیش، نخبگان از سلامت و کارآمدی دولت ناامید شوند .

همچنین یک سلسله اقدامات دیگر قبل از رأی‌گیری، به طور مشخص معطوف به ایجاد سیستمی بسته و محدود به چند فرد خاص از دستگاه اجرا و نظارت بود که هیچکس را به درون آن راهی نباشد. بدین ترتیب با انواع روش‌هایی که قبلاً ذکر شد، حق قانونی و شرعی نامزدها برای اعمال نظارت و حضور مؤثر در مراکز مرتبط با برگزاری انتخابات سالم، از آنها گرفته شد. نهایتاً به دلیل حضور بسیار گسترده مردم در صحنه که با نامزدی مهندس میرحسین موسوی آمیدی دوباره را در حال شکوفایی می‌دیدند، فعالیت‌های این جریان برای بیرون راندن مردم از صحنه حضور در انتخابات، خنثی گردید لیکن سلسله اقداماتی که برای محدودسازی نظارت و صیانت از آرا انجام شده بود، صرفاً می‌توانست با دخالت مسئولان نظام بی‌اثر شود که متأسفانه چنین شد .

ب) در مرحله اخذ رأی، همگان شاهد تقلب بسیار وسیع، سیستماتیک و چند لایه بودند که جزئیات آن تنها به وسیله یک هیأت حقیقت یاب عادل، بی‌طرف، شجاع و کارآمد، می‌تواند ارائه شود. در اینجا برخی نمودهای آن را به مثابه مثنی از خروار ذکر می‌نمائیم :

1- تعیین و به کارگیری اعضای هیأت‌های اجرایی و نظارت از یک طیف خاص به گونه‌ای که اغلب مشهور به جانب‌داری از کاندیدای دولتی بوده‌اند .

2- تغییر کمی و کیفی شعب اخذ رأی و اعضای آن .

3- چاپ انبوه و بی‌سابقه تعرفه‌ها بطوری که می‌بایست بالغ بر بیست میلیون تعرفه بدون استفاده موجود باشد هر چند که از آمار و سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست و هنوز در هاله‌ای (!) از ابهام قرار دارد .

4- گزارش‌هایی مبنی بر وجود تعرفه‌های بدون شماره سریال که در شب ۲۲ خرداد ۸۸ به چاپ رسیده است، وجود دارد که این امر در تاریخ انتخابات بی‌سابقه بوده و وجود نارسایی‌ها و کسری تعرفه در استان‌ها از ساعات قبل از ظهر روز اخذ رأی بر وضعیت بغرنج سرنوشت این تعرفه‌های سرنوشت‌ساز (!!) می‌افزاید .

5- تهیه و تأمین مهرهای انتخاباتی به میزان حیرت‌آور قریب به دو و نیم برابر تعداد شعب و نیز تحویل دو مهر به هر شعبه اخذ رأی که فاقد جاهت قانونی است، از اقدامات عجیب و غریب این دوره می‌باشد که با کمال تعجب و تأسف هیچگونه اعتراضی را از سوی نهادهای نظارتی قانونی بر نیانگیخت، در حالی که وجود مهر اضافی در هر شعبه می‌تواند زمینه‌ساز تقلبات فراوان گردد .

6- در حالی که توسط مسئولان برگزاری انتخابات ادعا شود که مهندس میرحسین موسوی حدود ۴۰ هزار نماینده در شعب اخذ رأی سراسر کشور داشته است، که عاری از واقعیت می‌باشد، بلکه واقعیت، گویای وضعیت ناگوار و تأسف‌باری برای اجرای این بخش از قانون در این دوره می‌باشد. بخشی از اشکال آفرینی‌ها به منظور اختلال در سیستم نمایندگان نامزدها به قرار زیر می‌باشد :

1-6 طبق قانون حضور نمایندگان نامزدها، از روز اول خرداد ۸۸، نمایندگان مهندس موسوی می‌توانستند در هیأت‌های اجرایی حضور یابند. در حالی که در هیچ نقطه کشور به دلیل امتناع فرمانداران و دستور وزارت کشور، امکان حضور آنان تا روز رأی‌گیری ممکن نگردید .

2-6 فرمانداری‌ها در مواجهه با مسئولین ستادهای مهندس موسوی، بهانه‌گیری‌های مختلف و درخواست اطلاعات اضافی و غیرقانونی برای پرونده‌سازی نمایندگان ایشان را بیان می‌نمودند .

3-6 در پذیرش مدارک ارسال شده از سوی ستادهای مهندس موسوی، تعلل و تأخیر می‌ورزیدند .

4-6 برای تعداد زیادی از نیروهای معرفی شده کارت صادر نکردند .

5-6 کارت‌های صادر شده بر اساس شعبه‌های معرفی شده نبود و آنها را با جهت‌گیری خاص بنحوی مهندسی می‌کردند که امکان حضور ایشان را در شعب از بین می‌برد.

6-6 کارت‌های نمایندگان را دیر هنگام و به گونه‌ای تحویل دادند که بخشی از آنها ناقص و مخدوش و جابجا شده بود.

7-6 از فعالیت قانونی بسیاری از نمایندگان مهندس موسوی در هنگام پلمپ کردن صندوق‌ها و رویت شناسنامه رأی دهندگان، جلوگیری می‌کردند و به تذکرات ایشان در ممانعت از تبلیغات غیرقانونی کاندیدای دولتی توسط بعضی از اعضا و نظار شعب وقعی نمی‌نهادند.

8-6 از حضور نمایندگان نامزدها در سایت‌های تجمع آراء ممانعت به عمل آوردند.

9-6 نمایندگان کشوری نامزدها را در گوشه‌ای از ستاد انتخابات کشور مستقر کرده بودند که امکان هیچگونه دستیابی و اطلاع از آمار یا چگونگی تجمع آراء برای ایشان مقدور نبود به گونه‌ای که در ساعت ۲ و پانزده دقیقه بامداد ۲۳ خرداد طی نامه‌ای رسمی اعتراض خود را از این وضعیت به وزیر کشور اعلام داشتند.

10-6 سیستم پیامک (SMS) که به عنوان تنها وسیله ارتباطی و انعکاس تخلفات در روز انتخابات توسط نمایندگان مهندس موسوی پیش‌بینی شده بود، از بامداد روز رأی‌گیری کاملاً قطع گردید.

11-6 تلفن‌های ثابت کمیته صیانت از آراء در اواخر زمان رأی‌گیری و هنگام اوج کاری ستاد برای اخذ گزارش‌ها قطع و دستگیری رابطین شعب که مسئولیت پشتیبانی نمایندگان مهندس موسوی را عهده‌دار بودند، آغاز گردید.

... 12-6

7-7 شبهه جدی در وضعیت صندوق‌ها: هیچ اطمینانی وجود ندارد که صندوق‌ها قبل از پلمپ شدن، با آراء مورد نیاز و مهندسی شده از قبل، پر نشده باشد. نمایندگانی که پس از عبور از هفت خوان اختلالات، بسیاری از آنها در ساعت مقرر امکان حضور قبل از زمان شروع رأی‌گیری نیافته بودند، نمایندگانی که موفق به حضور شدند، غالباً با اصرار و تاکید غیرقانونی «راه ندادن» یا «اخراج» مواجه گردیدند. سؤال این است که این تأکید بر عدم حضور در موقع پلمپ صندوق رأی، چه دلیلی توجیهی می‌تواند داشته باشد؟! (ج)

مرحله اعلام عجولانه نتیجه انتخابات :

در این مرحله، سرعت عجیب اعلام نتایج نهایی آراء حتی در زمانی که رأی‌گیری در جریان بود، خبر از ارائه آماری غیرواقعی می‌داد، به ویژه وقتی در مرحله تجمع، وجود نمایندگان نامزدهای غیردولتی کان لم یکن بوده و آنان هیچ اطلاع و نظارتی بر چگونگی تجمع و اعلام آن نداشته‌اند و از شنیدن آمار رادیو اظهار تعجب نموده‌اند.

در مرحله اعلام نتایج، نکته اساسی دیگر اصرار و تأکید عاجل مقدمات بر ختم انتخابات و تجدید دوره ریاست‌جمهوری و اعلام صحت آن حتی قبل از طی مهلت قانونی است. این عجله در بخش رسانه‌ای دولت نیز مشهود بود، به طوری که خبرهای رسانه‌هایی همچون ایرنا، فارس، کیهان و ... به شکل زود هنگام بر روی خروجی‌ها قرار گرفت که این همه حاکی از تصمیم قبلی مبنی بر اعلام نتیجه از قبل تعیین شده به نفع کاندیدای دولتی بود، به نحوی که آرای آقای احمدی‌نژاد در ساعات اولیه بامداد ۲۴ میلیون عنوان گردید؟! ملت شریف ایران!

کمیته صیانت از آراء امیدوار است اصرار غیرقانونی و غیراخلاقی بر سپردن بررسی تقلبات به دست عوامل آن و دیگر کسانی که در این فرایند نقش داشته‌اند پایان پذیرد و با استفاده از تجربیات زمان حیات امام(ره) با تشکیل کمیته حقیقت یاب عادل، کارآمد، شجاع و مورد قبول همه طرف‌های انتخابات، کل مراحل انتخابات مورد بررسی موشکافانه قرار گیرد.

تشکیل این کمیته و اعلام نتیجه به وسیله آن، آرامش و طمأنینه را به جامعه و اعتبار را به مسئولان نظام باز خواهد گرداند و تجربیات گرانبغی برای نظام ذخیره خواهد نمود. در سطح جهان نیز جمهوری اسلامی یکبار دیگر درخشش خواهد گرفت و الگوی مردم‌سالاری دینی پیشنهادی آن مجدداً الگوی موفق و پیشرو برای همه آزادگان جهان خواهد بود.

**کمیته صیانت از آراء مهندس موسوی**

## نامه مشترک محتشمی پور و موسوی لاری به جنتی

بسمه تعالی  
حضرت آیت الله جنتی  
دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

سلام علیکم

نظر به بروز ابهام های متعدد در روند برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران و شکایات فراوان ماهوی و شکلی سه نفر از چهار نامزد این دوره انتخابات در مراحل قبل، حین و بعد از اخذ رای، اینجانبان وزرای اسبق کشور، که خود مسئولیت برگزاری چند دوره انتخابات را بر عهده داشته ایم؛ پیشنهاد ذیل را - بعنوان روشی منطقی، قانونی و اقناعی برای معترضین - بمنظور راهگشایی و برون رفت از وضعیت موجود ارائه می نماییم :

با توجه به اینکه ته برگ تعرفه های مصرف شده در شعب اخذ رای موجود می باشد؛ ترتیبی اتخاذ نمایید تا تمامی این تعرفه ها در اختیار کمیته ای مورد اعتماد دست اندرکاران انتخابات و نامزدها قرار گیرد سپس به نحو مقتضی فهرست اسامی رای دهندگان استخراج و با استفاده از پایگاه اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور - که دسترسی سریع به آن میسر است - تطبیق گردد؛ بدیهی است در این صورت تعداد دقیق رای دهندگانی که واجد شرایط قانونی بوده اند؛ مشخص خواهد شد و تنها پس از انجام این مرحله است که بررسی و بازشماری آرای موجود در صندوق های مورد تردید و مقایسه نتایج حاصله با مفاد فرم های 22 و 28 دارای معنا و روشن کننده حقیقت خواهد بود .

سیدعلی اکبر محتشمی پور ، سید عبدالواحد موسوی لاری

### بیانیه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات پیرامون حوادث بعد از انتخابات

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات پیرامون حوادث بعد از انتخابات بیانیه‌ای صادر کرد .به گزارش ایلنا، در بخشی از این بیانیه خطاب به ملت ایران آمده است :ما آموخته‌ایم که همیشه در شرایط سخت به خداوند توکل کنیم، با شما سخن بگوییم و در کنار شما باشیم و اکنون همان روز و همان شرایط است .

حماسه بزرگی که شما در انتخابات ۲۲ خرداد خلق کردید، بی‌نیاز از هر توصیفی است. آن مشارکت بی‌نظیر در استفاده از حق تعیین سرنوشت را خاضعانه ارج می‌نهیم و باری دیگر خداوند منان را شاکریم که چنین آگاهی و بصیرتی به ملت ما عطا کرده و به ما توفیق داده است تا در چنین عصری در میان شما زندگی کنیم .

در ادامه این بیانیه آمده است: اما آنگونه که دیدید و جهانیان هم نظاره کردند، عده‌ای بی‌اعتقاد به حقوق و موجودیت ملت، با آبروی نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یادگار خمینی کبیر، بازی کردند و رای و اراده ملت را به سخره گرفتند

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: ما احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب در این هنگامه سخت و در این کارزار نابرابر، اکنون و برای همیشه حمایت جدی، قاطع و مستمر خود از دیدگاه‌ها، مواضع و دغدغه‌های ملی و اسلامی جناب آقای مهندس میرحسین موسوی در خصوص شیوه ناصواب برگزاری انتخابات اخیر را اعلام می‌کنیم و بر حقانیت اعتراض پای می‌فشاریم و همچون خود او سخت بر این باوریم که باید تا احقاق کامل حقوق تصبیح شده مردم در گستره قانون، ایستادگی کرد .

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: ما تمامی دستگاه‌های مسوول در امر برگزاری انتخابات، از وزارت کشور و شورای نگهبان گرفته تا صدا و سیما را عامل رویدادهای فجیع و ناگوار اخیر می‌دانیم و از آنها می‌خواهیم تا به‌جای تهدید مکرر مردم و خط و نشان کشیدن برای شخصیت‌ها و احزاب سیاسی و فعالان فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه دانشجویان و جوانان، دست از توهین به غرور ملی ایرانیان بردارند تا آرامش از دست رفته مملکت بازگردد .

در ادامه این بیانیه آمده است: ما به استناد اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی و در راستای راهبرد مسالمت‌آمیز و عاری از خشونت خود، برای چندمین بار از وزارت کشور، درخواست صدور مجوز قانونی برگزاری تجمع و یا راهپیمایی می‌کنیم.

## پیام آیت الله العظمی منتظری پیرامون نتایج انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن

بسم الله الرحمن الرحيم

(لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم)

ملت شریف و مظلوم ایران

ضمن سلام و تحیت - در روزهای اخیر شاهد تلاش و حضور پرشور و ایثارگراانه شما برادران و خواهران عزیز و بزرگوار، از زن و مرد، پیر و جوان و تمامی اقشار در صحنه تبلیغات انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری بودم. در این ایام قشر جوان با روحیه امید و برای رسیدن به خواسته های به حق خود به صحنه آمدند و شب و روز برای روز موعود لحظه شماری کردند، و این فرصت بسیار مناسب و خوبی برای مسئولین نظام بود تا موقعیت را مغتنم شمرده و بتوانند بهترین رابطه دینی، عاطفی و ملی را با قشر عظیم نیروی جوان و بقیه اقشار برقرار نمایند.

اما متأسفانه از این بهترین فرصت بدترین استفاده شد. با اعلام نتایجی که هیچ عقل سلیمی آن را نمی پذیرد و بر اساس شواهد موثق تغییرات عمده ای در آرای مردم داده شده است و به دنبال آن در پی اعتراض برخی از اقشار مردم به این نحو عملکرد، در جلوی چشم همین مردم که بار سنگین پیروزی انقلاب و هشت سال جنگ تحمیلی را بر دوش خود حمل نمودند و با دست خالی در برابر گلوله های رژیم شاهنشاهی و توپ و تانک دشمن مقاومت کردند، و در جلوی چشم جهانیان و در حضور دوربین های خبرنگاران داخلی و خارجی به جان فرزندان این مردم و این مملکت افتاده و با شدت و خشونت کامل با زنان و مردان بی دفاع و دانشجویان عزیز برخورد کرده و آنها را سرکوب و مضروب و دستگیر نمودند؛ و اینک به دنبال تسویه حسابهای سیاسی، با فعالان و اندیشمندان و روشنفکران بر آمده و عده کثیری را که بعضاً از مسئولین بلند مرتبه نظام جمهوری اسلامی بوده اند بی جهت دستگیر و بازداشت می کنند.

اینک بر وظیفه دینی و ملی و بر اساس آیه شریفه (و ذکر فان الذکری تنفع المومنین) و نیز با هدف خیرخواهی و آرزوی اصلاح امور، چند نکته را تذکر می دهیم:

۱ - ویژگی يك حکومت مقتدر - چه اسلامی و یا غیر اسلامی - آن است که بتواند دیدگاههای موافق و مخالف را مورد توجه قرار دهد و با شرح صدر که شرط لازم حاکمیت است همه اقشار حق مخالفین فکری و سلیقه ای خود را جذب و در امر حاکمیت سهیم نماید، نه اینکه آنان را به کلی طرد نموده و روز به روز بر تعداد آنان بیفزاید. من به خاطر موسوم شدن حاکمیت به حکومت دینی خوف آن دارم که کارها و اعمال مسئولین در نهایت باعث ضربه به دین و موجب خدشه در اعتقادات مردم گردد.

۲ - در رابطه با اوضاع کنونی و مسائلی که پس از انتخابات اخیر به وجود آمده و بسیاری از مردم دچار تحیر و بدبینی شده اند و بر اساس آموزه های دینی و اخلاقی، از حاکمان و مسئولین مربوطه توقع دارند در چنین امر مهمی که حفظ حقوق عامه مردم است و در آن نمی توان به اصالت برائت تمسک کرد بلکه بایستی از طریق معتبر و مرضی الطرفین و بی طرف، امانتداری حاکمیت و دست اندرکاران آن احراز گردد. در چنین شرایطی انتظار آن است که حاکمیت پاسخی مقبول و معقول بدهد و با روشهای صحیح، بدبینی و شک و شبهه مردم را برطرف نماید؛ که در غیر این صورت موجب بی اعتمادی بیش از پیش مردم به حاکمیت شده و مشروعیت نظام و منتخب آن زیر سوال رفته و اعتبار آن مخدوش خواهد شد. بارها تذکر داده ام که آراء ملت امانتهای مردمی و الهی هستند و حاکمیتی که بر اساس تصرف در آراء باشد هیچ نحو مشروعیت دینی و سیاسی ندارد.

۳ - از همه مردم به ویژه جوانان عزیز تقاضا می شود که حق خواهی خود را همراه با صبر و متانت دنبال کنند و با کیاست و هوشیاری در صدد حفظ آرامش و امنیت کشور و پرهیز از هرگونه خشونت و کارهایی باشند که چهره آنان و نیز خواسته مشروع و قانونی شان را مخدوش می نماید و بهانه به دست افراد معلوم الحالی می دهد که خود را در میان مردم جا زده و با ایجاد اغتشاش و تخریب و آتش زدن اماکن شخصی و عمومی، قصد ایجاد فضای رعب آور و امنیتی کردن کشور را دارند. لازم است ضمن حضور آگاهانه و با هوشیاری کامل اجازه دهند تا کاندیداهایی که حقشان تضییع شده کار قانونی خود را دنبال نمایند.

۴ - به همه مسئولان و دست اندرکاران و همچنین به مأمورین نظامی و انتظامی توصیه می‌کنم دین خود را حفظ و آن را به دنیای دیگران نفروشدند و توجه کنند که عبارت "المأمور معذور" در پیشگاه خداوند متعال به هیچ وجه پذیرفته نیست. جوانان معترض را فرزندان خود دانسته و از برخوردهای خشن و غیر انسانی دست برداشته و با عبرت از سرنوشت گذشتگان، بدانند که دیر یا زود عاملین ظلم به مردم از کیفر و عقوبت دنیوی و اخروی مصون نخواهند بود. در این زمان نمی‌توان با سانسور و قطع و محدود نمودن امکانات ارتباطی حقایق را از دید مردم پنهان نمود.

در خاتمه از خداوند متعال توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین، و نیز عزت و سربلندی ملت عزیز ایران را مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.  
۲۶ خرداد ۱۳۸۸ حسینعلی منتظری

## پیام آیت الله منتظری در اعتراض به عملکرد نامناسب مسئولان و سرکوب مردم

بسم الله الرحمن الرحيم

(الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم)

ملت بزرگوار و فهیم ایران

سلام و تحیت به پیشگاه شما مردم غیور و فداکار، که یک بار دیگر همچون گذشته‌های پر افتخارتان در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور، رشادت و بلوغ فکری خویش را به اثبات رساندید و برای احقاق حقوق از دست رفته خود، صبورانه سختی‌ها را تحمل نمودید؛ ولی مسئولین امور با آن که به یقین می‌دانند که همه منصب و مقامشان ثمره جانفشانی‌ها و از خود گذشتگی‌های شما ملت عزیز و بزرگوار است، با کمال تأسف در برابر خواسته به حق شما مردم عزیز روشهایی اتخاذ نموده و به اعمالی دست زدند که در باور هیچ انسان منصفی نمی‌گنجد.

اینجانب که در حد توان خویش، در مبارزات علیه رژیم گذشته و برقراری جمهوری اسلامی نقش داشته‌ام، ضمن اظهار تأسف و ناراحتی از این برخوردها و رفتارهای چند روز گذشته، در برابر مردم احساس شرمندگی می‌نمایم و صراحتاً اعلام می‌دارم که اسلام عزیز و سیره نبوی و منش علوی با رفتار حاکمان فعلی تفاوتی آشکار دارد. این برخوردها و سیاستها که زیر لوای حاکمیت دینی انجام می‌شود به یقین موجب بدبینی اقشار وسیعی از مردم به اصل اسلام و حاکمیت دینی خواهد شد و زحمات ارزشمند علمای اسلام را از بین خواهد برد.

در کشور و نظامی که به اسلامیت و شیعه بودن خویش می‌بالد چگونه در منظر و مرآی جهانیان و پس از گذشت فقط سی سال از پیروزی انقلاب و در حالی که هنوز توده‌های مردم صحنه‌های پایانی رژیم گذشته را به یاد دارند، تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر را به یک پادگان بزرگ تبدیل کرده‌اند و با سیاستهای غلط خود برادران نظامی و انتظامی را در مقابل مردم قرار داده‌اند و با راه انداختن مأموران لباس شخصی که خاطره چماقداران شاه را در اذهان تداعی می‌کند، ناجوانمردانه به جان جوانان و مردان و زنان این مرز و بوم تاخته و آنها را به خاک و خون می‌کشند. با انحصاری نمودن تمامی امکانات رسانه‌ای و تبلیغاتی، روشنفکران و فرهیختگان و دانشجویان که همگی چشم و چراغ و فرزندان این ملت‌اند را وابسته به اجانب می‌خوانند و هر روز به بهانه‌های واهی آنها را دستگیر و زندانی می‌نمایند. اینان سرمایه‌های این مملکت‌اند. چرا آمار فرار مغزها از کشور تا این میزان بالاست؟

آیا این گونه برخورد با مسائل موجب و هن اسلام و تشیع نمی‌شود؟! آیا روش و سیره پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) که ما افتخار پیروی از آنان را داریم همین گونه بوده است؟! رسول بزرگوار اسلام(ص) و امیر مومنان(ع) هیچ‌گاه مخالفان خود را دشنام نداده و به آنان تهمت نزدند، آنان را با شمشیر ساکت ننموده و سیاست ناپسند و نابخردانه خودی و غیر خودی را در مورد مسلمین پیاده ننمودند. اینکه عده‌ای نسبت به حکومت خودی بوده و بتوانند دست به هر جنایتی بزنند، به خوابگاه دانشجویان حمله نموده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و از طبقه بالا به پایین پرتاب کنند، قتل‌های زنجیره‌ای را انجام دهند و فرهیختگان این ملت را وحشیانه ترور نمایند و از مجازات مصون باشند، با هیچ دین و آئینی سازگار نیست؛ خصوصاً با شریعت مقدس اسلام که پیغمبر آن (رحمة للعالمین) است و جانشین بر حق او به خاطر درآوردن خلخال از پای زن یهودیه می‌فرماید: اگر کسی از این غصه بمیرد بر او ملامتی نیست.

اینجانب برای کلیه شهدا مخصوصاً شهیدان چند روز گذشته علو درجات، و برای بازماندگان غمدیده آنان صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند متعال خواهانم.

توصیه من به ملت عزیز و بزرگوار ایران آن است که در کمال متانت و آرامش با آگاهی کامل خواسته‌های منطقی و بر حق خویش را پیگیری نمایند.

به مسئولین و سردمداران حکومتی سفارش می‌کنم که با برخوردهای تند و غیر عقلایی بیش از این موجب بی‌اعتمادی ملت به آنان و جدایی مردم از نظام نگردند؛ و با دست برداشتن از لجابت و اظهارات و عقاید اشتباه و تنگ نظری، بین خود و مردم تفرقه ایجاد نکنند؛ و نسبت به



اشتیاهات انجام شده از مردم عذرخواهی نمایند؛ و با تشکیل هیأتی بی طرف و دارای اختیارات تام، انتخابات اخیر را به سرانجامی قابل قبول برسانند؛ و باور داشته باشند که مقامات دنیوی پایدار نبوده و ارزشی ندارد و آیه شریفه ( تلک الایام نداولها بین الناس ) را آویزه گوش کنند. اگر مردم شریف امروز خواسته های به حق خود را در اجتماعات آرام مطرح نکنند و مظلومانه سرکوب شوند، عقده هایی شکل خواهد گرفت که ممکن است بنیان هر حکومتی را هر چند مقتدر باشد برکند.

در پایان حقیقت مرگ و قیامت را به خود و همگی افراد گوشزد نموده و از خداوند متعال می‌خواهم که توفیق ایمان و باور به ( انا لله و انا الیه راجعون ) را به همه ما عنایت بفرماید. آمین رب العالمین.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۳ تیر ماه ۱۳۸۸  
حسینعلی منتظری

## متن جوابیه آیت الله العظمی صانعی در پاسخ به مهندس میر حسین موسوی

بسمه تعالی

دوست مکرّم و یار و فرزند امام خمینی (سلام الله علیه)  
جناب آقای مهندس میرحسین موسوی (دام عزه)  
بعدالتحیه والسلام؛

نامه دردمندانه، انسانی، اسلامی و ایمانی جنابعالی را دریافت کردم، امید آن داشتم که انتخاب شما با کوله باری از تجربه و تعهد و دعای امام امت (سلام الله علیه) و یاران با وفایش، شادی مردم فهیم و آگاه ایران اسلامی را دوچندان کند. اما صد افسوس که چنین نشد، یقین بدانید که احقاق حقوق و احترام به رای مردم و صیانت از انتخاب آگاهانه ملت که در متن نامه شما به خوبی نمایان است تنها از طریق آگاه نمودن همه انسانها و ادامه آن امکان پذیر است.

و اگر می پنداشتم که با تذکر اینجانب گره ای از مشکلات فعلی رفع می شد حتما به چنین امر مقدس و لازمی اقدام میکردم، تا شک و شبهه به وجود آمده در انتخابات و آرای مردم مرتفع گردد.

لکن با همه مشکلات و شرایط موجود چون باب دعا و توجه به خداوند بدون حجاب و مانع است و در هر زمان بشر می تواند با او ارتباط برقرار نماید بر خود لازم می داند که برای شما و همه مردان و زنان این مرز و بوم و استمرار اهداف مقدس نهضت و جمهوری اسلامی امام خمینی (سلام الله علیه) - که همان اسلام ناب طرفدار کرامت و حقوق انسانهاست - دعا نمایم، بر ماست دعا و بر اوست اجابت.

در خاتمه همه ملت را به آرامش و حفظ نظم دعوت می نمایم تا بتوانند حقوق و مطالبات خود را که از اعظم آنها رای و انتخابشان می باشد از مجاری قانونی و آگاهی دهنده عینیت بخشند.

و امیدوارم در این موقعیت حساس و بهت زدگی جمعیت ها و توده هایی از مردم بتوانید با توکل به ذات باری تعالی و حمایت توده های مردم و دانشگاهها و روحانیون معظم از جمله مجمع روحانیون مبارز تهران و مجمع محققین و مدرسین قم - که همه آنها از بزرگان علم و تحقیق میباشند- و صدها و هزاران بزرگ دیگر از حوزه های قم و سایر حوزه های علمیه (حفظها الله عن الحدثان) با حفظ طمأنینه همیشگی، همبستگی و وحدت ملت و حقوق آنها را تامین نمایید که تنها عامل سعادت، اتحاد و وحدت کلمه و کلمه توحید «لا اله الا الله» است .

دوشنبه ۱۳۸۸ / ۳ / ۲۵ هجری شمسی  
مطابق با ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۰ هجری قمری  
قم المقدسه - یوسف صانعی

## ابراز همدردی آیت الله العظمی صانعی با خانواده قربانیان فجایع اخیر

بسمه تعالی

«وَلَيْنَ مُمٌّ أَوْ قِتَانٌ لَّأَلِي اللَّهِ تُحْشَرُونَ»

ضمن ابراز همدردی با خانواده های قربانیان فجایع اخیر و آرزوی سلامت و بهبودی برای مجروحان بالخصوص دانشجویان فرهیخته و گرانقدر دانشگاه تهران، شیراز، اصفهان و سایر شهرها که در جهت احقاق حق اعتراض کرده و خواهان رفع شبهه از انتخابات و آرای خود - که حق آنان است - می باشند «و ما للناس فلاناس» تأسف و تأثر شدید و انزجار خود را از عاملین این حوادث اعلام نموده و امیدوارم اهداف و خواسته های آنان از طرف مسوولین نظام، که باید حافظ جان و مال و ناموس مردم باشند، به عینیت رسیده و از مرحله خواستن به ظهور و تحقق نائل آید.

یوسف صانعی

### پاسخ آیت الله بیات به نامه میرحسین موسوی

قلم - آیت الله بیات زنجانی در پاسخ به نامه میرحسین موسوی به علما ضمن حمایت از وی و ستایش احساس تکلیف و دغدغه انقلابی وی تأکید کرد که آنچه با شما و مصالح جامعه اسلامی به مبارزه برخاسته است، یک طرز فکر غلط و انحرافی است که معتقد است برای رسیدن به اهداف به ظاهر مقدس، می توان به هر وسیله نامقدسی متوسل شد. به گزارش قلم نیوز، متن پاسخ آیت الله بیات زنجانی به نامه مهندس موسوی به این شرح است: "بسم الله الرحمن الرحيم برادر دلسوز و انقلابی جناب آقای مهندس موسوی- آیده الله تعالی سلام علیکم؛ همانطور که در نامه خود مرقوم داشته اید ریز وقایع و صحنه آرای انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را در حدّ مقدور پی گیری کرده ام و با شما هم عقیده ام که در حقّ آراء ملت و در حقّ شما به عنوان نماینده فکری بخش عمده ای از این ملت جفا شده است. اگر چه به عنوان شخصی که سالهای متمادی به امور اجرایی و تقنینی اهتمام داشته ام می دانم که گاه تخلفاتی اندک، از ناحیه مجریان جزئی امور رخ می دهد، اما این بی اعتنایی اخیر و بی حرمتی کلان به آراء ملت بی سابقه است. سالهاست که امام عزیز و همینطور سلوک و منش انقلابی او از میان ما رخت بر بسته است ولی ظاهراً برخی، مدارا، مردم داری و وظیفه شناسی و هدایت های انقلابی اش را در پی خودش به خاک سپرده اند. به هیچ وجه مدّعی نیستم که دوران پیش از سال ۶۸ بری از نقص و خطا بوده است، اما مگر کسی می توانست در زمان حضور امام راحل اینچنین قانون را دور بزند و بعد هم شاکیان را به سخره گیرد و مردم را هم علیه آنان بفریبد. هنوز نسل اول انقلاب زنده اند، در حالی که ارزشهای انقلاب چنین تحریف می شود. هنوز بسیاری از تدوین کنندگان و نویسندگان و اعضای بازنگری قانون اساسی زنده اند و برخی به خود جرأت می دهند که آن را به نحو استصوابی تفسیر کنند. هنوز جمله امام که میزان را رأی ملت می دانست در میان ما تکرار می شود. اینجانب سالهاست که در سخنان و مواضع مختلف، فاصله گرفتن نظام از راه و اندیشه امام را متذکر شده ام و نسبت به استقرار آرام اندیشه های خمینی ستیز در کشور هشدار داده ام؛ اندیشه ای که نهایتاً ثمری جز تبدیل «جمهوری اسلامی» به «حکومت اسلامی» نخواهد داشت و نهایتاً دین و دنیای مردم را در خود هضم خواهد کرد. اکنون ضمن حمایت از جنابعالی و ستایش احساس تکلیف و دغدغه انقلابی تان نکاتی را به شرح زیر به محضر عموم یادآور می شوم- 1: کسانی که به شما رأی داده اند، در پی آن بوده اند که متقابلاً سوگند شما را در برابر خود و خدای خود بشنوند که از حقوق قانونی آنان پاسداری خواهید کرد و قانون کشورشان را حرمت خواهید گذاشت. همین امروز را روزی بدانید که این سوگند را بالقوه در برابر آنان یاد کرده اید و بر شمامست که با توکل به پروردگار توانا و درایت و استفاده کامل از وسایل قانونی کشور رأی مردم را به خودتان و همینطور به دیگران پاس بدارید؛ کما اینکه این تکلیف بر دوش دو نامزد بزرگوار دیگر برادر عزیز و ارزشمند و مظلوم جناب حجت الاسلام و المسلمین کروبی و برادر ارزشمند جناب آقای دکتر رضائی هم سنگینی می کند. اگر از ابتدا به صحنه نیامده بودید، تکلیف به گونه ای دیگر بود، اما اکنون زمانی است که باید در برابر قانون ستیزی و خودخواهی ایستاد و نگذاشت که بی حرمتی به قانون و خواست اکثریت در این کشور رواج پیدا کند. اطمینان داشته باشید که شما و کسانی که با نیت خالص خود، شما را همراهی می کنند، موفق خواهید بود ولی این اعتراضات و دفاع از حق خود را بگونه ای مطالبه کنید که راه سوء استفاده را از مخالفین شما بگیرد- 2. در چنین روزهایی نهی از مظالم و اعلام برائت از اعمال منکر گونه در چارچوبهای قانونی و عقلاهی بر همگان واجب است. مدیران و زعمای صالح حکومت هم باید در مخالفت با اینگونه اعمال بکوشند و گرنه در نزد افکار عمومی متهم به نادیده گرفتن حقوق مردم خواهند شد. امروز دغدغه

اصلی این است که عهد جمهوری اسلامی با مردم به طور یک جانبه مخدوش شده است و یاران برجسته امام را متهم به قدرت‌طلبی می‌کنند-3 . آحاد مردم به ویژه جوانان عزیزی که در پی احقاق حق قانونی خود هستند، این تلاش قانونی خود را نهی از منکر بدانند که باید شرایط شرعی و قانونی آن مراعات شود. در این نهی از منکر بزرگ باید تقوای الهی پیشه کنید و بدانید که عده‌ای به دنبال آنند که شما را لایبالی و آشوبگر معرفی کنند و به همین جهت، مراقب باشید که میان نهی از منکر و آشوب، خلطی بوجود نیاید. این موضوع قابل تاکید است که رقیب شما یک نامزد انتخاباتی خاص یا طرفدارن و هوادارن او نیستند؛ آنچه با شما و مصالح جامعه اسلامی به مبارزه برخاسته است، یک طرز فکر غلط و انحرافی است که معتقد است برای رسیدن به اهداف به ظاهر مقدس، می‌توان به هر وسیله نامقدس متوسل شد. این اندیشه و طرز فکر را دشمن اصلی خود و دین خدا بدانید، سپس صاحبان این فکر غلط را محکوم سازید. همان طور که پیشتر هم بارها گفته‌ام شعار جوانان ما در موقعیت کنونی باید این باشد که برای رسیدن به اهداف مقدس نباید از وسایل نامشروع کمک گرفت-4. مطالبات گسترده نامزدها و طرفداران آنها هشدار است در برابر دستگاه قضایی که باید جدی گرفته شود. مسئول دستگاه قضایی کشور، پیش از هر چیز به عنوان یک فقیه شیعی باید خود را ملجأ مردم بدانند. اگر روزی محکمه‌های قضایی یک کشور نتوانند عدالت را میان مردم برقرار سازند، طبیعی است که ستم‌دیدگان راه‌های دیگری برای احقاق حقوق خود جستجو خواهند کرد و خدای ناکرده مقصد چنین جامعه‌ای آشوب، ناامنی و هتک حرمت مقدسات است. در پایان امیدوارم همه دست اندرکاران نظام جمهوری اسلامی در رعایت مصالح دین خدا و مردم بکوشند و پاسدار اعتماد مردم باشند.

والسلام علی عبادالله الصالحین قم، اسدالله بیات زنجانی 25 خرداد 1388 مصادف با 21 جمادی‌الثانی 1430.

## آیت الله موسوی اردبیلی: نباید با استفاده از قوه قهریه اعتراضات مردم را ساکت کنیم

اعضای شورای نگهبان در دیدار با آیت الله موسوی اردبیلی گزارشی از روند نظارت شورای نگهبان بر انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و همچنین بررسی اعتراضات برخی از کاندیداها را ارائه دادند و خواهان رهنمودهای مرجعیت دینی شدند .

به گزارش اینلنا، آیت الله موسوی اردبیلی ضمن اشاره به این که مسئولین محترم انتخابات در برابر مردم مسئول می‌باشند، گفت: «اتفاقاتی که در این انتخابات رخ داد متأسفانه موجب تضعیف نظام شد در حالی که به راحتی امکان آن وجود داشت که قضایا حل شده و در یک مسیر منطقی قرار گیرد».

وی تصریح کرد: «باید اشکالاتی را که معترضین به انتخابات وارد می‌کنند از آنها بشنوید و بخواهید که آنها را کتباً و همراه با استدلال‌های منطقی ارائه دهند .

باید اجازه دهید که مردم حرف خود را بیان نمایند. هر اشکالی که وارد بود باید آن را قبول کرد و هر اشکالی که وارد نبود باید پاسخ آن به نحو مستدل و منطقی بیان شود».

آیت الله موسوی اردبیلی ضمن ابراز ناراحتی از خشونت‌های رخ داده و با بیان این مطلب که پاسخ‌ها باید به گونه‌ای باشد که مردم را قانع سازد نه این که بدون تفاهم و با قوه قهریه بخواهیم اعتراض را ساکت نماییم، خاطر نشان کرد: «شورای نگهبان باید به نحوی جواب این اعتراضات را بدهد که در معرض اتهام قرار نگیرد».

وی در ادامه افزود: «مطالب خود را با مردم در میان بگذارید و اجازه دهید مردم در مورد آن قضاوت نمایند. از معترضین بخواهید که مطالب خود را مکتوب نمایند و آن را با مردم در میان بگذارند و شما نیز پاسخ آنها را در برابر افکار عمومی بیان نمایید. از این که مردم از این مطالب مطلع شوند نهراسید. چنانچه مطلب حقی گفته شد آن را بپذیرید و اگر مطلب باطلی عنوان شد پاسخ آن را به نحو منطقی بیان نمایید».

آیت الله موسوی اردبیلی ضمن بیان این مطلب که باید این اعتراضات را از سطح خیابان‌ها به مجاری طبیعی آن بازگرداند و امنیت را در جامعه تأمین کرد، گفت: «راه جلوگیری از کشانده شدن اعتراضات به خیابانها این است که مجرای جهت بیان اعتراضات

معترضین قرار داده شود. باید اجازه داد که مطالب از طریق صدا و سیما یا اجتماعات قانونی مطرح شود و پاسخ آنها نیز از طریق وسائط ارتباط جمعی به سمع و نظر مردم رسانده شود. مطمئن باشید که کلام منطقی از جانب مردم مقبول واقع خواهد شد و کسی که بدون منطق صحبت کند مقبولیت نخواهد یافت.»

در پایان آیت الله موسوی اردبیلی (مد ظله) برای حل مشکلات موجود دعا فرمودند. در این ملاقات حجت الاسلام کعبی و آقایان کدخدایی و مغیثه گزارشی از روند نظارت شورای نگهبان بر انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و همچنین بررسی اعتراضات برخی از کاندیداهای محترم ارائه دادند.

## در سوگ مشروعیت بر باد رفته، دکتر محسن کدیور

بازسازی توجیه شرعی مهندسی انتخابات از دیدگاه رسمی

انا لله و انا الیه راجعون

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْإِقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/ ۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید کاملاً به عدالت قیام کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد، چه اینکه اگر آنها غنی یا فقیر باشند خداوند سزاوارتر است که از آنها حمایت کند، بنا بر این از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد، و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمایید خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

بالاترین سرمایه یک حکومت مشروعیت آن و اعتماد شهروندان آن کشور به دولتمردان و حکمرانان است. انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران از زاویه مشارکت کم سابقه ایرانیان سند افتخار جمهوری اسلامی بود. تمکین به نتیجه واقعی انتخابات و امانتداری و صداقت، وظیفه قانونی، اخلاقی و دینی مسئولان جمهوری اسلامی بود. متأسفانه قرائن مطمئن مدنی خبر از جابجایی گسترده آراء مردم، تقلب سازمان یافته، مهندسی ناشیانه نهادینه و خیانت در امانت ملی دارد.

مشاهدات عینی متواتر جمع کثیری از هموطنان، اطلاعیه های آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی بویژه بیانیه استرجاع مهندس موسوی خطاب به مراجع تقلید و عالمان دین، گزارش رئیس کمیته صیانت از آراء ستاد وی، گزارشهای ناشیانه وزارت کشور، تأیید عجولانه نتیجه انتخابات توسط مقام محترم رهبری قبل از پایان مهلت قانونی شکایات و پیش از تأیید صحت انتخابات از سوی نهادهای قانونی، و بالاخره موج دستگیری گسترده فعالان سیاسی اصلاح طلب ساعاتی پس از اعلام نتیجه انتخابات از علائم وقوع این فاجعه ملی است.

بر فرض خطا بودن تمامی قرائن فوق، افکار عمومی با پرسشی بسیار جدی درباره صحت انتخابات مواجه است که رفع ابهام فوری می طلبد. وزارت کشور دولت نهم و ستاد انتخابات آن به دلایل متعدد از جلب اعتماد ملی در زمینه صیانت آراء ناتوان است. شورای نگهبان که علی القاعده وظیفه خطیر نظارت بر حسن اجرای انتخابات را به عهده دارد، بواسطه سوابق قیم مآبانه و غیرمنصفانه و تفسیر ناروای نظارت استصوابی سالهاست که به یکی از عوامل تحدید سلامت انتخابات در ایران بدل شده است. قوه قضائیه که شاقول سلامت نظام است، به هر دلیل بواسطه ضعف مفرط آن از دادستانی و استیفای حقوق ملت باز مانده است.

بسیاری از دوستداران انقلاب اسلامی و دلسوزان نظام جمهوری اسلامی انتظار داشتند که مقام محترم رهبری جمهوری اسلامی به مثابه ناظری عادل و منصف از دو رکن جمهوریت و اسلامیت نظام در چارچوب قانون اساسی محافظت کند و با ارتقاع گرفتن از سطح سلائق متفاوت در منازعات سیاسی نقش داور بی طرف و سمبل وحدت ملی را ایفا کند. دفاع مکرر و بی سابقه معظم له از

رئیس دولت نهم و سکوت رضایت‌مندانۀ ایشان در برابر تخلفات نهادینه دکتر محمود احمدی‌نژاد و بالاخره تأیید پیش‌هنگام نتیجه دست‌کاری شده انتخابات دهم این انتظارات را نقش بر آب کرد.

به شهادت اکثر اقتصاددانان، عالمان سیاست، جامعه‌شناسان، حقوق‌دانان، روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان و فعالان سیاسی آقای احمدی‌نژاد فردی دروغگو، مزور و غیرقابل اعتماد است. سوءتدبیر در عرصه سیاست داخلی و ماجراجویی در عرصه سیاست خارجی در سالیان اخیر منافع ملی ایران را به شدت به خطر انداخته است. نقض مکرر قانون اساسی و مصوبات مجلس و هزینه کردن بیت‌المال در تبلیغات شخصی کمترین اتهام وی در ضمیر ملت ایران است.

به نظر بسیاری از ایرانیان در نتیجه اعلام شده انتخابات دهم جای نفر اول و دوم عوض شده است، به عبارت دیگر آراء اعلام شده با آراء به صندوق ریخته شده تفاوت ماهوی دارد. بر اساس شواهد مدنی متعدد رئیس‌جمهور منتخب مهندس میرحسین موسوی است و دکتر احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور منصوب و مهندسی شده است. بر این اساس مقام ریاست‌جمهوری توسط فردی غیرمنتخب «غصب» شده است. این شائبه به حدی در اذهان عمومی ایرانیان قوی است که نیاز به اعتمادسازی ملی از سوی مسئولان امر دارد.

این جایگاهی به این شدت در تاریخ جمهوری اسلامی بی‌سابقه است. رأی مردم امانت قانونی، اخلاقی و شرعی در دست مسئولان امر است. به هر حال اکنون تشخیص اکثریت شهروندان ایرانی متفاوت با نظر مقام محترم رهبری و مجموعه تحت امر ایشان است. راه حل خداپسندانه، اخلاقی و منطقی (از راه حل قانونی یاد نکردم بخاطر اینکه سوگوارانه تمام مجاری قانونی را مسدود کرده اند) ابطال نتیجه خلاف واقع اعلام شده، بازشماری آراء با حضور نمایندگان نامزدها و تعیین حکمیت ملی بین ملت و مسئولان و در نهایت تجدید انتخابات است. تمکین به این پیشنهاد عقلانی که خواست بسیاری از عالمان دین است، به اکثر شبهات پیش آمده درباره انتخابات پاسخ خواهد داد و بر اساس «آنرا که حساب پاک است از محاسبه چه باک است» به استحکام پایه‌های جمهوری اسلامی خواهد انجامید.

در صورتی که این پیشنهاد مورد قبول مقام محترم رهبری واقع نشود، معنای آن کاهش زائد الوصف اعتماد ملی و برپاد رفتن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی از منظر اکثر شهروندان ایران است. واضح است که مباشران، طراحان و آمران دستکاری در آراء ملت فعلی حرام، ضد اخلاقی و غیرقانونی مرتکب شده اند، علاوه بر آن تزیین «حق الناس» آن هم در این سطح گسترده به هنر اسلام انجامیده و حرمت آن مؤکد است. آنها که این تجاوز به حقوق ملی را بدون اعتراض نظاره کنند بواسطه ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر و سکوت در برابر ظلم و غصب از عدالت ساقط شده موجوداتی غیر اخلاقی و افرادی متخلف به حساب می‌آیند، چه برسد به مباشران و طراحان و آمران. یقیناً در این فاجعه، سبب اقوی از مباشر است و سلب عدالت و مشروعیت کمترین ره آورد این فعل شنیع است. نظامی که به نام اسلام مزین است بالاترین انتظار از آن امانتداری و صداقت است، راستی اگر آنرا هم از دست بدهد چه برای عرضه کردن دارد؟

ضربه ای که اقدام خلاف قانون، اخلاق و دین دست بردن نهادینه و مزورانه در آراء ملت به اعتقادات و ایمان مردم و وجهه اسلام در جهان وارد می‌کند با هیچ دستاوردی قابل مقایسه نیست. این تقلب بی سابقه مصداق بارز دین به دنیا فروختن است. اما مسئله ابعاد بزرگتری هم دارد. و آن اینکه افرادی به عنوان «ایفای وظیفه شرعی» این فعل حرام را مرتکب شده باشند. برداشت رسمی، مصلحت نظام از اوجب واجبات است. مصلحت نظام که توسط شخص ولی امر مسلمین جهان تشخیص داده می‌شود، در صورت تعارض با عبادات و معاملات بر تمام احکام اولیه شرعی مقدم است. معنای ولایت مطلقه فقیه در این برداشت رسمی جز این نیست. ولی فقیه حق دارد عندالمصلحه نماز و روزه و حج و مضاربه و مسابقات را تعطیل کند و بالاتر از اینها هم مسائلی است....

اگر به زعم معظم له مصلحت نظام در بالا آمدن فردی به عنوان رئیس‌جمهور تشخیص داده شد، بر ولایت مداران شرعاً واجب است که همو را بالا بیاورند، امانتداری یعنی اطاعت محض اوامر ولی امر. و از قضا رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور نیز بر این باور (کسب رضایت ولایت امر) تصریح کرد. ولایت مداران در برابر ولی خود مسئولند و امانتداری چیزی جز سپردن مسئولیت به اهلش نیست و این اهلیت را ولی فقیه تعیین می‌کند نه مولی علیهم.

معنای مردمسالاری اسلامی که جهان را انگشت به دهان کرده این است که مردم از تصمیمات ولی امر اطاعت و حمایت کنند. انتخابات تجدید بیعت با مقام محترم رهبری است. اینکه رهبران و حکمرانان به انتخاب مردم گردن بگذارند همان معنای دموکراسی متعفن غربی است. در مردمسالاری دینی این مردمنده که در حوزه عمومی به صلاحید رهبران و حکمرانان تن می‌دهند. به فرموده

یکی از فقیهان محترم نظریه پرداز دیدگاه رسمی، برگزاری انتخابات در نظام ولایت فقیه تنها برای رفع شبهه استبداد از سوی مخالفان است، نه بیشتر و الا خود انتخابات که موضوعیت ندارد.

اگر برای مصلحت نظام بتوان نرخ تورم را بسیار کمتر از واقع اعلام کرد، یا با آمار بازی کرد، یا قبل از اثبات در دادگاه صالحه در برابر چشم خلایق با آبروی مؤمنان بازی کرد؛ بدیهی است که برای مصلحت نظام می توان از صندوق رأی کسی را بدر آورد که به نظر زعمای امر به صلاح کشور باشد. و چه مصلحتی بالاتر از مصلحت نظام؟ و آیا همین مُسَوِّغ (مجوز) شرعی دروغ مصلحت آمیز نیست؟ بر این اساس آنچه از سوی مأموران محترم وزارت کشور اتفاق افتاده (یا شبهه بسیار جدی وقوع آن مطرح است) مهندسی چند لایه انتخابات است که فعلی واجب و مشروع بوده نه تقلب در آراء مردم که فعلی حرام باشد. اینکه عنوان فعل انجام شده اولی باشد یا دومی به عهده ولی مطلق فقیه است. اگر کسی چنین حقی را برای ولی امر به رسمیت نشناسد، او به اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه قائل نیست.

آنچنان که دبیر محترم جامعه مدرسین و فقیه عالیقدر شورای نگهبان تصریح کرده است آنچه به عنوان وظائف رهبری در اصل یکصد و ده قانون اساسی ذکر شده از باب مثال است نه احصاء. اطلاق ولایت فقیه یعنی هر آنچه ایشان برای حفظ نظام صلاح بدانند مطلقاً مجاز است. اینکه این اعمال ولایت از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت بگیرد یا نه به عهده خود معظم له است و هیچ الزامی برای ایشان ایجاد نمی کند. اصولاً مشروعیت قانون اساسی و تمام ارکان نظام به امضای ولی مطلق فقیه بسته است نه برعکس. کسانی که تحت تأثیر تبلیغات مسموم دشمنان اسلام قرار دارند، مهندسی چند لایه انتخابات را تقلب قلمداد می کنند.

آنچنانکه دیگر فیلسوف نظریه پرداز جریان رسمی تصریح کرده ولی فقیه حق دارد تک تک مقامات قضائی، اجرائی و تقنینی اعم از رئیس جمهور (بخوانید معاونت اجرائی) و نمایندگان مجلس قانونگذاری (بخوانید اعضای معاونت مشورتی تقنینی) را نصب کند. در هر صورت مشروعیت این مقامات حتی اگر ظاهراً منتخب مردم هم باشند به تنفیذ و تصویب ولایت مطلقه فقیه است نه برعکس. این اتهام که مشروعیت نظام با مهندسی چند لایه ای انتخابات زیر سؤال می رود، زائیده القانات شیاطین است. بر عکس مشروعیت انتخابات به برآورده کردن نظر مقام معظم رهبری متوقف است و ایشان هم بحمدالله در کمتر از بیست و چهار ساعت نتیجه این انتخابات مهندسی شده را تأیید کامل فرمودند.

اینکه برخی به جمله مشهور مرحوم امام خمینی تمسک می کنند که «میزان رأی مردم است»، آنها نمی دانند که بر اساس اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه - که تا ظهور امام عصر عجل الله فرجه غیر قابل تغییر است - هر امری مقید است جز ولایت مطلقه. لذا «میزان رأی مردم است تا آنجا که ولی فقیه صلاح بداند». اگر ولی امر موردی را صلاح ندانست ولو اکثریت ملت هم رأی داده باشند، اکثر هم لایعقلون، معنای ولایت مطلقه همین است.

بعلاوه با وجود ولی امر حیّ چه حاجت به استناد به نظر ولی امر میّت؟ نظر مبارک ولی امر مسلمین جهان به ریاست جمهوری جناب دکتر محمود احمدی نژاد است، حالا اگر اکثریت ملت ایران میرحسین موسوی را هم انتخاب کرده باشند، معنای ولایت مطلقه فقیه ترجیح الزامی رأی همیشه صائب ولی امر بر رأی اکثریت مردم است. مردم در انتخاب خود امکان اشتباه دارند کما اینکه با انتخاب موسوی اشتباه کردند و مقام معظم رهبری با دوراندیشی پیامبرگونه خود - که مستظهر به تأییدات حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه است و لذا خطا ناپذیرند - اشتباه مردم را اصلاح و مصلحت نظام را انشاء فرمودند.

آنچه شمه ای از آن گذشت تصویر اجمالی دیدگاه رسمی است که به تناوب از دهان مسولان امر شنیده شده و لازمه منطقی آن، توجیه شرعی مهندسی انتخابات است. اگر کسی در کبرای مسئله تردید دارد، بسم الله نقض آنرا مستدلاً اثبات کند. و اگر در صغرای مسئله مناقشه دارد دلیل نقض خود را ارائه کند تا افکار عمومی را قانع کند. من کاری جز انعکاس ضمیر خفته اکثر ایرانیان و بازسازی توجیه شرعی مهندسی انتخابات از دیدگاه رسمی نکرده ام. اگر خطاست به فرموده قرآن «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین.»

در فقه اهل سنت در طول تاریخ در زمان خلفای اموی، عباسی و عثمانی فقیهان بزرگ اشعری همواره با برجسته کردن عنصر آرامش و امنیت و وحدت امت، ظلم و بیداد حکام را توجیه شرعی می کردند و اطاعت مطلقه اولی الامر ولو ظالم را واجب و قیام علیه وی را حرام و معصیت و شق العصای مسلمین می شمردند. در مقابل فقیهان شیعه همواره بر عنصر عدالت تأکید کرده هر نوع همکاری با «ولایت جائز» را حرام اعلام می کردند. حتی در زمان سلاطین شیعه دیلمی و صفوی و قاجاری این امر باعث نشد که در شرط لزوم عدالت والی تجدید نظر کنند.

زمانی که شیخ فضل الله نوری استبداد محمدعلی شاهی را با عنوان حکومت مشروعه توجیه شرعی می کرد، رهبر دینی نهضت مشروطه آخوند خراسانی به وی یادآوری کرد که اگر چه در زمان غیبت، حکومت مشروعه (بخوانید حکومت اسلامی) ممتنع است، اما تنها حکومت مشروعه حکومت مبتنی بر عدالت است که قدرت سیاسی مقید و محدود به قانون و تحت نظارت نمایندگان مردم باشد. راستی ما را چه می شود که پس از دهها قرن عدالت را فدای مصلحت می کنند و فقه «عدالت محور» اهل بیت جای خود را به فقه «مصلحت محور» مدرسه خلافت می دهد و کوشش می شود حوزه های مستقل تشیع همانند جامع الازهر و وابسته به حکومت شوند (دارای ردیف در بودجه دولتی) و در شهر طباطبائی و بهبهانی راه میدان آزادی از بزرگراه شیخ فضل الله نوری بگذرد؟

آنچه از رئیس جمهور تحمیلی و تقلب و تزویر در انتخابات یا حتی توهم آن در افکار عمومی اسف بارتر است، استحاله «جمهوری اسلامی» به «حکومت اسلامی» یا همان حکومت مشروعه پیش گفته است. فرق جمهوری اسلامی با حکومت اسلامی دقیقاً در نقش رأی و انتخاب مردم است. در جمهوری اسلامی انتخاب مردم تعیین کننده است و همه مقامات موظفند به رأی جمهور تمکین کنند. در حکومت اسلامی انتخابات نمایشی است و به معنای بیعت با نظام و مطاوعه رهبری است. در حکومت اسلامی این آحاد مردمند که موظف به تأمین نظر ولی امر هستند، نه اینکه مسئولان موظف به تأمین رضایت و مطالبات ملت باشند. در حکومت اسلامی مشروعیت مقامات به انتصاب از سوی ولی امر است و مصلحت نظام که توسط ولی امر تشخیص داده می شود بر عدالت و قانون و اخلاق و شرع (احکام اولیه و ثانویه) مقدم است. در جمهوری اسلامی مشروعیت نظام به رعایت عدالت و قانون و اخلاق و دین است و هیچ مصلحتی بالاتر از رعایت عدالت و اخلاق و قانون و ارزشهای دینی نیست.

در طول حیات سی ساله «جمهوری ولایتی» (ترکیب جمهوری اسلامی و ولایت فقیه) اندیشه جمهوری اسلامی (جمهوری به همان معنا که همه جا جمهوری است البته با رعایت ارزشهای اسلامی و تأکید بر رعایت دموکراسی و حقوق بشر) با اندیشه حکومت اسلامی (مبتنی بر ولایت فقیه، پاکیزه از رسوبات غربی از قبیل جمهوریت و دموکراسی) رقابتی نفس گیر داشته است. به نظر بسیاری از طرفداران انقلاب اسلامی در دهه اول پس از انقلاب اسلامی حداقل در عمل، بنیانگذار جمهوری اسلامی کم و بیش بویژه در مقابل محافظه کاران سنتی از اندیشه جمهوری اسلامی دفاع می کرد. به هر حال در دو دهه اخیر اندیشه جمهوری اسلامی توسط نهادهای انتصابی همواره تضعیف شده است، بویژه در چهار سال اخیر جریان «حکومت اسلامی» نظراً و عملاً توسط رئیس دولت ستوده شده است.

با مهندسی ناشیانه نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ تیر خلاص به پیکر نیمه جان جمهوری اسلامی شلیک شد و آخرین بازمانده مشروعیت جمهوری اسلامی – که همانا صداقت و امانتداری نسبی انتخاباتش بود- درپای مصلحت نظام اسلامی قربانی شد. نظام حکومت اسلامی ترجیح داد تجربه به زعم وی تلخ دوران مردمی اصلاحات را تکرار نکند و با انشای آنچه از آن به حکم حکومتی مهندسی چند لایه ای انتخابات یاد می شود به افتخارات سالیان اخیر تداوم بخشد. افتخاراتی که به زعم منتقدان مشفق چیزی جز قانون گریزی، سوء تدبیر، ماجراجویی، قشری نگری و دروغگویی نبوده است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (ابراهیم/۲۸) آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و جمعیت خود را به دار البوار (نیستی و نابودی) کشاندند؟

همچنانکه در ایران آزادی بیان هست، اما متأسفانه آزادی پس از بیان نیست؛ انتخابات اخیر نیز با مشارکت بالای مردم برگزار شد، اما مشکل در صیانت از آراء مردم و اعلام نتایج واقعی و مهندسی نشده انتخابات است. آنچه از آن به عنوان حکم حکومتی مهندسی چند لایه ای انتخابات یاد می شود نقطه عطفی در اندیشه سیاسی معاصر شیعه، استحاله جمهوری اسلامی و اتکای حکومت اسلامی به زور عریان و سرکوب گسترده تر مطالبات قانونی اکثریت ملت ایران منجر می شود. حکومتی که به ملت خود راست نگوید بیشک حافظ منافع ملی در برابر زیاده خواهی های قدرتهای سودجوی خارجی هم نخواهد بود. ابراز انزجار نخبگان و روشنفکران بویژه عالمان دین از بر باد دادن باقیمانده مشروعیت جمهوری اسلامی و اعتراض مسالمت آمیز به متجاوزان به حقوق ملی کمترین وظیفه اخلاقی و دینی است. نحوه مواجهه مدعیان پیروی امام علی (ع) با منتقدان ناصح و مخالفان قانونی سنگ محک دیگری برای سنجش صداقت حکمرانان حکومت اسلامی است. امام علی – که درود خدا بر او باد- همواره حق جوئی و انتقاد مسالمت آمیز را تشویق کرده از حقوق مسلم مردم می دانست و هرگز منتقدی را به داغ و درفش و زندان و سلب حقوق اجتماعی محکوم نکرد.

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود/۸۸)

محسن کدیور، 24 خرداد ۱۳۸۸، دانشگاه دوک، کارولینای شمالی

## نامه آقایان صدر حاج سید جوادی، عزت الله سبحانی و ابراهیم یزدی به ملت ایران

به نام خدا

ملت شریف ایران

آنچه اکنون در میهن ما می‌گذرد یک حماسه بزرگ و بی‌سابقه تاریخی است. مشارکت بسیار گسترده مردم در انتخابات ۲۲ خرداد و راهپیمایی ملیونی مردم در روز ۲۵ خرداد اراده ملت را برای تغییر وضع موجود به نمایش گذاشت.

در انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته، یک گروه کوچک و بعضاً تازه وارد در اسلام و انقلاب و با سوابقی نه چندان روشن، با ترندهای گوناگون، با شعارهای جذاب مردم‌فریب توانستند مراکز قدرت را به انحصار خود درآورند، اما عملکرد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این گروه در ۴ سال گذشته منافع، مصالح و امنیت کشورمان را در معرض شدیدترین آسیب‌های جدی قرار داده است. ابعاد فاجعه در سطح ملی و بین‌المللی و عمق نگرانی دل‌سوزان به ملک و ملت آن چنان است که جنبش مردمی عظیمی برای تغییر وضع موجود به‌وجود آمده است.

در شرایط فشار و سرکوب سیاسی، جلوگیری از فعالیت احزاب، سانسور شدید مطبوعات، دهمین انتخابات ریاست جمهوری فرصتی در اختیار ملت ایران قرار داد تا با شرکت در انتخابات راه را برای مختصر تغییری هموار سازد. احزاب و شخصیت‌های فعال سیاسی، با تنوعی از گرایش‌ها، سازمان‌های دانشجویی، فعالان جنبش‌های اجتماعی شامل زنان، کارگران و معلمین، تمامی اقوام ایرانی، برای شرکت در انتخابات، به عنوان یک وظیفه ملی، با تمام نیرو به صحنه آمدند. ناگهان روحیه جدیدی سرشار از امید به آینده جای یأس و ناامیدی و انفعال را پر کرد. به‌طوری‌که میزان مشارکت مردم در این انتخابات بالغ بر بیش از ۸۰ درصد بوده است. استقبال پر شور مردم از این انتخابات توجه جهانی را به‌سوی ایران و ایرانیان جلب کرد. حاصل این انتخابات و دولت برخاسته از آن می‌توانست با پشتوانه عظیم مردمی مشکلات پیش رو را در سطح ملی و بین‌المللی از میان بر دارد.

اما متأسفانه به‌این امید خیانت شد. مسئولین وزارت کشور، که برطبق قانون امین مردم محسوب می‌شوند و شورای نگهبان که موظف به صیانت از آرای مردم می‌باشد، خود در نقش عوامل ربودن آرای مردم ظاهر شدند. آماری ارائه دادند که با هیچ معیاری قابل‌قبول و اعتنا نمی‌باشد. نتیجه این خیانت در امانت آن شده است که نه تنها دولت اعتبار خود را از دست داده است بلکه امنیت و ثبات ملی دست‌خوش مخاطره و شکاف میان ملت و حاکمیت از هر زمان عمیق‌تر گردیده است. حمایت‌های مکرر مقام رهبری از این دولت و تأیید شتاب زده آمارهای نادرست اعلام شده انتخابات وزارت کشور، قبل از آن‌که کاندیداها فرصت اعتراض داشته باشند و شورای نگهبان به آن‌ها رسیدگی کند بُعد تازه‌ای را به‌بحران کنونی افزوده است. برطبق قانون اساسی عدالت یکی از شرط‌های لازم برای مقام رهبری است. موضع‌گیری‌های مقام رهبری، به‌خصوص در جریان این انتخابات این ویژگی را مخدوش ساخته است.

ما امضاکنندگان زیر که بخش عمده‌ای از عمر خود را در راه مبارزه با استبداد سلطنتی و سلطه بیگانگان و برای آزادی و آبادانی ایران عزیز صرف کرده‌ایم، و از اعضای شورای انقلاب و اولین دولت بعد از پیروزی انقلاب در دولت شادروان مهندس بازرگان بوده‌ایم، ضمن اعتراض به عملکرد دولت و شورای نگهبان و مقام رهبری، به منظور عبور از این بحران و پیشگیری بحران‌های پیش رو که کیان میهنمان را تهدید می‌کند خواهان آن هستیم که:

- ۱- ابطال انتخابات و تجدید آن با معیارها و ضوابط مورد قبول افکار عمومی و نامزدهای معترض.
- ۲- تمامی کسانی که در این خیانت دسته داشته‌اند از کار برکنار و محاکمه شوند.
- ۳- کلیه بازداشت‌شدگان حوادث اخیر در تهران و شهرستان‌ها بلافاصله آزاد شوند.
- ۴- مأمورینی که به‌سوی مردم تیراندازی کرده‌اند و موجب زخمی یا مرگ افراد شده‌اند شناسایی و محاکمه شوند.

از مردم خوب خودمان می‌خواهیم با متانت و آرامش در اعتراضات خود از هر نوع شعارهای انحرافی و غیر از انتخاباتی پرهیز نمایند. کسانی که خشونت و تخریب را تشویق و تبلیغ می‌کنند به صفوف خود راه ندهند. جریان تمامیت‌خواه و یا برخی از گروه‌هایی که اهداف دیگری دارند می‌کوشند تا با رخنه در صفوف مردم و تحریک حمله به ساختمان‌ها و آتش زدن آنها جنبش اعتراض را ملوک سازند و بهانه‌ای برای سرکوب جنبش اعتراض به‌وجود آید.



از کاندیداهای اصلاح‌طلب و شخصیت‌های حامی حقوق مردم می‌خواهیم همچنان در کنار مردم و همراه مردم تا تحقق اهداف باقی بمانند.

ما ضمن حمایت از مواضع بر حقی که برخی از مراجع محترم در رابطه با مطالبات اخیر مردم و این انتخابات اتخاذ کرده‌اند، از سایر مراجع و آیات عظام می‌خواهیم در برابر این بی‌عدالتی‌ها قاطعانه بایستند و اجازه ندهند چهره دین حق لکه‌دار گردد.

با آرزوی توفیق ملت در تحقق همه‌جانبه آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ .

«إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ» (هود ۸۸)

## بیانیه عبدالله نوری در مورد انتخابات و سرکوب پس از آن

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ  
أَيَا وَقْتِ أَنْ نرسيده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و حق خاشع گردد؟!

وقایع روزهای گذشته اینجانب را به حکم وظیفه دینی، اخلاقی و ملی بر آن داشت تا نکاتی را یاد آور شوم:

۱- [اعلام نتیجه انتخابات اینجانب را همچون انبوهی از ملت هوشمند ایران شگفت زده و نگران ساخت. شگفت زده از آن جهت که چگونه سرمایه عظیم اعتماد ملت به تاراج رفت و نگران از این بابت که چرا پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلابی که آزادی یکی از اساسی‌ترین شعارهای آن بود و به بهای ریخته شدن خون عزیزان این وطن به پیروزی رسید، شهروندان این کشور از حداقل میزان آزادی سیاسی، یعنی برخورداری از انتخاباتی سالم، محرومند؟ هر چند در طول سالیان گذشته با نگرانی عمیق، ویرانی بسیاری از دستاوردهای اسلام و انقلاب را شاهد بودم، ولی امید آن داشتم تا این انتخابات بتواند تضمینی بر حداقلی از آزادی‌ها باشد و از خسارات بیشتر جلوگیری کند. ملت سرفراز و آگاه ایران نیز برای پاسداری از همین آزادی حداقلی با وجود همه تضییقاتی که بر سر تحقق خواسته آنان بود بیشترین همکاری را با حکومت داشتند و حتی به فیلتر شورای نگهبان تمکین کردند و به یکی از ۴ کاندیدای مورد تأیید شورای نگهبان رأی دادند و صادقانه تمامی سرمایه خود را در طبق اخلاص نهادند و با حضور حماسی خود خواستند از خسارت و زوال بیشتر ایران عزیز جلوگیری کنند. اما افسوس که امروز بسیاری از رأی دهندگان احساس می‌کنند همان رأی هم نادیده گرفته شده است و فریبی به بهای از بین رفتن آبرو و صداقت حکومت، خورده اند. انتظار می‌رفت مسئولین مربوطه با وجود تمامی محدودیتهایی که در انتخابات ایجاد کرده بودند به آرای مردم احترام گذاشته از آن حفاظت نمایند، آن هم در نظامی که با عناوینی همچون مردم سالاری دینی همواره خود را بر آمده از ملت معرفی می‌کند، ولی پاسداشت حضور حماسی ملت اعلام نتیجه ای بود که نه تنها هیچک از رقبای انتخاباتی آن را نپذیرفتند، بلکه احساسات کثیری از رأی دهندگان را جریحه دار کرد.

۲- امروز میلیون‌ها رأی دهنده ایرانی در داخل و خارج کشور معتقد هستند که بزرگترین گناهان که دروغ است، آن هم دروغی به بزرگی ایران و نیز گناه خیانت در امانت را مجریان امر! مرتکب شده اند و گویا قرار است کسی سخنی نگوید تا با مرور زمان همه چیز حل شود. راستی چه منکری عظیم تر از دروغ و خیانت در امانت آنها نسبت به ملتی به عظمت ملت ایران؟ مگر راستگویی چه زبانی برای صاحبان قدرت دارد که از آن گریزانند و دروغ گویی جز از بین بردن مشروعیت نظام و سلب اعتماد عمومی چه سودی در پی دارد که این همه بر آن اصرار می‌ورزند؟ در انتخابات ریاست جمهوری ۴ سال قبل هم برخی از کاندیداها مدعی تقلب و تخلف گسترده بودند، لکن در این انتخابات افزون بر سه کاندیدا عده کثیری از مردم نتیجه انتخابات را نپذیرفته اند؟ چنانچه این باور اصلاح نشود و اعتماد جمهور مردم جلب نگردد بازنده اصلی نظام است. مهمترین سرمایه اجتماعی و ملی همه نظام‌ها اعتماد عمومی است و حداقل خسران وضعیت کنونی از بین رفتن آن است. آیا در چنین شرائطی نباید برای بازگرداندن اعتماد مردم تلاش کرد؟ آیا روشی که در پیش گرفته شده برای جلب اعتماد مردم مناسب است؟ ابطال انتخابات یک روال سابقه دار بوده و به هیچ عنوان بدعت نیست و بدیهی است تکرار انتخابات هم نه تنها باعث تغییر در آراء واقعی ملت نمی‌شود بلکه تمامی رأی دهندگان را بر رأی

خود ثابت قدم تر می کند. چنانچه شورای نگهبان هم نظر قطعی خود را مبنی بر صحت انتخابات صادر نماید، رهبر می تواند به عنوان معضل پیش آمده از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام دستور اقدام دهد تا رییس جمهور برآمده از انتخاباتی سالم و شفاف بتواند با قدرت و اعتماد به نفسی بیشتر مسئولیت اجرایی کشور را بر عهده گیرد.

حال اگر کسی مدعی تقلب و تخلف در انتخابات باشد چگونه می تواند آن را بیان کند؟ در حالی که مطبوعات تحت فشار و تهدید و سانسور قرار دارند و به نحو بی سابقه ای تمامی رسانه ها تحت کنترل است و هر گونه اطلاع رسانی از طریق رسانه های داخلی و خارجی و اینترنت و تمامی سایت های خبر رسانی و حتی تلفن شخصی شهروندان دچار اختلال قرار می گیرد و سیستم پیام کوتاه تعطیل می گردد تا حداقل های ارتباطی و خبررسانی مردم از بین برود و صدا و سیما هم که متعلق به مردم و جزء اموال عمومی است یک طرفه هر آنچه می خواهد می گوید بدون اینکه اشخاص و صاحب نظرانی که مانند آنها فکر نمی کنند و یا اعتقاد به تخلف و تقلب آشکار در انتخابات دارند را در بحث ها شرکت دهد، دیگر چه راهی برای اعتراض می ماند؟ مگر امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین ارکان اسلام نیست؟ و در آیات متعدد قرآن بر آن تاکید نگردیده است؟ حال چنانچه مردم منکری را از حکومت مشاهده کردند آیا در قبال آن وظیفه ندارند؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از انحراف حکومت ها نیست؟ حکومتی که مدعی آزادی است و در گفتگو با رسانه های داخلی و خارجی ادعا می کند در ایران آزادی مطلق! وجود دارد، اعلام نماید مردم چگونه می توانند انتخابات را نقد کنند؟ چرا پس از تبریك رهبری هیچ يك از رقبیان این نتیجه را نپذیرفته اند؟ چرا نخست وزیر ۸ ساله نظام در دوران دفاع مقدس، جناب آقای مهندس میر حسین موسوی و نیز حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی رییس دو دوره مجلس نظام که هر دو مورد تایید صریح امام خمینی (ره) بوده اند و آشکارا خود را در چهارچوب نظام ولایت فقیه تعریف می کنند و به تازگی از فیلتر شورای نگهبان عبور کرده اند و مجدداً در نماز جمعه اخیر هم مورد تایید رهبری قرار گرفتند و به تعبیری خودی به حساب آمدند، نظر رهبری را نمی پذیرند و صراحتاً انتخابات را شعبده بازی و مضحک می نامند؟ امروز هم مردم به دنبال رأی خود می گردند و حکومت نباید از این خواست تعبیر دیگری بکند که تعبیری غیر از این بیش از همه به ضرر حاکمیت است. همیشه حکومت ها اعتراضات سنگین و خواست های بزرگ را تقلیل می دهند و بسیار تعجب آور است که چرا در این نظام خواست های معقول و قابل دسترس را به انقلاب مخملی و امثال آن و یا تأثیر پذیری از القانات خارجی ارتقاء میدهند؟

۳- حال چرا تیر اندازی به مردم؟ چرا دستگیری های کور و حبس و زندان؟ چرا ضرب و شتم و هتک حیثیت مردم؟ چرا حمله به دانشجویان و دانشگاه ها؟ چرا اتهام های واهی؟ چرا برخورد با مالباخته به جای دزدی؟ زندانی کردن ده ها اصلاح طلب و روشنفکر، خبیگان سیاسی و فعالان حقوق بشر، روزنامه نگاران و تعداد کثیری از جوانان و دانشجویان و فعالان جنبش مدنی که در راستای احقاق حقوق ملت و دفاع از آزادی بیان تلاش می کرده اند و بسیاری از آنان چه در جریان انقلاب و چه پس از آن خدمات بسیاری به این ملت کرده اند و در راه دفاع از حقوق ملت همچون برادر گرانقدر و عزیزم جناب دکتر سعید حجاریان هزینه های سنگینی چون ترور و جانبازی را پرداخته اند، چه مشکلی را حل می کند؟ آیا این دستگیری ها خود بر مشکلات حکومت و انحرافش از جاده حقیقت و صواب نمی افزاید؟ به فرض که حکومت عزیزان زندانی ما را وادار به اعترافات دروغین و سناریوهای شکست خورده و نخ نمایی مانند اینکه از خارج دستور گرفته و یا به دنبال انقلاب مخملی و امثال آن بوده اند، کرد، طراحان این سناریوها مطمئن باشند تاریخ مصرف این نوع دروغ پردازیها و تهمت ها گذشته است و نه تنها بر ملت مؤمن و هوشیار اثر نخواهد گذاشت که فاصله و اختلاف نظر مردم با حاکمیت را بیش از پیش عمیق می کند. آیا این بازداشت ها با ضوابط اسلامی و اخلاقی منطبق است؟ آیا این دستور اسلام است که جوانان مظلومی که روش شما را قبول ندارند به نام اسلام بازداشت و زندانی کنید؟ آیا اینها خوارج هستند و دست به سلاح برده اند؟ مگر قرآن کریم نمی گوید "محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم / محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند"؟ آیا رو در رو قرار دادن نیروهای سپاه و بسیج و یا نیروی انتظامی - که همگی در جهت امنیت و نظم و نگاهبانی از مرزهای کشور باید با دشمنان خارجی و یا اشرار داخلی مقابله نمایند - با مردم به مصلحت نظام است؟ در اینجا لازم می دانم به مسئولین صدا و سیما دولت یاد آور شوم، کسانی را که شما آشوبگر می نامید همین مردمی هستند که هر گاه حکومت نیاز به حضورشان دارد، آنان را ملت غیور و همیشه در صحنه می نامد، هر چند ممکن است افراد شرور آموزش دیده ای در جمع آنان نفوذ کنند و برای آسیب زدن به اجتماعات آنان و صحنه گذاردن بر تبلیغات رسانه های حکومتی دست به هر کاری بزنند. بی تردید این شیوه تبلیغات و اتهام های واهی نفرتی عظیم در میان مردم برای بنگاه عریض و طویل اطلاع رسانی دولتی به وجود می آورد چرا که نجابت مردم هیچگاه به آنان اجازه تخریب و زیان رساندن به اموال عمومی و یا خصوصی را نمی دهد، اگر چه مسئولیت و وبال این حوادث بر گردن کسانی است که امکان تشکیل تجمعات مسالمت آمیز را برای مردم فراهم نکرده اند. چگونه است تجمعات و تظاهراتی که توسط نهادهای حکومتی ترتیب داده می شود هرگز مورد تعرض قرار نمی گیرد ولی اعتراض منتقدان حکومت همیشه با تهدید، ارباب و آشوب عده ای مواجه می گردد؟! چگونه است در تجمعاتی که توسط نهادهای حکومتی برگزار می شود افرادی تحت عنوان اخلاخل گر و یا آشوب طلب مشاهده نمی شوند ولی در هر نوع تجمع انتقادی و مسالمت آمیز این افراد حضوری پر رنگ در جهت بر هم زدن نظم و آرامش عمومی دارند؟! چگونه است

که در تجمعات حکومتی عوامل و عناصری تحت عنوان لباس شخصی، گروه فشار و یا عوامل خودسر حضور ندارند ولی اگر تجمع و گردهمایی منتقدین برگزار گردد حضوری گسترده و رعب انگیز دارند؟! و چگونه است که تاکنون این افراد در هیچ دادگاهی محاکمه نشده اند؟! سلب اعتماد عمومی خسارتی جبران ناپذیر است که حداقل کشور را در برابر تهدیدهای خارجی آسیب پذیر می سازد و چنانچه خدای ناخواسته تهدیدی خارجی متوجه ایران شود حکومت پشتیبانی مردم را از دست خواهد داد. آیا بهتر نیست حکومت به جای رفتار خشن و تهدید و ارعاب و دستگیری و تیر اندازی و ضرب و شتم و کشتار برخوردی اخلاقی نسبت به مردم داشته باشد؟ مگر علی ابن ابی طالب (ع) نفرمود: "به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را به من دهند تا به مورچه ای ستم روا داشته پوست جوی را از آن بگیرم، هرگز نمی‌کنم"؟! آیا پیشوایان دینی ما با مردم به گونه ای رفتار می کردند که جرأت انتقاد نداشته باشند؟ آیا این نوع رفتار، اعتقادات مردم نسبت به اسلام، را خدشه دار نمی کند؟ و این جفای به اسلام نیست؟ قرآن کریم به پیامبر رحمت للعالمین (ص) خطاب می کند: "وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ / و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً مردم از پیرامون تو پراکنده می شدند"

۴- آزادی جوهر انسانیت است و همچنان که از دیرباز تا کنون در تعالیم پیامبران و پیشوایان دینی و اندیشمندان و همچنین اعلامیه ها و بیانیه های حقوق بشری امروزین مطرح شده است از حقوق سلب ناپذیر انسان است. بنیادی ترین آرمان انقلاب اسلامی نیز آزادی بوده و در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز صراحتاً آزادی تشکیل اجتماعات به رسمیت شناخته شده است. پس چرا در برابر این حق مشروع و مسلم ملت مقاومت می شود و اجازه راهپیمایی داده نمی شود؟ حکومت که خود را اکثریت می داند از چه بیمناک است؟ حاکمیت که همه امکانات مادی و نظامی و انتظامی و اطلاعاتی و تبلیغاتی را در اختیار دارد و معتقد است منتقدان و معترضان اقلیتی بیش نیستند! حکومتی که مدعی ممتاز ترین دموکراسی در جهان است حداقل همانند آنها رفتار نماید، در همه دموکراسی های امروز جهان اجازه راهپیمایی و یا اعتصاب و یا تحصن را به اقلیت می دهند و مسئولیت حفظ امنیت از آن را نیز حکومت به عهده می گیرد. من به عنوان یک شهروند و از باب النصیحه لأئمة المسلمین به حکومت توصیه می نمایم با پافشاری بر یک کار نادرست کاری نادرست تر انجام ندهید و ایران عزیز را دچار آسیب پذیری در برابر تهدیدات خارجی نکنید و با تمسک به بهره برداری بیگانه صدای حق طلبانه مردم خود را خاموش ننمایید. بدانید آبروی اسلام و نظام و جمهوریت آن با هیچ مصلحتی قابل معاوضه نیست. امیر مومنان (ع) می فرماید: "بهترین مردم نزد خداوند کسی است که درستکاری را بر نا درستی ترجیح دهد، هر چند درستکاری، به زیان او باشد و موجب آندوه او شود و بدکاری برای او سود آور باشد و به مال و اعتبار او بیفزاید" نهج البلاغه - خطبه ۱۲۵

به نوبه خود، با دلی پر از آندوه با خانواده های دردمند تمامی قربانیان، مجروحان و آسیب دیدگان حوادث روزهای اخیر و خانواده های صبور و مقاوم زندانیان سر افرازی که جز خدمت به مردم و دفاع از حقوق ملت جرمی مرتکب نشده اند اظهار همدردی می نمایم و به همه عوامل و عناصر دخیل در این التهابات و تنش آفرینیها و کسانیکه به نام دفاع از اسلام و انقلاب و نظام خشن ترین برخوردها را نسبت به مردم بی دفاع روا می دارند متذکر می گردم این رفتارها باعث سرعت بخشیدن به زوال حکومت می گردد که: "الملك ببقی مع الكفر و لا ببقی مع الظلم / حکومت با کفر باقی می ماند ولی همراه با ظلم هرگز پایدار نمی ماند."

من در مراحل مختلف انقلاب حضور داشته ام، ۵ بار از سوی امام خمینی (ره) در مسئولیت های مختلف منصوب شدم، ۲ بار در مسئولیت وزارت کشور قرار گرفتم، ۲ بار به مجلس راه یافتم و در طول دوران جنگ در جبهه ها حضور داشتم. برادرانم بارها در طول جنگ مجروح شدند و نهایتاً یکی از آن ها به فیض شهادت نائل آمد و یکی دیگر از آنها که از قافله شهدا جا مانده بود، در پی انجام وظیفه نمایندگی به سوی رحمت حق شتافت. همواره دل در گرو اسلام و انقلاب و ایران داشته ام و در این راه آنچه را وظیفه دینی و ملی خود دانسته ام انجام داده و می دهم اگر چه برای خود و یا خانواده ام هزینه داشته باشد، چه آنکه بر سر همین آرمانها و عقاید و دفاع از آنچه حق می پنداشتم زندان جمهوری اسلامی را نیز بدون کمترین شکوه و شکایتی تحمل نمودم و با هیچ کس غیر از خدای خود معامله نکرده و نخواهم کرد (ان شاء الله). بسیاری از دوستانم را به یاد می آورم که در راه دفاع از اسلام و میهن در دوران انقلاب و در جبهه های نبرد به شهادت رسیدند و امروز نظاره گر من هستند که آیا در قبال از دست رفتن آرمان های انقلاب و عزت ایران با بی تفاوتی تنها نظاره گر هستم و یا در حد توانم به وظیفه خود عمل می کنم، به تعبیر هشدار دهنده امام خمینی در ماجرای کاپیتولاسیون: "آن آقایانی که می گویند باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ ... والله، گناهکار است کسی که داد نزند؛ والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند"

۶- در خاتمه ۲ فراز از بیانات امیرمومنان (ع) در نامه خطاب به مالک اشتر را یاد آور می شوم، تا حکمرانان نظام جمهوری اسلامی که از آغاز سودای تحقق حکومت آرمانی شیعه را در سر داشته اند به ارزیابی خویش بنشینند که آیا راهی که در پیش گرفته اند راه امام علی (ع) است؟

کلام اول: قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری زیرا آنها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تو اند و یا انسانهایی همچون تو.

کلام دوم: پرهیز از ریختن خون‌ها بناحق، زیرا که هیچ چیز، مانند ریختن خون حرام سبب غضب خدا و بزرگی عقوبت حق تعالی، و زوال نعمت و کوتاهی عمر دولت نمی‌شود، پس حکومت را با ریختن خون حرام تقویت مکن که همین سبب ضعف و سستی و نابودی آن می‌گردد.

بار دیگر به ارباب حکومت این آیه را متذکر می‌گردم که:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ  
آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و حق خاشع گردد؟!  
من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم / تو خواه از سختم پند گیر، خواه ملال  
والسلام علی من اتبع الهدی  
عبدالله نوری  
01/04/1388

## نامه هادی قابل به آقای خامنه‌ای

به نام خداوند رحمان و رحیم

ایران در این روز و شب‌های تاریخی، در برابر «کودتای رهبری و برخی فرماندهان سپاه پاسداران و حامیان دولت فاسد و دروغگو» با تمام وجود ایستاده است. کودتایی به سبک «نظامیان ترکیه» بر علیه رأی و گرایش دموکراتیک و آزادی‌خواهانه مردم. کودتایی که در پی نادیده‌گرفتن «حق حاکمیت ملت» بوده و هست، آن هم ملتی که صرفاً در چارچوب «قانون اساسی جمهوری اسلامی» حقوق قانونی و مشروع خویش را مطالبه می‌کند و هنوز هم خود را ملتزم به قانونی می‌داند که رهبری و باند کودتاجی او، هرگز به آن ملتزم نبوده و پی‌درپی آن را نادیده گرفته و این پیمان و میثاق ملی را نقض کرده‌اند.

در روزهای پایانی فروردین ۱۳۸۷ در بیانیه‌ای آشکار، رهبری کشور و باند حامی او را با ذکر دلایل گوناگون، به «براندازی نظام» متهم کردم و اکنون همه کسانی که کودتای فعلی بر علیه حق قانونی و خواست آنان انجام گرفته، بر صحت آن اتهامات و «مجرم بودن متهمان» گواهی می‌دهند.

در بطلان نتایج اعلام‌شده، تردیدی نمی‌توان کرد. چرا که همه‌ی شواهد و قرائن از «عزم پیشین کودتاجیان» برای معرفی احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور، حکایت می‌کند. عمده‌ترین این شواهد عبارت‌اند از؛

۱- در تاریخ ۲۰ خرداد (۲ روز پیش از رأی‌گیری) رئیس‌دفتر سیاسی سپاه پاسداران در مصاحبه با هفته‌نامه‌ی «صبح صادق» ارگان رسمی سپاه پاسداران، ضمن متهم کردن هواداران میرحسین موسوی به «تلاش برای راه انداختن یک انقلاب مخملی» رسماً تهدید کرده بود که؛ «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، انقلاب مخملی در ایران را در نطفه خفه خواهد کرد.»

پیش از آن هم برخی چهره‌های بانفوذ جناح راست از «محال بودن برگشت اصلاح‌طلبان به قدرت و عدم اجازه از سوی جناح متبوع‌شان برای چنین اتفاقی» سخن گفته بودند.

۲- در نیمه‌شب ۲۲ خرداد، برخی خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های وابسته به کودتاجیان از پیروزی نامزد خود با میزان رأی‌های که هنوز شمارش نشده و فردای آن روز رسماً اعلام گردید، خبر داده بودند. حتی برخی از آنان از دو روز قبل نیز همین درصد آراء را منتشر کرده بودند.

شخص احمدی نژاد نیز یک هفته قبل از پایان تبلیغات در جمع اعضای ستاد خود گفته بود: «من پیروز قطعی هستم و تعجب می‌کنم که دیگران چرا خودشان را بیهوده معطل می‌کنند.»

آن روزها این سخنان و موضع‌گیری‌ها را حمل بر «جنگ روانی» می‌کردند ولی اکنون معلوم می‌شود که «با کشف و شهود از عالم غیب خبر داده اند.»!!

۳- اعلام نظر ناگهانی و شتاب‌زده‌ی آقای خامنه‌ای در مورد انتخابات ریاست جمهوری در ساعت ۱۰ صبح ۲۳ خرداد و «تأیید صحت آن و تشکر از امانت‌داری مجریان و ناظران، و تبریک به فرد منتخب و اعلام جشن پیروزی» و در حقیقت، اعلام «پایان قطعی پروژهِ انتخابات با پیروزی حامیان خویش» قبل از اعلام نتیجه‌ی نهایی از سوی وزارت کشور و پایان مهلت رسیدگی به شکایات توسط شورای نگهبان و تأیید صحت انتخابات از سوی این نهاد (که طبق قانون اساسی، تنها نهاد قانونی صاحب صلاحیت برای اظهار نظر قطعی در مورد انتخابات است)، نشانگر عزم پیشین رهبری برای معرفی «چوپان دروغگو» به عنوان «رئیس جمهور منصوب رهبری» است.

این اقدام رهبری، مصداقی برای سخن رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران در مورد «در نطفه خفه کردن انقلاب سبز و مخملی طرفداران میرحسین موسوی» بود. ایشان با «تعجیل در اعلام نتایج و بستن پرونده‌ی انتخابات» می‌خواست خود و حامیانش را از شر «رئیس جمهوری اصلاح‌طلب» و «انقلاب سبز» وی، راحت کند و چهارسال را آسوده سپری کند.

البته ایشان و بسیاری از دوستان آقای موسوی هم فکر نمی‌کردند که میرحسین، تا این اندازه مقاومت کند. تصور همگان این بود که در برابر مواضع رهبری، ایشان نیز مثل آقای محسن رضائی، کوتاه‌آمده و تمکین خواهد کرد.

۴- طبق اقرار و اعتراف شخص آقای خامنه‌ای، در این دوره، بیش از ۱۰ میلیون نفر از مردمی که در انتخابات گوناگون گذشته شرکت نمی‌کردند نیز به میدان آمدند.

تردیدی نیست که این افراد، کسانی بودند که در طول سال‌های گذشته، به‌خاطر «مخالفت با سیاست‌های مسئولان کشور و نتیجه بخش ندانستن حضور خود برای تغییر وضع موجود» از شرکت در رأی‌گیری‌ها، پرهیز می‌کردند و اکنون که به میدان آمده بودند، برای «تغییر اوضاع» بوده است و نه «ادامه‌ی وضع موجود». اما عملاً این رأی به نفع احمدی نژاد «مصادره» شده است و رأی او را به میزان «بیش از ۱۰ میلیون رأی افزون بر تعداد آرائی که آخرین نظرسنجی‌های علمی نشان می‌داد» اعلام کرده‌اند. گویی این جمع تازمبه‌میدان‌آمده، عاشق احمدی نژاد بوده‌اند و برای زدن «مشت محکم به دهان مخالفان وی» به میدان آمده‌اند!!

۵- در کنار دروغ آشکار ۲۴ میلیون رأی احمدی نژاد (و فقط معادل نیمی از آن برای آقای موسوی)، یکی از آشکارترین دروغ‌های انتخاباتی این دوره در مورد رأی آقای کروبی است که هر انسان آگاهی را آزار می‌دهد.

کینه‌ی آقای خامنه‌ای از شعار «تغییر» آقای کروبی و وجود برخی چهره‌های سرشناس پیرامون ایشان و برنامه‌های مختلفی که ارائه کرده بود و لزوم پاسخ احمدی نژاد به «خط و نشان کشیدن آقای کروبی در دو سال پیش برای وی در انتخابات بعدی ریاست جمهوری» (که اکنون زمانش رسیده بود) انگیزه‌های کافی برای «نشان‌دادن اثر کینه و انتقام، در اعلام نتیجه‌ی آراء او» را فراهم ساخته بود.

کینه‌ی حاکمیت کودتایی از کروبی، دلایلی چون صراحت او در «اعتراض به؛ قتل زهرا بنی یعقوب، نظارت استصوابی و رد صلاحیت‌ها، در برنامه‌ی تبلیغی تلویزیونی» و امثال آن را نیز داشته است.

۶- افزایش ۱۰ برابری صندوق‌های سیار، که عملاً دور از چشم ناظرین نامزدها، امکان همه‌گونه تقلب را فراهم می‌کرد و بی‌اعتنایی به اعتراض نامزدها نسبت به این افزایش غیر منطقی، یکی دیگر از شواهد این ماجرا است.

۷- نداشتن ناظر در بسیاری از صندوق‌ها از سوی نامزدها، به‌خاطر کارشکنی‌های وزارت کشور و فرمانداری‌ها، امکان جابجایی آراء را فراهم ساخته بود و کسی باور نمی‌کند که دولتی که پیش چشم مردم دروغ می‌گوید و فسق علنی انجام می‌دهد و آمار را وارونه جلوه می‌دهد، از جابجایی آراء و وارونه کردن آمار رأی مردم، پروایی داشته باشد.

۸- راندادن ناظرین نامزدها در بسیاری از موارد و مراحل مربوط به «آماده کردن صندوق‌ها، رأی‌گیری و شمارش» و خصوصاً در «اتاق جمع آراء» و بیرون‌کردن کارکنان رسمی وزارت کشور و شمارش غیرمتعارف آراء این‌دوره، زمینه‌ی دستبرد به آراء مردم را فراهم کرده بود. این رفتار غیرقانونی، اعتماد به نتایج رسمی را مخدوش می‌کند.

۹- این دولت پیش از این و در «رأی‌گیری برای مجلس هشتم» نیز صحنه‌های آشکاری از تقلب را رقم زده بود. مثلاً؛ یکی از حامیان دوره‌ی پیش احمدی‌نژاد (که فعلاً منتقد او است) رسماً در مصاحبه‌اش اعلام کرده بود که «من با خانواده‌ام در یکی از شعب رأی‌گیری، حاضر شده و رأی داده‌ایم ولی با کمال تعجب، در همان صندوق، رأی مرا «صفر» اعلام کرده‌اند». این داستان مشابه همان چیزی است که برای مرحوم «مدرس» در دوره‌ی رضاخان اتفاق افتاده بود.

وقتی چنین وقاحتی در تقلب رأی مردم از این مجریان و ناظران به‌ثبت رسیده است و فردی از اردوگاه خود آنان به آن اعتراف می‌کند، خیانت آنان در امانت آراء مردم، قطعی و مسبوق به سابقه است. بنا بر این، شهادت آنان به صحت انتخابات، از نوع «شهادت فاسق» و شرعاً و عقلاً غیر قابل اعتماد است.

۱۰- گزارش‌های فراوانی از نیروهای مردمی حاضر در صحنه‌های مختلف انتخاباتی در مورد «رأی‌گیری از افراد زیر ۱۸ سال و بدون ثبت در شناسنامه» یا «جابجایی آراء میر حسین موسوی و کروبی و رضائی به نفع احمدی نژاد» به ستادهای نامزدهای مغیون، رسیده است که موجبات اعتراضات آنان را طی بیانیه‌ها و اعتراضات کتبی به مراجع قانونی، فراهم کرده است.

سابقه‌ی «خیانت در امانت آراء ملت» به ضمیمه‌ی این گزارشات متکی بر تخلفات رسمی، شواهد معتبری برای عدم اعتماد به نتیجه‌ی اعلام شده به صورت رسمی را فراهم کرده است.

۱۱- آقای خامنه‌ای و باند کودتاچی وی، اگر خواهان حقیقت بودند، از طرح «کمیته‌ی صیانت از آراء مردم» استقبال می‌کردند. آن‌ها نه تنها استقبال نکردند که طراحان را به «اهانت به نظام و همراهی با دشمنان» متهم کردند تا زمینه‌ی کودتای خود را فراهم کنند.

در فرهنگ عمومی این کشور این سخن حکیمانه را همه پذیرفته‌اند که؛ «آن را که حساب، پاک است، از محاسبه چه باک است» (حتی آقای خامنه‌ای در پاسخ یکی از یاران قدیمی خود در قضیه‌ی پول گرفتن از شهرام جزایری، به همین مطلب اشاره کرده بود). اکنون نیز با همین منطق، می‌توان پرسید که چرا از «نظارت مردم» نگران می‌شوند و آن را مخالف منافع خود می‌پندارند؟ آیا قصد خیانتی داشته و دارند که از نظارت دیگران بر خویش، این‌گونه می‌هراسند و همه را متهم به همراهی با دشمن می‌کنند؟

بازداشت‌های گسترده‌ی سیاسیون و حتی فعالان ستادهای نامزدهای اصلاح‌طلب و قطع ارتباطات تلفنی و رسانه‌های مربوط به مخالفان کودتا، چهره‌ی عریان «کودتای ۲۳ خرداد ۱۳۸۸» را نمایان ساخت. سرکوب شدید تجمعات مردمی در روز ۲۳ خرداد و حضور گسترده‌ی نیروهای مسلح و تشدید فوق‌العاده‌ی فضای امنیتی، تمامی اجزاء پازل این کودتا را در کنار هم قرار داد تا در برابر اقدام غیرقانونی کودتاچیان، هیچ مقاومتی نشود.

۱۲- در موارد مختلف انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، سال‌ها است که از «لزوم نظارت بین‌المللی» دفاع کرده‌ام. دلایل قانونی و عقلی برای این مطلب وجود دارد؛

یکم؛ دولت ایران در زمان رهبری آقای خامنه‌ای، عضویت در کنفرانس بین‌المجالس را پذیرفته است و آن را به رسمیت شناخته است.

دوم؛ طبق مصوبات این کنفرانس، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس کشورهای عضو، باید با نظارت بین‌المللی انجام گیرد.

سوم؛ ایران تاکنون چندبار به عنوان «ناظر» در انتخابات چند کشور حضور داشته و با پذیرش حضور خود به عنوان ناظر، روند اعمال نظارت بین‌المللی بر انتخابات کشورها را عملاً تأیید کرده و به رسمیت شناخته است.

چهارم؛ دولت و حکومتی که عملاً روند «نظارت بین‌المللی» را پذیرفته، نمی‌تواند از نظارت بین‌المللی بر انتخابات خود، جلوگیری کند. این حقی «دو سویه» است و هیچ کشوری مجاز نیست که فقط یک سویه‌ی آن را بپذیرد و سویه‌ی دیگر را انکار کند.

اکنون باید پرسید که؛ «چرا حاکمان فعلی ایران و حامیان آن‌ها، با طرح «نظارت بین‌المللی بر انتخابات ایران» رنگ از چهره‌شان می‌پرد و برای فرار از پاسخ‌گویی، بدون هیچ منطقی، به جو سازی پرداخته و رگ‌های گردن‌شان بیرون می‌زند و با پر خاش و هتاک، خواستاران نظارت بین‌المللی را به انواع تهمت‌هایی که تنها شایسته‌ی خودشان است، متهم می‌کنند؟!!

کودتای ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ علیه ملت ایران و تصمیم قاطع او به «ریاست جمهوری میر حسین موسوی» نشان می‌دهد که علت‌العلل تمام آن مخالفت‌ها، مقاصد سوء کودتاگرانه بر علیه حق حاکمیت ملت بوده و هیچ دلیل دیگری نداشته و ندارد.

۱۳- آقای خامنه‌ای در دیدارش با اعضای ستادهای نامزدها در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۸۸ ادعا می‌کرد که؛ «همه‌ی کسانی که در انتخابات شرکت کرده‌اند، چه رئیس جمهور منتخب!! و چه دیگران که رای اقلیت را دارند، همه از نظر نظام، مردم ایران هستند و برای نظام فرقی ندارند. همه محترم‌اند و موافق و مدافع نظام جمهوری اسلامی‌اند.!!»

گویی هیچ‌کس نمی‌پرسد که چرا طرف اقلیت (به ادعای ایشان) در تمام دوران رهبری ایشان از امکانات صداوسیما محروم‌اند و طرف مقابل تمام امکانات را به مصادره‌ی خود درآورده است.

ایشان از «لزوم توجه در سخنان به‌گونه‌ای که تحریک‌کننده نباشد» سخن گفت. کیست که نداند که بیشترین اهانت‌ها و تهمت‌های ناروا را شخص ایشان بر علیه همان اقلیت ادعایی در طول این سالیان، بر زبان رانده و منتشر کرده است.

ایشان به‌گونه‌ای سخن می‌گفت که گویا هیچ اتهامی متوجه خود وی نیست!! تمامی اقدامات اخیر در سایه‌ی حمایت‌های آشکار ایشان از باند کودتاچی، رقم‌خورده است.

۱۴- ایشان از «لزوم موضع‌گیری شفاف در برابر خشونت‌طلبان و اغتشاش‌گران و مهاجمان به اموال عمومی و خصوصی و جنایت‌کاران» سخن گفتند. کاش یادی از «شهیدان ۲۵ و ۲۶ خرداد» نیز می‌کردند و لااقل اظهار تأسف می‌کردند.

آیا ایشان از جنایات «کوی دانشگاه» و خیابان آزادی، و شهرهای اصفهان و شیراز، و شهادت مردم غیر مسلح، که به دست نیروهای رسمی و مهاجمان مسلح تحت‌الحمایه‌ی آن‌ها انجام گرفته، صریحاً موضع‌گیری می‌کردند تا متهم به رضایت به آنان جنایات نمی‌شدند.

آیا از جنایاتی که آقای اعلمی در محدوده‌ی محل سکونتش گزارش کرده است و یا حمله به مجتمع مسکونی سبحان که هردو مورد از سوی نیروهایی که مسلح بوده‌اند به انجام رسیده و نیروی انتظامی هم متعرض آنان نشده است، بی‌خبر هستند؟! آیا شکستن شیشه‌های آپارتمان‌ها و اتومبیل‌های ساکنان و تهدید و فحاشی‌های آنان به‌خاطر تکبیرگویی ساکنان، از نظر ایشان جرم است یا خیر؟ آیا از عکس‌های منتشره در مورد هجوم نیروهای رسمی ضدشورش به منازل شخصی و ضرب و شتم مردم و مجروح ساختن آنان و صدمه زدن به اتومبیل‌های پارک شده در کوچه‌ها بی‌خبرند؟!!

آیا از وحشی‌گری‌های مهاجمان به کوی دانشگاه تهران اطلاعی ندارند؟! آیا عکس‌های اتاق‌ها و ورودی ساختمان‌های کوی را مشاهده نکرده‌اند؟!!

آیا تکرار این موارد ناشی از «عدم پی‌گیری جنایت قبلی در کوی دانشگاه «نبوده و نیست؟! آیا اشک ریختن چند سال قبل، کفایت آن‌همه جنایت را داد؟ و آیا امروز هم سکوت ایشان در برابر جنایاتی که مهاجمان تحت‌الحمایه مرتکب می‌شوند، توجیه شرعی و قانونی دارد؟! مگر ایشان «فرمانده کل قوا» نیست؟ و هزاران پرسش دیگر که متأسفانه هیچ پاسخی نداشته و ندارد.

آنانی که در برابر شهادت مظلومانه‌ی «زهره بنی‌یعقوب، ابراهیم لطف‌اللهی و ...» در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های رسمی حکومتی سکوت کرده‌اند و آن را از «کشیده شدن خلخال از پای یک یهودیه» کمتر ارزیابی می‌کنند، امروز ثمره‌ی آن همه جنایت و «امضای آن‌ها با سکوت» را برداشت می‌کنند.

۱۵- ظاهراً ایشان هیچ شرمی از آن همه اظهار وحدت و همبستگی در حضور افرادی که صمیمی‌ترین دوستان و همکاران ستادهاشان را در زندان می‌دیدند، نداشت و به‌گونه‌ای نصیحت می‌کرد که انگار همه آزادند و هیچ اتفاقی نیافتاده است!! کجای آن ادعاها با دستگیری گسترده‌ی سیاسیون همخوانی دارد؟! آیا یکبار اقدام به کشتن «سعید حجاریان» برای نیروهای کودتاجی کفایت نمی‌کرد که «جسم تکیده‌ی او» را نیز بر نمی‌تابند و باز داشت می‌کنند؟! جدا شرم اور است.

مگر جرم آنان چیزی جز دفاع آرام و منطقی از حقوق قانونی خود و مردم بوده است؟ مگر راهپیمایی و اجتماعات و اعتراضات منطقی و غیر خشونت‌بار، طبق قانون اساسی کشور، آزاد نیست؟ کدام اصلاح‌طلبی را سراغ دارید که رویکردهای خشونت‌بار را تأیید کرده باشد؟!!

منطق «چماق و هویج» دیرزمانی است که از ارزش تهی‌شده و جز خنده‌ی تمسخر، بر لب نمی‌آورد. بهتر است که فکری برای سامان‌دهی کشور بر اساس قوانین رسمی و منطبق با حق حاکمیت ملت بکنند و زبان تهدید و روش استبدادی را کنار گذارند.

عامل اصلی ناهنجاری‌ها در کشور، قانون‌گریزی مسئولان برتر کشور است و اگر همه به قانون تمکین کنند، هنجارها برمی‌گردد و حقوق همگان تامین می‌شود.

۱۶- اکنون و پس از این تجربه‌ی با ارزش ملت ایران، و پس از عزم جدی ملت برای دفاع از حق حاکمیت خویش که اوج آن را در راهپیمایی کم‌نظیر آنان در زیر سایه‌ی «تهدیدهای وزارت کشور، لباس شخصی‌های مسلح، نیروهای رسمی ضد شورش، دادستانی کل و تبلیغات و تهدیدهای وسیع صدا و سیمای حکومتی بر علیه شرکت کنندگان» در روز دوشنبه‌ی سبز ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ خورشیدی، مشاهده شد، باید همه‌ی مردمی که رأی آنان به تاراج کودتاچیان رفته است، هشیار باشند و از همراهی و حتی بی‌تفاوتی در برابر کسانی که از دست‌یازیدن به رفتارهای خشونت‌بار و صدمه‌زدن به اموال عمومی و خصوصی پرهیز نمی‌کنند، شدیداً پرهیز کنند (که پرهیز می‌کنند) و با حفظ متانت در برخوردها و بهره‌گیری از حقوق قانونی خود، تا می‌توانند، مدارک قطعی هجوم نیروهای کودتاجی به اموال مردم را در اختیار ستادهای رئیس‌جمهور منتخب ملت ایران که آقای میر حسین موسوی است، قرار دهند و یا آن را به رسانه‌های عمومی برسانند و اگر امکان انتشار آن را دارند، خود اقدام به انتشار آن کنند.

پرهیز از انتشار اخبار ناصحیح و دقت در انتشار اخبار صحیح و تلاش و کوشش پیگیر برای آگاه کردن مردم از ظلم و ستمی که بر احاد ملت می‌رود، با استفاده از تمامی امکانات متعارف و منطقی، وظیفه‌ی عقلی و شرعی همه است.

۱۷- تجدید انتخابات ریاست جمهوری اخیر، تنها با چنین سازوکاری به حاکمیت ملت، منتهی می‌شود. گوش به اتهامات بیهوده‌ی کودتاچیان و حامیان آن‌ها نسپریم که دائماً با اتهام واهی «تسلیم در برابر بیگانگان» مردم را به تسلیم مطلق در برابر زیاده‌خواهی‌های خود و در حقیقت به «بردگی خویش» فرا می‌خوانند.

هرگز و از هیچ‌فرد حقیقی یا حقوقی نباید پذیرفت که از این پس در ایران، انتخاباتی بدون نظارت بین‌المللی را به ملت ایران تحمیل کند. دلایل کافی برای بی‌اعتمادی به حاکمانی که بارها آزموده‌اند، به فراوانی وجود دارند و منطقی و معقول نیست که مجدداً در دامی بیافند که بارها افتاده‌اند.

در پایان، یادآوری چند نکته را ضروری می‌دانم؛

۱- کودتاچیان بدانند که ریختن خون فرزندان ملت، که خود به «حماسه‌آفرینی آنان و کسب عزت برای ایران و جمهوری اسلامی، در انتخابات اخیر» اقرار کرده‌اند، جز ننگ و نفرت و عذاب الهی در دنیا و آخرت را برای آنان در پی نخواهد داشت. پس از خدا بترسند و خون فرزندان ملت را نریزند، که در منطق شریعت محمدی (ص) ریختن خون یک نفر به‌ناحق، همچون کشتار تمامی آدمیان است.

آیا از «شرکت کنندگان در انتخاباتی که کودتاچیان نیز به آن افتخار کرده و می‌کنند» با «خشونت‌ورزی و سلب حقوق قانونی» تشکر می‌کنند؟!!

ملت ایران کشته‌شدگان وقایع اخیر در کوی دانشگاه و خیابان‌ها را به عنوان «شهیدان حاکمیت ملت» می‌شناسد و قردان خون‌های پاک آنان خواهد بود. حاکمیت نیز شرعاً نسبت به این خون‌ها ضامن است.



۲- نیروهای مسلح و امنیتی، که کودتاگران به اتکای قدرت سلاح آنان، به این خیانت بزرگ دست زده‌اند، از اعمال خشونت بر علیه مردم خود پرهیزند. حتی اگر از خدا و نظارت مطلق او و ثبت و ضبط رفتار خود در نامه‌ی عمل‌شان برای حسابرسی دقیق روز جزا، پروا نمی‌کنند، به‌یادآورند که مأموران حکومت پهلوی در روزهای درگیری‌های خیابانی و تظاهرات مردم، چه عاقبتی پیدا کردند.

آن روز نه امکانات تصویر برداری کنونی وجود داشت تا جنایات مختلف را ثبت و ضبط کند و نه امکان اطلاع رسانی وسیع امروز در اختیار بود. باید متوجه باشند که همه‌ی خشونت‌های آنان از سوی مردم، تصویر برداری می‌شود و فردا از چنگ عدالت نمی‌توانند بگریزند. پس برای دنیای خویش هم که شده، از جرم و جنایت پرهیزند و خود را فدایی ملت، بدانند.

۳- روزی هشدار داده شد که؛ شعار «ارتش فدای رهبر» و یا اصرار بر تکرار «جانم فدای رهبر» در مراسم نظامی و انتظامی، از سوی پرسنل نیروهای مسلح، روزی آنان را در برابر ملت قرار خواهد داد و یا این قابلیت را دارد که چنین مصافی را تدارک ببیند. امروز و پس از بی‌توجهی نیروهای سیاسی به آن هشدار، شاهد این تقابل و رویارویی هستیم.

این تجربه، برای همه باید درس عبرتی باشد تا به «ریشه‌کنی فرهنگ جان‌نثاری برای مستأجران قدرت» منجر شود و تنها ملت و کشور را به عنوان صاحبان حقیقی قدرت، شایسته‌ی جان‌نثاری، معرفی کند. خصوصاً باید فرزندان ملت در نیروهای مسلح را هشیار کند که هرگز خود را جان‌نثار رهبر و مستأجران قدرت قرار ندهند و تنها خود را فدایی ملت بدانند و برای حفاظت از حقوق آنان قدم بردارند.

۴- شعار «الله اکبر» شعار اصلی همه‌ی مردم است و کودتاچیان نمی‌توانند به‌دروغ، مخالفان خود را به بی‌دینی متهم کنند، ولی نباید از شعار محوری «حق حاکمیت ملت» لحظه‌ای غفلت شود. مقاومت ملت در قضیه‌ی اخیر و با استفاده از راهکارهای قانونی، هیچ چیز جز «دموکراسی و آزادی بیان و آزادی انتخاب» را هدف قرار نداده است. مبدا به‌خاطر خوش‌آمد این و آن، از شعار و هدف محوری این اقدام ملی، غفلت شود.

۵- عالمان دین و شریعت، وجهی خود را از «حق‌طلبی» و «دفاع از حق» به‌دست آورده‌اند و شایسته است که آبروی خود را در این جهت مصرف کنند. مبدا تسلیم کودتاچیان شوند و نتایج غیرواقعی اعلام شده را تأیید کنند. اعتبار آنان در گرو همراهی با کسانی است که از «دروغ، فریب، خدعه، کینه‌توزی، پیمان‌شکنی، خیانت در امانت و...» پرهیز می‌کنند و قدرت را «طعمه» نمی‌شمارند و تنها «منافع ملت» را می‌خواهند. راست گفت رسول خدا(ص) (که فرمود: «لاتنظروا الی کثرة صلاتهم و صومهم... و لکن انظروا الی صدق الحدیث و اداء الأمانة» به‌زیادی نماز و روزه‌ی آنان نگاه نکنید (و آن را ملاک ارزیابی قرار ندهید) ولی به صداقت و امانت‌داری آنان نگاه کنید (و آن را ملاک ارزیابی قرار دهید).»)

۶- آقای خامنه‌ای تا کنون به خیرخواهی خیرخواهان هیچ توجهی نکرده است. امروز او در جایگاهی قرار گرفته است که دوستان سابق خود را نیز در برابر خود قرار داده است. آقایان؛ هاشمی رفسنجانی، ناطق نوری، میرحسین موسوی و... کسانی هستند که تا دیروز مورد اعتماد بوده و با حکم وی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده‌اند. امروز چه شده است که همه‌ی این‌ها فدای احمدی‌نژاد و چند چهره‌ی سپاهی می‌شوند؟ آیا قدرت تفویض شده در قانون اساسی به رهبری نظام، ایشان را قانع نمی‌کند که نهادهای انتخابی را نیز با حربه‌ی غیرمنطقی «نظارت استصوابی» می‌خواهد به مجموعه‌ی اقتدار خویش بیافزاید؟ چرا به حد خود قانع نیست و سخن امیرمؤمنان را آویزه‌ی گوش خود نمی‌سازد که؛ «رحم الله إمرءاً عرف قدره و لم یتعد طوره»=خدا رحمت کند کسی را که اندازه‌ی خویش نگهدارد و از آن تجاوز نکند». آیا تردیدی وجود دارد که توصیه‌ی علوی(ع) برای ایشان از توصیه‌های سپاهی و مصباحی و احمدی‌نژادی بهتر است!!

۷- در ورای اهانت‌های بی‌وقفه‌ی کودتاچیان به آقای هاشمی رفسنجانی و حامیان وی، دست پنهان کسانی دیده می‌شود که برای «رهبری آینده» می‌خواهند موانع را از سر راه خود بردارند. ادعاهای دروغین «مبارزه با فساد اقتصادی» (و یا مبارزه با «رانت‌خواری») تنها پوششی برای پنهان نگه‌داشتن آن مقاصد شوم است.

آن‌ها می‌دانند که در هر دو صورت اقدام به حذف آقای خامنه‌ای یا اتفاق طبیعی برای ایشان، تازه با مانعی به نام «هاشمی رفسنجانی» مواجه می‌شوند که هنوز در بین خبرگان، از مقبولیت برخوردار است. مقبولیتی بیش از مقبولیت آقای خامنه‌ای در خبرگان سال ۱۳۶۸ و این مانع را پیش از حذف آقای خامنه‌ای یا اتفاق طبیعی برای وی، باید از سر راه خود بردارند.

من هیچ علاقه‌ای به آقای رفسنجانی نداشته و ندارم و اساساً به لحاظ شخصی، به ایشان در قامت یک مسئول سیاسی، اعتماد نکرده و نمی‌کنم و علی‌رغم تبری جستن از ظلم و ستمی که به ایشان از جانب کودتاچیان می‌شود (و حتی ملتزم بودن به دفاع از حقوق شهروندی و شرعی ایشان، همچون سایر شهروندان ایران زمین) ولی این اتفاقات را، کیفر دنیایی رفتار نامشروع سیاسی ایشان و همدستی طولانی وی با آقای خامنه‌ای، در ظلم و ستم می‌دانم.

گرچه ایشان گفته‌اند که؛ «منتظری نظام نخواهند شد!!» ولی باید بدانند که اولاً؛ «بدخواهان در دستگاه‌های؛ دولتی، قضائی، اطلاعات سپاه و دفتر رهبری» مصاف و درگیری بین آیه الله خمینی و آیه الله منتظری را پدید آوردند و امروزه نیز همان افراد در همان ارگان‌ها، این پدیده را تکرار کرده‌اند. ثانیاً؛ هردو طرف ماجرا در بسیاری از جهات معنوی و بسیاری از عملکردهای سیاسی در هردو صحنه‌ی پیشین و امروزین، متفاوت‌اند و قیاس آنان «مع الفارق» است. ثالثاً؛ ... شرح آن هجران و آن خون جگر // این زمان بگذار تا وقت دگر!! رابعاً؛ آن اتفاق را چه مثبت ارزیابی کنید و چه منفی، اکنون گرفتار نتایج همان ماجرا هستید و هستیم. پس می‌توان از نتایج و بهره‌ها، به مثبت بودن یا منفی بودن آن واقعه پی برد.

۸- به گمان من، این واقعه، جز با بازگشت کودتاچیان به قانون و «بسنده کردن به محدوده‌های قانونی خود» و «پذیرش بی‌چون و چرای حق حاکمیت ملت» پایان نمی‌پذیرد. حتی اگر با سرکوب شدید و کشتن و دستگیری آحاد ملت از سوی کودتاچیان مواجه شود. ملت ایران چیزی برای از دست دادن ندارد. آبرو، منافع، عزت و شرف او مدت‌های مدیدی است که مورد تاراج ستم قرار گرفته و هرروزه شاهد به خاک افتادن سروقدی از عزیزان خود است. خواسته‌ی آنان چیزی جز «توقف ظلم و ستم و بازگشت به قانون و تن دادن به حق حاکمیت ملت نیست.»

طبیعی است که هیچ‌گونه رفتار غیرقانونی و خصوصاً خشونت بار، مورد تأیید ملت صلح جو و اصلاح طلب ایران نیست. البته در برابر تجاوز و تعدی و خشونت‌ورزی کودتاچیان نیز باید اعتراض کنند و هرگز سکوت نکنند. تجربه‌ی این ملت نیز تنها از مصاف «گل و گلوله» حکایت می‌کند و مطمئناً از جانب ملت، تنها «گل» عرضه می‌شود. بهتر است که مسئولان کشور از کودتاچیان بخواهند که قدری شرم و حیا داشته باشند و رفتار مسالمت آمیز را با تحریک جوانان و هجوم ناجوانمردانه به مردم، به خشونت نگشانند، چرا که بیشترین ضرر و خسارت را حاکمیت خواهد برد.

مصاف نابرابر ظالم و مظلوم، حتی اگر با شکست ظاهری مظلوم همراه شود، چیزی جز ننگ ابدی برای ستمگران را به ارمغان نمی‌آورد. اصرار بر این روند منحط و نابرابر، باید متوقف شود.

خدایا به حاکمان این ملت، حیاء و عفت و شعور عنایت کن که از زیاده خواهی دست بردارند و به جایگاه قانونی خود برگردند و حق حاکمیت ملت را با تمام لوازم آن بپذیرند و بیش از این چهره‌ی دین تو و شریعت محمد مصطفی (ص) (و رویکرد علی بن ابی طالب (ع)) را ملوک نکنند.

خدایا به ملت ما علم و آگاهی و توفیق بهره‌گیری کامل از خرد خود و خردمندان عالم را عنایت کن تا بیش از این زیر بار ستم و استبداد نمانند و عزت، امنیت، عدالت، رفاه، تندرستی و شادی و نشاط را در ادامه‌ی زندگی فردی و اجتماعی خود تجربه کنند و هرگز از این نعمت‌ها جدا نشوند.

خدایا چنان کن سر انجام کار // تو خوشنود باشی و ما رستگار

## نامه فرزند شادروان مهندس مهدی بازرگان به آقای خامنه ای

هو العلی الکبیر

جناب آقای سید علی خامنه ای، نمیدانم با چه زبان و از کدامین ظلم و جنابیتی با شما سخن بگویم که مشفقان و دلسوختگان ملت نگفته باشند؟ در نظام متمرکز و مطلقه ای که همه راهها منتهی به رأی و تصمیم شخصی شما گشته، نامه‌های ناصحانه متعددی در ارتباط با تقلب انتخاباتی و سرکوب خونین معترضین به جنابعالی نوشته شده که هیچکدام هم پاسخی دریافت نکرده‌اند. بنده نیز آمیدی ندارم این نوشته از کانال‌های کنترل شده ارتباطی بیت بگذرد و به رؤیت شما برسد، با این حال بنا به وظیفه ملی و دینی خود نکاتی را یادآور می‌شوم.

در نظام ولایت مطلقه فقیه، شما و تئوریسین‌های این تَر مدعی هستید مشروعیت خود را نه از آراء اکثریت مردم، بلکه از پیوند به ولایت اهل بیت مطهر پیامبر مکرم اسلام می‌گیرید. سرسلسله ولایت و عرفان در مکتب تشیع امیرالمومنین علی(ع) است که دیدگاه سیاسی خود و معیارهای مطلوب حکومتی را در "عهدنامه‌ای" که به "منشور حکومت اسلامی" شهرت یافته، تدوین کرده است. عهدنامه‌ای که برای اداره سرزمین بزرگ مصر به "مالک اشتر" سپرده تا در مأموریت خطیر خود به عدالت رفتار کند. بنابراین بر آن شدم عملکرد شما در وقایع خونبار اخیر را در عرضه به این منشور، که تبلور عصاره تجربیات حکومتی نخستین امام مکتب تشیع است، مورد ارزیابی و مقایسه قرار دهم. گرچه این نکات را بهتر از من می‌دانید، اما خواستم به مصداق: "فذكر فان الذکری تنفع المومنین"، هر چند خوشایند شما و چاپلوسان نباشد، هم یادآوری کرده باشم، و هم به کسانی که ولایت شما را از سنخ همان ولایت می‌دانند تفاوت زمین تا آسمان را به توفیق حق نشان دهم.

الف - بدبینی ملت به رهبری

جناب آقای خامنه‌ای، میلیون‌ها ایرانی آزاده، به حق یا باطل، شما را در حوادث اخیر به خاطر حمایت بی دریغتان از رئیس‌جمهور و تقلب آشکار انتخاباتی همکاران او، عامل اصلی تشنجات و کشتارها می‌دانند و سیاست‌های یک طرفه و استبدادی شما را محکوم و عدالت و صلاحیت رهبری‌تان را انکار می‌کنند. جنابعالی مسلماً چنین قضاوتی را بر نمی‌تابید، اما مدعی پیروی از کسی هستید که (در همان عهدنامه) فرمود:

اگر ملت بر تو گمان ستمگری برد (حکم ترا ظالمانه بشمارد)، عذر خویش را با شفافیت تمام برای آنها بیان کن و بدگمانی مردم را با دلایل روشن از خود دور ساز. مسلماً در این (تمکین به حقوق و حاکمیت مردم) ریاضتی است که باید بر خود دهی، و رفاقتی است با مردم، و رسیدنی است به آرمانت که باید برپاداشتن مردم در راه حق باشد (بند ۱۳۰ عهدنامه).

اما شما جز تأیید شتابزده صحت انتخابات پیش از زمان قانونی آن و مردود شمردن ادعای مخالفین بر تقلب در امانت آراء، نه تنها هیچ دلیل و منطقی جز پافشاری بر درستی و "شیرینی"! آن ارائه ندادید، بلکه نیروهای سرکوب تحت فرمانتان را از "تلخی" عواقب کشتار منع نکردید. در حالی که باید به جای تهدید و توبیخ، با عدالت و انصاف و عذرخواهی از ملت، آنها را آموزش و رشد می‌دادید. با وجود بسته شدن خبرگذاری‌ها و همه امکانات و ابزار رسانه‌ای قابل کنترل، برای بی‌خبر نگه داشتن توده‌های مردم از سرکوب سازمان یافته حاکمیت، به نظر نمی‌رسد برای شما محدودیتی برای آگاهی از عوارض این قلع و قمع باشد. آیا هرگز گزارش و عکسی از شهدا و مجروحین وقایع اخیر را به سمع و نظر شما رسانده‌اند؟ آیا می‌دانید نزد خدا و خلقش، به عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی و مسئول مستقیم آنها پاسخگوی در دنیا و آخرت هستید؟ از دو حال خارج نیست؛ یا می‌دانید، یا نمی‌دانید. این سؤال را رهبر سلف شما در آستانه انقلاب از شاه کرد. آیا به یاد نمی‌آورید!؟

اختلاف میان مقام رهبری و ملت، امری بسیار طبیعی و عادی در سایر کشورهاست، در نظام ولایت فقیه، همواره این مردم هستند که صغیر و مهجور و محتاج سرپرستی هستند و حق همیشه با رهبری است و نظر او "فصل الخطاب" و "حکم حکومتی" اش حذف‌کننده هر حرکت فکری است. اما در همان "عهدنامه"، در تنازع احتمالی رهبر با ملت (مشابه چنین حوادثی)، تصریح شده است طرفین موظفند به کتاب و سنت (قانون) مراجعه نمایند و رهبری هیچ حق ویژه‌ای بر دیگران ندارد (بندهای ۶۳ تا ۶۵).

جناب آقای خامنه‌ای، اینک متأسفانه میان شما و بخش عظیمی از ملت اختلاف و فاصله‌ای عمیق افتاده است که در صورت لجاجت و بی‌اعتنائی به حقوق مردم، می‌رود خدای ناکرده به جنگی داخلی و برادرکشی منتهی شود آثار چنین فتنه‌ای که تا ابد بر پیشانی عاملان آن باقی می‌ماند، نام نیکویی از شما باقی نمی‌گذارد.

توجه‌تان را به تصویر زشتی از این اوضاع در فرازی دیگر از عهدنامه جلب می‌کنم:

اگر ملت بر رهبری چیره گردد (نظام مدیریت گسسته شود) یا رهبری به ملت ستم کند، در این هنگام اختلاف کلمه پدید می‌آید و

نشانه‌های زورگویی قدرت آشکار می‌گردد، فریب کاری‌های دینی زیاد می‌شود، عمل به سنت‌های نیکو متروک می‌ماند، هر کس به دلخواه عمل میکند، احکام معطل می‌ماند، دردها و بیماری‌های (جسمی و روحی) مردم افزون می‌شود، هیچ کس از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بی‌بی‌بی به دل راه ندهد (بی‌تفاوتی مردم). در این هنگام نیکان به‌خواری و بدکاران به عزت می‌رسند (خطبه ۱۶۰).

ب- انتقاد به رهبری

جناب آقای خامنه‌ای، علی (ع) که شما سالی را به یاد او نامگذاری کردید، در همان آغاز خلافت، صریحاً مردم را به حق‌گویی (انتقاد از خود و نظردهی) مشورت) دعوت و تأکید کرد: "من بالاتر از این نیستم که اشتباه نکنم، مگر آنکه خدا کفایت کند" (خطبه ۲۱۶) و در متن عهدنامه معروف خود به مالک هشدار داد:

باید نزدیکترین وزیرانت از نظر قرب مقام کسی باشد که بیشترین حرف تلخ حق را به تو میزند و آنگاه که عملی از تو سر می‌زند که خدا از اولیائش ناخوش دارد، کمترین یاری را به تو می‌رساند، ... همکاریت را به جد بیاموز تا تو را ستایش و بی‌جهت تجلیل نکنند. (بند ۳۳)

شما اگر در حوادث اخیر به جای دستگیری گسترده رهبران گروه‌های سیاسی و صاحب نظران دلسوزملک و ملت، از بیم واهی بهره برداری از نیروی خشم ملت، و اعتمادتان به تحلیل‌های اطرافیان، طبق فرآز زیر با آنان گفتگو و رایزنی می‌کردید، آیا به صلاح خودتان و ملک و ملت مظلوم نبود؟

تا آنجا که می‌توانی با دانایان و حکیمان (کارشناسان) در تثبیت آنچه امور کشور را به اصلاح و مردم را به پا می‌دارد مذاکره کن. (بند ۴۰)

رهبران فکری و سیاسی مردم که جای خود دارد، شما طبق این عهدنامه وظیفه دارید بخشی از اوقات هفته را به شنیدن نظریات کسانی که به شما انتقاد دارند، اختصاص دهید:

باید قسمتی از اوقات خویش را به کسانی که مطالباتی از خودت دارند اختصاص دهی و در مجلسی عمومی که نهایت تواضع را به خاطر خدا انجام می‌دهی، بدون حضور نیروهای نظامی، حراستی (امنیتی) و پلیس، شخصاً حضور یابی تا گویندگان (شاکیان) بدون لکنت زبان با تو سخن بگویند، که من از رسول خدا، نه یکبار، که به کرات شنیدم که می‌فرمود: هرگز نظامی را که حق ضعیف بدون لکنت زبان از قوی ستانده نمی‌شود، نمی‌توان نظام مقدس (پاک و مبرای از عیب) شمرد) ... بندهای ۱۰۹ تا ۱۱۱)

جناب آقای خامنه‌ای، هواداران شما با کدام معیار، حکومتی را که مطالبه امانت در آراء انتخابات را با ضرب و شتم و ابزار قتاله پاسخ می‌دهند، نظام مقدس!! می‌شمارند؟ شما وقتی کارهای بزرگ را به اشخاص کوچک می‌سپارید، برای حفظ موقعیت خود از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌کنند. به راستی منطق شما در حمایت مستمر از آقای احمدی نژاد، که مملکت را با عملکردش در آستانه نابودی قرار داده، جز نزدیکی به افکار خودتان، آنچنان که در نماز جمعه گفتید، چیست؟ نمازی که فرصت استثنائی خدائی بود تا جامعه را با قبول تقلب و قضاوت منصفانه خودتان به آرامش بیاورید. اما در "عهد نامه علی" آنگاه که ضوابط گزینش کارگزاران را: داشتن تجربه، حیاء، خانواده صالح، سابقه در اسلام پیشگام (نه متحجر)، اخلاق کریمانه، بی‌طمعی مالی، عاقبت اندیشی و ... تبیین میکند به گونه دیگری توصیه شده است:

کارگزارانت را پس از آزمایش به کار بگمار، نه با تمایل شخصی و رأی فردی. که این شیوه ظلم است و خیانت (به ملت). (بند ۷۲)

ج- سرکوب مخالفین

کشتارهای فجیعی که در برخورد با دانشجویان و یا در تظاهرات مسالمت آمیز خیابانی در حوادث اخیر توسط نیروهای تحت فرمان مستقیم و غیر مستقیم شما رخ داده است، تماماً حکایت از عزم راسخ آن مقام در قلع و قمع مخالفینی می‌کند که جز تجدید انتخابات مهندسی شده درخواست دیگری ندارند. گویا فدا شدن هزاران نفر برای به کرسی نشاندن تصمیم رهبری و نادیده گرفتن میلیونها درخواست منطقی اهمیتی در نظام ولایتی شما ندارد!؟

اگر از خاطر نبرده باشید، ۵۶ سال قبل در بیدادگاه نظامی شاه، وقتی مرحوم طالقانی و سایر سران نهضت آزادی محاکمه می‌شدند، مهندس بازرگان پس از دریافت محکومیت ده ساله خود خطاب به تیمسار "قره باقی" رئیس دادگاه گفت:

ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون و به شیوه مسالمت آمیز با شما سخن می‌گوئیم. با محکوم کردن ما ملت خاموش نمی‌شود بلکه با زبان دیگری با شما سخن خواهد گفت.

ده سال بعد حرکت‌های چریکی در جنگل‌های "سیاهکل" و عملیات مسلحانه شهری جایگزین مبارزات مسالمت آمیز پارلمانی شده بود. تشکیلات شما استثناً نیست و قوانین الهی شیخ و شاه نمی‌شناسد.

شما این سخت‌سری و قاطعیت را به نفع نظام ولایتی می‌دانید، اما در فرآز دیگری از منشور حکومتی علی (ع) نظر دیگری عنوان شده است:

ترا هشدار میدهم در باره خونها (جان مردم) و خون ریزی به ناحق. زیرا هیچ عاملی بیش از کشتار به ناحق موجب بروز

نابسامانی‌های اجتماعی (نقمت) و پی‌آمدهای تخریبی عظیم و زوال و بریده شدن مدت (حکومت) نمی‌گردد.... مبادا پایه‌های سلطنت خویش با ریختن خون حرام تقویت کنی که چنین شیوه‌ای نه تنها موجب تضعیف و سستی ارکان حکومت، بلکه زوال و انتقال آن (به نظامی دیگر) می‌شود. بند ۱۴۱)

جناب آقای خامنه‌ای، شما که اجازه نمی‌دهید خبرنگاران داخلی و خارجی از صحنه‌هایی که هواداران آن آفریده‌اند، فیلم و گزارشی تهیه کنند، آیا مستقل از فضا و فیلتری که پیرامونتان ایجاد کرده‌اند هرگز فرصت کرده‌اید نیم‌نگاهی به عکس‌ها و فیلم‌هایی که جوانان جسور با موبایل‌های خود از جنایت‌های مأموران آن گرفته‌اند ببیند؟ آیا حمله نیروهای سرکوبگر در لباس شخصی را که همچون گرگ به جان جوانان برومند وطن افتادند دیده‌اید؟ مگر امام علی (ع) در همان عهدنامه هشدار نداده بود: مبادا، همچون درندگان به جان مردم افتاده و خورد نشان را غنیمت بشماری. آنها از دو حال خارج نیستند؛ یا برادر دینی تو اند و یا هم‌نوع تو (بند ۹ و ۱۰).

البته شما در نماز جمعه با فرافکنی زیرکانه‌ای مسئولیت این جنایت‌ها را به گردن "تروریست‌های نفوذی" انداختید که در پوشش تظاهرات خیابانی ضربات تروریستی خود را وارد می‌کنند. عجباً، چگونه است که تروریست‌ها اهداف خود را همواره از میان دانشجویان معترض دانشگاه‌ها و در میان مردم عادی انتخاب می‌کنند؟!

گفتید: "اینکه بروند دانشگاه و جوان دانشجوی مؤمن و حزب‌اللهی را آنها با شعار رهبری مورد تهاجم قرار دهند دل انسان را واقعا خون می‌کند!" اگر چنین احساسی صادقانه است، چرا برای یکبار هم که شده دستور نمی‌فرمائید نیروهای انتظامی شما با نیروهای رسمی با لباس شخصی برخورد و آنها را دستگیر کنند؟

امام علی به مالک اشتر، با آنکه مطمئن‌ترین یاور او بود، در دفاع از حقوق مردم تازه مسلمان مصر و پرهیز او از اتخاذ شیوه‌های خشن در برخورد با مردم فرمود:

اگر به خطا کسی را کشتی یا تازیانه‌ات، یا شمشیرت، یا دستت در عقوبت از حد گذرانید، یا با مشت و بالاتر از آن، به ناخواسته مرتکب قتلی شدی، نباید گردن کشتی و غرور قدرت تو مانع آید که خون بهای مقتول را به خانواده اش بپردازی.

جناب آقای خامنه‌ای، در نظام ولایتی شما خونبها که پیش کش! جنازه جوانان را هم به خانواده‌هاشان به راحتی تحویل نمی‌دهند تا بر آنان عزاداری کنند؟! این است رأفت و عطف اسلامی ادعائی شما!

شما با تحریک عواطف مذهبی نمازگزاران، بخش عظیمی از ملت را فریب خوردگان یا وابستگان به بیگانه شمرده و مرتکب ظلم عظیمی می‌شوید. شما ناله و نفرین مادران داغدار و فرزندان شکنجه شده آنان را نمی‌شنوید اما در نظام خداوند سميع و علیم ناله والدین "ندا" های مقتول بدون جواب نمی‌ماند.

(بند ۱۹) هیچ عاملی برای تغییر نعمت‌ها (راحت و رفاه و امنیت و آزادی) در جامعه و شتاب گرفتن نقمت‌ها (نومیدی، اعتیاد، فساد، فحشاء و...) مؤثرتر از قدرت گرفتن یک حکومت بر پایه ظلم نیست. زیرا خداوند شنوای دعای شکنجه دیدگان و در کمین ستمگران است.

د- شخصیت پرستی مشرکانه

جناب آقای خامنه‌ای، ملت ما در انقلاب سال ۵۷ از طاغوت زمان که نماد طغیان استبدادی یک فرد بود، نجات یافت و به حاکمیت ملی رسید. اینک پس از ۳۱ سال، گرچه ظواهر و عناوین عوض شده، اما همچنان در بر همان پاشنه می‌گردد و اکثریت ملت در نظام ولایت مطلقه و شورای نگهبان و سایر نهادهای وابسته، از حاکمیت خود محرومند. شیوه‌های شخص پرستی و بت‌سازی مشرکانه از مقامات و تملق و چاپلوسی، سکه رایج زمانه است و بر خلاف امام علی که در طرد و دفع متملقین فرصت‌طلب از هیچ فرصتی دریغ نمی‌کرد، متأسفانه دیده نمی‌شود مقام رهبری ابراز برائتی از چنین چاپلوسانی کرده باشند. گویا این فراز زیر از عهدنامه به کلی فراموش شده است:

هرگاه از اقتدار خویش احساس ابهت و اوج خیال (در آسمان جاه و مقام) کردی، نگاهی به عظمت ملک خداوند بر بالای سرت بیفکن و قدرت او را بر خویش، که فاقد آنی، در نظر بگیر. با چنین به خود نگرستی سرکشی تو تسکین می‌یابد، تند و تیزی تو فرو می‌کاهد و عقل و خردی که از تو گریخته باز می‌گردد (بند ۱۴).

ر - عدالت پروری

انتظار ملت از شما چیزی جز انصاف و عدالت و ترجیح حقوق ملت بر تمایلات خودتان نیست، شادمانی شما نیز، آنچنان که در عهدنامه آمده است، نباید جز اجرای عدالت و جلب رفاه و رضایت مردم باشد. این سخن امامی است که یکسره از ولایت او داد سخن می‌دهید:

بهترین مایه شادمانی رهبران باید بیا داشتن عدالت در شهرها و پدیدار شدن دوستی (طرفداری) ملت باشد و چنین دوستی حاصل نمی‌شود، مگر با خوش بینی‌شان و این نیز حاصل نمی‌شود جز با گردآمدنشان پیرامون مسئولین امور و سنگین شمردن بار دولت آنها بردوش خود و ترک آرزوی سر آمدن دوران زمامداری‌شان (بند ۵۸).

جناب آقای خامنه‌ای، پایان بخش نامه خود را مقدمه عهدنامه امام علی قرار می‌دهم، مقدمه‌ای که به هنگام اعزام مالک اشتر به سرزمین فرات، نوشته شده است:

ای مالک، بدان که تو را به سرزمینی فرستاده‌ام که پیش از تو دولت‌ها دیده، برخی دادگر و برخی ستمگر. و مردم در کارهای تو به همان چشمی می‌نگرند که تو در کار رهبران پیش از خود می‌نگری و درباره تو همان می‌گویند که درباره آنان می‌گوئی و نیکوکاران را از آنچه خدا بر زبان مردم جاری می‌سازد توان شناخت.

میهن عزیز ما بیش از ۲۵ قرن است در سلطه سلسله سلاطینی، عموماً ستمکار زیسته است، زمان زیادی نداری تا قضاوت بندگان خدارا عوض کنی. آریامهر!! آنگاه صدای انقلاب مردم را شنید که فریاد "مرگ بر شاه" همه فضای شهر را پر کرده بود. به نصیحت امیرمؤمنان گوش دل بسپارید که فرمود:

کفایت کار مردم به عهده تو قرار گرفته و خداوند ترا در رفتار با ملت امتحان می‌کند. پس خود را در جنگ با خدا قرار مده که قدرتی در برابر انتقام او نداری و نیز بی‌نیاز از عفو و رحمتش نیستی (بند ۱).

... و ما را دیدان اخالفکم الی ما انهیکم عنه ان ارید الا الاصلاح ماستطعت و ماتوفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب (هود ۸۸).

## نامه‌ی دکتر عبدالکریم سروش در باره‌ی نتیجه‌ی انتخابات

بنام خدا

باز این چه ابر بود که ما را فرو گرفت

تنها نه من، گرفتگی عالمست این

یکدم نگاه کن که چه بر باد می‌دهی

چندین هزار امید بنی آدم است این

چندین هزار امید بنی آدم را برباد دادند و قومی را داغ‌دیده و دردمند کردند و پای اهانت بر شعور و غرور شان نهادند و دست خیانت در صندوق امانت شان بردند و با نیرنگ و فریب، باطلی را بجای حق نشانند تاد و باره عزت و کرامت را پای مال جهالت کند و نام را به تنگ بفروشد و فرومایگان را بر کرسی ریاست بنشانند و دروغ و دغل در کار مدیریت کند و خرافه بگسرد و سفاقت بپرورد و از جاهای نفت بردارد و در جاهای جمکران بریزد و آزادی را خفه کند و آگاهی را بکشد و استبداد دینی و قرائت فاشیستی از دین را قوام بخشد و دیانت را ملعبه دست سیاست کند و سرهنگان را بر فرهنگ بگمارد و فرهنگیان را بدست سرهنگان بسپارد و دست تطاول در حقوق مردم دراز کند و پشت به قبله حقیقت، بسوی خدای خدیعت نماز کند.

هیچ چیز مهیبت‌تر از زخمی کردن غرور یک قوم نیست. سرمایه اعتمادشان را ستاندن و آب دهان برویشان افکندن. پلیدی و بیش‌رمی ازین بیشتر نمی‌شود. آدمیان دزدی و دغلی را تحمل می‌کنند اما اهانت مکرر به عزت و کرامت‌شان را هرگز.

اینک روح مجروح و غرور رنجور ایرانیان به جوش آمده است و تا تنگ آن خیانت زوده نشود و تا غاصبان به دست عدالت سپرده نشوند التهاب‌شان فرو نمی‌نشیند.

و البته جای هیچ نومی‌ نیست، «که بد بخاطر امیدوار ما نرسد». اجتماع هزار در هزار زنان و مردان حق جو و مطالبه‌گر

پنجره‌های امید را بر تاریخ آینده ما گشوده است و نوید گشایش به کار فرو بسته ما می‌دهد.

اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش

که به تلبیس و حیل دیو سلیمان نشود

به حقیقت اسم اعظم، شما حق جویند که دیو تیره‌بختی را از تخت سلیمان به زیر می‌کشید و با عصای موسوی، دولت فرعون و شعبده سامری را به دونیم می‌زنید و حکومت ارباب و تزویر و چماق و نفاق را با فریادهای جگرشکافتان در هم می‌شکنید.

استبداد دینی غرور و شعور شما را به تمسخر و توهین گرفته است و خشم مقدس شما خاموش نمی‌نشیند تا امانت حق و رای را از غاصبان خاین بستاند و به کاردانان امین بسپارد. نقد، تقوای سیاست است و حق‌جویی فضیلت دوران ماست و شما این فضیلت را فرو نمی‌نهد.

همت پاکان دو عالم و بخشایش ارواح مکرم با شماست، «با همه کروبیان عالم بالا.»

درین معرکه حق و باطل، و جنایت و شهادت، آیا مشایخ و مراجع عظام احساس تکلیف نمی‌کنند که با قلمی و قدمی «بازار ساحری و ناموس سامری و قلب ستمگری» را بشکنند؟

شمس و قمر این حرکت یعنی آقایان موسوی و کروبی نیز نیک می‌دانند که «صحبت حکام ظلمت شب یلداست» و برادر ارباب بی

مروت دنیا نشستن که «خواجه کی به در آید» شرط خردورزی و سیاست‌ورزی نیست. به سواد اعظم رو آورند که اسم اعظم در آنجاست. «نور ز خورشید خواه بو که برآید.»

اینک که فساد و خیانت، ظاهر و عریان از پرده به در افتاده است من هم در پایان نصیحتی از زبان باباطاهر عریان برای حاکمان دارم:

مکن کاری که بر پا سنگت آید

جهان با این فراخی تنگت آید

چو فردا نومه خونون نومه خونند

تو نومه خود ببینی تنگت آید

در توبه هنوز بازست. آب رفته را به جوی باز گردانید. قرعه یفال بنه ام شما زده اند و امانتی را که آسمان نتوانست کشید برشانه‌های شما نهاده‌اند. به عهد امانت وفا کنید و در زمره‌ی جهولان و ظلومان منشینید.

حقا کزین غمان برسد مژده‌ی امان

گر سالکی به عهد امانت وفا کند

عبدالکریم سروش

۱۳۸۸ خرداد

## کدام قانون؟! - اکبر علمی

هر از چند گاه بعضی از مسئولان کشورمان برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به تصمیمات و رفتارهای خود به قانون متوسل می شوند!

است و در عصر حاضر جزء مهمترین "گرچه حاکمیت قانون یکی از مهمترین و ارزشمندترین اصول و ارکان "حکمرانی خوب معیارهای ارزیابی نظام های حقوقی و سیاسی به شمار می رود، اما نظر به اینکه "قانون" مخلوق بشر بوده و برای تامین منافع او و جامعه به تصویب می رسد، لاجرم زمانی محترم و ارزشمند است که از عهده این مهم برآید

از اینرو قانونی لازم الاتباع است که علاوه بر برخورداری از ویژگی های ذاتی قانون، مهار کننده قدرت خودسرانه، پاسخگوی نیازهای جامعه، تامین کننده منفعت عموم، انعکاس دهنده نظر اکثریت، حافظ حقوق اقلیت، منطبق با اخلاق، مروج آزادی و برابری و حقوق شهروندی و مهمتر از همه معطوف به عدالت باشد.

به بیان روشنتر اعتبار حقوقی یک قانون به میزان عادلانه بودن و مرجع وضع آن و همچنین قابلیت آن در مهار قدرت و استیفای حقوق ملت بستگی دارد.

براین اساس اگر حاکمیت قانون نافی حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و سالب آزادی های مشروع و ناشی از اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی باشد و یا بصورت تبعیض آمیزی تنها توجیه کننده رفتارهای قدرت و تقویت کننده صاحبان قدرت به قیمت تحدید حقوق و اختیارات ملت باشد، قهرا چنین قانونی عادلانه نیست و نمی تواند محترم و مشروع تلقی شود.

از حیث نظری ارزش قانون در میثاق ملی تا جائی است که در ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی تصریح شده است که رهبر هم در برابر قوانین با سایرین یکسان است. یعنی در نظام سیاسی ما قانون زمانی محترم شمرده خواهد شد که مبتنی و متکی بر عدالت و عدم تبعیض و وسیله ای برای استیفای حقوق ملت باشد نه آنکه به بازیچه و دستاویزی برای امیال قدرت مبدل شود!

لذا قانونی که حقوق و آزادی های مشروع ملت را سلب و یا محدود نماید اساسا فاقد مشروعیت و ارزش اجرایی است.

پرواضح است در جامعه ای که قانون فاقد ویژگی های یاد شده باشد و یا توسط بعضی از بانیان، پاسداران و مجریانش نادیده گرفته شود، از شهروندان آن جامعه نیز نمی توان انتظار پایبندی به چنین قانونی را داشت.

متاسفانه بنظر می رسد که در کشور ما قانون هم حکم مرغ عزا و عروسی را پیدا کرده است!

## برای حفظ قدرت تا کجا پیش خواهند رفت؟ اکبر گنجی

وقایع روزهای گذشته به واقع یک کودتای انتخاباتی است که هدف نهایی آن فراتر از تثبیت دولت احمدی نژاد و به پیروزی رساندن او در یک مبارزه انتخاباتی است. آن چه این روزها در حال وقوع است یک پروژه قبضه کامل قدرت، تغییر ترکیب طبقه حاکم سیاسی، تصفیه مخالفان سلطان (علی خامنه ای) در ارکان و دستگاه های اداری حکومت، تسلط کامل بر منابع اقتصادی دولت، سرکوب مخالفان سیاسی نهادی های مدنی و جنبش های اجتماعی است

توضیح: مقاله ی زیر در تاریخ ۲۹ خرداد برای سایت فارن افرز نوشته شد. لینک آن در اینجا قابل دسترسی است:  
<http://www.foreignaffairs.com/articles/65177/akbar-ganji/rise-of-the-sultans>

ایران پارادوکسیکاترین کشور جهان است. از یک سو، ویژگی اصلی آن این است که ساختار سیاسی اش نظام سلطانی بنیادگرایی است که نماد بیرونی اش احمدی نژاد است. با اینکه تمامی قدرت در دست رهبر است که به کمک دلارهای نفتی و نیروهای نظامی-انتظامی-امنیتی و اطلاعاتی فرمان می راند، اما دولت های خارجی و رسانه های غربی این نظام را با احمدی نژاد می شناسند و می شناساند.

از سوی دیگر، ایران از نظر پیش شرط های گذار به دموکراسی از اکثر کشورهای خاورمیانه در سطح بالاتری قرار دارد. اکثریت مردم ایران مخالف این رژیم بنیادگرایند. به نظر آنها، خامنه ای و احمدی نژاد با عث فرسایش عزت و کرامت و آبرو و غرور ایرانیان در انظار جهانی هستند. مهمترین عامل دوام نظام سلطانی و بنیادگرایی ایران، استفاده ی از ابزار سرکوب است. انتخابات اخیر ایران موبد این مدعاست. اکثریت مردم فقط و فقط در این انتخابات شرکت کردند تا از طریق نه گفتن به احمدی نژاد، به علی خامنه ای نه بگویند. رهبر که احمدی نژاد سخنگو و مجری اوامر اوست، زیر بار رأی مردم نرفت و با تقلبی شگرف، آرای مردم را به جیب احمدی نژاد ریخت. پیروزی احمدی نژاد را معجزه ی الهی خواند و برای او جشن پیروزی در میدان ولی عصر تهران برگزار کرد.

مردم تحقیر شده، بیش از این نمی توانستند دروغ و تلقب و نیرنگ را تحمل کنند، به خیابانها آمدند تا داد خود را بستانند. خامنه ای تنها چاره ی بیرون آمدن از این بیچارگی را در سرکوب یافت. به دانشگاه ها هجوم آوردند و دانشجویان را لت و پار کردند، اموال عمومی را تخریب و به آتش کشیدند و مردم را به گلوله بستند، برخی از اصلاح طلبان را برنامه ریزان آوردن مردم به خیابان ها قلمداد کردند و آنها را بازداشت کردند تا مردم را به خانه هایشان بازگردانند، صدها تن را بازداشت کردند تا در دل مردم هراس افکنند. برنامه ریخته اند تا با برگزاری نمازجمعه به امامت خامنه ای، آوردن هزاران نفر از سراسر کشور، نشان دهند که رهبر پیروان زیادی دارد و خامنه ای با سخنان اش مخالفان را پس بزند. اگر رژیم موفق شود مردم را به خانه ها بازگرداند، سرکوب را به شدت گسترش خواهد بخشید و حکومت رعب و وحشت را حاکم خواهد ساخت.

وقایع روزهای گذشته به واقع یک کودتای انتخاباتی است که هدف نهایی آن فراتر از تثبیت دولت احمدی نژاد و به پیروزی رساندن او در یک مبارزه ی انتخاباتی است. آنچه این روزها در حال وقوع است یک پروژه ی قبضه ی کامل قدرت، تغییر ترکیب طبقه ی حاکم سیاسی، تصفیه ی مخالفان سلطان (علی خامنه ای) در ارکان و دستگاه های اداری حکومت، تسلط کامل بر منابع اقتصادی دولت، سرکوب مخالفان سیاسی نهادی های مدنی (احزاب، اتحادیه های صنفی و کارگری، روحانیون و روشنفکران مخالف)، و جنبش های اجتماعی (دانشجویان، زنان، کارگران و معلمان) است. هدف نهایی این پروژه آفرینش یک طبقه ی حاکم یک دست و نوعی سرمایه داری دولتی است که پس از تثبیت وارد معامله با قدرت های سیاسی در سطح منطقه و جهان شود. این پروژه از هم اکنون با استقبال راست گرایان افراطی و نیروهای مخالف صلح و آرامش در سطح کشورهای منطقه از جمله اسرائیل مواجه شده و ترجیح احمدی نژاد بر رقبای اصلاح طلب در رسانه ها و مطبوعات این کشور بازتاب یافته است.

دولت احمدی نژاد در صورت تثبیت مأموریتی شبیه دولت های اقتدار گرای بورکراتیک نظامیان در آمریکای لاتین و برخی دولت ها در بلوک شرق سابق را بر عهده خواهد گرفت. این دولت ها بیش از هر چیز به تغییر ترکیب در طبقه ی حاکم، تصفیه ی رقبای قدرتمند و تسهیل انباشت سرمایه توسط قشر مسلط این طبقه علاقه دارند. آنها خود را نماینده ی "مردم" و "ملت" معرفی می کنند، اما از هرگونه هویت یابی مردم بر اساس تعلقات حرفه ای و شغلی، از هرگونه سازمان یابی علائق اجتماعی و اقتصادی در قالب اتحادیه ها، سندیکاها، و احزاب جلوگیری می کنند. آنها با دموکراسی دشمنی بنیادین دارند و حتی همین نهادهای شبه دموکراتیک کنونی نظام جمهوری اسلامی (مجلس، و انتخابات براساس رقابت محدود) را هم تحمل نخواهند کرد. هدف نهایی ایجاد یک طبقه ی سرمایه دار دولتی است که در کنار بخش خصوصی دست آموز، فرایندهای ادغام در بازارهای جهانی را مطابق منافع خود و به زیان منافع اکثریت مردم اعم از کارگران، کارمندان، و بخش خصوصی مستقل از دولت هدایت کند. این دولت ها با شعار مبارزه با فساد و جلوگیری از "ویژه خواری" به میدان می آیند اما نظامی سرشار از تبعیض و متکی بر دستگاه های سرکوب می آفرینند که قادر به مبارزه ی واقعی با فساد، تبعیض و توزیع



امتیازات ویژه بر اساس وفاداری سیاسی نیست. بر مبنای آنچه گفته شد، کودتای انتخاباتی ایران، اهداف زیر را تعقیب می کند :

- ۱- قبضه ی منابع در اختیار بخش دولتی (شرکت های دولتی، صنایع، بانک ها و...) توسط طبقه ی حامی رژیم سلطانی.
- ۲- تسویه ی طبقه ی (نخبگان) حاکم فعلی و تغییر ترکیب طبقه ی حاکم از طریق افشاگری گزینشی و محاکمه ی مسولان سابق (هاشمی رفسنجانی، و...) .
- ۳- تمرکز قدرت در دستگاه اجرایی (دولت) و نهاد رهبری از طریق تعطیل کردن شوراهای عالی فرابخشی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، افزایش قدرت وزیر دادگستری (کنترل دیوان عدالت ادرا، و سازمان های تخصصی مثل پزشکی قانونی، و...) به منظور ایجاد دولت اقتدارگرای بورکراتیک .
- ۴- وارد شدن در معامله های منطقه ای و بین المللی (سیاسی و اقتصادی (پس از یک دست کردن دستگاه قدرت.

امروز ۱۹- ژوئن- نماز جمعه تهران به امامت آیت الله خامنه ای برگزار گردید. او به صراحت گفت که میان کاندیداها و هاشمی رفسنجانی با احمدی نژاد "اختلاف نظرهای متعددی درباره ی مسائل خارجی، نحوه ی اجرای عدالت اجتماعی و برخی مسائل فرهنگی وجود دارد". سپس افزود: "البته بنده برخی را برای خدمت به کشور مناسب تر می دانم ... نظر رئیس جمهور [احمدی نژاد] به نظر بنده نزدیکتر است". به گفته ی او اتهام تقلب یازده میلیون رأی را دشمن [آمریکا و اسرائیل] ساخته اند .

خامنه ای گفت که زیر بار خواسته های مردم تظاهر کننده نخواهد رفت: "با حرکات خیابانی نمی توان اهرم فشار بر ضد نظام به وجود آورد و مسئولان را وادار کرد زیر بار خواسته های آنها بروند. اینگونه تصورات و محاسبه ها، اشتباه است و اگر این تصورات غلط، عواقبی هم پیدا کند، مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد بود". او گفت اگر این راه ادامه یابد، در وقت لازم به مردم خواهد گفت که چه کسانی در پشت صحنه فرماندهی این تظاهرات را بر عهده دارند، و "صریح تر" با مردم سخن خواهد گفت. او سپس مخالفان را تهدید کرد و افزود که آماده ی شهادت است، و اگر کار به خشونت کشد، موسوی و کروبی و خامنه ای و هاشمی "مسئول خون ها، خشونت ها و هرج و مرج ها خواهند بود". او تأکید کرد که آنها باید به تظاهرات خیابانی مردم پایان بخشند، "اگر خاتمه ندهند، مسئولیت تبعات و هرج و مرج آن، به عهده ی آنها خواهد بود."

بدین ترتیب تهران آماده ی تحولات جدیدی است. مردم گفته اند به تظاهرات خود ادامه خواهند داد، خامنه ای هم برای ادامه چاره ای جز توسل به خشونت در پیش ندارد. برای اینکه هر قدر تظاهرات بیشتری صورت گیرد، به جمعیت افزوده خواهد شد و امکان سرکوب کمتر. مخالفان هم اگر پس نشینند، خامنه ای به تهاجم خود ادامه خواهد داد و پروژه یی را که تبیین کردیم، عملی خواهد ساخت .

اکبر گنجی

## نامه سرگشاده به آیت الله خامنه ای، بابک داد

اگر مداحان تملق گوی قدرت، ذره ای از وجدان انسانی را در وجود شریف تان باقی گذاشته باشند، فقط دیدن همین صحنه ها کافی است تا پایان عمر استغفار کنید. اگر حضرت ولی عصر (عج) که جنابعالی فرمودید جانتان را "برای اهدا به ایشان کف دست گرفته اید!" ناظر و بیننده این صحنه ها بوده باشد، وای بر شما که خود را نائب ایشان می دانید و می پندارید باید حکومت را به ایشان تحویل دهید!

ایران

حضرت آیت الله خامنه ای!

با سلام

خطبه های نماز جمعه حضرتعالی، هرگونه امیدی را برای احقاق حق از «نامزد مورد ظلم واقع شده» و حفظ امانت مردم، تبدیل به یأس کرد. از حکمت و ایمان و عدالتی که «شایسته و بایسته رهبری» یک نظام دینی است، بسیار بعید بود تنها «یک روز» بعد از برگزاری انتخابات، نتیجه آن را عجولانه تأیید کنید. به نامزدهای معترض اجازه ملاقات ندهید. به اعتراضات آنها و مردم بی توجه باشید. در مقابل دستگیری نخبگانی که به قول شما «مرجعیتی» در میان مردم دارند و شاید می توانستند در کنترل اوضاع کمک کنند، سکوت کردید تا کار به جایی برسد که امروز رسیده است.

از یک رهبر دینی که باید شرایط فوق العاده ای داشته باشد، این تعجیل بعید است که از فردای انتخابات و حتی قبل از پایان شمارش آراء، «نتیجه» آن را تأیید کنید. و قبل از اتمام موعد قانونی ده روزه شورای نگهبان برای بررسی شکایات، در خطبه های نمازجمعه به طرفداری آشکار از «نامزد پیروز اعلام شده» بپردازید و از نزدیکی نظراتان با ایشان سخن بگویید. از «تدبیرهای بایسته» رهبر یک کشور بسیار بعید بود نامزدهای معترض را «پیشاپیش» از هر اقدام قانونی ناامید کنید و با بزرگنمایی فاصله یازده میلیونی دو نامزد، امکان هرگونه تقلبی را محال بدانید و در عین حال، تظاهر بفرمایید که نامزدها اعتراضشان را قانوناً پیگیری کنند! جای تعجب است که مردم معترض و نامزدهای مورد ظلم واقع شده را تهدید می فرمایید که مسئولیت عواقب وخیم اعتراضها بر عهده آنهاست. در حالی که نمونه «راهپیمایی سکوت» جمعیت میلیونی مردم تهران و «آرامش بی نظیر» آنها را در روز دوشنبه ۲۵ خرداد دیده بودید و باید به نیروهای تحت امرتان هشدارهای لازمه را می دادید که با این مردم نجیب، چنان وقیحانه و وحشیانه رفتار نکنند.

مردمی که به اعتراض پرداخته اند، از توهینی که به شعورشیان و خیانتی که در رأی شان شده بود، عصبانی و خشمگین بودند. بایسته بود که شما با حکمتی پدرا، چنان موضع مدبرانه ای بگیرید که آبی باشد بر آتشی که «نیروهای تحت امرتان» در هفته قبل بر جان مردم انداخته بودند. اما شما برعکس، در نماز جمعه ۲۹ خرداد، «بنزین» بیشتری بر خصومتها و نیروهای تحت امرتان با مردم پاشیدید و مردم را هم عصبانی تر و ناامیدتر کردید. به جای آنکه نیروهای تحت امرتان از لباس شخصی ها و بسیج و نیروهای مسلح را توجیه کنید، تا در این به قول خودتان «بگومگوی خانوادگی» خوششننداری برادرانه ای با هموطنان خودشان داشته باشند، با خبر مجعول کشتن یک بسیجی توسط معترضان، که صحت آن هیچ کجا تأیید نشده، بر آتش کینه توزی بسیجیان نسبت به خواهان و برادرانشان افزودید. و سعیت آنها را از روز شنبه صدچندان کردید. آیا این است حکمت و مصلحت اندیشی یک رهبر؟ آیا این است موضع فراخوانی و پدرا رهبری؟

مقام معظم رهبری!

معتمدترین و نزدیکترین یاران امام خمینی (آقایان موسوی، کروبی، هاشمی رفسنجانی و...) بارها به شما گفتند گروهی به رهبری احمدی نژاد و فرزندان «در پوشش انتخابات» در حال تدارک یک شبه کودتا هستند و خواهان «صیانت از آراء مردم» شدند. زعم و برداشت کسانی مانند ما «شهروندان درجه دو» این بود که شما حداقلی از واقع بینی و حق مداری دارید که به هشدارهای مشفقانه آنها یا تحلیلگران مستقل گوش فرا دهید و نگذارید این «نامحرمان» به رأی مردم دست درازی کنند و جمهوریت نظام را به تاراج ببرند و ارزشهای مردمسالاری را نابود سازند و یاران امام خمینی را خانه نشین کنند. با اقدامات آنها و تأییدات جنابعالی، امروزه دایره نظام که باید «هفتاد میلیون شهروند ایرانی» را در آن جای می دادید، به حدی تنگ شده (و شما تأیید فرموده اید) (تا کار به اینجا رسیده که خودیهای «مؤثر» نظام فعلی، افرادی هستند که بعضاً حتی امام خمینی را از نزدیک هم ندیده اند. چه رسد که با منویات و خصائل نیکوی آن بزرگمرد و «توجه شان به رأی مردم» کمترین آشنایی و پایبندی و نسبتی داشته باشند. نظام فعلی باید از فرصت شایان این انتخابات نهایت استفاده را می کرد و به سوی ارزشهای اصیل مردمسالاری بازگشت می کرد. آقای میرحسین موسوی بهترین گزینه برای «رجوعی آمیخته با تحول و نواندیشی» به ارزشهای اصیل انقلاب مانند عدالت و آزادی و ارزشهای دیگر بود. شما می توانستید با بیطرفی و عدم جانبداری از یک نامزد خاص، بگذارید روند انتخابات توسط نامزدها و رسانه ها به دقت رصد شود و هر کسی برگزیده می شد، بایسته بود شما به رأی مردم اعتماد می کردید و احترام می گذاشتید. در آن صورت بهترین فرصت را داشتید تا محبوبیت از دست رفته تان را بازسازی کنید. می توانستید «امانت» جمهوری اسلامی را که از امام خمینی تحویل گرفته بودید، به «نااهلان و نامحرمان» نسپارید، اما در برابر خیانت در «امانت آراء مردم» سکوت تأیید آمیز کردید و در خطبه های نماز جمعه، با صراحت بیشتر و با «تهدید» فرمودید تا دنیا بشنود آخرین نشانه «جمهوریت» یعنی «رأی مردم» را پیش پای احمدی نژاد و ستاد کودتاچیان «قریبانی» کردید. آیا اینگونه از ما شهروندان و ارزشهایمان و حکومتی که به عنوان «امانت» از امام تحویل گرفتید «پاسداری» کردید؟ آیا این است آئین امانتداری؟

حضرت آیت الله خامنه ای!

به جای آنکه دائماً خودتان را به عنوان ولی امر «مسلمین جهان» ببینید، برای یک بار هم شده، لطفاً لحظه ای خودتان را به جای «پدر مستأصل» و وحشتزده آن دختر جوان (ندا) بگذارید که با تیر مستقیم به سینه اش، توسط نیروهای تحت امر جنابعالی، داشت جان می کند و دنیا وحشی گری نیروهای تحت امر شما را نظاره کرد و دید. خودتان را به جای پدرا بگذارید که پسر جوانش در «بالکن منزل» هدف تیر قرار گرفت و شهید شد. به جای پدرا، به جراحیهای بدن نازنین فرزندشان را می بینند و خشم شان و آه شان، دیر یا زود دامان شما را خواهد گرفت. اگر مداحان تملق گوی قدرت، ذره ای از وجدان انسانی را در وجود شریفان باقی گذاشته باشند، فقط دیدن همین صحنه ها کافی است تا پایان عمر استغفار کنید. اگر حضرت ولی عصر(عج) که جنابعالی فرمودید جانتان را «برای اهدا به ایشان کف دست گرفته اید!» ناظر و بیننده این صحنه ها بوده باشد، وای بر شما که خود را نائب ایشان می دانید و می پندارید باید حکومت را به ایشان تحویل دهید! و وای بر همه کسانی که این جنایات را دیدند و تأیید کردند و سکوت کردند و بدان رضایت دادند.

حضرت آیت الله خامنه ای!

من به عنوان یک شهروند درجه دو(!) یک نویسنده و ژورنالیست و تحلیل گر سیاسی که همواره سعی کرده ام «بیطرف و مستقل» باشم، صادقانه اعلام می کنم در «عدالت» و «بیطرفی» شما که از شروط اصلی برای رهبری و ولایت و مرجعیت

تقلید است، شک کرده ام و مخالف نظامی هستم که احمدی نژاد «نماد» آن باشد. البته جز قلم خود به ابزار دیگری برای بیان مخالفتم اعتقادی ندارم و با همین قلم، صادقانه این مخالفت را می گویم. یعنی در چارچوبهای قانونی موجود، مخالفتم را با این خیانت آشکار به آرای مردم ابراز می کنم و امیدوارم نیروهای تحت امر حضرتعالی، کلیه حقوق قانونی مرا به عنوان یک مخالف، محترم بدانند. من نه «براندازم» و نه «جاسوس» و «صهیونیست» و منافق و آمریکایی و انگلیسی! به جز نگهداری از دو فرزندم و دلسوزی نسبت به سرنوشت آنها و سرنوشت سایر جوانها مثل آن دختر معصوم که سینه اش را با گلوله دریدند (ندا) من یک شهروند درجه دو «اما ناراضی و مخالف» هستم همواره نوشته ها و مصاحبه هایم حاوی خیرخواهی برای کشور و شفقت و دلسوزی نسبت به هموطنان و ملت بوده و هست. در جوانی به سهم خود هفت سال در جبهه های جنگ برای دفاع از خاک کشورم حضور داشته ام و امروز هم بدنیاال دفاع از رای مردم کشورم خود را متعهد می بینم. پس هرگز وصله های «نخ نمای دستگاههای امنیتی» شما را نمی شود به بنده حقیر سنجاق نمود. لذا به عنوان یک مخالف که به جای تملق گوئی، نظر مخالفش را بیان داشته، از شما توقع حداقلی از صبر و تحمل و از نیروهایتان توقع حداقلی از جوانمردی را دارم.

همینجا خواهش می کنم به مأموران تحت امر بفرمایید دست از آزار و شکنجه و بازداشت فعالان و تحلیل گران و روزنامه نگاران و وبلاگ نویسها و مردمی که در این اعتراضات دستگیر شده اند، بردارند و بیش از این، به سوی پروژه «نخ نمای» اعتراف گیری یا نادم سازی نروند. هر کسی گذارش به زندانهای شما افتاده باشد یا بیفتد، چنان «مهرورزی» می بیند که به هر چیزی (!) اعتراف خواهد کرد. دنیا که آن اعترافها و دشمن سازیهای نهادهای امنیتی نظام را باور نکرده و نمی کند. مردم هم اگر با دیدگاه حضرتعالی «هماهنگ» نباشند، «شأنی» ندارند تا نیازی به قانع شدن آنها باشد. و از دیدگاه نیروهای تحت امر شما «جواب هر سوال مردم» را می شود با «گلوله» داد. اما آیا به عاقبت و مسئولیت این جنایات که با اذن شما و مسئولیت جنابعالی صورت می گیرند، اندیشه کرده اید؟ مگر این مردم چه می خواستند جز دانستن «سرنوشت» رأیی که داده بودند؟ چرا حق انسانی و شهروندی آنها را حتی در ظاهر هم مورد احترام قرار ندادید و اجازه دادید آنان را «مشتی خس و خاشاک» بخوانند؟ و مردم را به خاک و خون بکشند؟

ای کاش «عنصر خیرخواهی» را از لابلای نامه این شهروند درجه دویتان (!) دریابید و به حال پدران و مادران و بازماندگان کشته شدگان «ناشمرده و مخفی کرده» این روزها همچون ندا، و سایر کشته شدگان مانند زهرا بنی یعقوب، امیدرضامیرصیافی، حسین حشمت ساران، زهرا کاظمی و بسیاری دیگر فکر کنید که بی هیچ جرمی، جان آنها را ظالمانه گرفتند و این همه جنایات را با عنوان دفاع از «شأن ولایت» جنابعالی و با مسئولیت انسانی و دینی شما انجام داده و می دهند. نیروهای تحت امر شما از «خط قرمز» ناموس مردم یعنی «رای» و «جان فرزندان» عبور کردند، انتظار نداشته باشید خانواده میلیونی «ندا» از «خطوط قرمز» متعددی که برای مردم ترسیم کرده بودید، عبور نکنند. هر چند هنوز این مردم، فقط بدنیاال سرنوشت رای خود هستند و نه تغییر دادن شما یا خدای نکرده سرنوشتی نظام. مردم فقط نمی خواهند، فرد دروغگو و فریبکاری همچون احمدی نژاد «نماد» این نظام باشد. این حق طبیعی آنهاست. اما در کمال حیرت این حق مردم نادیده گرفته شد و «رای مردم» پیش پای احمدی نژاد قربانی شد!

مشفقانه می گویم اجازه ندهید بعد از «جمهوریت» که پیش پای احمدی نژاد و یارانش قربانی شد، خدای نکرده هزینه های سنگین تری هم قربانی این کوتوله های سیاسی شود.

معتمدان شما باید مخالفان این خیانت بزرگ را به «واحد میلیونها نفر» محاسبه کنند و به جنابعالی گزارش بدهند، نه اینکه میلیونها مردمی را که شبها بر پشت بامها «الله اکبر» می گویند، «مشتی خس و خاشاک» و اراذل و اوپاش بخوانند و آنها را «حشره»هایی فرض کنند که می توانند با هلی کوپترها بر سرشان اسید یا گازهای شیمیایی بپاشند و از «حق خواهی» منصرفشان نمایند! اگر تاب تحمل شهروندان دگراندیش یا مخالف را ندارید، لطف کنید لطفاً "گذرنامه های ما را بدهید!" تا از این آب و خاک برویم! اما یقین داشته باشید در آن صورت حکومت کردن بر یک کشور بدون وجود میلیونها شهروندش، حکومت لذتبخشی نخواهد بود و بداند:

«چنین که پرده دار به شمشیر میزند همه را  
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند.»

بابک داد  
روزنامه نگار و نویسنده  
۳ تیر ۱۳۸۸

جناب آقای سید علی خامنه ای

اظهارات امروز شما همه اتفاقات رخ یافته روزهای اخیر را متوجه حضرتعالی می کند. از سوی دیگر دیروز اعلام شد که سرکار خانم رجایی، همسر شهید رجایی، نخست وزیر و رئیس جمهور محبوب آیت الله خمینی را در حرم حضرت معصومه دستگیر کرده اند و وی را به زندان برده اند، چرا که او نیز مانند میلیونها ایرانی دیگر به ظلم و بی عدالتی که بر این ملت رفته است، اعتراض کرده بود و دولت تحت امر شما صدای او را هم نتوانست تحمل کند. حق نخست وزیر محبوب آیت الله خمینی و نخست وزیر سابق خودتان بر اساس شواهد بسیار و قرائن بیشتر، در انتخاباتی پرشکوه و بی نظیر غصب شده و شما پیش از آنکه حتی پیرمردهای منصوب خودتان انتخابات را تأیید کنند، بی صبرانه بر دروغی بزرگ مهر تأیید زدید و با همین کار، هم از وظیفه قانونی تان تخلف کردید و هم شرط "عدل" را که از شروط اصلی ولی فقیه است، زیر پا نهادید. اینها همه به کنار، سووالی بزرگتر مطرح است، شما می دانید چه می کنید؟ می دانید به کجا می روید؟

آقای خامنه ای!

مرا به عنوان یکی از نویسندگان سرشناس ایرانی می شناسند، برخی بر این کلمه "خوب" را هم می افزایند، یکی از اینها روحانی شریفی است که هفت سالی قبل که از زندان بیرون آمده بودم گفته بود " آقا گفته اند تو و فلانی نویسنده های خوبی هستید، چرا نمی نویسید؟" و این زمانی بود که تازه از زندان بیرون آمده بودم به جرم نوشتن و روزگارم بخاطر حفظ حرمت همان قلمی که خدای به آن قسم خورده بود و قاضی شما بی حرمتش کرده بود، ویران بود و هنوزم بر این باور بودم که قلمم می تواند جز هدیه کردن لبخندی به ملت شاید کاری دیگر هم بتواند بکند. خواننده بودم روایت شاعرانه و مسحور کننده عبدالفتاح عبدالمقصود را از زندگی " علی بن ابیطالب" و قصد کرده بودم که سه چهار سالی از زندگی ام را بگذارم برای نوشتن زندگی امام حسین .

این وسوسه تنها در من کافر نبود که سرگذشت آن بزرگان را بسیاری از هم قبیلهگان من نوشته اند، از همان عبدالفتاح عبدالمقصود بگیر تا شاعران و نویسندگان بزرگ ایران و عرب و حتی نویسنده بزرگ ایرانی مرحوم غلامحسین ساعدی که می خواست " مقتل" را بنویسد و ما همگی بیش از آنکه اهل شریعت باشیم، سرگشتگانی بودیم که با خدای خویش عاشقانه به مهر و قهر بودیم، نه چون رفقای شما که بندگی و بردگی منش و روش شان در مواجهه با خدای است. من به قول آن پیر، بینوا بندگی سربه راه نبودم، و راه بهشت مینوی من بزروی طوع و خاکساری دیگران نبود، اما جای آفتاب را می دانستم و کلمه را می شناختم و می دانستم که آن کسی می تواند راوی شوق باشد که خورشید عشق در دلش طلوعی کرده باشد، نه آنان که تمام روحشان را شب گرفته است و کلمات شان غروب می کند وقتی که روایت را آغاز می کنند. اما نشد، نشد و نشد آن کار که بشود. داروغگان و شحنگان دستگاه داغ و درفش چنان کردند که رخت بر بستیم از وحشت زندان سکندر و خراجات سنگین تان را هم تاب نیاوردیم و حالا گرفتاری ماست و این غول های بیابان. که می بینید هر چه باشند از آن راهزنان خیابانی چکمه پوش و چماق به دست شریف تر اند .

باری، شرح خویش را دادن مقصد من نیست، اما بهانه ای است که فراموش نکنید که کدام کس با شما سخن می گوید. چند سالی قبل نیز کاری کرده بودید و من نیز به خشم چیزی نوشته بودم و اسباب زحمت برای من شد و چنان که گفته اند اسباب کینه برای شما. که می گویند کینه های تان سخت است و از دل برون نمی رود، وقتی که آمد. و لابد باید که باز حکایت این روزها را می شنیدم و تصویرش را که در هر رسانه بازتابیده می دیدم و لب سکوت به دندان می گزیدم و راه خاموشی برمی گزیدم..... اما و اما، که این بار گوئی کار چنان از دست شده است که سکوت معنا نمی دهد، وقتی سه میلیون نفر نفرت شان از بی عدالتی و ظلم را در حد فاصل انقلاب و آزادی در سینه حبس می کنند و تنها به اشارت انگشت داستان پیروزی دزدیده شده شان را می گویند .

خون را بنا نبود بریزید که ریختید و حد را بنا بود نکه دارید که نکه نداشتید و حرمت را بنا بود حفظ کنید که بی حرمتی کردید و با بی انصافی و بی هیچ عدالتی حق ملتی را پایمال کردید. پایمال کردید حق میلیونها آدم را و بعد مرد دروغگوی شهر بی شرمانه یک ملت بزرگ و شریف را " خس و خاشاک" نامید، همو که غلام حلقه بگوشی بود و خریدش، به قیمت فروختن همه آنان که از بزرگان آن قبیله بودند. نمی گویم که عقل، نمی گویم که عدل، نمی گویم که شرافت، نمی گویم که درایت، نمی گویم که هشیاری، نمی گویم که مصلحت داری، نه، اینها را بگذاریم و بگذاریم، می پرسم که قیمت را چرا درست حساب نکردید؟

می گویند هر چیزی قیمتی دارد، و می گویند هر چه بگیری چیزی می دهی. حساب نکردید این که می گیرید قیمتش چقدر است در مقابل همه آنچه می دهید؟ این غلام بچه ای که در بازار مکاره دروغ و فریب مفت هم گران است، به چه قیمت خریدید؟ به قیمت سرشکستن و زبان بریدن و زخم زدن بر تن ملت خودتان؟ به قیمت کشته شدن خلقی شریف و مردمی آزاده که تنها حق شان را بر اساس قول خودتان می خواهند؟ به قیمت طعن و لعن و نفرین میلیونها انسان که از ترس قداره بندهای چکمه پوش و ریشوهای بی ریشه قمه به دست و نفر بر های ضد شورش در سکوت راه می روند و هیچ نمی گویند تا حداقل در این ساعات سکوت کمی به خودتان فکر کنید؟

این غلام بچه را خریدید به قیمت به آسمان رفتن صدای آله اکبر میلیونها آدمی که حق شان را ظالمانه نقض می کنید؟ یک بی لیاقت بی ادب را چون موجودی وحشی به جان این ملت انداختید و سگان را رها کردید و سنگ های بنای حکومت خودتان را بستید و رئیس مجلس خبرگان تان را در حصر نگه داشتید؟ حداقل حق همسایگی ده بیست ساله و رفاقت چهل ساله با هاشمی را نگه می داشتید، یعنی واقعا به هیچ رفیقی نیاز ندارید؟ آن شنیدیم که گفته اید آنان که به خیابان می آیند مسوول جان شان خودشان هستند، چرا؟ آیا خیابان های کشور ملک طلق مرحوم ابوی شماسست؟ آیا مردم حق ندارند در خیابانهای شهر از حق شان دفاع کنند؟

آقای خامنه ای!

شما که به آخرت اعتقاد دارید! نمی خواهیم به روزهای محسری که در تهران به راه افتاده فکر کنید، به روز محشر آن جهان که باور دارید؟ نمی خواهیم به آشکار شدن اسرار یک دروغ ساده لوحانه که ملتی باورش نمی کنند و سرانجام آشکار خواهد شد باور کنید، حداقل به "یوم تبلی السرائر" که اعتقاد دارید؟ چطور می توانید در آن قیامتی که لابد باورش دارید با استاد و معلم تان آیت الله خمینی مواجه شوید و بگویند که تمام اهل بیت اش را از بیت تان راندید؟ و هر که او از خود می شمرد، جزو غیرخودی ها بشمار آورید؟ چطور می توانید با او مواجه شوید و بگویند که در حکومت عدل شما همسر رئیس جمهور محبوب او رجایی را زندانی کردید؟ چطور می توانید با او مواجه شوید و بگویند حق نخست وزیر او را که محبوب ترین رجل اجرایی کشور نزد آیت الله خمینی بود، انکار کردید و حق مرد صدیقی مانند موسوی را پایمال کردید و دروغگویی چاپلوس را بناحق به جایش گماردید؟

چطور می توانید با او مواجه شوید و بگویند که هاشمی رفسنجانی را که امین ترین اصحاب خمینی بود، در حکومت تان دزد خواندند و فرزندانش را ممنوع الخروج کردند و شما هیچ نگفتید و خوشحال هم شدید؟ چطور می توانید با سردارانی که برای دفاع از ایران در جنگ بشهادت رسیدند مواجه شوید و به آنها بگویند که خانواده های آنان که امانت شان نزدتان بودند، از خود راندید و مشت دروغگویی ریاکار را به آنها ترجیح دادید؟ چطور می توانید به آیت الله خمینی بگویند که بهترین شاگردانش را در تنگنا گذاشتید و یک مشت روحانی قدرت طلب را تنها به این دلیل که شما را دوست می داشتند، بر آنان ترجیح دادید؟ لابد زمانی هست که تا پیش از آن روز به همه این سوالات پاسخ بدهید. شاید به من بگویند که همچون منی که به هیچ چیز اعتقاد ندارم چرا نگران شمایم، نه، من نگران شما نیستم، فقط می خواهم بگویم که همه چیز به این آسانی تمام نخواهد شد. آنها که بارگه داد بودند، از ایوان مدائن شان هیچ نماند، شما می خواهید با این خیابان پاستور چه کنید؟

جناب خامنه ای!

در این روزها صداهایی در شهر بلند است. بشنوید. سی سال قبل مردی دیگر بر صندلی اقتدار این کشور نشسته بود که صدای ملت را دیر شنید، دیر شنید و وقتی شنید قول داد که انتخابات بعدی را عادلانه برگزار کند. اما کار به جایی رسید که برای یافتن گوری هم در این دنیای پر قبرستان سرگردان بود. البته چنان کرده ایم و کرده اید که مردمانی برایش دایم آرزوی آمرزش می کنند و صدبار توبه می کنند که چرا چنان کردند. اما وقت همیشه نیست. گاهی پیش از آنکه فکر کنی اتفاق می افتد. وقتی توفان آغاز شد، نه از تاک نشان می ماند و نه از تاک نشان. من نگران تغییر حکومت نیستم، نگران خونهایی هستم که ریخته خواهد شد، اگر چه اکنون نیز خون بر سنگفرش های خیابان نشسته است. از عاقبت ظلم بترسید.

ظلم را مردمان بر نمی تابند، آتش شان می زنید زبانه می کشند، می زنیدشان فریاد می زنند، بر سرشان می ریزید رودی می شوند و جاری می شوند و کاری می شود که دیگر از هیچ کاره ای هیچ کاری نیاید. با ظلم حکومت کردن نمی شاید. شاید گفتنش بد نباشد و این سخن را هرگز فراموش نکنید که آن بیت، حصن حصینی نیست که تا ابد آباد بماند و آن حرم را چنان محترم نگاه نداشته اید که وقتی شمشیردارتان همه را بزند، مردمان مقیم حرم بمانند. حکومت جمهوری اسلامی از مسیری دشوار گذشته است، باور نکنید که هماره و با هر ظلمی که بر مردمان برود، تسلیم و رام می مانند. در این انتخابات از صد نفر از بزرگان همین حکومت حداقل هفتاد نفرشان پشت سر میرحسین موسوی بودند و به زحمت بیست نفرشان پشت سر احمدی نژاد، مردم به موسوی رای دادند، شما با تائید

تقلب بزرگ انتخابات چنان کردید که هفتاد درصد حکومت هم توسط خودتان حذف شده است. بترسید که اگر هر فرمانی بدهید، حتی اعضای نزدیک به شما هم امرتان را مطاع ندانند.

آقای خامنه ای!

آنچه در این انتخابات رخ داد، تنها یک دروغ بزرگ نبود. دروغی چنان بزرگ و موهن که اثباتش از انکارش بسیار ساده تر است. آنچه مردم را عصبانی کرد و به خیابان کشید، وقاحت و بیشرمی بی حد رئیس جمهور در انکار همه واقعیت ها جلوی دوربین تلویزیون بود، او بدون اینکه به شعور مردم احترام بگذارد، حتی به قدرت محاسبه ریاضی مردم هم بی احترامی کرد. آنچه در این انتخابات مردم را عصبانی کرد این بود که رئیس جمهور اینقدر ارزان رای و فکر مردم را می خواست بخرد. آنچه در این انتخابات مردم را عصبانی کرد این بود که او به چشم مردم هم دروغ گفت و به آنان گفت چیزی را که می بینند اتفاق نیفتاده است. آنچه در این انتخابات اتفاق افتاد این نبود که چرا در شمارش آرای مردم تقلب شد، این بود که چرا آرای مردم اصلا شمارش نشد. آنچه مردم را عصبانی کرده است این است که رئیس جمهور میلیونها ایرانی مخالف خودش را خس و خاشاک نامیده است. آقای خامنه ای! ما آدمیم، خس و خاشاک نیستیم.

از سوی دیگر آنچه در این انتخابات رخ داد این بود که بعد از ۲۸ سال به روی جمعیت خیابانی شلیک شد، فقط بخاطر اینکه آنان حق قانونی شان را می خواستند. پلیس مردمی را کشت که در کمال سکوت و آرامش چهار ساعت در خیابان راه رفته بودند. شوربختانه دولت در این چهار سال آنقدر پول نفت داشته است که همه اراذل و اوباش را به لباس شخصی های دولتی تبدیل کرده است. آنها هستند که با قمه و باطوم به جان مردم افتاده اند.

در این انتخابات حرمت شهدای جنگ هم شکسته شد، حرمت کسانی که مردم آموخته بودند که آن بزرگان فداکار حافظ ناموس مردم بودند. در این انتخابات حرمت روحانیت و مرجعیت هم شکسته شد. ما به این حرمت نیاز داشتیم و داریم، همیشه باید خانه ای باشد که بتوان از دست ظلم به آن پناه برد. آنچه در این انتخابات رخ داد این بود که به ۲۶ سال از زندگی سی ساله جمهوری اسلامی و به تمام رهبران آن، جز شخص شما، بی احترامی شد. و البته تاریخ به یاد ندارد که حکومتی چنین با خود بیرحمی کرده باشد، تنها بخاطر اینکه انتخاب شخصی دیگر را تاب نمی آورد. آقای عزیز! آنچه بی حرمت شد چنان بزرگ است که براحتی نمی توان از آن گذشت. اما از همه چیز مهم تر این است که شما، با حرمت شکنی روحانیت و دانشگاه و ملت و مجلس و انقلاب و جمهوری اسلامی خودتان را بی حرمت کردید، آیا ادامه عمر دولت احمدی نژاد ارزش این همه بی حرمتی را داشت؟ آیا بخاطر این دولت بی لیاقت که هر روز میلیونها نفر نفرینش می کنند، تا کجا حاضرید بمانید؟

آقای خامنه ای!

بسیاری از سرداران جنگ، بزرگانی اند که حاضر نیستند دروغی به این بزرگی را بپذیرند، آنها اوباش گردن کلفت نیروی ضد شورش نیستند که مثل سگ ها به جان ملت بیفتند، مطمئن باشید در روزی که دور نیست، آنان در کنار مردم خواهند ایستاد. آنانی که بخش از جان شان را برای دفاع از ملت فدیبه کرده اند، روبروی ملت نمی ایستند. کارکنان دولت نیز غلامان حلقه به گوش رئیس جمهور نیستند، حتی به کارکنان وزارت اطلاعات تان هم اعتماد نکنید، آنها هم حاضر نیستند از دروغی به این بزرگی دفاع کنند. و از همه مهم تر ملتی هستند که راه خیابان ها را یاد گرفته اند. این ملت دیگر از هیچ کس نمی ترسند.

متاسفانه یا خوشبختانه چنان راه حضور همه رسانه ها را بسته اید که دیگر هیچ صدایی جز صدای ملت در شهر شنیده نمی شود. نه صدای آمریکا، نه صدای انگلیس، نه صدای اسرائیل و نه حتی صدای روشنفکران، فقط صدای پارازیت دولت حاکم بر رسانه هاست. اما صدای مردم بلند است، بلند تا آسمان. به چه زبان باید بگویند؟ در شعارها می گویند، نمی شنوید؟ سه میلیون نفر با سکوت و انگشت های نشانه شده حرف می زنند، نمی شنوید؟ بر کاغذهایی که در دست شان است، می نویسند، نمی خوانید؟ بر دیوارهای شهر نظرشان را نوشته اند، نمی بینید؟ آیا شبها صدای مرگ بر دیکتاتور و الله اکبر را نمی شنوید؟ چگونه باید بگویند تا بشنوید؟ آنان حق شان را می خواهند، آنها به مردی که یک سال وزیر خارجه و هشت سال نخست وزیر دوران جنگ و بیست سال عضو مهم ترین ارکان قدرت بود، با شادمانی تمام رای داده اند و حالا هم حاضرند تا پای جان از رای شان دفاع کنند. آنها برای دفاع از عدالت شهید داده اند. نمی بینید؟

کاری که باید بکنید کاری ساده است، باید حق مردم را به آنان برگردانید، همان چیزی که هر انسان شریفی از آن دفاع می کند. انتخابات را باید باطل کنید تا مردم از ادانه انتخاب شان را بکنند. این همه چیزی است که مردم می خواهند، اگر این را ندهید، آن وقت ممکن است مجبور بشوید چیزهای بزرگتری را بدهید. مردم ایران با شنیدن خطبه های نماز جمعه شما عصبانی و خشمگین شده اند

ولی متانت شان را از دست نمی دهند، آنان به راهپیمایی های گسترده شان ادامه می دهند. آنها بدون نفرت و خشم حق شان را می گیرند. آقای خامنه ای! مردم بزرگوار ایران قدرتمند تر از آن هستند که فرض می کنید، آنها به خیابان آمده اند، در خیابان می مانند، حق شان را می گیرند و شما را هم سر جای خودتان می نشانند.

در جهان گورستانهای بی شماری است که در آن مردانی خفته اند از قبیله سیاست، که چیزی شبیه به همین حرف های شما را زده اند، آنان یک چیز را فراموش کرده بودند، و آن اینکه شترهای مرگ در کاخ و بیت رهبران هم می خوابند. هیتلر و استالین و پل پت و لنین و شاه و آیت الله خمینی مردند، شما هم بالاخره می میرید. وقتی مرگ بزرگان فرا می رسد دو واکنش در عموم مردم ایجاد می شود، گروهی بر مزار مرد بزرگ می گریند و گروهی دیگر نفرینی ابدی را نثارش می کنند.

آقای عزیز! تا مرگ نرسیده است و دچار نفرین ابدی مردم نشدید، حرف تان را پس بگیرید و بگذارید همان خامنه ای معمولی باشید، آدمی که مردم او را یک آدم بی قدرت، پر کینه و بدون موضع مشخص می دانند، یک رهبر ضعیف که شاید بشود تحملش کرد. اما اگر هوس کنید که ادای بزرگتر از خودتان را در بیاورید و دستور کشتن بدهید، ما باورتان نمی کنیم، شما این کاره نیستید برادر. مردم هم اینقدر ترسو نیستند، مردم ایستاده اند و اگر باد بکارد توفان مردم را درو خواهید کرد.

ابراهیم نبوی  
29 خرداد 1388

## نزن برادر، ابراهیم نبوی

آقای بازجو! نمی دانم نامت چیست. حسینی هستی یا مرتضوی یا احمدی یا هر نام دیگری که انتخاب کرده ای تا مردم نشناسندت. نمی دانم تا به حال چه کارهایی کرده ای و از چه کسانی بازجویی کردی، اما این یکی را مواظب باش. سعید حجاریان را می گویم. دوستانم می گویند او را کتک زده اید و تحت فشار شدید گذاشتید. دلتان می آید؟

به بچه ها می گفتید حرف بزن، حرف بزن و هر چه می دانی بگو. به سعید چه گفتید؟ از سعید چگونه خواستید حرف بزند؟ سعید که نمی تواند حرف بزند. او را دیده ام، وقتی می خواهد حرف بزند باید تمام بدن رنجور و بیماراش را متمرکز کند تا کلمه ای حرف بزند، به او نگوئید حرف بزن، او نمی تواند حرف بزند. او زمانی که می توانست هم حرف نمی زد، او بیرون از زندان هم وقتی دوستانش را می دید به زحمت حرف می زد، حالا انتظار داری چه بگوید؟ اوئی که زبانش در دهان سنگینی می کند و به زور هم نمی تواند کلمه ای سخن بگوید. دستت را گذاشته ای روی شانه رنجورش و بدن ضعیفش را فشار می دهی و می گویی: ”بگو که می خواستید انقلاب سبز کنید، بگو...“ و دست دیگر را مشت می کنی که به صورتش بکوبی، دستت را بکش کنار. او نمی تواند حرف بزند.

رفته بودم پیش سعید حجاریان، زمانی که در شورای شهر بود، با دهها عمل جراحی سرپایش آورده بودند و هنوز صورتش و دستش به اراده خودش نبود. بزحمت گفت: ”سید، مطلبیت ات را خواندم و خندیدم. خیلی وقت بود نخندیده بودم“ و من از سوئی خوشحال شدم که توانسته ام خنده ای را به دل رنجور سعید هدیه کنم و از سوی دیگر غمگین بودم که نکند با تکان همین خنده درد پیچیده باشد در تنش. تنی که بیمار آزادی و زخمی آگاهی شده بود.

آقای بازجو! حالا ایستاده ای و کاغذی را که بالای آن نوشته النجاه فی الصدق گذاشتی روبروی سعید و سووالی نوشته ای که ”کلیه ارتباطات را با عوامل آمریکایی بنویس“ و با تحکم به او می گویی: ”ما همه چیز رو می دونیم آقا سعید! بدجوری گیر افتادی، مگر فقط ساعت پنج صبح صدات کنن برای اعدام بیرنت، بنویس که با آمریکایی ها رابطه داشتی...“ اما برادر من! آقای حسینی! آقای احمدی! هر کسی که هستی، سعید که نمی تواند بنویسد، او یک کلمه می خواهد بنویسد تمام وجودش پر درد می شود، چگونه بنویسد. زمانی می توانست بنویسد و با هر کلمه اش کشور را تکان دهد، اما دستش را از او گرفتید، زبانش را از او گرفتید، تبدیلیش کردید به یک جسد متحرک، دیگر رهایش کن برادر.

کتابش تازه منتشر شده بود. پیش از آنکه از اتاق بیرون بروم، خم شدم که رویش را ببوسم و بروم، با همان زبان ناگویایش گفت: “بیا” و یک کتاب را داد به من. صفحه اولش را باز کرد و با زحمت چیزی نوشت، امضایی، خطوطی در هم. تازه چند ماهی بود از بیمارستان بیرون آمده بود. وقتی که تیر خورد شریعتمداری چنان مقاله ای نوشت در مدح سعید گوئی که اسرائیلی ها ترورش کرده اند و دارودسته شریعتمداری پشت صحنه ترور نیستند. برادر بازجو! آیا شریعتمداری امروز با تو توافق نکرده که چگونه بازجویی کنی، چهره ات را نمی بینم، خودت نیستی. می دانم که آدمی مثل حجاریان را دست هرکسی نمی دهند و بازجو تر از حسین شین چه کسی است. اما لابد خود شریعتمداری هم می داند که سعید نمی تواند بنویسد. می دانم که اگر زیر شکنجه هم بود و تن نازنین اش سالم بود باز هم نمی توانست بنویسد، ولی با این تن رنجور و دست ناتوان چگونه بنویسد؟

آقای بازجو! آقای حسینی! آقای شریعتمداری! هر کسی که هستی. دستت را می گذاری زیر چانه سعید و فشار می دهی و می گوئی “تمام سوابق ات را بنویس” کدام سابقه را می خواهی؟ از کجای سعید حجاریان خبر نداری؟ از قدیمی ها پیرس و به او بیش از این فشار نیآور. او همان است که زمانی سیستم امنیتی کشور را ساخت و آنگاه که به بلوغ سیاسی اش رسید، تئوریسین اصلاحات و جامعه مدنی شد و چنان تحولی در ذهن و زبان ایرانیان ایجاد کرد که دشمنان مردم وقتی خواستند اصلاحات را ریشه کن کنند، یک راه مشخص پیدا کردند. شلیک به مغز سعید حجاریان. حالا تو چه می خواهی و از چه خبر نداری؟ اگر سابقه قبل از اصلاحاتش را می خواهی، برو آرشیو وزارت اطلاعات را ببین، اگر سابقه بعد از اصلاحاتش را می خواهی کتابهایش را بخوان، اگر می خواهی ببینی در خارج از کشور با چه کسانی تماس گرفته مطمئن باش جز فهرستی طولانی از پزشکانی که بدن رنجور حجاریان را عمل کردند، کسی را پیدا نمی کنی. دنبال چه می گردی؟ آقای بازجو! او همان فرزند انقلاب است که یک بار خورده شده. شما از یک جسد هم نمی توانید بگذرید؟

می بینمت که روبروی ویلچر سعید ایستاده ای و به پیشانی اش نگاه می کنی و آرزو می کنی کاش گلوله سعید عسگر به پیشانی سعید خورده بود و فکر می کنی کاش می توانستی آن جمجمه را بشکافی و ببینی در فکرش چه می گذرد و چگونه است که مغزش با وجود بدن رنجور و زخمی اش مثل ساعت کار می کند. با لگد هلش می دهی به عقب، او با گردنی خم شده نگاهت می کند. می خواهد بگوید، برادر من! دنبال ستاد ضدکودتا نگرد، تهران ستاد ضد کودتاست، همه کشور ستاد ضد کودتاست. مرکز جنگ روانی همه خانه های همه شهرهای کشور است. اگر دنبال رهبران جنبش می گردی باید یکی یکی مردم را بیاوری به زندان. زندان هایت جا ندارد. لب های سعید به آرامی تکان می خورد. به چیزی میان خنده و درد باز می شود.

برادر من! آقای بازجو! سعید حجاریان را یک بار کشته اید، یک بار تمام تنش را از کار انداختید، یک بار تمام وجودش را از یک ملت گرفتید، دیگر چه می خواهید؟ او نمی تواند بنویسد، دستش را آزار نده، کتکش نزن. او فرزند این ملت است. او نمی تواند به چیزی اعتراف کند، چه کسی باور می کند مردی که از یک پله نمی تواند براحتی بالا برود، در مقابل مامورانی که جلوی دوربین های تمام جهان معمولی ترین مردمان را وحشیانه می زنند، مقاومت کرده باشد. اصلا مقاومت یعنی چه؟ برای کسی که بدنش بطور طبیعی دائما در حال درد کشیدن است، رنجی بیش از این چه معنا دارد؟ قدرتتان همین است؟ تمام شکوه و اقتداری که کسب کرده اید با کتک زدن سعید حجاریان به دست آمده؟ منظورتان از مهرورزی همین بود؟ منظورتان از استفاده از نخبگان همین است؟ منظورتان از مدیریت جهانی همین است؟ آقای بازجو! بس کن! از سلول ۲۱۶ بیا بیرون و بگو که نمی توانی با ننگ شکنجه دادن یک جسد بی تحرک زندگی کنی.

سالها بعد یک روز نوه ات از تو خواهد پرسید که چرا نام این خیابان سعید حجاریان است؟ و از پدر بزرگ که همواره خودش را یکی از کارکنان دادگاه معرفی کرده خواهد پرسید سعید حجاریان کیست؟ و تو خوب می دانی سعید حجاریان کیست. حالا دوباره نگاه کن، به خودت، به آنها که بازجویی شان می کنی و وقتی چکمه ات را بالا می ببری تا توی صورت یکی از مردان بزرگ این کشور بزنی، حداقل پایت کمی بلرزد. آدمی که پایش نمی لرزد، چیزی به نام آدم بودن در قلبش مرده است، بدون قلب چگونه می خواهی به زندگی ادامه دهی؟



# چگونه با کودتا و کودتاچیان مقابله کنیم، محسن سازگارا

به نام خدا

## هدف:

پایین آوردن کودتاچیان از قدرت و محاکمه آن ها

## استراتژی:

استراتژی سه مرحله ای مقابله عبارت است از:

الف- تقویت یکپارچگی و مقاومت ملی

ب- فرسایش کودتاچیان

ج- فلج سازی حکومت کودتا

تاکتیک های پیشنهادی ذیل این سه سرفصل:

## الف- تاکتیک ها برای تقویت یکپارچگی و مقاومت ملی

۱- الله اکبر گفتن تمام مردم روی پشت بام ها هر شب از ساعت ۱۰ تا ۱۰:۳۰، و خواندن دعاها و شعارهای واحد در هر جای ممکن و در هر مراسمی

۲- جلب حمایت بین المللی برای همبستگی با ملت ایران و انزوای کودتاچیان (وظیفه مبارزین خارج از کشور)

۳- افزایش حاشیه امنیت برای جنبش اعتراضی از طریق اعتراض های کم هزینه تر مثل شعارنویسی روی دیوارها، چسباندن برچسب های سبز روی عکس های خامنه ای، ساختن اشعار جدی و شوخی برای رهبر کودتا (آقای خامنه ای) و خواندن آن ها در اماکن عمومی و ده ها روش ابتکاری دیگر

۴- پایین آوردن انتظارات عمومی برای یک پیروزی سریع (مبارزه ممکن است چندین ماه طول بکشد)

۵- استفاده از رنگ (در حال حاضر رنگ سبز، رنگ جنبش است) و سمبل های همگانی دیگر مثل سرود ها یا علامت ها

## ب- فرسایش کودتاچیان

۱- حضور مردم در خیابان ها و تظاهرات موضعی کوچک و بزرگ در نقاط مختلف شهرها و روستاها برای فرسایش و پراکنده کردن قوای کودتاچیان

۲- مختل کردن خطوط ارتباطی و انتقال قوای کودتاچیان (مثال: مختل کردن ترافیک- تظاهرات همزمان در نقاط متفاوت و ایجاد مانع برای حمل و نقل قوای کودتا

(مثال: شیراز- بستن خیابان با بشکه و تیر آهن)

۳- جنگ روانی با کودتاچیان از طریق جذب بخش هایی از سپاه و بسیج و پلیس، شعار به نفع ارتش، مقابله و ایجاد ترس و وحشت در دل سرکوبگران به خصوص لباس شخصی ها و انتشار اسم و عکس و کار کردن روی خانواده های آن ها و ده ها روش دیگر

۴- بزرگداشت یاد زندانیان و قربانیان و شهدای جنبش و برگزاری مراسم ابتکاری و پی در پی و شورانگیز برای آن ها، روشن کردن شمع پشت پنجره خانه ها، تکثیر عکس و زندگی نامه آن ها و خواندن سرود و ده ها روش ابتکاری دیگر

۵- استفاده از زنان برای پیشبرد جنبش به خصوص زنان و مادران و دختران فعالین شهید شده و زندانی

۶- تحصن در مناطق مختلف

## ج- فلج سازی حکومت کودتا

۱- ساختن کانال های ارتباطی بین جنبش های اجتماعی زنان، کارگران، دانشجویان، معلمان و اقلیت ها به خصوص تلاش برای جذب جنبش کارگری (مهم ترین عنصر برای مقابله با کودتا)

۲- مختل کردن مراکز قدرت کودتاچیان به خصوص مراکز ارتباطی و اطلاع رسانی مثل سایت های اینترنتی، روزنامه ها و رادیو تلویزیون و مراکز انرژی

۳- تسخیر مراکز کودتاچی ها به خصوص نقاطی که کارشان را مختل می کند

۴- تشکیل کمیته های اعتصاب در بین اقشار مختلف به خصوص کارگران و شبکه های حمل و نقل مثل مترو و اتوبوس رانی

۵- ایجاد شبکه های مالی برای پشتیبانی از اعتصاب کنندگان، قربانیان و فعالان در بند و کمک روانی و روحی به خانواده ها

۶- سازماندهی اعتصابات موضعی به سمت اعتصابات سراسری تا سرحد فلج سازی کامل کشور. در این مرحله کار حکومت کودتا تمام می شود.

### کمی هم از تاکتیک های ضد جنبش از طرف کودتاجی ها

- معمولا کودتاجیان در استراتژی سرکوب خود این سه سرفصل را قرار می دهند
- الف- بستن درهای کشور و کنترل خبررسانی و سرکوب همراه با تهدید (مثل سرکوب روز سی خرداد) و فشار برای پاشیدن گرد مرگ و وحشت بر سر کشور
  - ب- دستگیری و قطع ارتباطات رهبران و فعالین با یکدیگر و مردم
  - ج- ایجاد انحراف و شکاف در صفوف رهبران جنبش و مردم به خصوص در هفته های اول که هنوز جنبش قوام و یک پارچگی خود را نیافته از طریق طرح مصالحه ها و شعارها و اکسیون های انحرافی

پاره ای اقدامات برای مقابله با این حرکات عبارت است از

- ۱- ساختن مرکز هماهنگی، این مرکز باید در دسترس رژیم و قابل سرکوب کردن نباشد. رهبران جنبش در داخل یک تشکل سراسری را اعلام می کنند و تصمیم گیری های آن ها از سوی سخنگوی انتخابی در خارج منعکس می شود. هر فردی می تواند خود را عضو این تشکل بداند اما لزومی به معرفی افراد اصلی آن نیست.
- ۲- ساختن کمیته های دفاع از خویش با برنامه ریزی قبلی، در صورت دستگیری افراد الف و ب و ج و دال مسئولیت را هبرد و دفاع از دستگیرشدگان را به عهده می گیرند. همچنین ایجاد کادرهای جایگزین برای مقابله با سرکوب وسیع فعالان و کادرهای رهبری جنبش های اعتصابی
- ۳- فراخوانی چهره های مطرح سیاسی، هنری، ورزشی و... برای پیوستن به جنبش
- ۴- طرح این نکته که فشار روی رهبران جنبش و خانواده هایشان زیاد است و می خواهند زیر تهدید و فشار آن ها را از پیگیری اهداف جنبش منصرف کنند و هر گونه انصراف احتمالی ایشان زیر تهدید و شکنجه صورت می گیرد.

آن خس و خاشاک تویی، پست تراز خاک تویی  
شور منم، نور منم، عاشق رنجور منم  
زورتویی، کورتویی، هاله بی نورتویی  
دلیر بی باک منم، مالک این خاک منم

محسن سازگارا

## ریشه یابی نقش پشت پرده مصباح یزدی در حوادث اخیر و حذف هاشمی رفسنجانی و سایر فقها

\*این تحلیل و مطلب مهم به دلیل اهمیت موضوع عینا از [persia2009.wordpress.com](http://persia2009.wordpress.com) نقل میشود.

کسانی که این روزها شاهد مناظره احمدی نژاد با میر حسین موسوی بوده اند چیزی را مشاهده کرده اند که شگفتی هر کسی را بر می انگیزاند. احمدی نژاد بی باکانه و بر خلاف قانون، هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس خبرگان رهبری، امام جمعه موقت تهران و رئیس تشخیص مصلحت و نیز ناطق نوری رئیس بررسی مفاسد از جانب رهبری را غارتگران بیت المال خواند بی آنکه بیمی از عواقب کار خود داشته باشد. در این میان برخی مردمان ساده اندیش ایران نیز که هنوز فکر می کنند هاشمی مرد قدرتمند سال های پیش است به استقبال سخنان احمدی نژاد رفته وی را قهرمانی می خوانند که هاشمی را به مبارزه می طلبد. اما به راستی در جمهوری اسلامی چه خیر است؟ پشت پرده این ماجرای شگفت آور که مشروعیت کل نظام جمهوری اسلامی را به خطر انداخته چه گروه یا کسانی بوده، چه هدفی را دنبال می کنند؟ آیا آن طور که بسیاری می پندارند این ماجراها و زیر سوال رفتن حاکمیت سی ساله انقلاب توسط احمدی نژاد را صرفا باید در حد یک کنش محدود انتخابات ریاست جمهوری دید و یا اینکه قضیه به پروژه ای بسیار فراتر بر می گردد؟ این نوشتار بر آن است که ثابت کند هدف احمدی نژاد و حامیان قدرتمندش چیزی فراتر از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری است و به عبارت دیگر هدف ایشان تغییر نظام جمهوری اسلامی به حکومت

عدل اسلامی است که در آن حتی این جمهوریت نیم بند نیز وجود نداشته باشد!

ادعای کلان نوشتار حاضر: در زمان حیات آیت اله خمینی، آیت اله مصباح یزدی روحانی ای بود که به خاطر سوابقش چندان مورد اعتماد آیت اله خمینی نبود اما با درگذشت وی، با حمایت آیت اله خامنه ای، مصباح یزدی به تدریج قوی و قوی تر شد تا امروز که هدف دیرینه خود در نفی جمهوریت را نزدیک می بیند. نخستین بار در نیمه نخست دهه هفتاد، مجله شما - ارگان حزب مؤتلفه اسلامی- پیشنهاد تغییر جمهوریت را مطرح کرد اما به واقع کسی که نظریه پرداز این نظریه بود نه مؤتلفه بازار که آیت اله مصباح یزدی بود. برای درک عمیق تر موضوع، باید ابتدا دو قرائت عمده پر هوادار نظریه ولایت فقیه در میان هواداران این نظریه را معرفی کرد:

1) مبنای نظریه نخست که متعلق به آیت اله جوادی آملی و حامیان وی است ولایت فقیه در واقع ولایت فقها است. اگر ولایت فقیه را آنگونه که وی تبیین می کند بپذیریم آنگاه علاوه بر شخص خاص رهبری در این زمان، آیت اله خامنه ای، دیگر فقها نیز هر یک به فراخور شان و جایگاه خود سهمی در این نوع حکومت خواهند داشت.

2) نظریه دوم، نظریه ای متعلق به آیت اله مصباح یزدی است. بر مبنای این نظریه، ولایت فقیه، ولایت شخص خاصی است که در واقع به زعم ایشان نایب امام زمان بوده، فرامین وی بر تمام مراجع و... ارجحیت دارد.

پس از این مقدمات باید وضعیت گذشته و فعلی را تبیین کنیم: مصباح یزدی که با حمایت شخص رهبری آیت اله خامنه ای توانسته است شاگردان و هواداران بسیاری را به گرد خود جمع کند از اوایل دهه هفتاد در پی اجرایی کردن نظریه خود بوده است. در نظریه نخست تا حدی برای جمهوریت - هر چند نیم بند- جایی وجود دارد اما در نظریه مصباح، جمهوریت در بهترین حالت خود یک تزیین و آرایش به شمار می رود. جناح راست حاکمیت با رهبری فکری مصباح و رهبری سیاسی مؤتلفه در سال 76 می رفت تا رویای مصباح را جامعه عمل ببوشاند که با شوک انتخاب خاتمی و حمایت هاشمی رفسنجانی، این پروژه برای سالها دچار وقفه شد. به تدریج و با انتخاب احمدی نژاد، حامیان مصباح کوشیده اند با ریاست اجرایی احمدی نژاد پروژه خویش را پی گیرند با این تفاوت که در طول این سالهای وقفه، صف بندی های جمهوری اسلامی دچار تغییرات اساسی شده است. هاشمی که خود را به نوعی همتراز رهبر می دید از همان دهه هفتاد حساب خود را از این پروژه جدا کرده بود و از این نظر همواره مورد کینه باند مصباح قرار داشت اما بخشی از محافظه کاران از قبیل ناطق نوری، حسن روحانی و... نیز به تدریج و با تجربه سالیان و دیدن خطرات آن برای کشور از این پروژه جدا شده اند.

در اینجا است که با پیروزی احمدی نژاد دو صف بندی بزرگ در جمهوری اسلامی ایجاد شد. یک سوی صف بندی، اتحادی نصف و نیمه از حامیان نظریه جوادی آملی با رهبری فکری وی و برخی مراجع تقلید، هاشمی رفسنجانی به عنوان رهبر تکنوکراتها و تا حدی رهبری سیاسی و نیز اصلاح طلبان تشکیل شد.

در سوی دیگر میدان، آیت اله خامنه ای به عنوان رهبر سیاسی، مصباح یزدی رهبر فکری، سپاه به عنوان بازوی نظامی و احمدی نژاد به عنوان رهبر اجرایی قرار داشتند. این گروه که با حذف اصلاح طلبان اعتماد به نفس فراوانی یافته بودند کوشیدند در قالب پروژه پالیزدار و با افشای سوابق فساد هاشمی و دیگر حامیان محافظه کار آن، این بخش از حاکمیت را نیز از حکومت حذف کنند. این پروژه برای خود جنبشهایی مثل جنبش عدالت خواه و... نیز تاسیس کرد تا نبرد قدرت را حرکتی مردمی نشان دهد اما پالیزدار که عضوی از ستاد احمدی نژاد بود اما حاضر به معامله بر سر دزدی نبود به جای اجرای پروژه رسواسازی هاشمی و هوادارانش کوشید کلیه جریانهای فاسد را بر ملا سازد. او در این افشاسازی به شعارهای خوش رنگ و آب احمدی نژاد نیز دل بسته بود اما به خاطر افشای فساد باندهای هر دو گروه، پروژه حذف هاشمی در آن مقطع تعطیل و پالیزدار عضو سابق ستاد احمدی نژاد به زندان فرستاده شد. در ادامه ماجرا، جریان مصباح با حمایت احمدی نژاد وارد انتخابات ریاست جمهوری دهم شد تا پروژه ناتمام را کامل کند که ناگهان با اقبال مردم به خاتمی روبرو شد. این گروه که از اقبال خاتمی و عدم توانایی میر حسین در جذب رای بالا مطمئن بودند کوشیدند با ترفندهایی، خاتمی را مجبور به کناره گیری کنند اما با افزایش محبوبیت موسوی، جریان مصباح متوجه شد که توان پیروزی در انتخابات را ندارد و در صورت تقلب وسیع نیز خود به خود مشروعیت حاکمیت به زیر سوال می رود و بنابراین تصمیم گرفت در پروژه ای زیرکانه، با زدن هاشمی و ناطق به دو هدف برسد:

این جریان کوشیده است از یک طرف با متهم کردن هاشمی توسط احمدی نژاد بر محبوبیت احمدی نژاد بیفزاید و از سوی دیگر با متهم کردن او می کوشد پروژه ناکام مانده به دست پالیزدار را تکمیل کند. اگر رهبری جمهوری اسلامی از حضور کسانی مثل موسوی نیز ممانعت می کرد پروژه ایشان بدون حضور مردم و لذا با مشروعیت زدایی از حکومت به انجام می رسید اما آنان برای حفظ ظاهر به حضور مردم احتیاج

داشتند. از آنجا که احتمال پیروزی موسوی ایشان را مجبور می کرد که برای پی گیری اهداف خود به تقلب وسیعی روی آورند که قابل پنهان کردن نبود ایشان که از سو ظن مردم به هاشمی آگاه بودند کوشیدند با اتهام به هاشمی هم او را ناموجه تر از پیش ساخته در موقع مناسب از حاکمیت خارج کنند و هم بر رای احمدی نژاد افزوده، تا نیاز کمتری به تقلب باشد و با درصد کمتری تقلب به پیروی برسند.

اما در این میان نکته مهمی که مغفول می ماند آنست که با متهم کردن هاشمی و به ویژه ناطق نوری، مشروعیت جمهوری اسلامی به شدت مورد تردید قرار می گیرد که البته اتحاد مربع برای آن نیز فکری اساسی کرده است. اینان پس از انتخاب احمدی نژاد، گروه هاشمی را حذف کرده به مردم اعلام خواهند کرد که آیت اله خامنه ای از مدتها پیش به دنبال حذف این غارتگران بوده که در نهایت با کمک احمدی نژاد موفق شده است و بدین طریق، احمدی نژاد نیز به قهرمان ملی تبدیل می شود.

اما چرا آقای خامنه ای باید به دنبال حذف هاشمی، ناطق و .. باشد؟ آیا این حذف به دلیل فساد ایشان است؟ جواب به این پرسش منفی است چرا که در طیف هوادار احمدی نژاد نیز گروه کثیری افراد فاسد وجود دارند. کسانی چون آیت اله محمد یزدی که غارتگری شان اگر از هاشمی و امثالهم بیشتر نباشد کمتر نیست. بنابراین باید برای حذف ایشان توسط آقای خامنه ای به دنبال دلایل دیگری بود. دلیل و به عبارتی علت اصلی را از یک سو باید در همان نگاه نظریه نخست -نظریه جوادی آملی- به نظریه ولایت فقیه و از سوی دیگر ادعای همترازی امثال هاشمی دانست.

هاشمی رفسنجانی با توجه به سوابق و شخصیتش حاضر نیست کل اقتدار خود را به آقای خامنه ای واگذار کند. نظریه جوادی آملی نیز حامی وی است اما کسانی چون آیت اله یزدی بر خلاف هاشمی حاضرند در ازای دریافت پاداش، خود را به تمامی در اختیار آقای خامنه ای قرار دهند و بدین علت هاشمی و دیگر مخالفان نظریه مصباح باید از صحنه حاکمیت حذف شوند.

چند شاهد بر مدعا: در وجود نظریه مصباح که در کتابهای وی و هوادارانش نوشته شده شکی وجود ندارد. در اینکه نظریه رقیبی نیز توسط جوادی آملی نگاشته شده نیز شکی نیست. پس در این مقدمات نمی توان تردید کرد اما آیا احتمال اجرایی شدن این نظریه در این انتخابات، صرفا از ذهن یک داستان نویس نشأت گرفته و یا اینکه شواهدی بر آن وجود دارد؟

شاهد نخست آنکه، احمدی نژاد با نام بردن از هاشمی و ناطق مشروعیت نظام را به کلی به چالش کشید و این موضوع نمی تواند بدون اجازه آقای خامنه ای باشد. در این جا سوال این است که آقای خامنه ای برای چه هدفی باید چنین مجوزی به احمدی نژاد بدهد؟ تبعات عمل احمدی نژاد برای مشروعیت جمهوری اسلامی آنقدر خطرناک است که صرف یک انتخابات ریاست جمهوری نمی تواند آن را جبران کند. از سوی دیگر مافیای رهبری تلاش خواهد کرد پس از حذف هاشمی و حامیانش با این ادعا که رهبری از ابتدا با این باند فساد مخاف بوده، مشروعیت خود را در اذهان حامیانش دوباره بازسازی کند.

شاهد دیگر ماجرا نحوه برخورد احمدی نژاد با مراجع تقلید است. در بیشتر سالهای پس از انقلاب، دولتها کم و بیش کوشیده اند نظرات مراجع را لحاظ کنند اما دولت احمدی نژاد کمترین بهای لازم را به مراجع تقلید داده است بی آنکه از این شیوه خود بیمی داشته باشد. آیا دلیل عدم نگرانی دولت احمدی نژاد از مراجع تقلید حمایت شدید آقای خامنه ای از احمدی نژاد نیست؟ در نظریه مصباح طبیعتا جای چندانی برای مراجع تقلید نیست چرا که آنها رقیب ولایت خواهند بود. در این راستا به یاد بیاوریم حملات نوری زاد- فیلمساز حامی احمدی نژاد- به آیت اله مکارم شیرازی که بدون ترس از عواقب کار خود به راحتی یکی از پرنفوذترین مراجع تقلید را مورد حملات پیاپی قرار داد. نوری زاد هیچ گاه به خاطر حمله به مکارم شیرازی محاکمه نشد چرا که او مورد تایید رهبر و در راستای پروژه یادشده مامور حمله به مکارم پرنفوذ بود. در همین راستا به یاد بیاوریم سخنان مکارم شیرازی پس از دیدار با آیت اله صافی که در برابر نوری زاد اعلام کرد که آروزی نابود کردن مرجعیت را به گور می برید. یادمان نرود مکارم شیرازی این پاسخ را به اصلاح طلبان یا لائیکها نداد بلکه به نوری زاد حامی احمدی نژاد و ولایت فقیه داد.

\*به این شواهد اضافه کنید.....

خلاصه مطلب آنکه شواهد نشان می دهند پیروزی احمدی نژاد در انتخاب دهم، تنها یک پیروزی انتخاباتی نباشد بلکه هدف اصلی و استراتژیک آن، نابودی جمهوریت نیم بند جمهوری اسلامی و ایجاد حکومت عدل اسلامی - فاشیسم اسلامی - است. آگاه سازی مردم از این پروژه قطعا یکی از راه های از بین بردن این پروژه خطرناک است. شاید ادعای این نوشتار با وجود همه شواهد نادرست باشد اما این پروژه آن قدر برای کیان این کشور خطرناک است که احتمال آن نیز باید مورد بررسی دقیق و افشاگری گسترده قرار گیرد .

## عباس عبدی: شورای نگهبان باید خودش را رد صلاحیت کند

عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد که در ۵۰ شهرستان، تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات بیش از صد درصد واجدین شرایط رأی‌دهی بوده که این به حدود سه میلیون رأی مربوط می‌شود و تأثیری در نتیجه انتخابات ندارد. عباس عبدی تحلیلگر سیاسی و مشاور مهدی کروبی می‌گوید شورای نگهبان باید پاسخ دهد که ناظرانش کجا بوده‌اند که این سه میلیون رأی به صندوق ریخته شده. به گفته‌ی وی کسانی که سه میلیون رأی را جابه‌جا می‌کنند می‌توانند سی میلیون رأی را هم جابه‌جا کنند.

**دوپچه‌وله: آقای عبدی آیا صحبت آقای کدخدایی می‌تواند به منزله‌ی یکجور عقب‌نشینی از جانب شورای نگهبان تلقی شود؟**

عباس عبدی: تا وقتی انتخابات را تأیید می‌کنند، نه! چون این یک عقب‌نشینی برای جلوگیری از سرنوشت انتخابات ندارد! شاکیان که نمی‌گویند اشکال فقط این سه میلیون است، اینها اصلاً قصدشان این نیست. این رقم مربوط به صندوق‌هایی است که مشارکت بالای صد در صد داشته‌اند و یک مشت نمونه‌ی خروار است. آنجایی هم که به صد درصد نرسیده بخش عظیم‌اش همین طور است.

این تازه یک بخش از اشکالات است. ده تا اشکال دیگر هم وجود دارد. شورای نگهبان یکبار بخاطر شام دادن در یکی از دوره‌های انتخاباتی مجلس، کل آن انتخابات را باطل کرد. چه طور حالا می‌گوید این سه میلیون تأثیری در سرنوشت انتخابات ندارد؟ بنابراین این یک مصداق است برای آنکه شورای نگهبان را آن طرف صالح به رسیدگی نمی‌دانند. آنها معتقدند که این شورا جهت‌گیری دارد و رسیدگی‌شان هم فایده ندارد. اگر چنانچه یک‌دوره آراء بیشتر بود ولی طرف دیگر انتخاب شده بود، تا حالا صدبار این انتخابات را باطل اعلام کرده بود. چه طور سه میلیون رأی، تازه سه میلیونی که اینها به آن رسیدند، در نتیجه‌ی انتخابات تأثیر ندارد؟ این یک روند است و فقط همین بقیه‌اش هم اضافه کنند، بیشتر از این ارقامی می‌شود که الان اعلام شده.

**همین که شورای نگهبان قبول کرده است که تا الان سه میلیون تخلف انتخاباتی صورت گرفته، آیا همین نمی‌تواند دستاویزی بشود برای فشار بیشتر برای ابطال انتخابات؟**

دیگر احتیاج به فشار بیشتر نیست. آنها باید خودشان عقل‌شان برسد و انتخابات را ابطال کنند. این‌که دیگر کاری ندارد. چیز پیچیده‌ای نیست. حالا که دارند خودشان اقرار هم می‌کنند. سه میلیون رأی جابجا شده، یکی دوتا نیست. کسی که سه میلیون می‌ریزد، سی میلیون هم می‌تواند بریزد، مشکل ندارد. اصلاً باید اول یقه‌ی اینها را گرفت. همین‌هایی که سه میلیون رأی ریختند، همین‌ها را محاکمه کنند، تا من به شما نشان بدهم بیست میلیون بقیه‌اش از کجا جابجا شده است.

**منظور این است که آیا راهکاری وجود دارد از نظر قانونی و در چارچوب قانونی، که بگویند حالا که شورای نگهبان خودش اعتراف کرده است که در بعضی صندوقها سه میلیون تخلف بوده، پس کل صندوقها باید یا بازشماری بشود یا ابطال.**

شورای نگهبان باید اول علیه خودش اقرار کند که کجا بوده که این سه میلیون رأی ریخته شده. شورای نگهبان که خواب نبوده، سر صندوقها بوده! بگوید کجا بوده. اول باید یقه‌ی خودش را گرفت. شورای نگهبان ناظر بعد از انتخابات نیست، ناظران خودشان را استصوابی تعیین می‌کنند، از هیات اجرایی تا لحظه‌ی آخر در انتخابات هستند. اول باید بگویند اینها کجا بودند؟ آیا بدون اجازه‌ی ناظر شورای نگهبان صندوق پلمب می‌شود؟ تازه مجری‌اش را هم عملاً این شورا تعیین کرده است. اصلاً پیچ قضیه بالاتر از این حرفه‌است. شورای نگهبان باید قبل از این که اصلاً به انتخابات بپردازد، خودش را رد صلاحیت بکند.

## سؤال هایی از آقایان مراجع، نوشابه امیری

آقایان مراجع عظام! این اولین بارست که سؤال های خویش به نزد شما می آورم. بار بعدی را پاسخ های شما تعیین خواهد کرد؛ نه فقط برای من، که تنها یکی از صدها روزنامه نگار زخم خورده و محروم از حقوق قانونی آن سرزمینم، که برای همه آنان که رابطه شان با شما، قاعدتا بی شرط و شروط نبوده و نیست و نمی تواند باشد

سؤال ها:

۱ آیا کشتن مردم بی سلاح مجازست؟

۲ آیا رفتن به خلوت خانه ها و زیر و رو کردن وسایل شخصی زنها - به فرض که مردان آنها جرمی مرتکب شده باشند - و ترسانیدن کودکان آنان مجازست؟

۳ آیا حمله به دانشجویانی که در خوابگاه های دانشگاهی سکنی دارند، آن هم گاه خواب، پرتاب کردن آنان از پنجره ها، سوزاندن تن های نازک شان به سیگار، واداشتن آنان به سینه خیز رفتن روی شیشه های خرد شده..... مجازست؟

۴ آیا کشتن فرد بی سلاح، با قمه و تبر مجازست؟

۵ می توان اسرای مجروح را به زیر زمین وزارت کشور دولتی - حتی دولت کریمه جمهوری اسلامی - برد و مانند اسیران با آنان برخورد کرد؟

۶ آیا ممانعت از دادخواهی مادران دل سوخته و پدران در هم شکسته از داغ فرزند، مجازست؟

۷ می توان از وسایلی مانند آمبولانس برای بردن زخمیان به دخمه ها به جای رسانیدن آنان به بیمارستان، استفاده کرد؟  
۸ آیا سکوت در برابر تجاوز به زنان در زندان هم مجازست؟ حتی اگر از مخالفان حکومت اسلامی باشند؟

۹ آیا سکوت در برابر کشتن دختری جوان که دشمن، حنجره اش را نشانه گرفته، و او در ناباوری، می بیند که خون از دهانش روان است و در بهت پر پر می زند، مجازست؟

..... ۱۰

سؤال هایی از این دست بسیارست؛ کافیت به دفاتر محترم تان بفرمایید فهرستی از اقداماتی را که موجب این سؤال ها می شود تهیه کنند.

اگر پاسخ تان به این سؤال ها مثبت است که شمارا به خویش و مارا نیز؛ لیک اگر پاسخ تان به این سؤال ها منفی ست، بفرمایید:

۱ - تمکین به کسانی که چنین شرایطی را موجب می شوند، حرام نیست؟

۲ - ولی فقیه «جامع الشرایطی» که بر این شرایط صحه می گذارد، عزلش واجب نیست؟

و سؤال آخر:

مرجعی که جهانی چنین پلید را ببیند و بر آن صحه گذارد، یا حتی در برابر آن راه سکوت برگزیند، هنوز جای اقتدا دارد؟

## نامه سرگشاده جمعی از خانواده های فعالان سیاسی در بند خطاب به مراجع تقلید

حضور گرانقدر علمای اعلام و مراجع عظام دامت عزم العالی

بسم الله الرحمن الرحيم

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سمیعا بصیرا (سوره نساء آیه ۴۸)

با سلام و احترام

علمای اسلام به داد اسلام برسید

همانگونه که مستحضری، بلافاصله پس از پایان انتخابات پرشور ریاست جمهوری دهم تعداد زیادی از بهترین فرزندان و یاران امام و انقلاب که سوابق درخشانی از نقش آفرینی در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، علمی و نیز حضور مؤثر در دفاع مقدس و کسب افتخار جانبازی را در کارنامه خود دارند، به شکل تهاجمی و توهین آمیز و غیرقانونی در منزل خود یا بستگان، محل کار و یا در خیابان بازداشت شدند. جرم این عزیزان ایجاد شور و نشاط انتخاباتی از طریق فعالیت در ستادهای انتخاباتی کاندیدای تأیید شده توسط شورای نگهبان می باشد. نقش اثرگذار تک آنان در به صحنه کشاندن آحاد مردم، برای تعیین سرنوشت سیاسی کشورشان، ایجاد مشارکت حداکثری و مشروعیت بخشیدن به نظام جمهوری اسلامی است.

ما جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی که از وضعیت عزیزانمان در بی خبری محض به سر می بریم، نسبت به صحت و سلامت آنان و رعایت حقوق قانونی شان توسط هر مقام مسئول یا غیر مسئولی که آنان را در بازداشت نگاه داشته است، شدیداً نگرانیم و بویژه اخباری مبتنی بر فشار بر روی آنان برای گرفتن اعترافات مطابقت آمیز و در جهت اثبات سناریوهای از قبل تدارک دیده شده کوردلان سست ایمان، دل مادران و پدران و همسران و فرزندان آنان را به درد می آورد.

اینکه ما در برابر فرزندانمان قرار گرفته ایم با سوالاتی که این روزها برایشان مطرح است: مگر انقلاب شما در سی سال پیش، برای مبارزه با ظلم و جور و آزادی زندانیان بی گناه از بند نبود؟ پس زندانی شدن فرزندان انقلاب که کوچکترین تخطی از قانون نداشته و جرم بزرگشان افزایش مشارکت مردم و مشروعیت بخشیدن به نظام و حراست از دستاوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی است، به دست کسانی که باید مجری قانون باشند چه حکمی دارد؟ مگر شما برای آزادی بیان و اندیشه و قلم بر ضد رژیم پهلوی نشوریدید و قانون اساسی را فصل الخطاب عمل مسئولین قرار ندادید؟ پس چرا فرزندان ایران و خواهران و برادران ما در خیابان ها، دانشگاهها، خوابگاهها و دیگر جاها در معرض هجمه و بی حرمتی و ضرب و شتم و حتی کشتار قرار می گیرند؟ و پاسخگوی این خون های به ناحق ریخته چه کسی است؟

جمعی از ما خانواده های زندانیان سیاسی و معترضین به این بازداشت های غیرقانونی و فله ای که هر روز در سراسر کشور ادامه دارد و امکان ملاقات و هیچ گونه ارتباط و تماسی با آنان توسط خانواده ها و حتی وکلایشان نیست به همراه تعدادی از خانواده های معظم شهداء هفته گذشته به قم آمدم تا با حضور در محضر شما بزرگواران با تظلم خواهی حضوری، شکوائیه خود را از باب حجت شرعی و انجام وظیفه و تکلیف اطلاع رسانی تقدیم کنیم که توفیق بهره مندی از محضر همه بزرگواران نصیبمان نشد، اما نامه دادخواهی مان به محضر بزرگان و علمای اعلام تقدیم شد. پس از سفر کوتاه ما به آن شهر مقدس دروغ پراکنان، شایعه بی احترامی از جانب دفاتر مراجع عظام و برخورد توهین آمیز با خانواده شهداء و حتی دستگیری کسانی را در خبرگزاری های دولتی مطرح کردند که در جمع ما نبودند و ما انتظار تکذیب این اخبار کذب و سوگیرانه را داشتیم که فقط توسط خود ما اطلاع رسانی شد.

اینکه بار دیگر خدمت حضرات آیات عظام اعلام می داریم: همسران و فرزندان و برادران و پدران در بند ما بعضی افتخار زندانی بودن در رژیم طاغوت را داشته اند و برخی توفیق دفاع از مرزهای ایران عزیز را در جنگ تحمیلی و تعدادی همکاری در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را در سابقه فعالیت هایشان دارند و همگی از فرزندان انقلاب و خدمتگزاران صدیق اسلام و جمهوری اسلامی هستند و هنگام حرمت از آنان هنگام ایران عزیز و تاریخ ارجمند این انقلاب شکوهمند است و نسبت دادن ادعاهای موهوم که زاینده ذهن بیمار کسانی است که به تعبیر آیات نورانی قرآن، در دلشان مرضی است که خداوند آن را افزایش می دهد به این پاک ترین و دلسوزترین فرزندان و وطنمان ایران عزیز، خود توطئه شومی است که دشمنان ایران و اسلام تدارک دیده اند.

امروز انتظار ما از علمای بیدار دل و آگاه و مستقل این است که نسبت به این حوادث و فجایعی که به نام دین بر کشورمان می رود و اکتش نشان دهند و بیش از این اجازه ندهند دین خدا ابزار افزایش قدرت دنیامداران قرار گیرد و نگذارند خدای ناکرده باور فرزندان مسلمان ما دستخوش لرزش و سستی قرار گیرد که در این صورت همه فرصت ها برای پیوند عمیق نسل جوان با معنویت و دینداری و اخلاق مداری از بین خواهد رفت و همه ما به میزان سستی در جلوگیری از این وضعیت در پیشگاه خداوند متعال مسئولیم . در ایام و لیالی مبارکه رجبیه همه ما با زبان روزه برای اعتلای اسلام و رفع شر از جامعه اسلامی مان و تعقل و تدبر مسولین نظام برای به سامان آوردن اوضاع دعا می کنیم.

خانواده های عزیزان دربند :

محمد علی ابطحی ، محمد جواد امام ، محسن امین زاده ، علی تاجرنیا ، سید مصطفی تاجزاده ، سعید حجاریان ، جهان بخش خانجانی ، علی اصغر خدایاری ، عبد الله رمضانزاده ، سعید شیرکوند ، محسن صفایی فراهانی ، سید شهاب الدین طباطبایی ، غلامرضا ظریفیان ، محسن میردامادی ، بهزاد نبوی ، صادق نوروزی ، مجید نیری و سایرین

## نامه سرگشاده انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها به مراجع معظم تقلید و علمای اعلام

انا لله و انا الیه راجعون

محضر شریف آیات عظام و علمای اعلام

سلام علیکم بما صبرتم

چنانچه مستحضر هستید پس از مطرح شدن ایرادات جدی به نحوه اجرای انتخابات ریاست جمهوری دهم و اعلام نتایج خلاف انتظار که بسیاری از مردم مسلمان در سراسر کشور بر این اقدام دور از شان نظام جمهوری اسلامی به شدت اعتراض کردند و چون اجازه تجمع قانونی به آنان داده نشد، به صورت خودجوش در تجمع‌های آرام و میلیونی اعتراض خود را مطرح کردند و سوال اصلی آنان این بود که "رای ما چه شد؟"، متولیان امر بجای شنیدن اعتراض‌های مردمی و پاسخگویی در اغلب شهرها با اقدام‌های غیرقانونی و مبتنی بر زور به دستگیری و ضرب و شتم و جرح و قتل مردم بی‌گناه پرداختند و با کشاندن نیروهای نظامی و انتظامی به صحنه و مواجه کردن فرزندان خدمتگزار ملت در برابر ملت، کشور را در آستانه فجایع خونبار قرار داده‌اند و بدیهی است که از ابرهای فتنه هرگز باران رحمت و صلح و برکت نخواهد بارید و چون این همه به نام اسلام صورت می‌گیرد، خطر جدی آن است که اسلام سیلی بخورد؛ خطری که امام خمینی (ره) بارها نسبت به آن هشدار داده بودند.

اینک ما از شما که مصداق "العالم بزمانه لایهجم علیه اللوابس" هستید انتظار داریم اولاً باور بفرمایید مردم مسلمان ما این مصیبت‌ها را برای حفظ نظام جمهوری اسلامی تحمل می‌کنند و تهمت‌ها و انتساب‌های مطرح شده مبنی بر آشوبگری و اغتشاش یا عمال بیگانه بودن کاملاً بی‌اساس است. ثانیاً از آنجا که علما و مراجع عظام در حافظه تاریخی ملت ایران همواره در کنار مردم و راهگشای آنان بوده‌اند، از شما می‌خواهیم در این نگرانی ملی با استفاده از جایگاه معنوی خود در کنار مردم باشید و از گسترش این بلای ویرانگر جلوگیری کنید.

آیات عظام و علمای اعلام، شما خود می‌دانید طبق اصل ۲۷ قانون اساسی، تشکیل اجتماعاتی که محل به مبنای اسلام نباشد، آزاد است. کافی بود متولیان امور چنین اجازه‌ای می‌دادند تا طرفین سخنان یکدیگر را بشنوند و به موجب "فیتبعون احسنه" تصمیم بگیرند اما برخی از متولیان علی‌رغم ارتکاب اعمال خلاف قانون و تضییع حقوق ملت در پناه تبلیغات فریبنده، خود را درستکار و خیرخواه قلمداد می‌کنند و در قبال دستگیری گسترده و بی‌دلیل فعالان سیاسی و ایجاد تضییقات برای اصحاب رسانه و دستگیری آنان چون لبی به اعتراض گشوده شود، برآشفته می‌گردند و با گلوله پاسخ می‌دهند. به موجب آیه "لا یحب الله الجهر بالسوء



من القول الا من ظلم" وقتی سخن منطقی و قانونی مردم شنیده نشود، حق دارند فریاد کنند و البته جواب آنان تهمت عمال بیگانه بودن و آشوبگر بودن و در نهایت گلوله نیست.

مردم مسلمان ما با توجه به سخن امام علی (ع) در خطبه مالک اشتر "فانی سمعت رسول الله (ص) يقول فی غیر موطن"، "لن تقدس امه لایؤخذ للضعیف فیها حقه من القوى غیر متمتع" بر این باورند که در نظام جمهوری اسلامی باید بتوانند اعتراض و درخواست حق خود را بدون ترس مطرح کنند.

مردم مسلمان ما بر این باورند که فرمان حضرت علی (ع) در خطبه مالک اشتر، رابطه مردم را با متولیان امور یک رابطه انسانی سرشار از محبت تنظیم کرده که اگر فرضاً تندی از آنان سرزند با آغوش پر مهر مسوولان مواجه خواهند شد "واشعر قلبک الرحمه للرعیه و المحبه لهم و اللطف بهم و لاتکونن علیهم سبعا ضاریا تغتتم اکلهم فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق تقرط منهم الزلل و تعرض لهم العلل" ما از شما انتظار داریم از متولیان امور بخواهید و تذکر دهید توسل به زور و اسلحه آن هم در قبال اعتراض قانونی برای تخلقی که برخی دستگاه‌ها مرتکب شده‌اند، عاقلانه و منطبق بر موازین اسلامی نیست. به آنان تذکر دهید اعتراض قانونی مردم از مصایق نهی از منکر و واجب است. ما دفاع شما بزرگان را از حقوق شرعی و قانونی مردم دقیقاً از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می‌دانیم.

آیات عظام و علمای اعلام، ما از سر اضطرار، فریاد امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی را به یاد شما می‌آوریم که فرمود: "... ای علمای ایران، ای مراجع اسلام ... ای فضلا، ای طلاب، ... ای آقایان، من اعلام خطر می‌کنم ...، ای علمای قم به داد اسلام برسید..." (صحیفه امام، ج ۱، صص ۴۱۸ - ۴۲۰).

انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها

## ترور به قصد ترور، سعید جاریان، ۱۳۸۴/۱۲/۲

روزی در تحریریه روزنامه «سلام» مشغول رتق و فتق امور بودم که مردی میانسال وارد سردبیری شد و یکسره نزد آقای موسوی خوئینی‌ها رفت و برای او توضیحاتی داد. رنگش پریده بود و با احتیاط همان طور که آمده بود، سلام را ترک کرد. آخر شب بود که بعد از بسته شدن روزنامه، من نزد آقای خوئینی‌ها رفتم و از وی خداحافظی کردم تا عازم منزل شوم. ایشان به من گفت: «آقای آمده بود اینجا و حرف‌های عجیبی می‌زد. من که باور نکردم. آیا به نظر شما عاقلانه است که جمعی از نویسندگان را که با اتوبوس عازم ارمنستان هستند در گردنه حیران به ته دره بفرستند؟ یعنی ممکن است این اتفاقات در کشور بیفتند؟» گفت: «از این نوع کارها سابقه نداشته است اما من تحقیق می‌کنم و به شما خبر می‌دهم.» در راه پیش خودم فکر می‌کردم لابد عده‌ای برای یکی از گردنه‌های راه آستارا به اردبیل نامی نیافته‌اند و می‌خواسته‌اند با پرتاب اتوبوس مثلاً اسم آن را بگذارند «یا زیجیکش» (به قیاس گردنه‌های کولیکش، هندیکش، زینالکش و ... انواع گردنه‌هایی که کش دارد). بعد از مدتی تحقیقاتم به نتیجه رسید و به آقای موسوی گفتم قصه حقیقت دارد. ایشان هم در ستون «الو سلام»، با تندی کسانی را که سبب این واقعه بودند، مورد خطاب قرار دارد و هشدار داد که با این کارها اتوبوسی را به لبه پرتگاه نمی‌فرستند بلکه کشوری را به پرتگاه هل می‌دهند. [...] برای روشن شدن بحث بجاست که ریشه لغوی ترور مورد بررسی قرار گیرد. ترور اساساً به معنای وحشت است و تروری که ما می‌گوییم قبلاً با لغت assassination به کار می‌رفت که همان فرقه «حشاشین اسماعیلیه» است. در عربی لغت‌های فتک، اغتیل و غیله به معنای ترور بوده است و کلمه ارهاب به معنای قدمایی آن کما اینکه در قرآن آمده است به معنی ترس و بازدارندگی است که به تدریج در لغت عربی معنای آن تغییر یافته است و اکنون ارهابی به معنای تروریست به کار می‌رود. یک نفر جایی گفته بود: «فلانی را بی خود ترور کردند. باید او را به دست من می‌سپردند تا من او را در دادگاهی علنی با حضور وکیل مدافع طبق آیین دادرسی محاکمه و اعدام می‌کردم.» این کار به نظر من به مراتب موجه‌تر و معتدل‌تر از ترور است. ترور «جهد العاجز» است. علامت نامشروع بودن تروریست است. ولی قتل با اینکه عملی غیرقانونی است، چه سهوی و چه عمدی، اما چون عنصر معنوی در آن غیرسیاسی است و قصدی برای ارعاب و ارهاب در آن نیست، لذا قابلیت بخشش و تبدیل قرار دارد. یعنی می‌توان به جای قصاص دیه گرفت یا متهم را بخشید.

جا دارد تفاوت حقوقی ترور و قتل مورد بحث قرار گیرد. علمای حقوق معتقدند که هر اتهامی برای اینکه تبدیل به جرم شود باید سه عنصر در خود داشته باشد. عنصر مادی، عنصر معنوی و عنصر قانونی. حال ببینیم که در مورد ترور این سه عنصر چه وضعیتی پیدا می کنند:

۱- عنصر مادی: مقصود از عنصر مادی فعل یا ترك فعلی است که علت فاعلی جرم محسوب می شود. مثلاً پرستاری که داروی حیاتی بیماری را سر موقع به وی نمی دهد با ترك فعل خود موجب قتل وی می شود. اما در مورد ترور چه باید گفت؟ فاعل فعل ترور از لحاظ صوری با فاعل فعل قتل تفاوت چندانی ندارد. مثلاً کسی که ناصرالدین شاه را ترور کرد با فلان تگ تیراندازی که دشمن پدرکشته خود را از پای در می آورد چندان تفاوتی ندارد. جز آنکه بگوییم در بعضی از انواع ترور مثله کردن، قتل عام اهالی یک شهر، زنی مسن را با ۲۶ ضربه چاقو از پای درآوردن و از این نوع اعمال وحشیانه غالب است. یا بگوییم نوعاً در ترورها اسباب اقوی از مباشر است اما در قتل، مباشر مجرم اصلی است و کمتر باید به دنبال سبب گشت.

۲- عنصر معنوی: مقصود از علت معنوی غایت یا مقاصدی است که تروریست یا شبکه ترور از فعل خود تعقیب می کند. در اینجا باید گفت که علت معنوی شاخص مهمتری است برای تشخیص افتراقی قتل و ترور. معمولاً ترور به قصد ترور صورت می گیرد. همان طور که گفتیم ترور به دو معناست یکی به معنای فتنه و اغتیال یعنی غافلگیرانه فرد یا گروهی را از پای در آوردن و دیگری به معنای وحشت و ارباب و ارباب است. در اینجا می توان گفت که علت معنوی جرم نه انتقام شخصی است و نه تسویه حساب قبیلگی است و نه سایر انگیزه هایی که در قتل های معمولی شاهد آن هستیم. بلکه ترور فقط به این خاطر صورت می گیرد که بقیه افراد شبیه مقتول حساب کار دستشان بیاید. یا انزوا و سکوت پیشه کنند یا راهی خارج کشور شوند یا از خود سازمان زدایی کنند یعنی عبرت بگیرند تا سرنوشتی مانند وی پیدا نکنند. پیرمرد و پیرزن بی دفاعی مثل داریوش فروهر و پروانه اسکندری را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساندن نه بر قاتلین لذت آفرین بوده است نه قصد انتقام داشته اند اما مسبب «علی قدر مراتبهم» به دنبال این بوده اند که سیاسیون و آلترناتیوهای احتمالی در همان حالات جنینی خفه شوند و از بین بروند و رعب و تخفیف بر شهر سایه بگستراند.

تفاوت دیگر آنکه در ترور معمولاً انگیزه های ایدئولوژیک و سیاسی نهفته است. در حالی که در قتل عمدتاً انگیزه های تبهکارانه یا شخصی قرار دارد. لذا اگر بنا باشد روزی جرم سیاسی در ایران تعریف شود، ترور را باید در تعداد جرائم سیاسی دسته بندی کرد.

۳- عنصر قانونی: چون در ایران برای ترور فصل ویژه ای باز نشده است لذا اینکه بگوییم چه تفاوتی بین قتل و ترور به لحاظ

قانونی وجود دارد کمی مشکل است اما علی الاصول می توان گفت که ترور به لحاظ قانونی دو وجه دارد وجه عمومی و وجه خصوصی، اما قتل در کشور ما مطابق فتاوای علما عموماً وجه خصوصی دارد به این معنا که قتل حقی را برای ولی دم ایجاد می نماید که می تواند این حق را به صورت قصاص اعمال نماید یا به صورت عفو اسقاط نماید یا به شکل دیه تبادل نماید. البته اگر قاتل در ذمه اسلام باشد، اولیای دم می توانند به جای حق بر زمین مانده، او را تملک نمایند. در حالی که ترور اساساً جزء حقوق عمومی است و وجه عمومی آن بر وجه خصوصی آن غلبه دارد. پس حتی در صورت رضایت اولیای دم، چه به صورت اخذ دیه و چه به صورت عفو، اتهام ساقط نمی شود و مدعی العموم به خاطر اربابی که در مردم ایجاد شده است، متهم یا متهمین را مجازات می نماید که این می تواند حتی محاربه تلقی شود چون اینان «شاهر بالسیف» هستند و باعث اخافه مسلمین شده اند. اکنون که دستگاه قضایی و تقنینی کشور به دنبال تعریف جرم سیاسی و تهیه لایحه ای برای متمم قانون مجازات عمومی هستند، جا دارد که بحث هایی از قبیل تعریف و ایجاد ترور و تفاوت آن با قتل مورد تدقیق قرار گیرد. گرچه بسیاری از کشورها برای جرم سیاسی فصلی علی حده نگشوده اند، اما در کشوری مثل ما چه به لحاظ ساخت سیاسی و چه از آن جهت که در قانون اساسی لفظ جرم سیاسی آمده است ناگزیریم که به این مهم بپردازیم.

## استعفانامه سرگشاده مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۷ آیت الله طاهری، خطاب به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين الحمد لله رب العالمين و صلوات الله و سلامه على الانبياء و المرسلين خص على خاتمهم و اشرفهم الذي قيل في شأنه لولاك لما خلقت الافلاك و على وصيه و خليفته على امير المؤمنين و الائمه المعصومين من ولده بالاخص خاتمهم الذي به الله العرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً .

از دیرباز تاکنون می‌خواستیم مطالبی را به طور اختصار به ملت شریف و سرافراز تقدیم کنیم .

غرض از نوشتن این اوراق، هرگز نخواسته و نمی‌خواهم ملت عزیز و صبور را مأیوس و ناامید کرده باشم. اما هرگز نمی‌توانم چشمم را بر واقعیات ملموس و حقایق محسوس ببندم و شاهد درد نفس‌گیر و رنج طاقت فرسای مردم باشم. مردمی که گل‌های فضیلت را پایمال می‌بینند و افول ارزش‌ها و زوال معنویت‌ها را می‌نگرند .

جمهوری اسلامی که ثمره خون پاک فرزندان غیور ملت سلحشور و مسلمان ایران است و هنوز بسیاری از خانواده‌ها منتظر جنازه فرزندان شهید خود هستند، با وعده حکومت عدل علی علیه‌السلام استقرار یافت تا ملت به نوایی و کشور به جایی برسد و البته ملت سامان نمی‌پذیرد و ملك اصلاح نمی‌شود مگر به جمله کوتاه پیامبر گرامی اسلام که می‌فرماید: صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسداً امتی. قیل یا رسول الله و من هما؟ قال الفقها و الامراء (خصال جلد ۱، صفحه ۳۷) دو دسته از امت هستند که اگر اصلاح شوند، امت من اصلاح می‌شوند و اگر فاسد شوند، جامعه اسلامی فاسد می‌شوند. پرسیدند ای پیامبر خدا این دو صنف چه کسانی هستند؟ فرمود: دانشمندان دینی و حاکمان .

اصل جمهوری یعنی جابجایی مرتب و مکرر مدیران کشور و جامعه مدنی یعنی نقد و انتقاد مداوم برنامه‌های حکومت و انقلاب یعنی تأمین و تضمین خواسته‌های ملت که مع‌الاسف امروز واقعیت غیر از اینها است. مصلحت کشور بعید است و آزادی که این سالها هر دو را به مسلخ و مقتل می‌بینیم. هنگامی که از وعده‌ها و قول و قرارهای اول انقلاب یاد می‌آورم، همچون بید بر سر ایمان خویش می‌لرزیم. من عمرم را آفتاب لب بام می‌بینم، آردم را بیخته و غربالم را آویخته‌ام، اما از اینکه می‌شنوم تعدادی از آواز ادگان و از ما بهتران که بعضاً خر قه‌پوش و دستار بند هم هستند، در سبقت از سرمایه و ثروت کشور در راه اهداف خویش با یکدیگر رقابت گذاشته‌اند، به یاد می‌آورم که ای بسا خر قه که مستوجب آتش باشد. آنها که اموال مردم را به غارت می‌برند، آری برای آنان که بیت‌المال مسلمین را از خود و کشور را ملك طلق و ثروت موروثی خویش می‌پندارند، عرق شرم می‌ریزم. اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا متر فیها ففسقوا فیها .

آیا این بود آنچه را با مستضعفین پیمان بستیم؟

ایهات و هیهات! هزار وعده خوبان یکی وفا نکرد. حقیر که مثل همگان سهم بسیار ناچیزی در انقلاب و تداوم آن داشته‌ام، خود را مکلف می‌دانم و از سر غیرت و درد می‌پرسم تکلیف این همه کاستی و ناراستی و قصور و فتور و فقر و فاقه عصیان و نقصان و تکاثر و تفاخر و زراندوزی و مردم‌سوزی و تبعیض چیست؟ تاکی برای مردم تکراری سخن بگوییم و مرتب کنفرانس و جلسه و میتینگ برگزار کنیم و از قوت لایموت ملت دردمند و محتاج و مستمند، لقمه سفره‌های اشرافی و طاغوتی خود گردانیم و از جیب ملت نجیب به اطرافیان و نورچشمی‌ها حاتم‌بخشی کنیم و هزینه سفرهای سیاسی و خاقانی و قالی و تبلیغاتی و بی‌خاصیت خود را بر مردم محروم و به تعبیر حضرت امام طاب ثراه پای برهنه تحمیل کنیم! چه می‌گوییم؟

در برابر این همه انحراف و اجحاف و قانون‌شکنی؟ تغافل و تجاهل و تساهل تا چند؟ اکنون که شاه و آمریکا در این کشور تسلط ندارند که مضایق و معایب و مشکلات را متوجه آنها بدانیم، چرا به انتقادات دلسوزانه گوش نمی‌دهند؟ چرا از استعدادها و مغزها کمتر استفاده می‌کنند. مگر پیامبر مکرم و نبی‌معظم اسلام صلوات‌الله و سلامه علیه نفرمود: من اصبح و لایهت بامور المسلمین فلیس بمسلم .

مصیبت عظمای دین‌گریزی و سرخوردگی و بیکاری و تورم و گرانی و شکاف جهنمی فقر و غنا و فاصله عمیق و روز افزون طبقاتی و رکود و سقوط درآمد ملی و اقتصاد بیمار و فساد اداری و ضعف شدید مدیریتی و نقص فزاینده ساختار سیاسی کشور و اختلاس و ارتشاء و اعتیاد و عدم چاره‌اندیشی کارآمد تبعات وجیع و فجیعی دارد که همچون سیل بنیان برانداز پشت سد ایستاده و هر لحظه کیان کشور و حیات ملت را تهدید می‌کند. و اتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلمو انکم خاصه (آتش که گرفت خشک و تر می‌سوزد)

لاف زدن و گزاف گفتن و تزویر نمودن و حریم خصوصی افراد را شکستن و تصفیه حساب خصوصی و سیاسی نمودن و آب در شیر کردن و به سخنان کلیشه‌ای دلخوش بودن و از جمعیت‌های خیابانی سان دیدن، تاکنون نتوانسته است از حجم انبوه مشکلات و معضلات بکاهد و افسرده‌ای را با مرهمی بنوازد و یا آبی بر اضطرابی بیفشاند و جامی به تشنه کامی بچشاند و نانی به خسته جانی برساند. عدم تعهد به قانون و حضور نهادهای غیرمدنی نامسئول، باندهای مافیایی و خلع یدمجلس و وجود اهرم‌های مطلقه نامتناهی و مادام‌العمر نامحدود و قدرت‌های بادآورده رویین‌تن غیر پاسخگو و سیاستگذاری‌های خارجی بعضاً ناموفق و بنیادهای مرئی و بنگاه‌های نامرئی غیراقتصادی و تجاری و اسکله‌های غیردولتی نامتعارف و رانت‌خواری و یغماگری و فراری دادن مغزها و بگیر و به‌بندها و حصر و حبس‌های نامألوف و باب شدن چنگیزی و مردم‌ستیزی و قانون‌گریزی و ایزوله کردن ارباب فکر و اندیشه و اسپر کردن منتقدان و ذیح نامطبوع مطبوعات و حبس نامشروع اصحاب نشریات و نظارت جناحی ناصواب و نامعقول استصوابی و دادگاه نامقبول روحانیت و فلج کردن دولت و بافت نامطلوب شورای مصلحت و مردم را هیچ انگاشتن و بر شیپور قدرت دمیدن و کشور را بر بال باد گذاشتن، سرانجامی نامیمون دارد که از نکبت و شقوت آن به خدای بزرگ پناه می‌برم. آنان که بر شتر چموش قدرت سوارند و در میدان سیاست دو اسبه می‌تازند و از نردبان مقدسات و اعتقادات مردم بالا می‌روند و گردآسیاب ریاست می‌چرخند و از پل دین می‌گذرند تا به دنیا برسند متأسفانه مؤید و مشوق عده‌ای چماق به دوش و فرقه‌ای کفن پوش که دندان تمساح خشونت را تند و تیز می‌کنند و می‌خواهند عجزه تندخوی و عفرینه زشت روی خشونت را به نکاح دین درآورند و امور مقدس را ملوث جلوه دهند یعنی رجاله‌ها و فاشیست‌هایی که معجونی از جهل و جنونند و بندنافشان به مراکز ثقل قدرت متصل است و مطلق العنان و افسار گسیخته‌اند و نه ملوم معاقب قضا هستند و نه محکوم معاتب قانون. هم فقیه و هم فیلسوف و هم داروغه و هم حاکم و هم مفتی و هم قاضی هستند! فعال‌مایشاء و حاکم ما پرید! ذوب شدگانی که ماست را سیاه می‌بینند! و به تعبیر زیبای قرآن «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالاً الذین ضل سعیمهم فی‌الحویه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسون صنعا» بگو ای پیامبر آیا با خبر کنم شما را به کسانی که زیانبرترین مردمند آنها که عمل خود را تباہ کردند در این سرای و گمان می‌برند بهترین مردمند از لحاظ عمل!

شعبان بی‌مخ‌های وحشت و رهبت که با هتاک و سفاکی ننگ عنیف و معیف کوی دانشگاه را آفریدن و با تهاجم حیوانی مرتع دانشگاه را چریدند و با تعرضات شنیع پرده ناموس فرهنگ و علم را دریدند و در قتل‌های زنجیره‌ای مظلومان بی‌گناه و قربانیان بی‌پناه لعنت سردمدی خدا و نفرت ابدی خلق را خریدند. الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً و عزتهم الحیوه الدنیا .

همان عمل‌های استبداد و چماقداران قدم به مزد نامهدب مجنون باطل اندیش و ظالم کیش که چهره بین‌المللی نظام را ملکوک و وجهه اسلامی انقلاب را مهتوک نمودند. اولئك الذین طبع الله علی قلوبهم و اتبعو اهلهم و عجب اینکه در آن دادگاه حق سوز عدالت کش به آن بردگان مفلوک دست مریزاد نیز گفتند و من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون .

من در این سرایشی عمرم که صدای هولناک خطوات مرگ را می‌شنوم و صاعقه مهیب تجهیزا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل را استماع می‌کنم و مشتاقانه لقاء حق‌تعالی و وصال اجداد طاهرینم را انتظار می‌کشم. موضوعی را که باید در صدر مطالبم به رشته تحریر می‌کشیدم مطرح می‌کنم و می‌پرسم حصر فقیهی وزین و مجاهدی نستوه و مرجعی مبارز که ثانی اثنین انقلاب و از اساطین نظام و اوتاد حوزه و اعظم فقه و افخم کشور است با کدام عقل و نقل و آیه و حدیث و عرف و شرع و سیاست قابل توجیه است؟ سوابق مستحسن و مدارج علمی چه فقیه و مرجعی همسنگ حضرت آیت‌الله منتظری مدظله است؟

معظمه نیمی از حوزه است و حوزه نیمی از اسلام و براین شناخت بود که رهبر فقید و عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی قدس سره القدوسی گرما بخشیدن به نظام و حوزه را به ایشان توصیه فرمودند. فاجعه نامسبوق و نامسموع حصر ارتجاعی و غیرانسانی مجتهدی چون ایشان عاقبتی شوم و نتیجه‌ای مشنوم و پایانی مذموم دارد. الملك یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم .

عزت و حرمت و عظمت حریم مرجعیت معظم شیعه حتی در سیامترین حکومت و فرعونی‌ترین رژیم نیز استوار و پایدار و برقرار بوده است. حوزه‌های نفوذناپذیر علمیه همیشه کف‌های امین مردم و مراجع عظام تقلید علی‌الدوام حیل‌المتین ملت و روحانیت اصیل پیوسته حصن حصین کشور و منهاج حقیقت و منوار فضیلت بوده‌اند و حیات و ممات همه فقها از کلینی تا خمینی شاهد این مدعا است .

آه! شوقا الی رویته وا اسفا که امروز شاهد حبوط روحانیت و سقوط مرجعیت هستیم! دریغ و درد که دژ مستحکم و نفوذناپذیر مرجعیت شیعه به دست غوغائیان معرکه سیاست و بازیگران صحنه ریاست به سود استعمار ضربه ای جانکاه خورد و الی‌الله المشتکی .

انشاءالله ملت شریف کاستی‌ها و قصوری را که احیاناً مشاهده فرمودند به حساب کهولت سن از ضعف جسمانی این پیر ارادتمند که مدام دعاگوی ملت و کشور است، بگذارند .

حقیر حدود سی سال پیش در نجف اشرف با کسب اجازه از محضر مبارک حضرت امام، رهبر کبیر انقلاب به اقامه نماز جمعه در اصفهان مجاز شدم ولی با کمال تأسف در شرایط موجود از امامت جمعه کنار می‌روم الفرار مما لا یطاق من سنن المرسلین .

در پایان برادران و خواهران بزرگوارم را به صبر و هوشیاری و متانت اکیداً توصیه می‌کنم و ملت و کشور مظلوم را به صاحب اصلی ولایت مولانا و صاحبنا حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه می‌سپارم و دست همه طبقات را به رسم وفا و صفا می‌فشارم .

ای خداوند قسط و آزادی و ای پروردگار عدالت و آگاهی و ای آفریدگار قلم و اندیشه، بر کویر تفتیده و مزرعه خشکیده ما بیش از این آب شعور و باران نور بیار و رحمت واسعه خود را از این ملت بزرگ دریغ مدار. اللهم اظهر کلمه الحق و اجعلها العلیا و ادحض کلمه الباطل و اجعلها السفل انک علی کل شی قدیر و بالاجابه جدير اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا صلواتک علیه و آله و غیبته ولینا و کثره عدونا و قلّه عددنا و شده الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا فصل علی محمد و اله و اعینا علی ذلك بفتح منک تعجله و بضر تکشفه و نصر تعزه و سلطان حق تظهره و رحمه منک تجلناها و عافیة منک قلبناها برحمتک یا ارحم الراحمین

اصفهان؛ سید جلال الدین طاهری

17 تیر سال ۱۳۸۱، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۲۳

## مستندات علمی دستکاری در آراء انتخابات دهمین دوره انتخابات

طی چند روز گذشته بحثهای فراوانی در خصوص امکان و احتمال تقلب در انتخابات ایران بعمل آمده است. با توجه به اینکه بازشماری آراء کاری پرزحمت برای دستگاه اجرایی و نظارتی انتخابات خواهد بود باید، کاندیدا های معترض شواهد و مستندات قابل قبولی را به این مراجعه اعلام نمایند تا دستکاری در نتایج انتخابات را آشکارا نشان دهد. گرچه اشاره به فرایندهای پرمسئله انتخابات مثل عدم استفاده برابر از امکانات ملی، مداخله نیروهای نظامی در انتخابات، دستکاری در آراء شهروندان با روشهای مختلف، همه و همه مستندات خوبی برای نشان دادن میزان تخلفات در انتخابات است اما به نظر میرسد راههای علمی زیادی وجود دارد که با استفاده از آمارهای اعلام شده توسط وزارت کشور این دستکاری ها در صورت وجود به نمایش گذاشته شود .

صحبت از تقلب در انتخابات تنها یک موضوع مختص به ایران و حتی کشورهای در حال توسعه نظیر ونزوئلا، مکزیک، و زیمبابوه نیست و در سال ۲۰۰۰ شاهد بودیم که بحث تقلب در انتخابات ریاست جمهوری در ایالت فلوریدا به موضوع داغ آنروزها بدل شده بود. به هر حال آنچه مسلم است آنکه اهمیت سیاست و موضوع تقلب در انتخابات سبب شده که دانشمندان علم آمار با استفاده از کمترین داده های موجود از انتخابات روشهای آماری را طراحی کنند که با کمک آن بتوان با صراحت در مورد سلامت انتخابات اظهار نظر نمایند. یکی از معمول ترین این روشها روشی است که از قانون بن فورد (Benford's Law) پیروی میکند (علاقه مندان به مطالعه بیشتر در این خصوص را به دایره المعارف Wikipedia ارجاع میدهم و از دوستان آمار شناس و محققین علوم سیاسی را به مراجع انتهای مقاله ارجاع میدهم).

بطور خیلی مختصر و قابل درک برای همه عزیزان این قانون به آن اشاره دارد که رقمهای مربوط به یک عدد (خواه یک رقمی یا بیش از یک رقمی) حاصل از شمارش یک پدیده در جهان خارج (جهان واقعی) از توزیع نرمال (Normal distribution) یا توزیع یک فرم (Uniform distribution) پیروی نمیکند بلکه از توزیعی شبیه توزیع Chi Square پیروی میکنند. آقای بن فورد احتمال این اعداد را برای حوادثی چون انتخابات محاسبه کرده است. قابل ذکر است که اعداد ذکر شده در قانون بن فورد همانند قوانین نیوتن یک واقعیت علمی است و در حال حاضر علاوه بر مسئله انتخابات، برای رسیدگی به احتمال تقلب در سود سهام شرکتهای و مسائل مالیاتی نیز از همین روش استفاده میشود.

اجازه بدهید چند خط از این مقاله را به توضیح ساده این قانون بپردازم. در این قانون احتمال اینکه آخرین عدد سمت چپ یک عدد (فرض کنید تعداد آراء اخذ شده به نفع یک کاندیدا (که میتواند یکی از اعداد ۱ تا ۹ باشد با هم برابر نیست. بلکه احتمال آنکه رقم سمت چپ یک عدد، ۱ باشد حدود ۳۰٪ است در حالی که این احتمال برای عدد ۹ در حدود ۴.۵٪. همچنین است احتمال وجود عدد ۰ تا ۹ برای دومین رقم سمت چپ تعداد آراء اخذ شده به نفع یک کاندیدا. بسیاری از منابع علمی دومین رقم سمت چپ تعداد آراء اخذ شده به نفع یک کاندیدا در یک شهرستان را بعنوان معیار اندازه گیری تقلب در انتخابات تعیین میکنند و به آن **۲nd digit** **Benford's Law** می گویند و دلیل آن این است که اگر تقلب بوسیله نرم افزارهای شبیه سازی انجام شده است امکان دارد که رقم اول با قانون بن فورد همخوانی داشته باشد اما امکان دستکاری آراء و هماهنگ کردن آن با دومین رقم سمت چپ فراهم نیست شما در شکل ۱ احتمال اعداد را بر اساس قانون بن فورد میبینید

شکل شماره 1: فراوانی نسبی عداد 0 تا 9 برای اولین تا چهارمین رقم سمت راست بر اساس قانون بن فورد (1 تا 9 برای اولین رقم سمت راست)

Digit	First	Second	Third	Fourth
0		.11968	.10178	.10018
1	.30103	.11389	.10138	.10014
2	.17609	.10882	.10097	.10010
3	.12494	.10433	.10057	.10006
4	.09691	.10031	.10018	.10002
5	.07918	.09668	.09979	.09998
6	.06695	.09337	.09940	.09994
7	.05799	.09035	.09902	.09990
8	.05115	.08757	.09864	.09986
9	.04576	.08500	.09827	.09982

Example: The number 147 has three digits, with 1 as the first digit, 4 as the second digit and 7 as the third digit. The table shows that under Benford's law the expected proportion of numbers with a first digit 1 is 30.103% and the expected proportion of numbers with a third digit 7 is 9.902%.

Source: "A Taxpayer Compliance Application of Benford's Law," by M. J. Nigrini. The Journal of the American Taxation Association 18, 1996.

مرجع: <http://www.journalofaccountancy.com/Issues/1999/May/nigrini.htm>



حال که وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران آمار تفکیکی شهرستان ها را اعلام نموده است کافی است ببینیم که فراوانی اعداد ۰ تا ۹ موجود (Observed) در دومین رقم سمت چپ اعلام شده برای هر کاندیدا (تعداد موجود برای هر عدد ۰ تا ۹) چقدر است و سپس فراوانی اعداد ۰ تا ۹ را برای حالت مورد انتظار (Expected) که اعداد بر حسب قانون بن فورد توزیع میشوند (تعداد مورد انتظار برای هر عدد ۰ تا ۹) نیز محاسبه کنیم. و در آخرین قدم با استفاده از فرمول **Calculated Chi Square** میزان اختلاف بین تعداد موجود و تعداد مورد انتظار را بررسی میکنیم تا ببینیم این اختلاف یک اختلاف معنی دار است یا خیر. اگر **Chi square** **Calculated** بیش از ۱.۶۹ باشد ( $P \text{ value} > 0.05$ ) یعنی به احتمال ۹۵٪ اعداد دستکاری شده است و در آمار این درصد به معنی قطعیت یک امر شناخته میشود. هرچقدر این عدد بزرگتر باشد نشاندهنده آنست که احتمال دستکاری از ۹۵٪ بیشتر است. برای روشن شدن منظور از دومین عدد سمت چپ آراء اخذ شده به نفع هر یک از کاندیداها یک مثال آورده میشود. در داده های وزارت کشور بعنوان مثال تعداد آراء اخذ شده به نفع آقای احمدی نژاد، رضایی، کروی، و موسوی در شهر تهران به ترتیب ۱۸۰۹۸۵۵، ۹۵۲۱۱، ۴۳۰۷۳، و ۲۱۶۶۲۴۵ بوده است و دومین رقم سمت چپ این اعداد به ترتیب ۸، ۵، ۳ و ۱ خواهد بود.

حال اجازه دهید تا مراحل را که مورد بحث قرار گرفت را یک به یک اجرا کنیم:

1. قدم اول فراوانی اعداد ۰ تا ۹ موجود (Observed) در دومین رقم سمت راست آراء اخذ شده به نفع هر یک از کاندیداها برای ۳۶۶ شهر اعلام شده توسط وزارت کشور.



جدول شماره 1: فراوانی اعداد 0 تا 9 موجود (Observed) در دومین رقم سمت راست آرا اخذ شده به نفع هر یک از کاندیداها برای 366 شهر اعلام شده توسط وزارت کشور.

دومین عدد سمت راست آرای اخذ شده	تعداد موجود برای آقای احمدی نژاد در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای احمدی نژاد در شهرستان (Expected)	تعداد موجود برای آقای رضایی در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای رضایی در شهرستان (Expected)	تعداد موجود برای آقای کزویی در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای کزویی در شهرستان (Expected)	تعداد موجود برای آقای موسوی در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای موسوی در شهرستان (Expected)
0	50		41		39		44	
1	38		44		33		35	
2	34		25		44		48	
3	39		42		46		29	
4	32		31		40		43	
5	37		49		41		25	
6	33		34		34		33	
7	30		36		33		38	
8	32		34		28		28	
9	41		30		28		43	

1. محاسبه تعداد اعداد 0 تا 9 مورد انتظار (Expected برای دومین رقم سمت چپ آرا اخذ شده به نفع هر یک از کاندیداها برای 366 شهر اعلام شده توسط وزارت کشور .

جدول شماره 2: محاسبه تعداد اعداد 0 تا 9 موجود (Observed) و مورد انتظار (Expected) برای دومین رقم سمت راست آرا اخذ شده به نفع هر یک از کاندیداها برای 366 شهر اعلام شده توسط وزارت کشور.

دومین عدد سمت راست آرای اخذ شده	تعداد موجود برای آقای احمدی نژاد در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای احمدی نژاد در شهرستان (Expected)	تعداد موجود برای آقای رضایی در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای رضایی در شهرستان (Expected)	تعداد موجود برای آقای کزویی در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای کزویی در شهرستان (Expected)	تعداد موجود برای آقای موسوی در شهرستان (Observed)	تعداد مورد انتظار برای آقای موسوی در شهرستان (Expected)
0	50	44	41	44	39	44	44	44
1	38	42	44	42	33	42	35	42
2	34	73	25	73	44	73	48	73
3	39	38	42	38	46	38	29	38
4	32	37	31	37	40	37	43	37
5	37	35	49	35	41	35	25	35
6	33	34	34	34	34	34	33	34
7	30	33	36	33	33	33	38	33
8	32	32	34	32	28	32	28	32
9	41	31	30	31	28	31	43	31

❖ کلیه اعداد مورد انتظار از حاصل ضرب (فراوانی نسبی مورد انتظار در دومین عدد سمت راست قانون بن فرورد) در (تعداد شهرستانها=366) بدست آمده است.

1. محاسبه Calculated chi-squared statistic برای هر یک از کاندیداها و مقایسه آماری نهایی و در نهایت نتیجه گیری در خصوص دستکاری آشکار در آراء.

$$\chi^2_{\text{calc}} = \Sigma ((\text{observed} - \text{expected})^2 / \text{expected}),$$

این فرمول بدین معنی است که باید تعداد موارد موجود (Observed) را در هر عدد ۰ تا ۹ از مورد انتظار (expected) کم کنیم به توان ۲ برسانیم (برای حذف اثر اعداد منفی در جمع) و نهایتاً بر عدد مورد انتظار تقسیم کنیم. در مرحله آخر همه موارد را با هم جمع کنیم و میزان Calculated chi-squared statistic را اندازه بگیریم.

جدول شماره 3: محاسبه احتمال دستکاری آرا اخذ شده به نفع هر یک از کاندیداها برای 366 شهر اعلام شده توسط وزارت کشور.

نام کاندیدا	Calculated chi-squared statistic	P value	احتمال دستکاری آراء
آقای احمدی نژاد	26.02187	0.0001	%99.9
آقای رضایی	38.59317	0.00001	%99.9
آقای کروی	17.31746	0.001	%99
آقای موسوی	21.66848	0.0001	%99.9

آدرس جدید سایت انتخاب : bnews.us

انتخاب : <http://www.entekhabnews.us>

entekhabnews.com



entekhabnews.com

همانطور که ملاحظه میفرمائید آراء مردم در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری دستکاری شده است. برای اطمینان از نتیجه بدست آمده از کلیه طرفداران آمارشناس هر کاندیدا میخواهم که دقت و صحت هر بخش (اعم از بخش تئوری مربوط به بن فورد و یا بخش محاسباتی را مجدداً مورد بررسی قرار دهند.

به هر حال دستکاری در آراء در این محاسبات بدین معنی است که آراء مردم مورد شمارش قرار نگرفته و دست اندرکاران تنها به عدد سازی اکتفاء نموده اند.

در مورد صحت و دقت علمی این روش همین بس که مرکز کارتر که یکی از مراکز بین المللی نظارت بر انتخابات در کشورهای مختلف جهان است این روش را بعنوان روش برتر در بررسی میزان دستکاری در آراء انتخاباتی شناخته و مورد استفاده قرار میدهد. برای تائید این نظر دوستان را به مطالعه دقیق منابع تشویق میکنم.

امیدوارم این مطالعه برای آقایان رضایی، کروی، و موسوی مستندات لازم را فراهم آورده باشد تا به احقاق حق رای دهندگان هود بپردازند.

رسول رستگاری  
 محقق علوم اجتماعی



1. دایره المعارف ویکی پدیا: [http://en.wikipedia.org/wiki/Benford's\\_law](http://en.wikipedia.org/wiki/Benford's_law)
2. Mebane.W.R, Election Forensics: Vote Counts and Benford's Law, Prepared for presentation at the 2006 Summer Meeting of the Political Methodology Society, UC-Davis, July 20-22.
3. Durtschi.C, The effective use of Benford's Law to assist in detecting fraud in accounting data, Journal of forensic accounting, 1524-5586/V(2004), pp 17-34
4. Judge.G, Detecting Problems in Survey Data using Benford's Law, November 1, 2007, AMS Classification: Primary 62E20. JEL classification: C10, C24.

### دانشمند فرانسوی: قانون بنفورد تقلب در انتخابات را ثابت می‌کند

مصاحبه "بودین اف. روکما" دانشمند فیزیک نجومی را، روزنامه استاندارد روز جمعه (۱۹ ژوئن، ۲۹ خرداد) منتشر کرد. این دانشمند اعلام کرد که آرای ریخته شده به ۳۶۶ حوزه انتخاباتی ایران را، که تعداد آنها بین ۱۰ هزار و ۱۰۰ هزار بوده، براساس قانون بنفورد تحلیل کرده است. وی گفت: «براساس قانون بنفورد، اگر آرای احمدی‌نژاد درست باشد، باید ۳۰ درصد آرای تحلیل شده با عدد یک آغاز می‌شد، در حالی که بسیاری از آرای احمدی‌نژاد با عدد ۲ شروع شده است». (کد احمدی‌نژاد در انتخابات ۱ بود). دانشمند فرانسوی بعد از سال‌ها اقامت و کار در هند و استرالیا، اکنون در خدمت انستیتو کوپرنیکوس لهستان است. او در مصاحبه خود اعلام کرد، آنچه او را بیشتر به تقلب‌های انتخاباتی مطمئن می‌کند، تحلیل شمار آرای مهدی کروبی در انتخابات سال ۲۰۰۵ ریاست‌جمهوری ایران است که نسبت به انتخابات امسال بسیار بالاتر بود. بر اساس آمار، این آراء اکثراً با عدد ۷ آغاز می‌شوند. براساس قانون بنفورد، در فهرست اعدادی که در بسیاری از پدیده‌های زندگی واقعی رخ می‌دهند، رقم اول عددها به طور خاص و یکنواختی توزیع می‌شوند. به موجب این قانون، تقریباً در یک سوم موارد عدد ۱ رقم نخست است، در حالی که عددهای بزرگتر با بسامد کمتری رخ می‌دهند و عدد ۹ کمتر از یک بار در هر بیست عدد ظاهر می‌شود.

این قانون به ظاهر عجیب، در بسیاری از داده‌ها برقرار است، مثلاً در صورتحساب‌های برق، شماره خیابان‌ها، قیمت سهام، مقدار جمعیت، آمار مرگ و میر، طول رودخانه‌ها، ثابت‌های فیزیک و ریاضیات. قانون بنفورد به نام "فرانک بنفورد" نامگذاری شده است.

#### سنت کهن ایرانیان در ریاضیات

روزنامه استاندارد از بودین روکما پرسیده است که چرا به این فکر افتاده که انتخابات ایران را بر اساس آمار بررسی کند؟ دانشمند فرانسوی پاسخ داده است: «تحلیل آمارهای رسمی کار من است. در ایران این بحث وجود دارد که آیا انتخابات عادلانه بوده یا نه. من این را مهم می‌دانم که ایرانی‌ها از طریق کار من آماری داشته باشند که بتوانند به اتکای آن علمی فکر کنند. ایرانیان پیشینه کهنی در ریاضیات دارند و آفریننده واژه "الگوریتم" خوارزمی است.

#### محاسبه به کمک اکسل

در پاسخ این پرسش که دسترسی به آمارها و تحلیل آن، چگونه ظرف یک هفته پس از انجام انتخابات امکان‌پذیر بوده است، دانشمند فرانسوی پاسخ داده است: «محاسبه برای من دشوار نبود. مسئله در اساس بیشتر به یک عملکرد پایه‌ای برنامه اکسل مربوط می‌شود. اما روشن است که من وقت زیادی صرف اندیشیدن کرده‌ام».

خبرنگار استاندارد سپس پرسیده است: «فیزیک نجومی چه رابطه‌ای با انتخابات در ایران دارد؟».

روکما در پاسخ گفته است: «عنوان پژوهش من نشان می‌دهد که کار بر اساس قانون بنفورد پیش رفته است. فرانک بنفورد یک فیزیکدان نجومی بود. اساساً می‌توان گفت که فیزیک نجومی می‌تواند به همه چیز علاقمند باشد. ما می‌توانیم چیزی را تحلیل کنیم، پس این کار را می‌کنیم».

در پایان این مصاحبه، دانشمند فرانسوی گفته است: «ایرانی‌ها اکنون می‌توانند ارقامی را که من ارائه داده‌ام تفسیر کنند. امیدوارم که این کار را بکنند».

## چگونگی تقلب و دلیل آن ...

به نمودارهای زیر توجه کنید. خطوط پر رنگ در نمودارها، نمودار چگونگی رشد درصد آرای اشخاص مختلف در صندوق‌ها بر اساس رشد درصد آرای باطله در صندوق‌ها است. در نمای کلی، نمودارها نشان می‌دهد که در نمودار احمدی نژاد، منحنی از جایی نزدیک به یک شروع می‌شود و سیر نزولی رو طی می‌کند ولی بقیه نمودارها سیر صعودی رو از صفر شروع می‌کنند که نشان می‌دهیم که نشانه تقلب در انتخابات است

اما چه تقلبی؟ مدلی که چنین اتفاقی رو توجیه می‌کند اینه که رای‌هایی برای احمدی نژاد در صندوق‌ها ریخته شده و رای‌های از آقایان کروبی و رضایی (به خصوص کروبی) دور ریخته شده.

اما چگونه این مدل تقلب نمودارها را توجیه می‌کند؟ فرض کنید که در صندوقی تعداد واقعی رای‌های کل  $s$  باشد و تعداد رای احمدی نژاد، موسوی، کروبی و رضایی در این صندوق به ترتیب  $r, k, m, a$  و تعداد آرای باطله  $b$  باشد. در این صورت اگر در همه صندوق‌ها کمابیش  $z$  رای به نفع احمدی نژاد اضافه شده باشد اتفاقات زیر می‌افتد:

۱. درصد رای‌های کسی مثل موسوی می‌شه  $m/(s+z)$ . توجه دارید که وقتی رای‌های یک صندوق ( $s$ ) کم باشه، این نسبت به صفر نزدیک می‌شه. از آن طرف نسبت رای‌های باطله می‌شه  $b/(s+z)$  و اون هم وقتی که  $s$  کم باشه، کم می‌شه. این توجیه می‌کنه که چرا نمودارهای موسوی، کروبی و رضایی از صفر شروع می‌شوند.
۲. از آن طرف درصد رای‌های احمدی نژاد می‌شه  $(a+z)/(s+z)$  و وقتی که  $s$  (و در نتیجه  $a$ ) کم باشه، درصد رای‌های باطله کم ولی در صد رای‌های احمدی نژاد به سمت یک میل می‌کنه و این توجیه می‌کنه که چرا نمودار احمدی نژاد از یک شروع می‌شه.
۳. فرض کنید در صندوقی رای‌های کروبی رو بیرون بریزند. در این صورت نسبت آرای باطله در اون صندوق افزایش پیدا می‌کنه و در صد رای‌های کروبی کاهش پیدا می‌کنه. در نتیجه، همون‌طور که می‌بینید ته نمودار کروبی رو به پایین خم می‌شه.

از این نمودار، نتایج زیاد دیگه ای می‌شه گرفت. از جمله با توجه به شیب منحنی‌ها در نزدیک صفر و همچنین مقدار نهایی اون‌ها می‌شه گفت که با احتمال خوبی موسوی برنده انتخابات بوده.

چند نکته:

۱. این نمودار از مقاله مفصل آقای والتر مبین (Walter Mebane) از دانشگاه میشیگان هست که در مورد تحلیل ریاضی-آماري انتخابات جدید ایران نوشته شده و بارها به روز شده. ایشون متخصصین بحث‌های ریاضی-آماري انتخاباتی هستند و اصل مقاله رو می‌شه در [این جا](#) دید.
۲. در همان مقاله یک کار آماری جدی تری هم هست که کمابیش این نظریه رو تایید می‌کنه.
۳. نتیجه‌گیری ایشون از نتایج جدید این‌گونه هست:

Without the ballot-box stuffing fraud, this analysis suggests, the election outcome should have been at least a runoff between Ahmadinejad and Mousavi.

ترجمه: این تحلیل نشون می‌ده که بدون تقلب در محتوای صندوق‌ها، این انتخابات حداقل به دور دوم کشیده می‌شد

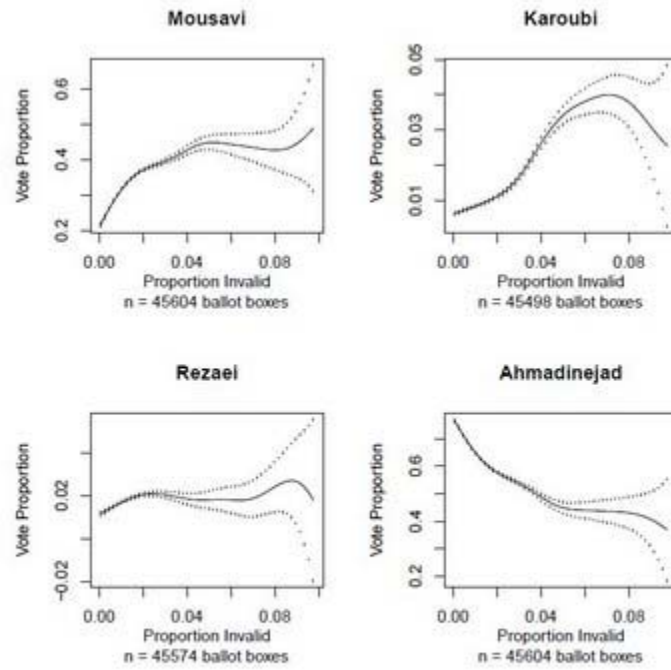


Figure 2: Vote Proportions for President by Proportion of Invalid Votes, 2009

حداقل انتظار از شما همراه گرامی مطالعه، تکثیر و ارسال این جزوه به سایر دوستان می باشد.

حال که رسانه ملی در حال تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق است، هر یک از ما یک رسانه خواهیم بود.